

بررسی کلام خدا

آفرینش، سقوط، نجات

Exploring God's Word



اعمال باب ۱۶
۳۲ آنگاه کلام خداوند را برای او و تمامی اهل
بیتش بیان کردند.

اعمال باب ۱۷
۱۱ چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر روز
کتب را تفتیش می نمودند



این کتاب، ترجمه ای است از کتاب Exploring God's Word

نویسندگان: Gary Bankson, John Barner, J. Marrell Cornwell, Fred J. Foster,

Mark Foster, Thomas L. Foster, Dan Gwaltney, Gerald W. Hall,

Michael L. Meadows, Eric Pearson, Daniel Segraves

ویراستاران: David K. Bernard, Joseph Fiorino, Fred J. Foster,

Mary H. Wallace, Jack E. Yonts

طراح: Tim Agnew

تصویر پردازان: Dan Grossmann, Tim Agnew

مترجم: فتاح قابلی

تایپ و ویرایش فارسی: حمید حق شناس، لنا حق شناس

آیات نقل شده در این کتاب از ترجمه هزاره نو میباشد و اکثر آنها دارای فایل صوتی میباشند که در

نسخه پاورپوینت مربوطه تهیه شده و همراه این کتاب ارائه شده است.

ویرایش اول ۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

First United Pentecostal Church, 793 Pharmacy Avenue, Toronto, Ontario M1L 3K2

Phone: 416.566.0560

Email: fghabeli@hotmail.com

www.firstchurchpentecostal.com



فهرست

درس اول

۹ معرفی عهد عتیق

۱۱ کتابهای عهد عتیق

۱۵ هفته خلقت

۱۹ قدرت انتخاب

۳۰ اولین قضاوت

درس دوم

۳۷ از سقوط آدم تا طوفان نوح

۴۴ خانواده عادل حفظ میشود

۵۱ انسان قضاوت میشود

درس سوم

۶۲ منشأ زبانها و آغاز ملتها

۶۶ فرمان به پدر قوم

۷۷ یعقوب و عیسو

۸۳ یوسف



درس چهارم

- ۹۳ نقشه رستگاری
- ۱۰۵ اسرائیل در سینا
- ۱۰۷ رویکرد انسان به خدا
- ۱۱۰ مذبح
- ۱۱۳ حوض شستشو
- ۱۱۶ مکان مقدس
- ۱۲۰ مکان قدس الاقداس
- ۱۲۳ از معبد به صلیب

درس پنجم

- ۱۳۱ سرزمین وعده
- ۱۳۸ پادشاهان
- ۱۵۲ تقسیم پادشاهی
- ۱۵۶ بازگشت به اورشلیم

درس ششم

- ۱۶۱ معرفی عهد جدید
- ۱۶۶ یحیای تعمید دهنده



تولد عیسی مسیح ۱۷۰

نبوتها در مورد عیسی مسیح ۱۷۳

معجزات عیسی مسیح ۱۸۶

درس هفتم

تعلیم عیسی در مورد تولد تازه ۱۹۷

عیسی با مثلها تعلیم میداد ۲۰۱

مسیر صلیب یا راه جلجتا ۲۰۶

مسیح برای ما مرد ۲۱۲

قیام مسیح از مردگان ۲۱۶

مأموریت بزرگ ۲۱۹

خدای قدیر در مسیح ۲۲۲

درس هشتم

تولد کلیسا ۲۳۱

پطرس مسیح را موعظه کرد ۲۳۳

نقشه خداوند برای نجات ۲۳۵



۲۳۹ غسل تعمید

۲۴۴ دریافت روح القدس

۲۴۶ گواه و شواهد روح القدس

۲۴۸ روح القدس قدرت میدهد

درس نهم

۲۵۴ هدایای روح القدس

۲۶۳ از انسانیت کهنه تا خلقتی تازه

۲۷۵ زیبایی مقدسات

درس دهم

۲۸۲ کلیسای عهد جدید

۲۸۷ آزار و اذیت کلیسا

۲۹۰ موعظه انجیل به امتهای توسط پطرس

۲۹۳ موعظه انجیل به امتهای توسط پولس

درس یازدهم

۲۹۸ تخریب اورشلیم



۳۰۱ بازگشت یهودیان به فلسطین

۳۰۳ علائم آخر زمان

۳۰۷ عیسی برای کلیسای خود می آید

درس دوازدهم

۳۱۱ مصیبت بزرگ

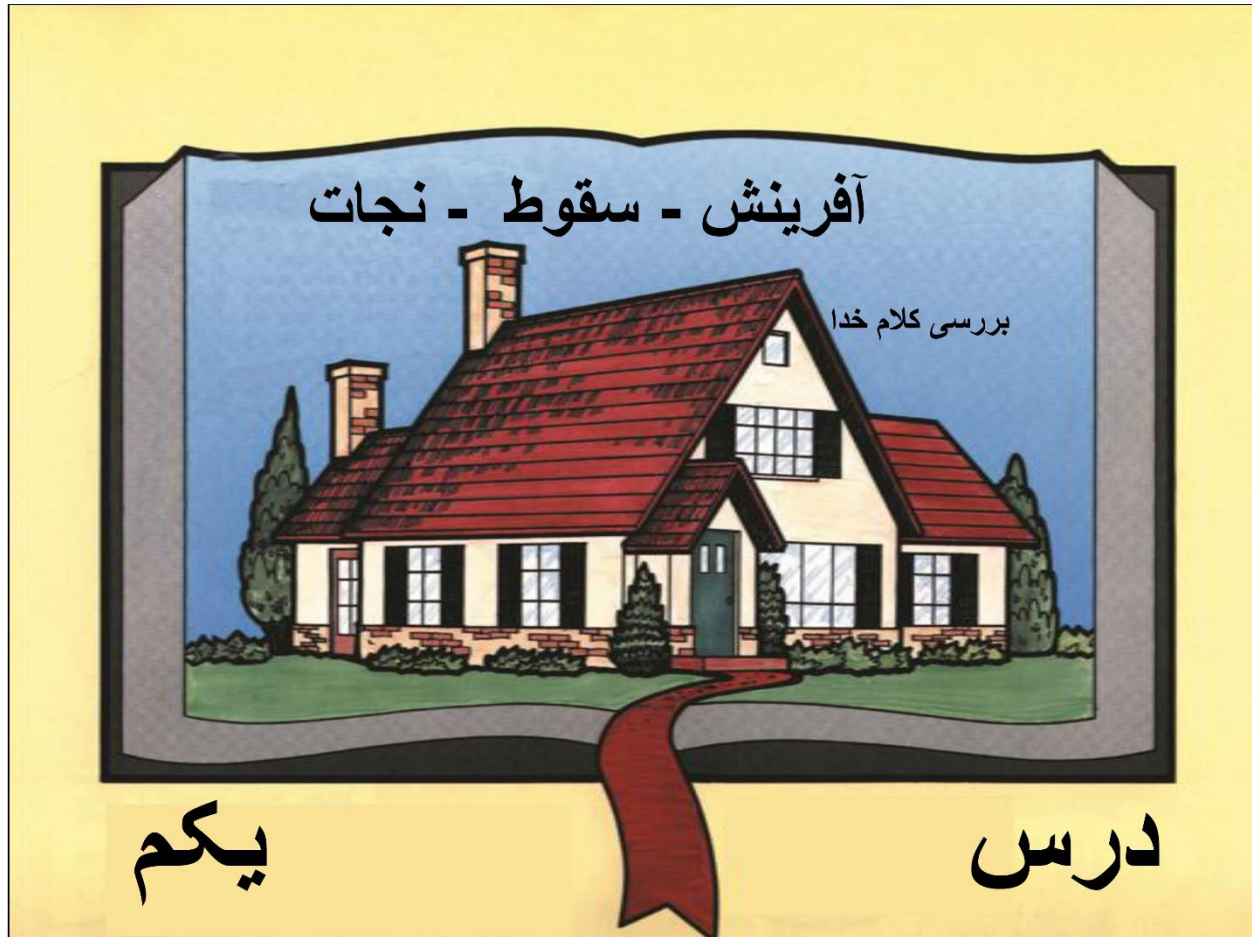
۳۱۷ حکومت ضد مسیح

۳۲۰ جنگ آرماگدون

۳۲۳ بازگشت مسیح و هزار سال سلطنت

۳۲۵ روز داوری

۳۲۸ پایان زمان و آغاز ابدیت





معرفی عهد عتیق (تقسیم دوره ها)

در عهد عتیق، طی هزاران سال گذشته اتفاقات زیادی رخ داده است که ما برای تسهیل و درک بهتر شما، این عهد (عهد عتیق) را به چهار دوره تقسیم نموده و در خصوص هر کدام توضیحاتی خواهیم داد. چرا که عهد عتیق، راهنمای ما برای وارد شدن و درک بهتر عهد جدید است.



درس اول - فصل اول

دوره های زمانی آدم تا مسیح

دوره اول: بیگناهی

این دوره از آغاز خلقت انسان تا زمان وقوع گناه در باغ عدن می باشد. که مدت آن مشخص نیست.

دوره دوم: وجدان

از زمان خروج آدم و حوا از باغ عدن تا ابراهیم را شامل میشود.

دوره سوم: پیشگام (پدر قوم)

این دوره از ابراهیم شروع شده و به موسی ختم میشود.

دوره چهارم: شریعت و انبیا

این دوره از موسی شروع شده و به خداوند جسم پوشیده عیسی مسیح ختم میشود.

کتابهای عهد عتیق

این کتابها توسط ۳۲ نفر به نگارش در آمد
که ۳۶۰۰ سال تاریخ بشر را در بر می‌گیرد
طی حدود ۱۵۰۰ سال

پطرس دوم باب ۱
۲۱ زیرا هیچ پیشگونی از روی نقشه و
خواستنه انسان به وجود نیامده است ، بلکه
مردم تحت تاثیر روح القدس کلام خدا را بیان
نمودند.



کتابهای عهد عتیق

الف) کتاب مقدس تماماً الهام خداوند است

دوم پطرس ۱ : ۲۱

۲۱ زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.

کتاب مقدس که شامل کتاب های عهد عتیق و عهد جدید میباشد تماماً الهام مستقیم خود خداوند است که کلمه الهام یا وحی در ترجمه اصل یونانی به معنای "خداوند دمید یا نفس خدا" میباشد. در نتیجه کلام خداوند، توسط خواست و اراده انسان نوشته نشده است، بلکه خداوند کلامش را برای آگاهی به بشر داد تا با مطالعه آن، انسانها به خداوند نزدیکتر گردند.

در دوم پطرس ۱: ۲۱ کلمه تحت نفوذ تاکید بر این دارد که آنها زیر حاکمیت مطلق خداوند قرار داشته و طبق اراده و حاکمیت او کلام را مکتوب کردند. پس کلام خداوند کلام انسان نیست و بسیار قابل احترام و حائز اهمیت است.

دوم تیموتائوس ۳: ۱۶

تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است.

ب) کتاب مقدس کلام خداوند است

در تثیبه ۴: ۲ میخوانیم که خداوند به موسی اخطار میدهد که:

۲ بر کلامی که من به شما امر می‌فرمایم نه چیزی بیفزایید و نه چیزی از آن کم کنید، تا فرمانهای یهوه خدایتان را که من به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید.

امثال سلیمان ۳۰: ۶

۶ به سخنهای او میفزای، و گرنه تو را توبیخ خواهد کرد و خود را دروغگو خواهی نمود.

درس اول - فصل دوم

مکاشفه ۲۲: ۱۹

۱۹ و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقدس، که در این کتاب درباره آنها نوشته شده است، بی نصیب خواهد ساخت.

لوقا ۱۶: ۱۷

۱۷ با این حال، آسانتر است آسمان و زمین زایل شود تا اینکه نقطه ای از تورات فرو افتد.

آری تمامی کتاب مقدس، کلام خداوند است و او به قدرت لایزال خود، آنرا محافظت خواهد کرد و زندگی بسیاری از افراد که از طریق آشنایی و مطالعه کلام آسمانی عوض شده، از گناه و تاریکی نجات یافته است.

مزامیر ۱۱۹: ۱۳۰

۱۳۰ باز شدن کلام تو نور می بخشد و ساده لوحان را فهم می گرداند.

راه حل ساده ای است که بدانیم ما در عهد عتیق چند کتاب داریم: اگر کلمه old را کنار کلمه Testament قرار دهیم و تعداد حروف هر دو کلمه که old از ۳ حرف و Testament از ۹ حرف تشکیل شده است را کنار هم قرار دهیم عدد ۳۹ بدست می آید، پس در عهد عتیق ۳۹ کتاب داریم. کتاب عهد عتیق، توسط ۳۲ نفر (مرد) که توسط روح خدا هدایت میشدند، نوشته شده و مدت حداقل ۳۶۰۰ سال از تاریخ زندگی انسان میگذشت و حدود ۱۵۰۰ سال طول کشید تا این کتابها نوشته شود.

درس اول - فصل دوم

کتابهای عهد عتیق به ۴ بخش تقسیم شده است.

(۱) پنج کتاب اول عهد عتیق (تورات) که قانون یا شریعت را در بر دارد، به ترتیب عبارتند از: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه.

(۲) کتب تاریخی که شامل ۱۲ کتاب از یوشع تا استر را شامل میشود.

(۳) کتب شعر و حکمت که شامل ۵ کتاب میباشد، به ترتیب عبارتند از: ایوب، مزامیر، امثال، جامعه و غزل غزلها.

(۴) کتب نبوتی که شامل ۱۷ کتاب از اشعیای نبی تا ملاکی را شامل میشود. ۵ کتاب اول مربوط به پیامبران برجسته و مهم و ۱۲ کتاب بعدی مربوط به پیامبران دیگر میباشد.

در ابتدا خدا



هفته خلقت

طبق کلام، خداوند خلقتش را در شش روز به پایان رساند و در روز هفتم آرامی گرفت.

روز اول: پیدایش ۱: ۱ تا ۵

در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. ^۲ زمین بی شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. ^۳ خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد. ^۴ خدا دید که روشنایی نیکوست، و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد. ^۵ خدا روشنایی را روز و تاریکی را شب نامید.

درس اول - فصل سوم

شامگاه شد و بامداد آمد، روز اول.

روز دوم: پیدایش ۱ : ۶ تا ۸

۶ و خدا گفت: «فلکی باشد میان آبها، و آبها را از آبها جدا کند.»^۷ پس خدا فلک را ساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد. و چنین شد.^۸ خدا فلک را آسمان نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز دوم.

روز سوم: پیدایش ۱ : ۹ تا ۱۳

۹ و خدا گفت: «آبهای زیر آسمان در یکجا گرد آیند و خشکی پدیدار شود.» و چنین شد.^{۱۰} خدا خشکی را زمین و اجتماع آبها را دریا نامید. و خدا دید که نیکوست.^{۱۱} آنگاه خدا گفت: «زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین.» و چنین شد.^{۱۲} زمین نباتات رویانید، گیاهانی که بر حسب گونه خود دانه تولید می‌کردند، و درختانی که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار می‌آوردند. و خدا دید که نیکوست.^{۱۳} شامگاه شد و بامداد آمد، روز سوم.

روز چهارم: پیدایش ۱ : ۱۴ تا ۱۹

۱۴ و خدا گفت: «نورافشانها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند، و تا نشانه‌ها باشند برای نمایاندن زمانها و روزها و سالها،^{۱۵} و نورافشانها باشند در فلک آسمان تا بر زمین روشنایی بخشند.» و چنین شد.^{۱۶} خدا دو نورافشان بزرگ ساخت، نورافشان بزرگتر را برای فرمانروایی بر روز، و نورافشان کوچکتر را برای فرمانروایی بر شب، و نیز ستارگان را.^{۱۷} خدا آنها را در فلک آسمان نهاد تا بر زمین

روشنایی بخشند^{۱۸} و بر روز و بر شب سلطنت کنند و نور را از تاریکی جدا سازند. و خدا دید که نیکوست.^{۱۹} شامگاه شد و بامداد آمد، روز چهارم .

روز پنجم: پیدایش ۱: ۲۰ تا ۲۳

^{۲۰} و خدا گفت: «آبها از انبوه جانوران پر شود و پرندگان بر فراز زمین در فلک آسمان پرواز کنند.»^{۲۱} پس خدا موجودات بزرگ دریایی و همه جانداران را که می جنبند و آبها را پر می سازند، بر حسب گونه هایشان، و همه پرندگان بالدار را بر حسب گونه هایشان آفرید. و خدا دید که نیکوست.^{۲۲} خدا آنها را برکت داده، گفت: «بارور و کثیر شوید و آبهای دریا را پر سازید، و پرندگان در زمین کثیر بشوند.»^{۲۳} شامگاه شد و بامداد آمد، روز پنجم.

روز ششم: پیدایش ۱: ۲۴ تا ۳۱

^{۲۴} و خدا گفت: «زمین، جانداران را بر حسب گونه هایشان بر آورد، چارپایان و خزندگان و وحوش زمین را، بر حسب گونه هایشان.» و چنین شد.^{۲۵} پس خدا وحوش زمین را بر حسب گونه هایشان بساخت و چارپایان را بر حسب گونه هایشان، و همه خزندگان روی زمین را بر حسب گونه هایشان. و خدا دید که نیکوست.^{۲۶} آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می خزند، فرمان براند.»^{۲۷} پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را مرد و زن آفرید.^{۲۸} خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاننداری که بر زمین حرکت می کند، فرمان برانید.^{۲۹} آنگاه خدا گفت: «اینک همه گیاهان دانه دار را که بر روی تمامی زمین است و همه

درس اول - فصل سوم

درختان دارای میوهٔ دانه‌دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد.^{۳۰} و به همهٔ وحوش زمین و همهٔ پرندگان آسمان و همهٔ خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همهٔ گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم.» و چنین شد^{۳۱} و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم .

پس انسان تنها خلقت خداوند است که تمام قدرت در روی زمین به او داده شده، تا بر همه موجودات حکومت کند و تنها مخلوقی میباشد که شبیه به خدا خلق شده است.

روز هفتم: پیدایش ۲: ۱ تا ۴

^۱ بدین سان، آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد.^۲ و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید، پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود.^۳ و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، زیرا که در آن روز از همه کار خود که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود.^۴ این بود تاریخچه آسمانها و زمین آنگاه که آفریده شدند.

قدرت انتخاب



آدم و حوا

زمان قبل از گناه

پیدایش باب ۲: ۲۵

پیدایش باب ۲
۱۷ اما از درخت معرفت نیک و بد
زناهار نخوری زیرا روزی که از آن
خوردی هرآینه خواهی مرد.



انسان گناه را برگزید

پیدایش باب ۳: ۱ - ۸

رابطه روحانی
انسان
و خدا
توسط گناه قطع شد



سقوط

قدرت انتخاب

(۱) آدم و حوای بیگناه

با توجه به آیات زیر، خداوند در خصوص خلقت خود توضیحات بیشتری میدهد.

پیدایش ۲: ۸ و ۹

^۸ و یهوه خدا باغی به سمت شرق، در عدن غرس کرد، و آدم را که سرشته بود در آنجا نهاد. ^۹ و یهوه خدا همه گونه درختان چشم نواز و خوش خوراک را از زمین رویانید. درخت حیات در وسط باغ

درس اول - فصل چهارم

بود، و نیز درخت شناخت نیک و بد.

پیدایش ۲: ۱۵

^{۱۵} یهوه خدا آدم را برگرفت و او را در باغ عدن نهاد تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید.

الف) درخت ممنوعه

پیدایش ۲: ۱۶ و ۱۷

^{۱۶} و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ ^{۱۷} اما

از درخت شناخت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد.

خداوند دستوراتی را به آدم داد و او را در خصوص مواردی امر و نهی کرد که مهمترین آن، ممنوعیت

آدم از خوردن میوه درخت شناخت نیک و بد بود.

خداوند درخت دیگری را به نام درخت حیات در باغ عدن قرار داده بود و آدم می‌توانست از میوه آن

و همچنین دیگر درختان باغ استفاده کند.

ب) خداوند حوا را از آدم آفرید

خداوند آدم را قبل از حوا خلق نمود.

پیدایش ۲: ۱۸ و ۲۱ تا ۲۴

^{۱۸} یهوه خدا فرمود: نیکو نیست آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم.

۲۱ پس یهوه خدا خوابی گران بر آدم مستولی کرد و در همان حال که آدم خفته بود یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت پر کرد. ۲۲ آنگاه یهوه خدا از همان دنده که از آدم گرفته بود زنی ساخت و او را نزد آدم آورد. ۲۳ آدم گفت: این است اکنون استخوانی از استخوانهایم، و گوشتی از گوشتم؛ او زن نامیده شود، زیرا که از مرد گرفته شد. در دوره بیگناهی آنها از عریان بودن یکدیگر خجالت نمی کشیدند.

پیدایش ۲: ۲۵

۲۵ آدم و زنش هر دو عریان بودند و شرم نداشتند.

ج) دادن آزادی به انسان

بعضی افراد میپرسند که چرا خداوند درختی را در باغ عدن قرار داد که خوردن آن ممنوع بوده و یا خداوند نباید حق انتخاب را به آدم و حوا میداد تا مرتکب اشتباه (گناه) شوند. در جواب این نمونه سوالات باید بدانیم که خداوند عروسک یا آدم آهنی خلق نکرد بلکه او موجودی به نام انسان را آفرید، او را شبیه خود خلق کرد و به او قدرت و حق انتخاب داد.

مکاشفه ۲۲: ۱۷

۱۷ روح و عروس می گویند: «بیا!» هر آن که می شنود بگوید: «بیا!» هر که تشنه است بیاید؛ و هر که طالب است، از آب حیات به رایگان بگیرد.

فکر میکنید برای خداوند لذتبخش است افرادی که به حضورش می آیند حق انتخاب نداشته باشند؟

خداوند می‌خواهد انسانها با دلی باز و انتخابی آزادانه به حضورش بیایند. خداوند کسی را به زور به حضور خود نمی‌طلبد زیرا می‌خواهد انسان آزادانه تصمیم بگیرد که با خداوند و آفریدگار خود باشد یا نه؟ یکی از بزرگترین تفاوتها بین انسان و حیوان قدرت انتخاب است. این فرصت به بشر داده شده تا از روی آگاهی و انتخاب، کار خوب یا بد را انجام دهد. از ابتدا خداوند این توانایی را به انسان داد تا بداند که اگر انتخاب خوبی داشته باشد زندگی جاودان خواهد داشت و اگر انتخاب بد داشته باشد خواهد مرد. مانند دو برادری که در یک خانواده متولد می‌شوند، یکی از آنها فردی بسیار درس خوان و شایسته می‌گردد که در سن ۲۷ سالگی نیز کتابی در خصوص مسیحیت مینویسد و دیگری فردی بسیار بد اخلاق و زشت کردار میشود. چه فرقی بین این دو برادر بوده که هر دو از یک خانواده و در یک محیط بزرگ شدند و امکانات برای هر دو فراهم بوده ولی هر کدام به جهت انتخابی که کردند به دو مسیر مختلف سوق داده شدند. پس بدانیم که انتخاب مسیر به خودمان بستگی دارد و قدم برداشتن در راهی نیکو به تنهایی میسر نمیشود مگر این که کمک و اراده خداوند را بطلبیم چرا که او بهترینها را برای ما در نظر دارد.

۲) افتادن انسان

با توجه به باب ۳ در پیدایش، انتخاب بد آدم و حوا، اثرات گناه را در انسان به وضوح نشان میدهد.

الف) حوا از درخت ممنوعه ملاقات میکند

اولین اشتباهی که حوا انجام داد این بود که از درخت نیک و بد دیدن کرد. او میدانست که آن درخت برای خوردن ممنوع است و میبایست از آن فاصله بگیرد و نزدیک آن نشود.

درس اول - فصل چهارم

رومیان ۱۳: ۱۴

۱۴ بلکه عیسی مسیح خداوند را در بر کنید و در پی ارضای امیال نفس خود مبادید.

افسیان ۴: ۲۷

۲۷ و ابلیس را مجال ندهید.

در نتیجه ما نباید با هیچ وسوسه ای سازش کنیم چرا که باعث آزار و اذیت خودمان خواهد شد. برای نمونه زمانی که ما به مکانی وارد می شویم که محیط و فضای آن مناسب و درخور شخصیت ما نیست، باید آگاهانه عمل نموده و ترک مکان کنیم تا مجالی به ابلیس برای وسوسه کردن ندهیم و اینگونه میتوانیم از وسوسه و ارتکاب به گناه اجتناب کنیم.

ب) شیطان هم از آن محل بازدید میکند

شیطان که بسیار حيله گر و فرصت طلب میباشد منتظر فرصتی مناسب بود تا با فریب دادن حوا، کار خود را به انجام رساند. او میدانست که فقط یک فرصت دارد تا حوا را نسبت به خوردن میوه درخت نیک و بد وسوسه کند. اما سوالی که شیطان از حوا پرسید بسیار مهم بود توجه کنید:

پیدایش ۳: ۱

۱ و اما ما از همه وحوش صحرا که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. او به زن گفت: آیا خدا براستی گفته است که از هیچ یک از درختان باغ نخورید؟

معمولا زمانی که شیطان می خواهد کسی را وسوسه کند، با فریب و حيله از کلام خداوند استفاده

درس اول - فصل چهارم

نموده، بدون آنکه کلام خداوند را نقض کند آن را با سوال مطرح میکند تا شخص را دچار شک و تردید نماید. حال اگر فرد از کلام خداوند آگاه نباشد و بدرستی آن را درک نکرده باشد فریب خورده، وسوسه میشود و کاری که نباید انجام دهد را انجام میدهد.

ج) ترجمه غلط شیطان

پیدایش ۲: ۱۶ و ۱۷

۱۶ و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛^{۱۷} اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد.

در حالی که شیطان از حوا سوال کرد:

پیدایش ۳: ۱

۱ و اما ما از همه وحوش صحرا که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. او به زن گفت: آیا خدا براستی گفته است که از هیچ یک از درختان باغ نخورید؟

تغییر کلمات ممکن است روی معنی یا ترجمه اثر بگذارد، میتوان گفت بازی با کلمات است، اما زمانی که با کلام خداوند روبرو میشویم بسیار مهم و حیاتی است که آن را چگونه به دیگران یاد دهیم و یا چطور آن را تفسیر کنیم. برای درک بهتر، فرمان خداوند به آدم را نسبت به میوه ممنوعه و سوال شیطان از حوا را در دو آیه مورد نظر تطبیق میدهیم. خداوند از دید مثبتی که داشت، با آدم صحبت کرد و به او گفت که میتواند آزادانه از هر درختی در باغ عدن جز یکی (درخت شناخت نیک و بد) استفاده کند ولی نگاه شیطان منفی بود. هدف او در حقیقت این بود که آنها از هیچکدام از درختان

آن باغ نمیتواند بخورند. با مطرح کردن این سوال شیطان تلاش میکرد که آنها از برکتی که خداوند برایشان در نظر گرفته بود، محروم شوند. در حقیقت میخواست توجه حوا را به این جلب کند که چرا خداوند نمیخواهد او از میوه این درخت بخورد اما میتواند از دیگر درختان استفاده کند. این همان ابزار شیطان است که از آن برای فریب استفاده میکند و ما نیز باید این آمادگی را داشته باشیم تا در مقابل حيله های او شکست نخوریم. یادمان باشد که شیطان کلامی را نقل میکند که بسیار شبیه به کلام خداوند است و اگر اطلاع کافی از کلام راستین خداوند نداشته باشیم در دام شیطان گرفتار خواهیم شد. بسیار مهم است که همیشه به خاطر داشته باشیم که شیطان از ما اینگونه میپرسد که آیا واقعا این وعده خداوند است؟ آیا مطمئن هستید که این را خداوند گفته یا این کلام، کلام خداست؟ و یا سوالاتی از این قبیل، حال برای اینکه ما بتوانیم از ایمانمان دفاع کنیم باید کلام را مطالعه نموده و در یادگیری صحیح و درک بهتر آن کوشا باشیم.

د) عدم آگاهی حوا از کلام خداوند

قسمت غم انگیز در این است که حوا نه تنها کلام خدا را به خوبی درک نکرد بلکه خلاف فرمان خداوند عمل نمود و به کلام خدا از جانب خودش اضافه کرد این در حالیست که خداوند انسان را منع نموده از اینکه چیزی به کلام اضافه یا کم کند. برای درک بهتر، آیات مورد نظر را با هم مقایسه میکنیم.

پیدایش ۲: ۱۶ و ۱۷

۱۶ و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛^{۱۷} اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد.

پیدایش ۳: ۲ و ۳

۲ زن به مار گفت: از میوه درختان باغ می خوریم،^۳ اما خدا گفته است، از میوه درختی که در وسط باغ است مخورید و بدان دست مزیند، مبادا بمیرید.

همانطور که خواندیم حوا از طرف خودش در آیه ۳ به آنچه که خداوند گفته بود اضافه کرد. او به شیطان گفت از آن (میوه درخت ممنوعه) مخورید و آن را لمس نکنید. درحالیکه خداوند نگفت آن را لمس نکنید، در واقع حوا میخواست با اضافه کردن به کلام خداوند به آن قدرت بدهد چیزی که خداوند به او نگفته بود. شاید در نگاه اول زیاد مهم نباشد اما فراموش نکنیم که ما در مقابل کلام خداوند مسئولیم و اگر چیزی را به کلام خداوند اضافه کنیم خود را بالاتر و برتر از او دانسته ایم. با مطالعه متی باب ۴ زمانی که شیطان میخواست عیسی مسیح را وسوسه کند و عیسی خداوند با کلام در مقابل او می ایستد ما هم یاد میگیریم با استفاده از کلام خداوند که بهترین سلاح در مقابل شریر میباشد در برابر حملات و وسوسه های شیطان بایستیم.

ه) شیطان به انگیزه های خداوند حمله میکند

قدم بعدی شیطان در وسوسه کردن حوا، حمله به انگیزه خداوند است. شیطان در گفتگو با حوا متوجه شد که او دقیقا نمیداند خداوند به او چه گفته است و در این جاست که شیطان کلام خداوند را رد میکند.

پیدایش ۳: ۴ و ۵

۴ مار به زن گفت: به یقین نخواهید مرد.^۵ بلکه خدا می داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما

باز خواهد شد و همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود.

در زمان کوتاهی، شیطان شرایطی را به وجود می آورد تا حوا فکر کند به این دلیل خداوند او و آدم را از خوردن میوه آن درخت منع کرده که میخواهد چیزی را از آنها پنهان کند و این یکی دیگر از معیارهای شیطان است تا افراد را قانع کند که چون خداوند میخواهد انسانها در بندگی او و نادانی به سر برند آنها را از انجام کارهایی منع کرده است در حالی که انجام آنها برای بشر مفید میباشد.

(و) ناطاعتی آدم

حوا قدمی بسیار ناخوشایند برداشت و همانطور که نظاره گر میوه های زیبا و خوش خوراک آن درخت بود میوه ای را گرفته و تناول نمود. در اینجا بود که حوا بجای اطاعت از فرمان خدا، ناطاعتی پیشه کرد. با زندگی روحانی خود وداع نمود و به دنبال زندگی نفسانی خود رفت. سپس مقداری از میوه را به آدم داد و او نیز خورد اما نکته قابل توجه اینجاست که با وسوسه شدن حوا، آدم وسوسه نشد بلکه او میدانست که دقیقا چه میکند.

اول تیموتاوس ۲: ۱۴

۱۴ و آدم فریب نخورد، بلکه زن بود که فریب خورد و نافرمان شد.

در مورد سقوط انسان، واقعیتهایی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره میکنیم.

رومیان ۵: ۱۲

۱۲ پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند.

درس اول - فصل چهارم

رومیان ۵: ۱۴

۱۴ با این حال، از آدم تا موسی، مرگ بر همگان حاکم بود، حتی بر کسانی که گناهشان به گونه سرپیچی آدم نبود. آدم، نمونه کسی بود که می‌بایست بیاید.

رومیان ۵: ۱۷ تا ۱۹

۱۷ زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان، مرگ از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض بیکران خدا و عطای پارسایی را دریافت کرده‌اند، توسط آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، در حیات حکم خواهند راند.^{۱۸} پس همان گونه که یک نافرمانی به محکومیت همه انسانها انجامید، یک عمل پارسایانه نیز به پارسا شمرده شدن و حیات همه انسانها منتهی می‌گردد.^{۱۹} زیرا همان گونه که به واسطه نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار شدند، به واسطه اطاعت یک انسان نیز بسیاری پارسا خواهند گردید.

بعد از اینکه آدم و حوا از میوه درخت ممنوعه خوردند چشمهایشان باز شد، در واقع وجدان آنها بیدار شده و متوجه عریان بودنشان شدند و با استفاده از برگهای درخت انجیر خود را پوشاندند و در این زمان بود که دوره بیگناهی به پایان رسید. خداوند در حالیکه در باغ عدن قدم میزد به دنبال آدم و حوا میگشت. پس آدم و حوا صدای خدوند را که در باغ میخرامید، شنیدند و خویش را از حضور خداوند پنهان کردند. در واقع گناه باعث شکسته شدن آزادی و رابطه ای شد که آنها با خداوند داشتند.

درس اول - فصل چهارم

پیدایش ۳: ۹ تا ۱۱

۹ ولی یهوه خدا آدم را ندا در داده، گفت: کجا هستی؟^{۱۰} گفت: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا که عریانم، از این رو خود را پنهان کردم.»^{۱۱} خدا گفت: که تو را گفت که عریانی؟ آیا از آن درخت که تو را امر فرمودم از آن نخوری، خوردی؟

(۳) آدم و حوا دیگری را ملامت میکنند

طبق پیدایش ۳: ۱۲ و ۱۳

۱۲ آدم گفت: این زن که به من بخشیدی تا با من باشد، او از آن درخت به من داد و من خوردم.
۱۳ آنگاه یهوه خدا به زن گفت: این چه کار است که کردی؟» زن گفت: «مار فریبم داد و من خوردم.
آدم، حوا را مقصر اعلام میکند. و زمانیکه خداوند از حوا میپرسد این چه کاری است که کردی؟ او نیز گناه را به گردن دیگری (مار) می اندازد و این طبیعت گناه است که نمیخواهد کسی مسئولیت عمل خویش را به عهده بگیرد و به همین دلیل شخص گناهکار باید به عمل اشتباه خویش اعتراف کند.



اولین حکم

وعدہ

پیدایش باب ۳
۱۵ و عداوت در میان تو و زن و در میان
ذُریت تو و ذُریت وی میگذارم و سر تو را
خواهد کوبید و تو پائشنة وی را خواهی کوبید

نافرمانی و بلا

- پیدایش ۳: ۱۵ - ۱۹
۱. حکم بر شیطان
 ۲. حکم بر زن
 ۳. حکم بر زمین
 ۴. حکم بر آدم

اولین قضاوت

به خاطر ناطاعتی از فرمان خدا، آدم و حوا ملعون شده، از باغ عدن اخراج شدند.

چهار لعنت (چهار بلا)

اولین لعنت بر شیطان بود.

پیدایش ۳: ۱۴

۱۴ پس یهوه خدا به مار گفت: چون چنین کردی، از همه چارپایان و همه وحوش صحرا ملعونتری!

بر شکمت خواهی خزید و همه روزهای زندگی‌ات خاک خواهی خورد.

دومین لعنت بر حوا (زن) بود.

پیدایش ۳: ۱۶

۱۶ و به زن گفت: درد زایمان تو را بسیار افزون گردانم؛ با درد، فرزندان خواهی زایید. اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، و او بر تو فرمان خواهد راند.

سومین لعنت بر زمین بود.

پیدایش ۳: ۱۷ و ۱۸

۱۷ و به آدم گفت: «چون سخن زنت را شنیدی و از درختی که تو را امر کردم از آن نخوری خوردی، به سبب تو زمین ملعون شد؛ در همه روزهای زندگی‌ات با رنج از آن خواهی خورد. ۱۸ برایت خار و خَس خواهد رویانید، و از گیاهان صحرا خواهی خورد.

چهارمین لعنت بر آدم (مرد) بود.

پیدایش ۳: ۱۹

۱۹ با عرق جبین نان خواهی خورد، تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چرا که تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت.

از این به بعد است که مرد زندگی سختی خواهد داشت و با زور و قدرت خویش زحمت خواهد کشید تا زندگی کند و در آخر به همان خاکی بر خواهد گشت که خلق شده بود.

اولین وعده از طریق نجات دهنده ما

در میان همان لعنتها خداوند وعده ای را نیز داد. خداوند به شیطان گفت:

پیدایش ۳: ۱۵

۱۵ میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.

این یک پیشگویی بود که خداوند از ابتدا به آن اشاره کرده بود که توسط عیسی مسیح بر گناه غلبه کرده و شیطان را شکست خواهد داد. از همان روز، سرنوشت شیطان معلوم شد و اینکه او یک دشمن شکست خورده خواهد بود که هرگز پیروز نخواهد شد.

با ناطاعتی آدم و حوا، دوره بیگناهی آنها به پایان رسیده، ملعون شدند اما خداوند برایشان پوششی تهیه کرد تا بدنهای خود را بپوشانند. با این کار خداوند نشان داد که با ریختن خون خود (عیسی مسیح) گناهان انسان را خواهد بخشید و آنها دوباره پاک خواهند شد.

پیدایش ۳: ۲۱

۲۱ یهوه خدا پیراهنهایی از پوست برای آدم و زنش ساخت و ایشان را پوشانید.

انسان از باغ عدن اخراج شد

انسان بدلیل سرپیچی از فرمان خداوند از باغ عدن اخراج گردید و به زمین که در قسمت شرق باغ عدن بود فرستاده شد. خداوند فرشته هایی را با شمشیر آتشین که به هر طرف میچرخید قرار داد تا از



درس اول - فصل پنجم

ورود آنها به محلی که درخت حیات است جلوگیری کند و آنها نتوانند این فرصت را بیابند که از میوه آن درخت بخورند و تا ابد زنده بمانند. آدم و حوا با گناهی که مرتکب شدند نه تنها از زندگی روحانی خارج شده و زندگی ابدی و رابطه نیکویی را که با خداوند داشتند از دست دادند بلکه با مرگ، زندگی دنیوی را هم از دست دادند. از آن موقع به بعد هر انسانی که متولد میشود در گناه تولد می‌یابد یعنی از لحاظ روحانی مرده است؛ حال آنکه تنها راه نجات بشر و دست یافتن به زندگی ابدی در خداوند فقط از طریق فیض خداوندمان عیسی مسیح و دریافت نجات امکان پذیر میباشد.

سوالات درس اول

۱) دوره های زمانی از آدم تا مسیح را نام برده و در خصوص هر کدام توضیح مختصری دهید؟

دوره اول: بیگناهی، این دوره از آغاز خلقت انسان تا زمان وقوع گناه در باغ عدن میباشد که مدت آن مشخص نیست.

دوره دوم: وجدان، از زمان خروج آدم و حوا از باغ عدن تا ابراهیم را شامل میشود.

دوره سوم: پیشگام (پدر قوم)، این دوره از ابراهیم شروع شده و به موسی ختم میشود.

دوره چهارم: شریعت و انبیا، این دوره از موسی شروع شده و به خداوند جسم پوشیده عیسی مسیح ختم میشود.

۲) چرا خداوند درختی را در باغ عدن گذاشت که خوردن آن ممنوع بود؟

خداوند عروسک یا آدم آهنی خلق نکرد بلکه او موجودی به نام انسان را آفرید و او را شبیه خود خلق کرد و به او قدرت و حق انتخاب داد. خداوند میخواهد انسانها با دلی باز و انتخابی آزادانه به حضورش بیایند.

۳) اولین اشتباهی که حوا انجام داد چه بود؟

اولین اشتباهی که حوا انجام داد این بود که از درخت نیک و بد دیدن کرد او میدانست که آن درخت برای خوردن ممنوع است و میبایست از آن فاصله بگیرد و نزدیک به آن نشود.

۴) چهار لعنت (چهار بلا) را با ذکر آیات مربوطه نام ببرید؟

اولین لعنت بر شیطان بود، پیدایش ۳: ۱۴

۱۴ پس یهوه خدا به مار گفت: چون چنین کردی، از همه چارپایان و همه وحوش صحرا ملعونتری! بر شکمت خواهی خزید و همه روزهای زندگی ات خاک خواهی خورد.

دومین لعنت بر حوا (زن) بود، پیدایش ۳: ۱۶

۱۶ و به زن گفت: درد زایمان تو را بسیار افزون گردانم؛ با درد، فرزندان خواهی زایید. اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، و او بر تو فرمان خواهد راند.

سومین لعنت بر زمین بود، پیدایش ۳: ۱۷ و ۱۸

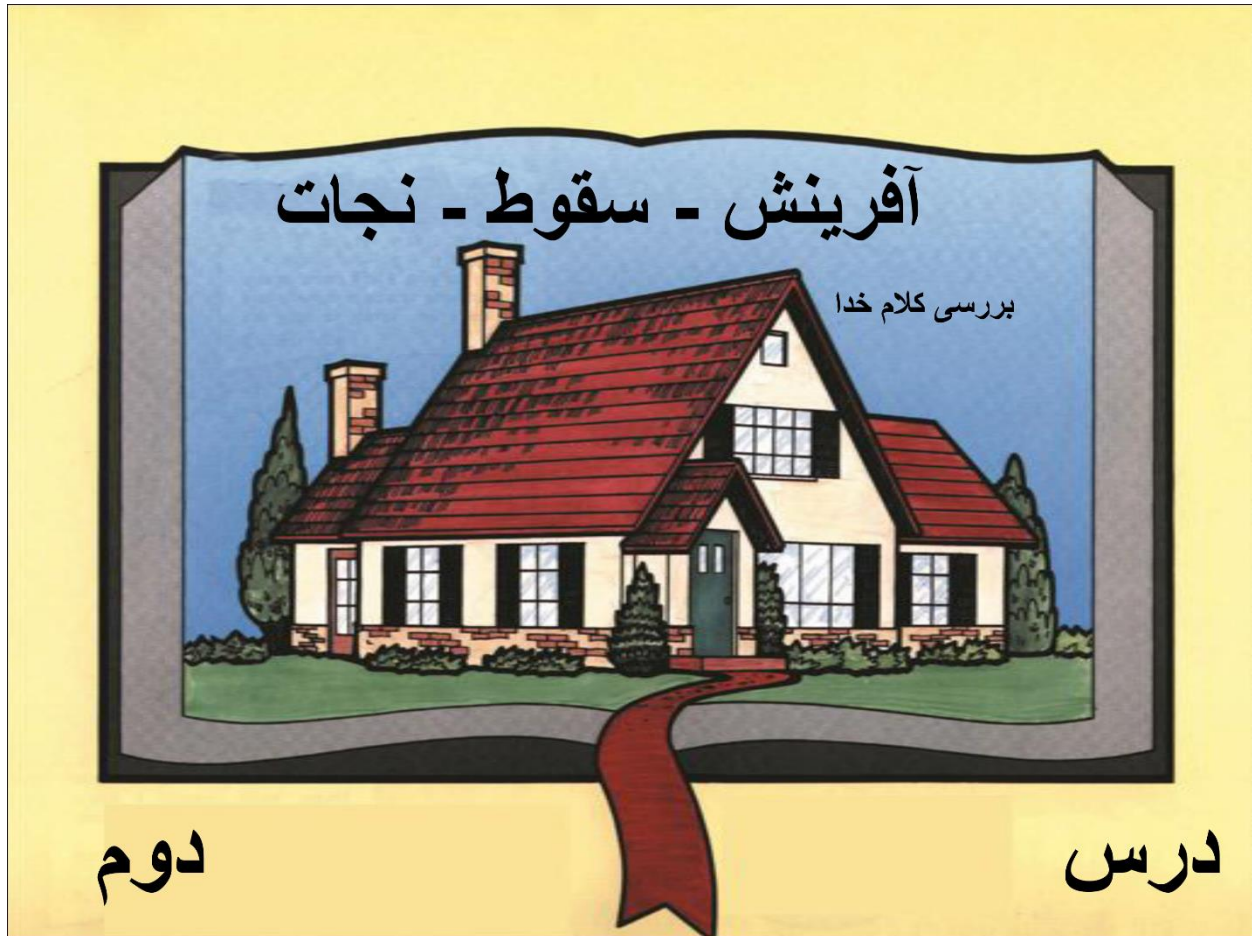
۱۷ و به آدم گفت: «چون سخن زنت را شنیدی و از درختی که تو را امر کردم از آن نخوری خوردی، به سبب تو زمین ملعون شد؛ در همه روزهای زندگی ات با رنج از آن خواهی خورد. ۱۸ برایت خار و خَس خواهد رویانید، و از گیاهان صحرا خواهی خورد.

چهارمین لعنت بر آدم (مرد) بود، پیدایش ۳: ۱۹

۱۹ با عرق جبین نان خواهی خورد، تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چرا که تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت.

(۵) از پیدایش ۳: ۱۵ چه نتیجه ای میگیرید؟

این یک پیشگویی بود که خداوند از ابتدا به آن اشاره کرده بود که توسط عیسی مسیح بر گناه غلبه کرده و شیطان را شکست خواهد داد. از همان روز، سرنوشت شیطان معلوم شد و اینکه او یک دشمن شکست خورده خواهد بود که هرگز پیروز نخواهد شد.



از سقوط آدم تا طوفان نوح

بیداری وجدان در ایمان

آدم

هابیل قاین

هدیه مقبول هدیه نامقبول

پیدایش ۴: ۳-۷

هابیل شیث

پیدایش باب ۴

۲۴ و برای شیث نیز بسری متولد شد و او را آنوش نامید. در آنوقت به خواندن اسم یهوه شروع کردند.

پیدایش باب ۶

۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیالهای دل وی دانمأ محض شرارت است ۶ و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت

پیدایش باب ۶

۹ این است پیدایش نوح نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل و نوح با خدا راه مسرقت

پیدایش باب ۶

۸ اما نوح در نظر خداوند التقات یافت

از سقوط آدم تا طوفان نوح

آدم و حوا خارج از باغ عدن

آدم و حوا بعد از گناهی که مرتکب شدند از باغ عدن رانده شده و زندگی جدید خود را بر روی زمین آغاز کردند، اما زندگی آنها با گذشته متفاوت بود. زمانی که آنها در باغ عدن به سر میبردند در آرامش کامل بودند و اولین زن و مردی بودند که خداوند آنها را مسئول نگهداری از باغ کرده بود.

اما اکنون آنها باید در سختی زندگی کنند و آدم برای ادامه زندگی بر روی زمین مجبور بود با مشکلات روبرو شده، آنها را حل نماید.

اختلاف بین دو برادر

هابیل و قائن

معمولا در خانواده ها شاهد تفاوت‌هایی بین فرزندان هستیم. این دو برادر نیز فرقهایی با هم داشتند. هابیل یک شبان بود که از گوسفندان محافظت میکرد و قائن یک مزرعه دار بود که بیشتر با زمین و سبزیجات سرگرم بود. این دو برادر از لحاظ روحانی هم با یکدیگر متفاوت بودند.

پیدایش ۴: ۳ تا ۷

۳ پس از چندی، قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد. ۴ ولی هابیل از نخست‌زادگان گله خویش و از بهترین قسمت‌های آنها هدیه‌ای آورد. خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت، ۵ ولی قائن و هدیه‌اش را منظور نداشت. پس قائن بسیار خشمگین شد و دلریش گشت. ۶ آنگاه خداوند به قائن گفت: از چه سبب خشمگینی و چرا دلریش گشته‌ای؟ ۷ اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.

فکر عبادت

آدم و حوا به فرزندان خود آموخته بودند که خدایی وجود دارد و باید او را پرستش کرده، قربانی برای او بیاورند. مدت زمانی گذشت و هابیل و قائن برای خداوند هدایایی مهیا کردند قائن از میوه و سبزیجاتی که کاشته بود و هابیل اولین متولد شده از گله را نزد خداوند هدیه کردند.

قربانی قبول شده و قربانی رد شده

خداوند هدیه هابیل را قبول نمود اما هدایای قائن را نپذیرفت. این موضوع قائن را ناراحت کرد.

خداوند به او گفت: چرا خشمگین و ناراحت شدی؟ اگر تو هم هدیه ای مناسب برای من می آوردی مسلماً من آن را قبول می‌کردم. خداوند میخواست که او را ببخشد برای همین بر قائن ظاهر شده گفت: هدیه تو هم میتواندست مورد قبول واقع شود اگر تو نیز همچون هابیل کار درست را انجام میدادی. اما گناه تنها چیزی بود که قائن را از انجام دادن کار درست وامیداشت.

روزی از شخصی پرسیدند مشکل تو چیست؟ جواب داد من مشکلی ندارم جز با خودم. عمیق ترین و خطرناکترین مشکلاتی که ما داریم از بیرون ما نیست بلکه از درون ماست که نشأت میگیرد. مشکل قائن هم هابیل نبود بلکه از درون خودش بود.

برای فداکاری یا قربانی به خون نیاز است

هدیه قائن چه ایرادی داشت؟

قائن از میوه های روی زمین برای خداوند قربانی آورد در حالیکه قربانی نیاز به خون دارد و باید خونی ریخته شود.

پیدایش ۳: ۲۱

^{۲۱} یهوه خدا پیرانهایی از پوست برای آدم و زنش ساخت و ایشان را پوشانید.

خداوند حیوانی را در باغ عدن قربانی کرد تا عریانی آدم و حوا را بپوشاند و خداوند به آنها گفت که قربانی نیاز به خون دارد یعنی برای پوشاندن گناهان باید خونی ریخته شود.

طبق کلام در مکاشفه ۱۳: ۸

^۸ همه ساکنان زمین آن وحش را خواهند پرستید همه آن کسان که نامشان در آن دفتر حیات نیامده که از آن آن بره است که از بدو آفرینش جهان ذبح شده بود.

درس دوم - فصل اول

عیسی مسیح بره ایست که قبل از خلقت دنیا قربانی شد و چون سزای گناه مرگ است خداوند خون را برای آمرزش گناه انتخاب کرد.

رومیان ۶: ۲۳

۲۳ زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است.
پس بدون ریخته شدن خون، گناه را نمیشود بخشید.

عبرانیان ۹: ۲۲

۲۲ در حقیقت، بنا بر شریعت، تقریباً همه چیز به وسیله خون پاک می شود و بدون ریختن خون، آمرزشی نیست.

آدم نیز قطعاً این را به فرزندانش یاد داده بود که برای خداوند حتماً باید قربانی که خون آن ریخته شود را فراهم کنند در غیر این صورت هابیل نمیدانست که چه چیزی را باید برای قربانی مهیا کند. و این در حالی بود که قائن هدیه ای را که مناسب خداوند نبود به قربانگاه آورد. با توجه به آیاتی که خواندیم تنها صادق و بی ریا بودن، ما را به خداوند نزدیکتر نمیکند بلکه باید امری که خداوند به ما حکم فرموده را به نیکویی انجام دهیم. هابیل خداوند را با ایمانی که داشت، اطاعت کرد.

عبرانیان ۱۱: ۴

۴ به ایمان بود که هابیل قربانی ای نیکوتر از قربانی قائن به خدا تقدیم کرد، و به سبب همین ایمان درباره او شهادت داده شد که پارساست، زیرا خدا درباره هدایای او به نیکویی شهادت داد. به همین سبب، هرچند چشم از جهان فرو بسته، هنوز سخن می گوید.

مجازات ناطاعتی

متأسفانه قائن پیشنهاد خدا را نپذیرفت و سعی نکرد تا با ریخته شدن خون قربانی رضایت خدا را جلب کند بلکه مرتکب خطایی جبران ناپذیر شد و برادر خود هابیل را به قتل رساند. در این هنگام خداوندی که شاهد بر همه اعمال است از او پرسید: برادرت کجاست؟ و او به خداوند به دروغ گفت: من نمیدانم مگر من محافظ برادرم هستم؟ و خداوند اعلام کرد که او مجازات کاری را که انجام داده خواهد پرداخت.

در پیدایش ۴: ۱۰ تا ۱۵ میخوانیم که خداوند به قائن گفت:

۱۰ خداوند فرمود: چه کرده‌ای؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی‌آورد. ۱۱ و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را گشود تا خون برادرت را از دست تو دریافت کند. ۱۲ چون زمین را کشت کنی، دیگر قوت خود را به تو نخواهد داد. و تو بر زمین آواره و سرگردان خواهی بود. ۱۳ قائن به خداوند گفت: مکافاتم بیش از تحمل من است. ۱۴ هان امروز مرا از این زمین طرد کردی و از حضور تو پنهان خواهم بود. پس در جهان آواره و سرگردان خواهم بود و هر که مرا یابد، مرا خواهد کشت. ۱۵ آنگاه خداوند به او گفت: در این صورت، هر که قائن را بکشد، از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد. و خداوند نشانی بر قائن نهاد تا اگر کسی او را بیابد، وی را نکشد.

پس به خاطر گناهی که مرتکب شده بود و به دلیل ناطاعتی از حضور خداوند رانده شد و در شهری

به نام سرگردان که در شرق عدن بود ساکن شد.



درس دوم - فصل اول

مردی که با خدا راه می رفت

الف) شیث

آدم و حوا فرزندان بسیاری داشتند ولی قبل از همه او فرزندی به نام شیث به دنیا آورد.

پیدایش ۴: ۲۵

۲۵ و آدم دیگر بار زن خود را بشناخت و او پسری بزاد و او را شیث نامید و گفت: خدا به جای هابیل که قائن او را کشت، نسلی دیگر برای من برقرار داشت.

شیث همچون هابیل به خداوند وفادار بود و در زمان او بود که مردم خداوند را صدا میزدند.

ب) خنوخ

خنوخ پسر قائن بود. او خداوند را بسیار دوست میداشت و اطاعت میکرد. بسیار جالب است که از پدری همچون قائن فرزندی مانند خنوخ متولد شود.

پیدایش ۵: ۲۴

۲۴ خنوخ با خدا راه می رفت، و دیگر یافت نشد؛ زیرا خدا او را برگرفت.

عبرانیان ۱۱: ۵

۵ به ایمان بود که خنوخ از این جهان منتقل شد تا طعم مرگ را نچشد و دیگر یافت نشد، چون خدا او را برگرفت. زیرا پیش از برگرفته شدن، درباره او شهادت داده شد که خدا را خشنود ساخته است.

ج) نوح

نوح از نسل خونخ بود و در زمان او بود که خداوند به دلیل کثرت گناهان بشر که به وسیله شیطان از افکار و قلب انسان جاری میشد از خلقت دنیا متاثر شد.

پیدایش ۶: ۷

۷ پس خداوند فرمود: انسان را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهم ساخت، انسان و چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان را، زیرا که از ساختن آنها متأسف شدم.

در آن زمان که همه مردم در کارهای نفسانی و دنیوی خود غوطه ور بودند تنها، مردی به نام نوح بود که فیض را در چشمان خداوند دیده، به او ایمان آورده و خداوند را اطاعت نمود.

عبرانیان ۱۱: ۷

۷ به ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خداترسی به جد گرفت و برای نجات خانواده خویش کشتی ساخت. او به ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.

بین هابیل، شیث، خونخ و نوح یک وجه تشابهی بود و آن هم ایمان و اطاعت از خداوند بود. آنها به خداوند ایمان داشتند و از او امر و اطاعت میکردند. خداوند نیز فقط یک چیز را از انسان میخواست و آن هم مطیع بودن از کلام خداوند بود.

عبرانیان ۱۱: ۶

۶ و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.

نجات خانواده مرد صالح



ساختن کشتی
پیدایش ۶: ۱۴-۱۶

نقشه کشتی
درپ: ۱
طبقه: ۳
طول: ۱۵۰ متر
ارتفاع: ۱۵ متر
عرض: ۵۰ متر

پیدایش: باب ۶
۳ و خداوند گفت «روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود.» ۴ و در آن ایام مردان توبه‌مند در زمین بودند، و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران انجمن در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان چپارانی بودند که در زمان سلف، مردان نامور شدند. ۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، هر تصور از خیل‌های دل وی دائماً محض شرارت است ۶ و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت ۷ و خداوند گفت «انسان را که آفریدم از روی زمین محو سازم انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان»

عهد رنگین کمان
پیدایش: ۹: ۱۱-۱۳

پطرس دوم باب ۲
۵ و بر عالم قدیم شفقت نفرمود بلکه نوح و اعظ عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظ طوفان را بر عالم بی‌دینان آورد داشته

خانواده عادل حفظ میشود

ایمان و اطاعت ضروری میباشد

خداوند در حالی راه نجات را برای نوح فراهم میکرد که از او میخواست فقط به خداوند ایمان داشته باشد و مطیع مطلق او باشد. پس لازمه دریافت نجات و سهیم شدن در نیکویی خداوند اطاعت بی قید و شرط مخلوق (انسان) از خالق (خداوند) است.

خداوند، نوح را از تصمیم خود آگاه کرد و به او فرمان ساخت کشتی با طرح و ابعاد بسیار دقیق را داد.

درس دوم - فصل دوم

پیدایش ۶: ۱۴ تا ۱۶

^{۱۴} پس برای خود کشتی‌ای از چوب کوفر بساز، و حجره‌هایی در آن بنا کن، و درون و بیرونش را قیراندود نما. ^{۱۵} آن را این‌گونه بساز: درازای کشتی سیصد ذراع، پهنایش پنجاه ذراع و بلندی‌اش سی ذراع باشد. ^{۱۶} برای کشتی روزنه‌ای به اندازه یک ذراع از بالای آن بساز. در کشتی را در پهلوی آن بگذار و طبقات پایین و وسط و بالا در آن بنا کن.

خداوند در پایان ساخت کشتی، نوح را از اینکه چه تعداد از حیوانات را با خود همراه دارد نیز به طور دقیق مطلع ساخت.

پیدایش ۷: ۲

^۲ از همه چارپایان طاهر، هفت جفت، نر و ماده، با خود برگیر، و از چارپایان نجس، یک جفت، نر و ماده.

طرح نجات

جای بسی تامل دارد که اگر نوح هم مانند قائن تصمیم به سرپیچی از فرمان خداوند میگرفت چه اتفاقی برای او و خانواده اش رخ میداد. به طور مثال اگر نوح به جای یک پنجره، دو پنجره میساخت یا از چوب دیگری غیر از آنچه که خداوند امر فرموده بود برای ساخت کشتی استفاده میکرد و یا به طور کلی از افکار خودش در ساخت کشتی به کار میبرد، قطع یقین خداوند نیز او و خانواده اش را مجازات مینمود.

یادمان باشد که خداوند آدم و حوا را به دلیل ناطاعتی از باغ عدن اخراج کرد و هرگز کسانی را که از فرمان او سرپیچی کنند، نخواهد بخشید.

درس دوم - فصل دوم

به دلیل تخلف از فرمان خداوند بود که قائن از حضور خداوند رانده شده، آواره و سرگردان گشت. به دلیل نافرمانی‌های انسان و گناهان بسیار آنها بود که خداوند در زمان نوح تمامی موجوداتی را که روی زمین بودند، همه را به جز نوح و هر آنچه که در کشتی بود، نابود ساخت.

پیدایش ۶: ۳

۳ و خداوند فرمود: روح من همیشه در انسان نخواهد ماند، زیرا که او موجودی فانی است، روزهای او صد و بیست سال خواهد بود.

نوح یک واعظ پارسا بود و کلام خداوند را به مردم بشارت میداد. او با ایمان کامل در اراده خداوند قدم بر میداشت و برای رهایی از مصیبتی که خداوند وعده اش را داده بود، طبق فرمان خداوند به ساخت کشتی مشغول شد. در این زمان که نوح، خود و خانواده اش را برای عملی شدن اراده خداوند آماده میکرد از دیگران نیز میخواست که خداوند را اطاعت نموده نسبت به گناهانشان توبه و طلب بخشش کنند، چرا که قضاوت خداوند نزدیک بود. اما هیچ کس حرف نوح را باور نمیکرد. خداوند که شاهد تمام اعمال و گفتارهای آنها بود باز هم این فرصت را به آنان داد تا از ناطاعتی و گناه توبه کنند و آمرزیده شوند.

اول پطرس ۳: ۲۰

۲۰ همان ارواحی که در ایام گذشته نافرمانی کرده بودند، آنگاه که خدا در روزگار نوح که کشتی ساخته می‌شد، با شکیبایی انتظار می‌کشید. در آن کشتی تنها شماری اندک، یعنی هشت تن، به واسطه آب نجات یافتند.

در نهایت نوح که متوجه شد مردم حرفهایش را باور نمیکنند با ایمان به وعده خداوند قدم برداشت و کشتی را ساخت، سپس همراه با خانواده خود تحت امر خداوند سوار بر کشتی شدند تا از مصیبت رها

شوند، هر چند نمیدانستند خطراتی را که خداوند بر آنها الهام کرده بود چه زمانی به انجام خواهد رسید.

عبرانیان ۱۱: ۷

^۷ به ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خداترسی به جدّ گرفت و برای نجات خانواده خویش کشتی ساخت. او به ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.

محل ایمن

یک هفته قبل از طوفان، خداوند نوح و خانواده اش و همچنین حیوانات را وارد کشتی کرد و در عقب کشتی را بست.

پیدایش ۷: ۱۵ و ۱۶

^{۱۵} پس دو به دو، از هر ذی جسدی که نفس حیات در خود داشت، نزد نوح به کشتی درآمدند. ^{۱۶} و آنهایی که داخل شدند، همان گونه که خدا به نوح فرمان داده بود، نر و ماده از هر ذی جسد بودند. آنگاه خداوند در را بر او بست.

در این زمان نوح ۶۰۰ سال سن داشت و زمین در نظر خداوند فاسد و آکنده از خشونت شده بود. باران شروع به بارش کرد و چشمه ها از زیر زمین شروع به بالا آمدن نمودند. به طور پیوسته عمق آب بیشتر و بیشتر میشد. در طی ۴۰ روز بارش شدید، آبها کوهها را پوشاندند. برای ۱۱۰ روز دیگر، کلا ۱۵۰ روز، بارش طول کشید. بعد از آن کشتی روی کوههای آرارات مستقر شد و بعد از حدود دو ماه و نیم قله های کوهها نمایان شدند.

پس از ۴۰ روز نوح پنجره کشتی را باز کرد و یک کلاغ و یک کبوتر را به آسمان فرستاد. کبوتر هیچ مکانی را پیدا نکرد و به کشتی برگشت، بعد از گذشت ۷ روز نوح دوباره کبوتر را به آسمان فرستاد. کبوتر در زمان برگشت به کشتی، یک برگ زیتون بر دهانش داشت و بالاخره بعد از ۷ روز دیگر، نوح دوباره کبوتر را به آسمان فرستاد و کبوتر هرگز باز نگشت.

نوح از خداوند وعده ای را دریافت کرد

بعد از گذشت یکسال و ۱۷ روز خداوند به نوح گفت که همراه خانواده و حیوانات، کشتی را ترک کند.

پیدایش ۸: ۱۳ تا ۱۸

۱۳ در ششصد و یکمین سال از زندگی نوح، در روز نخست از ماه نخست، آب از روی زمین خشک شد. آنگاه نوح سرپوش کشتی را بر گرفت و دید که اینک سطح زمین خشک شده است. ۱۴ در روز بیست و هفتم از ماه دوم، زمین خشک شده بود. ۱۵ آنگاه خدا به نوح گفت: ۱۶ از کشتی بیرون بیا، تو و زنت و پسرانت و زنان پسرانت همراه تو. ۱۷ همه جاندارانی را که با تو آمد، هر ذی جسدی را از پرندگان و چارپایان و همه خزندگان که بر زمین می خزند، با خود بیرون آور تا بر زمین منتشر شده، در جهان بارور و کثیر گردند. ۱۸ پس نوح با پسرانش و زنش و زنان پسرانش بیرون آمد.

بعد از ترک کشتی اولین کار نوح، ساختن یک مذبح بود تا برای خداوند روی آن قربانی کند.

حال شما عزیزان فکر میکنید که چه تعداد خانواده ها برای خودشان مذبح فامیلی دارند تا شکر خداوند را به جا آورند؟ ما انسانهای فانی امروزه به دلایل بی شماری نسبت به مشکلات زندگی بهانه می آوریم که حتی فرصتی برای خودمان نداریم چه رسد به اینکه بخواهیم وقتی را برای دعا و شکرگزاری نزد خداوند برویم. برآستی فراموش کرده ایم که این ما بودیم که با نافرمانی از خداوند مرتکب گناه شدیم

درس دوم - فصل دوم

و همچنان آلوده به گناه هستیم. اما خداوند بار دیگر فرصتی در اختیار ما قرار داده تا از نظر روحانی زنده شویم و بتوانیم آن رابطه و عشق اولیه را با خداوند بدست آوریم.

پیدایش ۸: ۲۰ تا ۲۲

۲۰ آنگاه نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد و از همه چارپایان طاهر و از همه پرندگان طاهر گرفته، قربانیهای تمام سوز بر مذبح تقدیم کرد. ۲۱ و رایحه خوشایند به مشام خداوند رسید و خداوند در دل خود گفت: دیگر هرگز زمین را به سبب انسان لعنت نخواهم کرد، هرچند که نیت دل انسان از جوانی بد است. و دیگر هرگز همه جانداران را هلاک نخواهم کرد، چنانکه کردم. ۲۲ تا زمانی که جهان باقی است، کشت و درو، سرما و گرما، تابستان و زمستان، و روز و شب، باز نخواهد ایستاد.

این پایان گفتگوی خداوند با نوح نبود، با این حال همانطور که به مرد و زن اول (آدم و حوا) فرمان داد به نوح هم در پیدایش ۹: ۱ تا ۶ فرمود:

۱ آنگاه خدا نوح و پسرانش را برکت داد و به ایشان فرمود: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. ۲ ترس و هیبت شما بر همه جانوران زمین و بر همه پرندگان آسمان و بر هر آنچه بر زمین می خزد و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ آنها به دستان شما سپرده شده اند. ۳ هر جنبنده ای که حیات دارد، خوراک شما خواهد بود. همان گونه که گیاهان سبز را به شما دادم، اکنون همه چیز را به شما می بخشم. ۴ اما گوشت را با حیاتش که خون آن باشد، نخورید. ۵ به یقین تاوان خون شما را که حیات در آن است باز خواهم ستانید: از هر جانوری آن را باز خواهم ستانید. تاوان جان انسان را از دست همنوعش نیز باز خواهم ستانید. ۶ هر که خون انسان ریزد، خونسش به دست انسان ریخته شود؛ زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت.

درس دوم - فصل دوم

و نیز خداوند به نوح و پسرانش در پیدایش ۹: ۹ تا ۱۳ فرمود:

۹ اینک من عهد خویش را با شما و پس از شما با فرزندان شما استوار می‌سازم،^{۱۰} و نیز با هر جاننداری که با شما باشد، از پرندگان و چارپایان و همه جانوران زمین، یعنی با همه آنها که از کشتی بیرون آمدند؛ این برای همه جانوران زمین خواهد بود.^{۱۱} من عهد خود را با شما استوار می‌گردانم که دیگر هرگز هر ذی‌جسد به آب توفان هلاک نشود، و دیگر هرگز توفانی نباشد که همه زمین را ویران کند.^{۱۲} و خدا گفت: این است نشان عهدی که من میان خود و شما و هر جاننداری که با شماست، برای همه نسلهای آینده می‌بندم.^{۱۳} رنگین‌کمان خود را در ابر قرار داده‌ام، و آن نشان عهدی خواهد بود که میان من و زمین است.

قضاوت نهایی برای انسان

متی باب ۲۴
 ۳۷ لیکن چنانکه ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود. ۳۸ زیرا همچنان که در ایام قبل از طوفان می‌خوردند و می‌اشامیدند و نکاح می‌کردند و منکوحه می‌شدند تا روزی که نوح داخل کشتی گشت ۳۹ و نفهمیدند تا طوفان آمده همه را ببرد، همچنین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود. ۴۰ آنگاه دو نفری که در مزرعه‌ای می‌باشند، یکی گرفته و دیگری واگذارده شود. ۴۱ و دو زن که دست‌س می‌کنند، یکی گرفته و دیگری رها شود. ۴۲ پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید. ۴۳ لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند. ۴۴ لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید.



عصر نوح

پیدایش ۶: ۵-۱۱

عیش و نوش

وصلت و ازدواج

داد و ستد و زندگی روزمره

غافلگیر شدن در روز داوری

از دیدار شرارت انسان

طوفان نوح

پسر انسان

فیلیپیان ۳: ۱۷-۱۹

متی ۲۴: ۳۸-۳۹

لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰

لوقا ۲۱: ۳۴-۳۵

دوم تیموتائوس ۳: ۱-۴

دوم پطرس ۳: ۳-۷

انسان قضاوت میشود

رنگین کمانی که در آسمان نقش بسته، بیانگر پیمان جدیدی می‌باشد که خداوند با انسان بست تا دیگر هرگز زمین را با آب از بین نبرد. قطعاً روزی زمین از طریق دیگری با قضاوت خداوند روبرو خواهد شد.

دوم پطرس ۳: ۳ تا ۷

۳ قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان^۴ خواهند گفت: پس چه شد وعده آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب

رفتند، همه چیز همان گونه است که از بدو آفرینش بود! ^۵ بدین سان، آنان به عمد بر این حقیقت چشم می‌پوشند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به وسیله آب شکل گرفت؛ ^۶ و به وسیله همین آب، دنیای آن زمان غرق و نابود شد. ^۷ و به همان کلام، آسمانها و زمین کنونی برای آتش ذخیره شده است و تا روز داوری و هلاکت بی‌دینان نگاه داشته می‌شود.

همه افرادی که به خداوند ایمان ندارند و در گناه به سر می‌برند روزی مورد قضاوت و داوری قرار خواهند گرفت اما خداوند طبق وعده اش دیگر هرگز مانند زمان نوح تمام زمین را با آب نابود نخواهد کرد.

زمانیکه دنیل وبستر، تحت ریاست فیلیمور (رئیس جمهور) وزیر امور خارجه شد با ۲۰ مرد برجسته در خانه استور در نیویورک ناهار می‌خورد. او به طرز غیر عادی آرام بود و اینگونه به نظر میرسید که افکار او جای دیگریست. برای اینکه او از این حالت خارج شود از او سوالی پرسیدند: "آقای وبستر میشه به ما بگید که مهمترین اندیشه ای که تا کنون ذهن شما را اشغال کرده چیست؟" وبستر برای لحظه ای فکر کرد و سپس به همه گفت: مهمترین اندیشه ای که همیشه ذهن مرا اشغال کرده بود مسئولیت شخصی من نسبت به خدا بود. گفته شده در خصوص این موضوع ۲۰ دقیقه صحبت کرد.

آیا امروز شما نسبت به وظایفی که در قبال خداوند دارید فکر کرده اید؟ آیا به این اندیشیده اید که برای جلب رضایت خداوند تنها انجام کارهای نیکو کافی نیست بلکه اطاعت از اوامر خداوند و طلبیدن خواست و اراده نیکوی او در تمام مراحل زندگی بسیار حائز اهمیت است؟ نوح نیز همین احساس مسئولیت را نسبت به خدا داشت.

یک روز قبل از طوفان سیل

با توجه به اتفاق عظیمی که در زمان نوح رخ داد، عیسی مسیح آمدن خودش را اینچنین توصیف میکند.

متی ۲۴: ۳۷ تا ۴۴

۳۷ زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود. ۳۸ در روزهای پیش از طوفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید، مردم می‌خورند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند ۳۹ و نمی‌دانستند چه در پیش است. تا اینکه طوفان آمد و همه را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز همین‌گونه خواهد بود. ۴۰ از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۱ و از دو زن که با هم دستاس می‌کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۲ پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید سرور شما چه روزی خواهد آمد. ۴۳ این را بدانید که اگر صاحبخانه می‌دانست دزد در چه پاسی از شب می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت به خانه‌اش دستبرد زنند. ۴۴ پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید.

حال می‌خواهیم مقایسه ای بین زمان نوح و امروز خودمان داشته باشیم.

الف) خوردن و آشامیدن

در زندگی روزمره ما، خوردن و آشامیدن از موارد بسیار معمولی هستند. هرچند که عده ای این دو مورد برایشان بسیار مهم است و حتی آنها را خدای شکم میدانند.

فیلیپیان ۳: ۱۷ تا ۱۹

۱۷ ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگوی که در ما سراغ دارید، رفتار می‌کنند. ۱۸ زیرا همان‌گونه که بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز اشکریزان

تکرار می‌کنم، بسیاری چون دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند.^{۱۹} عاقبت چنین کسان هلاکت است. خدای آنان شکمشان است و به چیزهای ننگ‌آور مباحثات می‌کنند، و افکارشان معطوف به امور زمینی است.

انسان مادی فقط به این می‌اندیشد که چگونه شکمش را سیر کند.

یک علامت کوچکی (دعا) است که مردم قبل از سیل با خدای خودشان صحبت میکردند، همانگونه که آدم با خداوند صحبت میکرد و یا هابیل برای خدا قربانی میداد یا خنوخ با خدا راه میرفت.

ب) ازدواج کردن و دختر را به همسری دادن

ازدواج گناه نیست بلکه از ابتدا این اراده خداوند بود که انسانها با ازدواج به عنوان یک خانواده الهی زندگی کنند تا از این طریق جمعیت دنیا گسترش یابد. در اصل ازدواج برکتی از سوی خداوند برای انسان است.

پیدایش ۶: ۱ و ۲

و اما چون شمار آدمیان بر زمین فزونی گرفت و دختران برای ایشان زاده شدند،^۲ پسران خدا دیدند که دختران آدمیان زیبارویند، و هر یک را که برمی‌گزیدند به زنی می‌گرفتند.

طبق کلام فرزندان شیث با فرزندان قائن وصلت کردند.

دوم پطرس ۳: ۳ تا ۷

^۳ قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگان ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان^۴ خواهند گفت: پس چه شد وعده آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان‌گونه است که از بدو آفرینش بود!^۵ بدین‌سان، آنان به عمد بر این حقیقت چشم

می‌پوشند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به وسیله آب شکل گرفت؛^۶ و به وسیله همین آب، دنیای آن زمان غرق و نابود شد.^۷ و به همان کلام، آسمانها و زمین کنونی برای آتش ذخیره شده است و تا روز داوری و هلاکت بی‌دینان نگاه داشته می‌شود.

آنها رفتارشان آنقدر فاسد شده بود که همه چیز را مسخره میکردند و به همه شک داشتند. فراموش کرده بودند که خداوند آدم و حوا و حتی قائن را به خاطر ناطاعتی قضاوت کرد.

پیدایش ۴: ۱۹ تا ۲۳

^{۱۹} لَمِک دوزن گرفت، یکی عاده نام داشت و دیگری ظله. ^{۲۰} عاده، یابال را زایید؛ او پدر چادرنشینان و دامداران بود. ^{۲۱} برادر او یوبال نام داشت؛ او پدر همه نوازندگان بربط و نی بود. ^{۲۲} ظله نیز توبال قائن را زایید، که صانع همه گونه ابزار برنجی و آهنی بود. خواهر توبال قائن، نَعَمه نام داشت. ^{۲۳} لَمِک به زنان خود گفت: «ای عاده، ای ظله، به من گوش فرا دهید، ای زنان لَمِک سخنانم را بشنوید. مردی را به سبب زخمی که به من زد کشتم، و جوانی را به سبب جراحی که بر من وارد آورد.

لَمِک نیز با کشتن مرد جوان به خود فخر میکرد و قضاوت و داوری خدا را فراموش کرده بود.

ج) ساختن، کاشتن، فروختن و خریدن

لوقا ۱۷: ۲۶ تا ۳۷

^{۲۶} روزهای پسر انسان همچون روزهای نوح خواهد بود. ^{۲۷} مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا آن روز که نوح به کشتی درآمد. آنگاه سیل برخاست و همه را هلاک کرد. ^{۲۸} در زمان لوط نیز چنین بود. مردم سرگرم خوردن و نوشیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت بودند. ^{۲۹} اما روزی که لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک کرد. ^{۳۰} روز ظهور پسر انسان نیز به همین گونه خواهد بود. ^{۳۱} در آن روز، کسی که بر بام خانه‌اش

باشد و اثاثیه‌اش در درون خانه، برای برداشتن آنها فرود نیاید. و آن که در مزرعه باشد نیز به خانه بازنگردد. ^{۳۲} زن لوط را به یاد آرید! ^{۳۳} هر که بخواهد جان خویش را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد، و هر که جان خویش را از دست بدهد، آن را محفوظ خواهد داشت. ^{۳۴} به شما می‌گوییم، در آن شب از دو تن که بر یک بسترند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ^{۳۵} و از دو زن که با هم دستاس می‌کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ^{۳۶} نیز از دو مرد که در مزرعه‌اند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ^{۳۷} پرسیدند: «کجا، ای خداوند؟» پاسخ گفت: هر جا لاشه‌ای باشد، لاشخوران در آنجا گرد می‌آیند!

مسیح توضیح می‌دهد که زمان آخر چطور خواهد رسید و آن را با زندگی لوط مقایسه می‌کند. با توجه به کلام باید خاطر نشان کنم که هیچ گناهی در خرید و فروش یا کاشتن و یا ساختن نیست. انسانها با استعدادی که داشتند در حال رشد و توسعه بودند.

لمک سه پسر داشت که فوق العاده در ساخت چادر، پرورش گاو، موزیک و صنعت مهارت داشتند. آنها برای سرگرمی موزیک می‌نواختند. در این زمان نسل قائن، قدرت و ثروت بسیاری داشتند و ساختمانهای بسیاری می‌ساختند اما مذبحی برای قربانی درست نمی‌کردند. زندگی ساده آنها پیچیده، مادی گرا و فاسد شده بود. تمام تفکرات آنها گناه آلود بود. در نتیجه زمین پر از خشونت و گناه شده بود.

پیدایش ۶: ۵ تا ۱۳

^۵ و خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس؛ ^۶ و خداوند از این که انسان را بر زمین ساخته بود، متأسف شد و در دل خود غمگین گشت. ^۷ پس خداوند فرمود: انسان را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهم ساخت، انسان و چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان را، زیرا که از ساختن آنها متأسف شدم. ^۸ اما نوح در نظر خداوند فیض یافت. ^۹ و این است تاریخچه نسل نوح. نوح مردی بود پارسا و در روزگار خویش بی‌عیب. نوح با خدا

راه می‌رفت. ^{۱۰} و نوح سه پسر آورد: سام و حام و یافث. ^{۱۱} باری، زمین در نظر خدا فاسد و آکنده از خشونت شده بود. ^{۱۲} و خدا زمین را دید که اینک فاسد گشته بود، زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند. ^{۱۳} پس خدا به نوح گفت: پایان تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا زمین به سبب آنان آکنده از خشونت شده است. اینک آنان را با زمین نابود خواهم کرد.

آنها نمی دانستند

در آن زمان زندگی هر روزه طبق روال همیشگی پیش میرفت و انسانها به کارهای عادی و روزانه خود مشغول بودند، روز قبل از قضاوت نیز مانند روزهای گذشته بود و هیچ خطاری داده نشد که دقیقا چه موقع روز قضاوت خواهد آمد.

عیسی مسیح اینطور بیان میکند که، آنها هیچ چیزی نمیدانستند تا اینکه سیل جاری شد و همه آنها را نابود کرد.

متی ۲۴ : ۳۹

^{۳۹} و نمی دانستند چه در پیش است. تا اینکه توفان آمد و همه را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود.

الف) آمدن پسر انسان هم اینگونه خواهد بود

نوح موعظه میکرد و به آنها میگفت که روز قضاوت بسیار نزدیک است. اما عکس العمل انسان آلوده به گناه در مورد اخطار نوح چه بود؟ دقیقا همین عکس العملی بوده که امروزه مردم نسبت به روز داوری و قضاوت نشان میدهند. در حال حاضر اکثر افراد میگویند که درباره این موضوع زیاد شنیده اند اما باور ندارند که قضاوتی وجود داشته باشد و همه چیز طبق روال هر روزه پیش خواهد رفت. به قولی آب از آب تکان نمیخورد. اما یک انسان عاقل و با حکمت نه تنها همیشه از کلام خداوند پیروی میکند بلکه خود را برای آمدن خداوند عیسی مسیح و روز داوری و قضاوت آماده خواهد کرد.

ب) شرایط افراطی

قرنها از قضاوت در زمان نوح میگذرد اما همانطور که شاهد هستیم انسانها مانند آن زمان در گناه به سر میبرند زیرا روز داوری را باور نمیکنند و از قضاوت هراسی ندارند.

دوم تیموتائوس ۳: ۱ تا ۴

۱ اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمانهای سخت پیش خواهد آمد. ۲ مردمان خودپرست، پولدوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، ۳ بی‌عاطفه، بی‌گذشت، غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، ۴ خیانتکار، بی‌مبالات و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت.

درست مانند نوح که گفت روز قضاوت نزدیک است اما مردم نپذیرفتند و از گناهانشان توبه نکرده، ایمان نیاوردند. بنابراین ما انسانها که در واپسین روزهای حیات هستیم باید بدانیم که قضاوت خداوند بسیار نزدیک است و هیچ هشدار از قبل برای آمدن خداوند به ما داده نخواهد شد. مسیح گفت: از آن روز و ساعت هیچ کس خبر ندارد حتی فرشتگان آسمان نیز از آن بی‌خبرند، فقط پدر من است که از آن آگاه است.

آمدن خداوند مانند زمان نوح خواهد بود که بسیاری آنرا باور ندارند و سرگرم تفریحات دنیوی خود هستند.

متی ۲۴: ۳۶ و ۳۷

۳۶ هیچ کس آن روز و ساعت را نمی‌داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند. ۳۷ زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود.

نوح آماده بود

شاید نوح فردی عجیب به نظر میرسید زیرا سالها برای ساخت کشتی تلاش میکرد و ایمان داشت که به زودی سیل جاری خواهد شد و بسیاری نابود خواهند گردید. به همین علت به همه هشدار میداد که قبل از آن که دیر شود برای گناهانشان توبه کنند تا نجات خداوند را دریافت کنند. اما آن زمان نوح و سخنانش در نظر مردم موضوعی برای تمسخر و خنده بود ولی زمانی که سیل آمد، نوح یعنی کسی که از خداوند اطاعت کرد، داخل کشتی بود و نجات یافت، درست زمانی که مسخره کنندگانش به خاطر گناهانشان در عذاب بودند.

قطعاً در زمان آمدن خداوند عیسی مسیح نیز چنین خواهد بود. آنهایی که در زندگی از خداوند دوری کردند و از اوامرش اطاعت نکرده، او را خدمت ننمودند، محکومیت و درد را دریافت خواهند کرد و آن کسانی که نافرمانی نکردند و خود را برای روز قضاوت آماده نمودند نجات را دریافت کرده و در شادی ابدی به سر خواهند برد.

مرقس ۸: ۳۴ تا ۳۸

^{۳۴} آنگاه جماعت را با شاگردان خود فرا خواند و به آنان گفت: اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید. ^{۳۵} زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. ^{۳۶} انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد اما جان خود را ببازد؟ ^{۳۷} انسان برای بازیافتن جان خود چه می تواند بدهد؟ ^{۳۸} زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید، از او عار خواهد داشت.



سوالات درس دوم

۱) هدیه قائن چه ایرادی داشت؟

قائن از میوه های روی زمین برای خداوند قربانی آورد در حالیکه قربانی نیاز به خون دارد و باید خونی ریخته شود.

۲) بین هابیل، شیث، خنوخ و نوح چه وجه تشابهی بود؟

ایمان و اطاعت از خداوند.

۳) بعد از ترک کشتی اولین کار نوح چه بود؟

ساختن یک مذبح بود تا برای خداوند روی آن قربانی کند.

۴) منظور از آیه ۳۷ در متی باب ۲۴ چیست؟ (زمان ظهور پسر انسان مانند روزگار نوح خواهد بود.)

ما انسانها که در واپسین روزهای حیات هستیم باید بدانیم که قضاوت خداوند بسیار نزدیک است و هیچ هشدار از قبل برای آمدن خداوند به ما داده نخواهد شد.

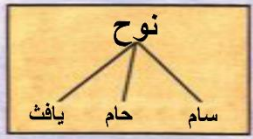
آنهايي که در زندگي از خداوند دوري کردند و از اوامرش اطاعت نکرده، او را خدمت ننمودند، محکومیت و درد را دریافت خواهند کرد و آن کسانی که نافرمانی نکردند و خود را برای روز قضاوت آماده نمودند نجات را دریافت کرده و در شادی ابدی به سر خواهند برد.



پیدایش زبانها و پدید آمدن قومها



پیدایش باب ۱۰
۱ این است پیدایش پسران نوح سام و حام و یافتو از ایشان بعد از طوفان پسران متولد شدند.



پیدایش باب ۱۱
۵ و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند، ملاحظه نماید. ۶ و خداوند گفت «همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را يك زبان و این کار را شروع کرده اند، و الا ان هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان ممتنع نخواهد شد. ۷ اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند.» ۸ پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر باز ماندند. ۹ از آن سبب آنجا را بابل نامیدند، زیرا که در آنجا خداوند لغت تمامی اهل جهان را مشوش ساخت و خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده نمود.

منشأ زبانها و آغاز ملتها

(۱) بعد از طوفان سیل

بعد از سیل، خداوند به نوح و پسرهایش فرمان داد زمین را پر کنند، برای اینکه این فرمان خداوند عملی شود، این وظیفه انسان بود که روی زمین را از نسل خود پر و بارور سازد.

یکبار دیگر اکثریت قاطع انسانها از صدای خدا ناطاعتی کردند. آنها به جای اینکه نسل خود را در تمام زمین پخش کنند، در یک جای مخصوص جمع شدند و در همان مکان تصمیم گرفتند یک شهر بسازند.

۲) برج بابل

تمام انسانهای روی زمین به یک زبان صحبت میکردند.

پیدایش ۱۱: ۱ تا ۴

و اما، تمامی زمین را یک زبان و یک گفتار بود. ^۲ و چون مردم از مشرق کوچ می کردند، در سرزمین شِنعار دشتی هموار یافتند و در آنجا ساکن شدند. ^۳ آنان به یکدیگر گفتند: «بیایید خشتها بزنیم و آنها را خوب بپزیم.» ایشان را خشت به جای سنگ و قیر به جای ملات بود. ^۴ آنگاه گفتند: بیایید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر بر آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم، مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.

الف) خود محوریت مردم

خداوند میخواست که آنها به تمام نقاط دنیا پخش شوند و زاد و ولد کنند تا به جمعیت دنیا افزوده شود. ولی آنها میخواستند شهری بسازند و همینطور برج بلندی را به عنوان مرکز آن شهر که از پراکندگی انسانها جلوگیری کند. آرزوی آنها دقیقاً مخالف خواست و اراده خداوند بود.

ب) زبانهای مختلف معرفی شدند

تا آن روزها همه مردم زمین به یک زبان صحبت میکردند. اساساً فقط یک ملت روی زمین وجود داشت، آنها که یک ملت و دارای یک زبان بودند، تصمیم گرفتند با هم یک شهر بزرگ بسازند. خداوند وقتی دید که آنها از او ناطاعتی میکنند گفت: مردم با هم یکی شدند و همگی به یک زبان صحبت میکنند.

۶ و خداوند گفت: اینک آنان قومی یگانه‌اند و ایشان را جملگی یک زبان است و این تازه آغاز کار آنهاست؛ و دیگر هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان بازداشته نخواهد شد. ۷ اکنون فرود آییم و زبان ایشان را مغشوش سازیم تا سخن یکدیگر را درنیابند.

خداوند زبانهای مختلفی را در میان آنها جاری کرد تا همدیگر را متوجه نشوند و از تلاشهای گناه آلود خود دست بردارند. آنها دیگر نتوانستند با هم صحبت کنند چون زبان یکدیگر را متوجه نمیشدند و دیگر نتوانستند آن هدفی را که داشتند به اتمام برسانند. بنابراین تصمیم گرفتند از همدیگر جدا شوند و به نقاط مختلف روی زمین بروند و زندگی کنند. پس هر کدام که زبان هم را متوجه میشدند یک گروه شدند و به راهی رفتند.

۳) داوری خدا در پراکنده کردن مردم

قضاوت خداوند منشأ زبانها و شروع ایجاد ملت‌های جدید بود. در نتیجه، زمین توسط نوادگان نوح به صورت زیر پرگشت.

الف) پسران سام

۲۱ برای سام نیز، که نیای همه بنی‌عبر و برادر بزرگتر یافث بود، پسران زاده شدند. ۲۲ پسران سام: عیلام، آشور، آرفکشاد، لود و آرام. ۲۳ پسران آرام: عوص، حول، جاتر و ماش.

برخی از ملیتهایی که از این پسران به وجود آمدند ایرانی‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها، عبرانی‌ها، لیدیها، و سوریه‌ای‌ها بودند که در کشورهای ایران، سوریه، آشور، شمال عربستان و بین‌النهرین مستقر شدند.



درس سوم - فصل اول

ب) پسران حام

پیدایش ۱۰: ۶

۶ پسران حام: کوش، مصر، فوط و کنعان.

برخی ملتها که از این نسل به وجود آمدند اتیوپیایی، مصری، لیبی و کنعانی ها بودند که در کشورهای آفریقایی و عربی مستقر شدند.

ج) پسران یافث

پیدایش ۱۰: ۲

۲ پسران یافث: جومر، ماجوج، مدای، یاوان، توبال، ماشک و تیراس.

آنها در کشورهای شوروی (روسیه...)، آلمان، انگلیس، مادها، یونان، ایتالیا و همچنین در آسیای صغیر، قفقاز و اروپا مستقر شدند.

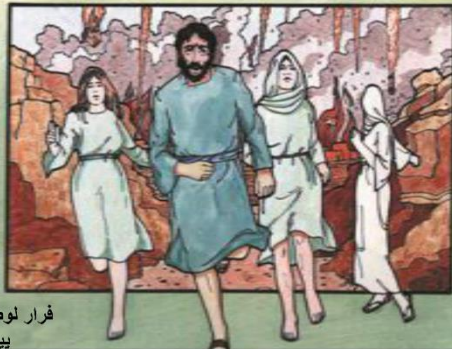
قوم برگزیده زمان انتخاب پدر قوم برگزیده

خداوند ابراهیم را برگزید

پیدایش باب ۱۲
۱ و خداوند به ابرام گفت از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، ۲ و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم و نام تو را بزرگ سازم و تو برکت خواهی بود. ۳ و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خوانند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت

پیمان

جدا شدن ابرام و لوط
پیدایش ۱۳: ۸-۱۳



فرار لوط و خانواده اش از سدوم
پیدایش ۱۹: ۱-۲۸

تولد اسحاق

پیدایش باب ۲۱
۱ و خداوند بر حسب وعده خود، از ساره تفقّد نمود، و خداوند، آنچه را به ساره گفته بود، بجا آورد. ۲ و ساره حامله شده از ابراهیم در پیری اش پسر زایید، در وقتی که خدا به وی گفته بود. ۳ و ابراهیم پسر مولود خود را، که ساره از وی زایید، اسحاق نام نهاد.

میثاق ختنه

پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴

تولد اسماعیل

پیدایش ۱۶: ۱۵
قوم عرب



ابراهیم پسرش اسحاق را به عنوان قربانی به خداوند تقدیم می کند
پیدایش ۲۲: ۱-۱۴

فرمان به پدر قوم (ریش سفید قوم، بزرگ خاندان)

(۱) ابراهیم

در همان زمانها، خداوند بر روی زمین نگاه کرد و یک مرد را که میتواندست با او عهدی ببندد پیدا نمود. این مرد از کلدانیان بود و با پدرش تارح زندگی میکرد. اسم این مرد ابرام بود، خداوند به ابرام گفت که کشور و خانواده اش را رها کند و راهی سرزمینی شود که خداوند به او نشان خواهد داد. خداوند به ابرام وعده داد که از او یک ملت عالی خواهد ساخت.

درس سوم - فصل دوم

پیدایش ۱۲: ۲ و ۳

۲ از تو قومی بزرگ پدید خواهیم آورد و تو را برکت خواهیم داد؛ نام تو را بزرگ خواهیم ساخت و تو برکت خواهی بود. ۳ برکت خواهیم داد به کسانی که تو را برکت دهند، و لعنت خواهیم کرد کسی را که تو را لعنت کند؛ و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت.

ابراهیم از خداوند اطاعت نموده، خانه پدری خود را ترک کرد. آن زمان ابرام ۷۵ ساله بود. او به همراه خود، سارای و برادرزاده اش لوط را به سرزمین کنعان برد. وقتی که خداوند ابرام را فراخواند او هیچ فرزندی نداشت. یکی از وعده های خداوند به ابرام این بود: من از تو یک ملت عالی به وجود خواهم آورد. این وعده پس از سالها به انجام رسید.

تثنیه ۴: ۶

۶ پس آنها را نگاه داشته، به جای آرید، زیرا این است حکمت و فهم شما در نظر قومهایی که چون همه این فرایض را بشنوند، خواهند گفت: بدرستی این قوم بزرگ، مردمانی حکیم و فهیمند.

اول پادشاهان ۳: ۸ و ۹

۸ نیز خدمتگزاری میان قوم برگزیده تو است، قومی عظیم و چنان کثیر که آنها را نتوان شمرد و حساب نتوان کرد. ۹ پس به خدمتگزار خویش دلی فهیم عطا کن تا بر قوم تو حکم براند، و نیک را از بد تمیز دهد. زیرا کیست که توانایی حکم راندن بر این قوم عظیم تو را داشته باشد؟

یوشع ۲۱: ۴۳ تا ۴۵

۴۳ پس خداوند تمامی آن سرزمینی را که سوگند خورده بود به پدران ایشان بدهد، به اسرائیل بخشید. آنان این سرزمین را به تصرف درآوردند و در آنجا مسکن گزیدند. ۴۴ خداوند طبق هر آنچه برای

پدرانشان سوگند خورده بود، از هر سو به آنان آسایش بخشید. هیچ‌یک از دشمنان ایشان نتوانست در برابر آنها بایستد، زیرا خداوند همه دشمنان ایشان را به دست آنها تسلیم کرد.^{۴۵} از همه چیزهای نیکویی که خداوند به خاندان اسرائیل وعده داده بود، حتی یک کلمه بر زمین نیفتاد، بلکه همگی به انجام رسید.

(۲) ملت عرب

مدت زمانی گذشت و هیچ اتفاقی در زندگی ابرام و سارای پیش نیامد. بالاخره به عنوان انسان خاکی وقتی ما میبینیم که از خداوند جوابی دریافت نمیکنیم تصمیم میگیریم کاری را که بنظر خودمان درست است انجام دهیم. سارای تا بحال فرزندی نزیایده بود و کنیزی مصری به نام هاجر داشت.

پیدایش ۱۶: ۲

^۲ پس سارای به ابرام گفت: «خداوند مرا از آوردن فرزندان باز داشته است. پس به کنیز من درآی؛ شاید به واسطه او صاحب فرزندان گردم». ابرام به سخن سارای گوش گرفت.

ابرام به نصیحت سارای گوش داد و آن کاری را که گفته بود انجام داد و نتیجه آن پسری به نام اسماعیل بود. در آن زمان ابرام ۸۶ ساله بود آنها بنظر خودشان میخواستند به خداوند کمک کنند که این کار هر چه سریعتر انجام شود، چونکه مدت زیادی صبر کردند و هیچ چیزی اتفاق نیافتاد. ابرام و سارای با این عملشان ناراحتیهای زیادی را وارد خانواده هاشان کردند. اسماعیل و اسحاق درگیریهای زیادی را با هم داشتند. این تخم کدورت را خود ابرام و سارای کاشتند برای همین امروزه شاهد دشمنی مردم عرب و اسرائیل هستیم. ملت‌هایی که از این دو مرد به وجود آمدند.

۳) عهد خداوند با ابراهیم

پیدایش ۱۷: ۱ و ۲

چون ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: من هستم خدای قادر مطلق؛ پیش روی من گام بردار و کامل باش. ^۲ عهد خویش را میان خود و تو خواهم بست و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید.

پیدایش ۱۷: ۳ تا ۶

^۳ آنگاه ابرام به روی درافتاد و خدا به او فرمود: ^۴ و اما من! این است عهد من با تو: تو پدر قومهای بسیار خواهی بود. ^۵ نام تو از این پس دیگر ابرام خوانده نخواهد شد، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود، زیرا که تو را پدر قومهای بسیار گردانیده‌ام. ^۶ تو را بسیار بسیار بارور خواهم ساخت؛ از تو قومها پدید خواهم آورد، و پادشاهان از تو به وجود خواهند آمد.

خداوند همچنین اسم سارای را به ساره عوض کرد. سارای یعنی شاهزاده، ساره یعنی شاهزاده من، سپس خداوند نشانه ای برای عهد خود داد. او به ابراهیم گفت: این عهد من است که تو باید نگاهداری و قول بدهی که هم تو و هم فرزندان تو در نسلهای آینده این پیمان را حفظ کنند.

پیدایش ۱۷: ۱۰ و ۱۱

^{۱۰} این است عهد من، که باید آن را نگاه دارید، عهدی میان من و شما، و نسل تو، پس از تو: هر فرزند ذکوری از شما باید ختنه شود. ^{۱۱} گوشت قُلْفَه خود را ختنه کنید و این نشان عهدی خواهد بود که میان من و شماست.

سپس ابراهیم پسر خود اسماعیل و تمام مردهایی را که برای او کار میکردند ختنه کرد. دقیقاً همان روز که خداوند با وی عهد بست، او هم برای اینکه به وعده خود عمل کند اینکار را انجام داد.

۴) جدایی

نزاع میان دامداران ابراهیم و لوط آغاز شده بود، آنها دیگر نمیتوانستند یکدیگر را تحمل کنند. مشکلشان ثروت بیش از حد ابراهیم و لوط بود. به دلیل زیادی گله، چادرها و زمینی که برای هر دو کافی نبود، همیشه با هم اختلاف داشتند. به همین علت ابراهیم به لوط گفت:

پیدایش ۱۳: ۸ و ۹

^۸ پس ابرام به لوط گفت: میان من و تو، و میان شبانان من و شبانان تو جدال نباشد، زیرا ما برادریم. ^۹ آیا تمامی این سرزمین پیش روی تو نیست؟ التماس دارم از من جدا شوی. اگر تو به جانب چپ روی، من به جانب راست خواهم رفت، و اگر تو به جانب راست روی، من به جانب چپ خواهم رفت.

الف) انتخاب لوط

ابراهیم نسبت به لوط خیلی مهربان بود به همین دلیل اجازه داد که او اول انتخاب کند که به چه سمتی برود. لوط خوب به اطراف نگاه کرد و دید که تمام دشت اردن و تمام راه صوغر مانند باغ خداوند و یا مانند زمین مصر، آب فراوان دارد پس همانجا را برای خود انتخاب نموده و به طرف شرق حرکت کرد. به این ترتیب آنها از هم جدا شدند. این دقیقاً مسیری بود که به سدوم ختم میشد. لوط مسیر اشتباهی را انتخاب کرد به این دلیل که مردم آن شهر بسیار شریر بودند و گناه میکردند. ثابت شده است که اگر شما به طرف گناه بروید زندگی پر خطری خواهید داشت.

ب) قضاوت در برابر گناه

خدا ستم و شرارت را در شهرهای سدوم و عموره مشاهده کرد. شهری که لوط برادرزاده ابراهیم همراه با خانواده اش در آنجا زندگی میکردند.

خداوند بر ابراهیم ظاهر شد و گفت که میخواهد این شهرها را بخاطر گناه زیادی که میکنند نابود کند. ابراهیم میدانست که لوط و خانواده اش در این شهر زندگی میکنند پس ابراهیم به خداوند گفت: آیا تو میخواهی بیگناهان را هم همراه گناهکاران نابود کنی؟ خداوند گفت: چه میخواهی بگویی؟ ابراهیم گفت: اگر ۱۰ نفر بیگناه در این شهر باشند تو آنها را نابود خواهی کرد؟ خداوند گفت: اگر ۱۰ نفر بیگناه پیدا کنم آنجا را نابود نمیکنم ولی متأسفانه حتی ۱۰ نفر بیگناه در آن شهر نبود.

ج) فرشتگان رحمت

فرشتگان لوط را ملاقات کردند و او را بهمراه همسر و دو تا از دخترانش که هنوز ازدواج نکرده بودند از شهر خارج کردند. دعایی که ابراهیم کرد شهر را نجات نداد ولی لوط و خانواده اش را از قضاوت خداوند نجات داد.

لوط بسیار خوشحال بود از اینکه عمویی دارد که به خداوند خیلی نزدیک است. به خاطر خطای بزرگی که لوط در انتخابش کرد نزدیک بود دخترانش با کسانی ازدواج کنند که در گناه بودند. متأسفانه به خاطر اشتباهی که همسرش انجام داد موقع خارج شدن از شهر سدوم، وقتی به عقب برگشت که ببیند چه اتفاقی بر سر شهر افتاده به کوهی از نمک تبدیل شد. چون فرشته به آنها گفته بود که وقتی از شهر خارج میشوید حتی به پشت سر خودتان هم نگاه نکنید. به خاطر شرارت بیش از حد مردم آن شهر، خداوند همه آنها را با آتش و گوگرد نابود کرد. امروز شما نمیتوانید حتی این شهر را در مکان خود یافت کنید. برخی از دانشمندان کتاب مقدس معتقدند تخریب این شهرها ممکن است با شکل گیری دریای مرده ارتباط داشته باشد.

درس سوم - فصل دوم

قضاوتی که خداوند بر شهرهای سدوم و عموره کرد، این را همیشه به یاد انسان خواهد آورد که هر کسی که از خداوند ناطاعتی کند همین بلاها نصیب او خواهد شد.

دوم پطرس ۲: ۶

۶ و اگر شهرهای سدوم و عموره را خاکستر نمود و به نابودی محکوم کرد و عبرتی ساخت از سرانجام بی‌دینی.

نویسنده ای میگوید زندگی مسیحی هیچ فرقی با یک رودخانه ندارد، رودخانه در اوایل خیلی آرام بنظر میرسد ولی بعد از مدتی سر از آبشار در می آورد و به پایین فرو میریزد. این آبشار در زندگی روحانی مثل آمدن خداوند در روز قضاوت میباشد. زندگی ما هم یک روز در این دنیا به اتمام میرسد و تا این زمان حملات، مشکلات و وسوسه خواهد بود. ما باید این موضوع را بخاطر بسپاریم و خود را برای آبشار آخرت آماده کنیم. خود مسیح گفت که بر شما چنان خواهند کرد ولی این را بدانید که شما را تنها نخواهم گذاشت و تا ابد با شما خواهم بود. پس ما هم باید توجه مان را بر عیسی مسیح بگذاریم تا او هم از ما محافظت کند تا زمانی که بر میگردد.

۵) اسحاق پسر وعده

در آخر، در زمان خداوند ساره حامله شد و پسری به دنیا آورد. ابراهیم نام پسر را اسحاق نامید و وقتی هشت روز از تولدش گذشت او را ختنه کرد.

در آن زمان ابراهیم ۱۰۰ سال داشت وقتی که اسحاق به دنیا آمد خداوند به وعده خود عمل کرد اما هنوز ایمان ابراهیم را آزمایش نکرده بود که ببیند چقدر به خدا اطمینان دارد.

الف) ایمان ابراهیم آزمایش میشود

پیدایش ۲۲: ۱ و ۲

و اما ایامی چند پس از این وقایع، خدا ابراهیم را آزموده، بدو فرمود: «ای ابراهیم!» پاسخ داد: لیبک! ^۲ گفت: پسرت را که یگانه پسر توست و او را دوست می‌داری، یعنی اسحاق را برگیر و به سرزمین موریا برو، و او را در آنجا بر یکی از کوههایی که به تو خواهم گفت، چون قربانی تمام‌سوز تقدیم کن.

فکر میکنید ابراهیم چه تصمیمی گرفت؟ خداوند به او وعده پسر داده بود و این وعده سالها طول کشید تا انجام شد. حالا خداوند به ابراهیم میگوید که او را برای خداوند قربانی کن. اگر شما بودید چکار میکردید؟ اگر خداوند امروز این درخواست را از من بکند شاید انجام ندهم.

ابراهیم ایمان قوی در خداوند داشت، به هر حال او میدانست که اسحاق پسر وعده بود که خداوند به او داده بود و باور داشت که از طریق اسحاق خداوند فرزندان بیشماری به وجود خواهد آورد. او میدانست حتی اگر اسحاق را برای خداوند قربانی کند، خداوند قادر است او را از مردگان زنده کند تا حرفش را ثابت نماید.

عبرانیان ۱۱: ۹ تا ۱۷

^۹ به ایمان بود که در سرزمین موعود، همچون بیگانه‌ای در دیار غریب خانه به دوش گردید و همانند اسحاق و یعقوب که با او وارث همان وعده بودند، در خیمه‌ها ساکن شد. ^{۱۰} زیرا چشم‌انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده‌اش خداست. ^{۱۱} به ایمان بود که ابراهیم توانایی یافت نسلی داشته باشد، با اینکه سارای نازا و خود او نیز سالخورده بود؛ چرا که وعده‌دهنده را امین شمرد. ^{۱۲} این گونه، از یک تن، آن هم از کسی که تقریباً مرده بود، نسلی کثیر همچون ستارگان آسمان، و بی‌شمار مانند شنهای

کناره دریا، پدید آمد. ^{۱۳} اینان همه در ایمان در گذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین، بیگانه و غریبند. ^{۱۴} آنان که چنین سخن می‌گویند، آشکارا نشان می‌دهند که در جستجوی وطنی هستند. ^{۱۵} اگر به سرزمینی می‌اندیشیدند که ترکش کرده بودند، فرصت بازگشت می‌داشتند. ^{۱۶} اما مشتاق سرزمینی نیکوتر بودند، مشتاق وطنی آسمانی. از همین رو، خدا عار ندارد خدای ایشان خوانده شود، زیرا شهری برایشان مهیا کرده است. ^{۱۷} به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را به عنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند.

ب) اطاعت ابراهیم

پیدایش ۲۲: ۳

^۳ پس، صبح زود، ابراهیم برخاسته، الاغ خود را زین کرد و دو تن از نوکران خویش را با پسرش اسحاق برگرفته، هیزم برای قربانی تمام‌سوز شکست و به سوی جایی که خدا به او گفته بود، روانه شد.

پیدایش ۲۲: ۴

^۴ روز سوم، ابراهیم چشمانش را برافراشت و آنجا را از دور دید.

ایمان ابراهیم در مورد فرمان خداوند به او کاملاً روشن است.

پیدایش ۲۲: ۵

^۵ آنگاه به نوکرانش گفت: شما همین جا نزد الاغ بمانید تا من با پسر به آنجا برویم، و پرستش کرده، نزد شما باز آییم.

توجه کنید در این آیه ابراهیم میگوید بعد از پرستش نزد شما باز آییم. او معتقد بود خداوند در قبال کارهایی که از او خواسته اهداف الهی داشته است.

ج) ابراهیم به ایمان خود ادامه داد

در مسیر ابراهیم متوجه شد اسحاق فهمیده که همه چیز را دارند ولی قربانی در کار نیست.

پیدایش ۲۲: ۷ و ۸

۷ و اما اسحاق به پدرش ابراهیم گفت: «پدر؟» پاسخ داد: «بله، پسرم؟» گفت: «این از آتش و هیزم، ولی بره قربانی تمام سوز کجاست؟»^۸ ابراهیم پاسخ داد: «پسرم، خدا بره قربانی را برای خود فراهم خواهد کرد.» پس هر دو با هم می‌رفتند.

بعد از اینکه مذبح را آماده کردند، ابراهیم دست و پاهای اسحاق پسرش را بست، او را روی مذبح گذاشت و بعد ابراهیم دستش را دراز کرد و چاقوی خود را درآورد که پسر خود را برای خداوند قربانی کند. در همان لحظه فرشته خداوند ابراهیم را صدا کرد، ابراهیم، ابراهیم.

ابراهیم جواب داد بله خداوند.

پیدایش ۲۲: ۱۲

۱۲ فرشته گفت: دست بر پسر دراز مکن و کاری با او نداشته باش! اکنون می‌دانم که از خدا می‌ترسی، زیرا پسر، آری یگانه پسر را، از من دریغ نداشتی.

ایمان ابراهیم از طریق دادن عزیزش به خداوند آزمایش شد او از این طریق پیروزی بزرگی را بدست آورد. بعد از اینکه ابراهیم صدای فرشته را شنید، دید که قوچی در میان بیشه‌ها گرفتار است. ابراهیم قوچ را گرفت و آن را به جای پسرش، چون قربانی تمام سوز تقدیم کرد.

این عمل ابراهیم که در سالهای خیلی دور انجام شد نبوتی بود که خداوند در آن زمان به تمام دنیا کرده بود در مورد عیسی مسیح که در جسم به عنوان قربانی خواهد آمد و گناهان تمام دنیا را خواهد برداشت.

یوحنا ۱: ۲۹

۲۹ فردای آن روز، یحیی چون عیسی را دید که به سویش می‌آید، گفت: این است بره خدا که گناه از جهان برمی‌گیرد!

اول تیموتائوس ۳: ۱۶

۱۶ به یقین که راز دینداری بس عظیم است: او در جسم ظاهر شد، به واسطه روح تصدیق گردید، فرشتگان او را دیدند، بر قومها موعظه شد، جهانیان به او ایمان آوردند، و با جلال، بالا برده شد.

ایمان چه چیز عجیب و غریبی است. در قدیم مردم با اسب مسافرت میکردند و باید از رودخانه‌ها و لجن‌زارها عبور میکردند و اگر به عمق رودخانه‌ها یا گردابهای آن تمرکز میکردند سرشان گیج میرفت و داخل گرداب از بین میرفتند ولی اگر سرشان را بالا میگرفتند و به آن طرف رودخانه فکرشان را تمرکز میکردند میتوانند از آنجا عبور کنند. زندگی روحانی هم به همین صورت است. خیلی از ما به مشکلات این دنیا تمرکز میکنیم و در آن فرو رفته، از هدف دور میشویم ولی اگر چشمهایمان را به عیسی بدوزیم و روی صخره، زندگیمان را بنا کنیم و با ایمان قدم برداریم از طوفانهای این دنیا رهایی خواهیم یافت و به مقصد اصلی خواهیم رسید.

قوم برگزیده

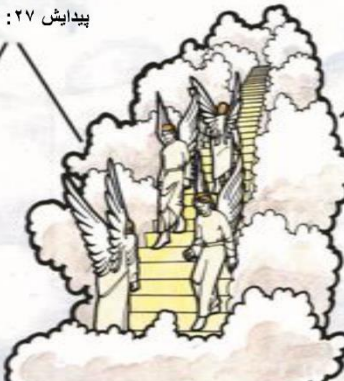
پیدایش ۲۵: ۲۱-۲۶

اسحاق

عيسو يعقوب

يعقوب بركت را ربود

پیدایش ۲۷: ۲۶-۳۳



روای ملاقات يعقوب با خداوند

پیدایش ۲۸: ۱۰-۲۲


وعده

پیدایش باب ۲۵


۲۱ و اسحاق برای زوجه خود، چون که نژاد بود، نزد خداوند دعا کرد. و خداوند او را مستجاب فرمود و زوجه اش رفقه حامله شد. ۲۲ و دو طفل در رحم او منازعت می کردند. او گفتاگر چنین باشد، من چرا چنین هستم پس رفت تا از خداوند بپرسد. ۲۳ خداوند به وی گفتدو امت در بطن تو هستند، و دو قوم از رحم تو جدا شوند و قومی بر قومی تسلط خواهد یافتو بزرگكوك را بندگان خواهد نمود. ۲۴ و چون وقت وضع حملش رسید، اینك توآمان در رحم او بودند. ۲۵ و نخستین سرخ قام بیرون آمد و تمامی بدنش مانند پوستین پشمین بود. و او را عيسو نام نهادند. ۲۶ و بعد از آن برادرش بیرون آمد و پاشنه عيسو را به دست خود گرفته بود و او را يعقوب نام نهادند. و درحین ولادت ایشان اسحاق شصت ساله بود. ۲۷ و آن دو پسر، نمو کردند، و عيسو صیادی ماهر، و مرد صحرايی بود. و اما يعقوبمرد ساده دل و چادر نشین ۲۸ و اسحاق عيسو را دوست داشتی زیرا که صید او را می خورد. اما رفقه يعقوب را محبت نمودی

يعقوب نخست زادگی را برای خود خرید

پیدایش ۲۵: ۲۹-۳۴



تغییر نام يعقوب به اسرائیل



يعقوب و عيسو

از طریق اسحاق خداوند فرزندان زیادی را به ابراهیم وعده داده بود. ربکا همسر اسحاق دو پسر به نامهای عيسو و يعقوب داشت. این دو برادر مانند قائن و هابیل با هم فرق داشتند.

خداوند به ربکا گفت: دو قوم در رحم تو هستند و دو ملت از بطن تو جدا خواهد شد. یکی نیرومندتر از دیگری خواهد بود و بزرگ کوچک را خدمت خواهد کرد.

عيسو پسر بزرگ، یک شکارچی حيله گر و همین طور مرد صحرا بود ولی يعقوب مردی از دشت و چادر نشین بود.

۱) عیسو حق نخست زادگی خود را میفروشد

روزی در حالیکه یعقوب آشی را تهیه میکرد عیسو از صحرا خسته و گرسنه به او نزدیک شد و گفت: بگذار کمی از این آش سرخ بخورم زیرا دیگر رمقی در من نمانده است. به نظر میرسد عیسو مردی بود که بیشتر با مسائل جسمی و فیزیکی سر و کار داشت، مرد شروری بود و بیشتر وقتش را خارج از خانه به سر میبرد. موقعی که گرسنه بود رضایت اشتها خود را مهمترین چیزها در جهان میدانست.

در طرف دیگر یعقوب از زندگی که خداوند به او بخشیده بود خیلی سپاسگزار بود. هرچند که او کامل نبود ولی وقتی عیسو از او خواست که پیاله ای آش به او بدهد در جواب گفت: اول حق نخست زادگیت را به من بفروش.

در آن زمان نخست زادگی امتیاز بزرگی بود که به پسر اول میدادند و به حرف او احترام میگذاشتند. این اجازه را نیز به او میدادند که اولین کسی باشد که ادعا در ارث میکند. عیسو بیشتر در زمان حال متمرکز بود تا زمان آینده. اگر چیزی را میخواست، حاضر بود همان لحظه برای آن همه چیز بدهد و به آینده فکر نمیکرد که چه چیزی از دست میدهد. برای همین در پیدایش ۲۵ : ۳۲ میخوانیم که چه جوابی به یعقوب میدهد:

پیدایش ۲۵ : ۳۲

۳۲ عیسو گفت: اینک، من به حال مرگ افتاده‌ام. از حق نخست زادگی مرا چه سود؟

پیدایش ۲۵ : ۳۳ و ۳۴

۳۳ ولی یعقوب گفت: اول برایم سوگند بخور. پس برای او سوگند خورد و حق نخست زادگی خود را به یعقوب فروخت. ۳۴ آنگاه یعقوب نان و آش عدس به عیسو داد. عیسو خورد و نوشید و سپس برخاست و رفت. بدین گونه عیسو حق نخست زادگی خود را خوار شمرد.

چقدر غم انگیز است وقتی به جای آینده، زمان حال را برای خود انتخاب میکنیم و به مال دنیا قانع میشویم و به چیزی که خداوند در آینده به ما خواهد داد، فکر نمیکنیم.

دوم قرنیتان ۴: ۱۸

۱۸ پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می‌دوزیم، زیرا دیدنیها گذرا، اما نادیدنیها جاودانی است.

۲) یعقوب نعمت یا برکت را میدزدد

وقتی که یعقوب نخست زادگی عیسو را از او گرفت این تنها برکت خانواده نبود، اسحاق در آن زمان چشمهایش خیلی ضعیف شده بود و همه چیز را خوب نمیدید برای همین قبل از مرگش عیسو، پسری که برایش خیلی عزیز بود را خبر کرد و به او گفت: ای پسر من اینک من پیر شده ام و روز مرگ خود را نمیدانم پس اکنون تیر و کمان خود را بردار، به صحرا رفته، چیزی برایم شکار کن و غذایی را که دوست دارم برایم درست کن تا بخورم و پیش از مردنم تو را برکت دهم.

زمانی که اسحاق با عیسو سخن میگفت ربکا شنید. وقتی که عیسو برای شکار به صحرا رفت ربکا به یعقوب گفت: من سخنان پدرت را شنیدم که به برادرت عیسو گفت برایم شکاری بیاور تا بخورم و تو را برکت دهم. پس ربکا پوستی از بز تهیه کرد و بر دستهای یعقوب قرار داد چون عیسو خیلی پشمالو بود پس لباس عیسو را به یعقوب داد و غذایی لذیذ برای اسحاق فراهم کرد تا قبل از آمدن عیسو، یعقوب بتواند این برکت را از اسحاق دریافت کند.

وقتی یعقوب غذا را برای اسحاق آورد گفت: پسرم نزدیک بیا تو را لمس کنم و بدانم عیسو هستی یا نه. یعقوب به پدرش نزدیک شد و اسحاق او را لمس کرد و گفت: صدا صدای یعقوب است اما دستهای دستهای عیسو میباشد پس او را شناخت و برکت داد.

مدت زمان کوتاهی بعد از اینکه یعقوب از پدرش جدا شد، عیسو وارد چادر اسحاق شد و گفت: پدر، عیسو هستم و غذای مورد علاقه ات را آورده ام. آن را بخور و مرا برکت بده. اسحاق باور نمی‌کرد که یعقوب او را فریب داده و تمام برکت را از او گرفته باشد. او دیگر چیزی نداشت که به عیسو عطا کند. پس عیسو تا شنید که اسحاق تمام برکتها را از او گرفته بسیار ناراحت شد و فریاد بلندی کشیده، قسم خورد که برادرش را خواهد کشت. ربکا این را شنید و تصمیم گرفت که یعقوب را از آنجا خارج کند و پیش برادرش لابان بفرستد.

۳) ملاقات یعقوب با خداوند

در پیدایش می‌خوانیم که چطور یعقوب با خداوند ملاقاتی داشت.

پیدایش ۲۸: ۱۰ تا ۱۷

۱۰ و اما یعقوب بئرشبَع را ترک گفته، به سوی حَران روانه شد. ۱۱ و به مکانی رسید و شب را در آنجا به سر برد، زیرا آفتاب غروب کرده بود. او سنگی از آنجا برگرفت و زیر سر خود نهاد، در همان جا خوابید. ۱۲ و خوابی دید که اینک پلکانی بر زمین بر پاست که سرش به آسمان می‌رسد و فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند. ۱۳ و هان خداوند بر بالای آن ایستاد و گفت: من یهوه، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق هستم. سرزمینی را که بر آن خفته‌ای به تو و به نسل تو خواهم داد. ۱۴ نسل تو همچون غبار زمین خواهند بود، و تو به غرب و شرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد. همه طوایف زمین به واسطه تو و نسل تو برکت خواهند یافت. ۱۵ اینک من با تو هستم و تو را هر جا که بروی محافظت خواهم کرد و تو را به این سرزمین باز خواهم آورد. زیرا تا زمانی که آنچه را به تو وعده دادم به جا نیاورم، رهایت نخواهم کرد. ۱۶ آنگاه یعقوب از خواب برخاست و گفت: بی‌گمان خداوند در این مکان است و من ندانستم. ۱۷ پس ترسان شده، گفت: این مکان چه ترسناک است! این جز خانه خدا

نیست؛ این است دروازه آسمان.

۴) یعقوب خانه خدا را به یاد می آورد

پیدایش ۲۸: ۱۸ تا ۲۲

۱۸ صبح زود، یعقوب سنگی را که زیر سر نهاده بود برگرفت و آن را همچون ستونی بر پا داشت و بر سر آن روغن ریخت. ۱۹ و آنجا را بیتِ تیل نامید، حال آنکه نام آن شهر نخست لوز بود. ۲۰ آنگاه یعقوب نذر کرده، گفت: اگر خدا با من باشد و مرا در این راه که می‌روم محافظت کند و مرا نان برای خوردن و لباس برای پوشیدن عطا فرماید، ۲۱ تا به سلامت به خانه پدری بازگردم، آنگاه یهوه خدای من خواهد بود ۲۲ و این سنگ که آن را همچون ستونی بر پا داشتم خانه خدا خواهد بود و از هر چه به من بدهی، ده یک آن را به یقین به تو خواهم داد.

بنابراین خداوند عهدی را که با ابراهیم و اسحاق بسته بود با یعقوب تازه کرد.

۵) یعقوب با فرشته خداوند کشتی میگیرد

بیست سال بعد از اینکه یعقوب با دایی خود زندگی کرد و برای خود خانواده ای تشکیل داد تصمیم گرفت تا قبل از مرگ پدرش، او را ملاقات کند. بین راه شنید که برادرش در راه است تا او را ملاقات کند، همین باعث ترس یعقوب شد چون برادرش کینه بدی از او داشت. پس او خانواده خود را به جلو فرستاد و خودش عقب ماند. در این مدت فرشته خداوند با یعقوب ملاقاتی داشت و تا طلوع آفتاب با او کشتی گرفت، وقتی که فرشته دید نمیتواند یعقوب را مغلوب کند، ضربه ای به ران یعقوب زد و ران او از جا در رفت. پس گفت: بگذار بروم. یعقوب گفت: تا مرا برکت ندهی نمیگذارم بروی. فرشته پرسید: اسم تو چیست؟ گفت: اسم من یعقوب است. فرشته گفت: از این به بعد اسم تو یعقوب نخواهد بود. تو با خدا و انسان مبارزه کردی و پیروز شدی از این پس اسم تو اسراییل خواهد بود.

۲۴ و یعقوب تنها ماند و مردی تا سپیده‌دم با او کشتی می‌گرفت. ۲۵ چون آن مرد دید که بر یعقوب چیره نمی‌شود، بیخ ران یعقوب را گرفت، چنانکه بیخ ران او به هنگام کشتی با آن مرد از جای در رفت. ۲۶ آنگاه آن مرد گفت: «بگذار بروم زیرا سپیده بردمیده است.» اما یعقوب پاسخ داد: تا مرا برکت ندهی نمی‌گذارم بروی. ۲۷ مرد از او پرسید: «نام تو چیست؟» پاسخ داد: یعقوب. ۲۸ آنگاه آن مرد گفت: از این پس نام تو نه یعقوب بلکه اسرائیل خواهد بود، زیرا با خدا و انسان مجاهده کردی و چیره شدی. بدلیل پافشاری یعقوب برکتی را که از خداوند میخواست، دریافت نمود و وقتی آن محل را ترک کرد، انسان دیگری شده بود.

یعقوب به معنای جایگزین و نیز فریبنده میباشد و اسم جدیدش اسرائیل به معنی کسی که با خدا مبارزه میکند. خداوند علامتی نیز روی بدن او گذاشته بود که هر وقت لنگ میزد او را بیاد ملاقاتش با خداوند می‌انداخت.

مسلماً وقتی فردی وارد حضور خداوند میشود و تصمیم میگیرد از خداوند بهترینها را دریافت کند تغییرات معجزه آسایی رخ میدهد و او هرگز همان انسان معمولی نخواهد بود.

قوم برگزیده

پسران یعقوب
(دوازده قبیله اسرائیل)

- رئوین
- شمعون
- لاوی
- یهودا
- یساکار
- زبولن
- دان
- نفتالی
- اشیر
- جاد
- یوسف
- بنیامین

پیدایش ۴۸: ۵-۶
پیدایش ۴۹: ۳-۲۷

یوسف فروخته شد توسط برادرانش
پیدایش ۳۷: ۱۲-۲۸

اسرائیل در سرزمین جوشن مستقر شد
پیدایش ۴۷: ۱۱-۱۲
یوسف برادرانش را بخشید

اسرائیل به اسارت میرود
خروج ۱: ۸-۱۴

پیدایش باب ۴۵
۵ حالا از اینکه مرا به اینجا فروختید
نگران نباشید و خود را سرزنش نکنید. در
واقع این خدا بود که مرا قبل از شما به اینجا
فرستاد تا زندگی مردم را نجات دهد.

یوسف به زندان افتاد
پیدایش باب ۳۹

تعبیر رویای فرعون توسط یوسف
پیدایش باب ۴۱

یوسف

خداوند دوباره عهدش را با یعقوب تایید کرد وقتی که پدر دوازده پسر شد. پسران یعقوب از این قرارند:

پیدایش ۳۵: ۲۳ تا ۲۶

۲۳ پسران لیه: رئوبین، نخست زاده یعقوب، و شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و زبولن. ۲۴ پسران راحیل:

یوسف و بنیامین. ۲۵ پسران بلهه که ندیمه راحیل بود: دان و نفتالی. ۲۶ پسران زلفه که ندیمه لیه بود: جاد

و اشیر. اینانند پسران یعقوب که در فدآن آرام برای وی زاده شدند.

خداوند یکی از فرزندان یعقوب بنام یوسف را انتخاب کرده بود تا در آینده باعث نجات خانواده اش شود.

(۱) یوسف به مصریها فروخته شد

یوسف به خداوند بسیار نزدیک و به صدای او حساس بود. وقتی برادران او میدیدند که پدرشان یوسف را بیشتر از آنها دوست دارد خیلی نسبت به او حسادت میکردند.

بعد از مدتی یوسف خوابی میبیند که این طور تفسیر میشد: روزی خواهد رسید که برادران او و پدر و مادرش در مقابل او تعظیم خواهند کرد. بعد از اینکه رویای خود را برای آنها تعریف نمود، دشمنی برادرانش نسبت به او بیشتر شد.

یک روز وقتی برادران یوسف برای چرا به صحرا رفته بودند، یعقوب به یوسف گفت: برو و از برادرانت برای من خبری بیاور. زمانیکه برادران، یوسف را دیدند، تصمیم گرفتند برای همیشه از شر او خلاص شوند. او را در چاهی انداختند و بعد او را به بیست سکه نقره به بازرگانی که از آنجا عبور میکرد فروختند. آن بازرگان یوسف را به مصر برد و او را در آنجا به یکی از افسران پادشاه مصر فروخت.

(۲) فریب یعقوب

بعد از اینکه یوسف را فروختند، برادران او ردایی که پدرش به یوسف داده بود را در خون حیوانی که کشته بودند، قرار دادند تا به خون آغشته شود و بعد آن لباس را به حضور یعقوب آورده و از او سوال کردند: این ردای پسر شماست؟

یعقوب گفت: بله و ادامه داد: یک حیوان شیطانی، پسر مرا خورده است. یعقوب از غصه لباس خود را پاره کرده، لباس سوگواری پوشید و مدت درازی برای پسرش ماتم گرفت.

در همین حال یوسف از کرده برادرانش ناراحت نبود و به عنوان یک مرد با وجدان و باخدا سعی خود را میکرد که خدمتگزار باوفایی برای پوتیفار افسر مصری باشد.

یوسف به خاطر کاری که برادرانش با او کردند هر دلیل و بهانه ای برای تلخ شدن داشت ولی به جای آن ارباب خود را با احترام خدمت میکرد. پوتیفار دید خداوند با یوسف است و او را در هر کاری موفق میسازد بنابراین از او خوشش آمد و یوسف را خادم مخصوص خود کرد و تمام دارایی خود را بدست او سپرد و دیگر کاری به کار خانه نداشت مگر غذایی که میخورد.

۳) وسوسه یوسف

آزمایشهای یوسف تمام نشده بود، او مرد خوش هیکل و زیبایی بود و زن پوتیفار هم از او خوشش آمده بود و دنبال فرصتی میگشت که به او نزدیک شود ولی یوسف از او فرار میکرد و نمیخواست که در وسوسه بیفتد. اما یک روز که برای انجام کارهایش به خانه وارد شد، هیچکدام از خدمتکاران در خانه نبودند. زن فرمانده ردای یوسف را گرفت و گفت: بیا با من همخواب شو، اما او فرار کرد و بیرون رفت.

زن ردای یوسف را نزد خود نگه داشت تا شوهرش به خانه آمد، پس برای او جریان را اینطور توضیح داد: آن غلامی که تو آوردی، به اتاق من وارد شد و خواست مرا فریب داده، به من توهین کند اما وقتی من فریاد کشیدم، او فرار کرد و ردایش را جا گذاشت. زمانیکه ارباب یوسف این را شنید خشمگین شد و او را به زندانی که زندانیان پادشاه در آن بودند، انداخت.

وقتی خداوند انسان را آفرید به او این آزادی را داد که بین خوب و بد یکی را انتخاب کند. امروز ما هم میتوانیم انتخاب کنیم ولی هر کاری که در زندگی میکنیم نتیجه ای به عمل خواهد آورد. خداوند به ما روح خود را داده تا انتخاب درست را انجام دهیم و تا زمانی که در این دنیا هستیم با وسوسه روبرو

درس سوم - فصل چهارم

خواهیم بود، این جسم ضعیف است و می‌خواهد کارهای دنیوی را انجام دهد، ولی روح القدس بر خلاف آن عمل میکند و اگر ما کاری که خداوند را خشنود میکند انجام دهیم بر دشمن پیروز خواهیم شد، چون هر جا که روح خداوند باشد آنجا پیروزی است.

۴) یوسف در زندان

رفتار یوسف در زندان عوض نشده و تلخی در او رخنه نکرده بود، برعکس دنبال موقعیتی بود که خدا را خدمت کند. مسئول زندان تمام مسئولیت آنجا را به یوسف واگذار کرد. خداوند در زندان یوسف را برکت داده و او را بسوی نقشه ای که برای او داشت هدایت نمود. دو تا از خدمتگزاران فرعون در زندان بودند. یکی از آنها ساقی و دیگری نانوی مخصوص فرعون بود. هر دوی آنها در خواب رویایی دیدند که به یوسف گفتند و او هم خوابشان را تعبیر کرد. تعبیر خوابشان اینطور بود که ساقی فرعون به کارش بر میگردد ولی نانوا جانش را از دست میدهد.

۵) یوسف زیر نظر فرعون قرار گرفت

بعد از دو سال که از زندانی بودن یوسف گذشت فرعون خوابی میبند که هیچکدام از حکیمان نتوانستند خواب او را تعبیر کنند. ساقی ای که آزاد شده بود به یاد آورد که یوسف خواب او را تعبیر کرده بود. پس فرعون یوسف را خواست و خواب خود را به او گفت. یوسف نیز خواب او را چنین تعبیر کرد که مصر در هفت سال آینده دارای محصولات زیاد و هفت سال بعد وارد قحطی خواهد شد. فرعون یوسف را به عنوان دومین مرد بزرگ در مصر معرفی کرد و مسئولیت این کار را به یوسف که در آن زمان فقط ۳۰ سال سن داشت سپرد. پس او باید در هفت سال اول تمام محصولات را جمع آوری کرده و در انبارها نگهداری میکرد تا در زمان قحطی بتوانند از ذخیره ها استفاده کنند.

۶) برادران یوسف به مصر می آیند

زمانیکه قحطی مصر را فراگرفت، در سرزمین کنعان هم اثر گذاشت جایی که خانواده یوسف زندگی میکردند. وقتی یعقوب شنید در مصر غذا یافت میشود، تمام پسران خود را به جز کوچکترین که بنیامین بود فرستاد تا برایشان آذوقه تهیه کنند بیخبر از آنکه مسئول فروش غلات یوسف بود.

این دقیقاً رویایی بود که سالهای پیش یوسف دیده بود که برادرانش همگی در مقابل او تعظیم میکنند. یوسف آنها را شناخت، ولی آنها یوسف را بخاطر تغییر قیافه و لباسهایش نشناختند. یوسف به طور خشن با آنها صحبت کرد، میخواست ببیند که پدرش هنوز زنده هست یا نه؟ چون میخواست پدرش را هم به مصر بیاورد تا زندگی بهتری داشته باشد.

او برادران خود را به عنوان جاسوس معرفی کرد ولی آنها این را رد کردند. یوسف یکی از آنها را که شمعون نام داشت به زندان انداخت و به دیگران گفت: اگر میخواهید بیگناهی خود را ثابت کنید و برادر خود را آزاد نمایید، آن برادر کوچکتر (بنیامین) را نزد من بیاورید.

یعقوب با فرستادن بنیامین سخت مخالفت میکرد چون نمیخواست او را هم از دست بدهد اما وقتی دیدند که زمان قحطی طولانی شده و احتیاج به غله دارند، دیگر نمیتوانستند بیشتر از این تحمل کنند پس برای اینکار باید به دستور یوسف عمل میکردند. یهودا مسئولیت بنیامین را شخصاً به عهده گرفت و دوباره به مصر حرکت کردند.

این دفعه یوسف تصمیم گرفت که بنیامین را نزد خود نگه دارد و برای آنها نقشه ای کشید. بدستور یوسف پولهایی را که برادرانش برای خرید غله پرداخت کرده بودند، در کیسه هایشان قرار دادند و همچنین لیوان مخصوص یوسف را در کیسه بنیامین گذاشتند که از این طریق یوسف بتواند برادر کوچکتر خود را نگهدارد. وقتی خدمتکاران یوسف آنها را برگرداندند یوسف دیگر نتوانست جلوی

درس سوم - فصل چهارم

خود را بگیرد، برای همین صورت خود را پاک کرد تا آنها او را بهتر بشناسند و چون مدت زیادی بود که آنها را ندیده بود، شروع به گریه کرد و به آنها گفت: من یوسف هستم برادر شما، اگر پدرم هنوز زنده است به من بگویید.

۷) یوسف برادران خود را می بخشد

برادران یوسف از دیدن او تعجب کردند و نمیتوانستند حتی جواب او را بدهند. یوسف دلایل زیادی داشت که از دست آنها عصبانی باشد و با استفاده از قدرتش آزارشان دهد ولی به آنها گفت: ناراحت نباشید و خودتان را سرزنش نکنید که مرا به اینجا فروختید. این خداوند بود که مرا قبل از شما به اینجا فرستاد تا زندگی خیلی ها را نجات دهم.

پیدایش ۴۵: ۵

۵ و اکنون مضطرب نباشید و از این که مرا به اینجا فروختید بر خود خشم مگیرید، زیرا برای حفظ جانها بود که خدا مرا پیشاپیش شما فرستاد.

سالها قبل از اینکه عهد جدید نوشته شود، یوسف یکی از درسهای خیلی مهم را یاد گرفت که شاید ما هیچ وقت نتوانیم یاد بگیریم. در رومیان ۸: ۲۸ میتوانیم بخوانیم:

۲۸ می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.

پیدایش ۵۰: ۲۰

۲۰ شما قصد بد برای من داشتید، اما خدا قصد نیک از آن داشت تا کاری کند که مردمان بسیاری زنده بمانند، چنانکه امروز شده است.

۸) یعقوب و خانواده اش در جوشن مستقر شدند

یوسف تمام وسایلی را که خانواده اش احتیاج داشت، برایشان فرستاد تا به مصر حرکت کنند و همگی با هم که حدوداً هفتاد نفر بودند وارد مصر شده، در شهر جوشن مستقر شدند. این انتخابی بود که مردم مصر داشتند تا آنها در این مکان زندگی کنند. پس آنها سالهای زیادی با خوشی، سلامتی و برکت در کنار یکدیگر زندگی کردند تا زمانی که یوسف با آنها بود.

۹) اسراییل در اسارت مصریها

بعد از مرگ یوسف، پادشاه جدیدی در مصر به سلطنت رسید، کسی که یوسف را نمی شناخت و از مردم اسراییل میترسید چون تعدادشان به سرعت رشد میکرد و قدرت زیادی را بدست می آوردند. او میترسید که مردم اسراییل با دشمنان مصر متحد شده، به آنها کمک کنند و مصریها را در جنگ شکست دهند.

فرعون جدید بدلیل ترس خود، کارفرمایانی را بر قوم اسراییل گماشت و آنها را برده خود ساخت اما هر چه بیشتر مصریها به مردم اسراییل فشار می آوردند بر عکس تعداد آنها بیشتر و بیشتر میشد. در واقع خداوند آنها را آماده میکرد تا از مصر خارج شوند و به سرزمینی بنام کنعان که به آنها وعده داده بود، بروند.

سوالات درس سوم

۱) چگونگی پیدایش زبانها و قومها را به اختصار توضیح دهید؟

خداوند میخواست که انسانها به تمام نقاط دنیا پخش شوند و زاد و ولد کنند تا به جمعیت دنیا افزوده شود. ولی آنها میخواستند شهری بسازند و همینطور برج بلندی را به عنوان مرکز که از پراکندگی انسانها جلوگیری کند. آرزوی آنها دقیقا مخالف خواست و اراده خداوند بود. خداوند زبانهای مختلفی را در میان آنها جاری کرد تا همدیگر را متوجه نشوند و از تلاشهای گناهکارانه خود دست بردارند. قضاوت خداوند منشا زبانها و شروع ایجاد ملت‌های جدید بود.

۲) پسران نوح را نام ببرید؟

سام، حام و یافث.

۳) از پیدایش ۲۲: ۷ و ۸ چه نتیجه ای میگیرید؟

پیدایش ۲۲: ۷ و ۸

^۷ و اما اسحاق به پدرش ابراهیم گفت: «پدر؟» پاسخ داد: «بله، پسر من؟» گفت: «این از آتش و هیزم، ولی بره قربانی تمام سوز کجاست؟» ^۸ ابراهیم پاسخ داد: «پسر من، خدا بره قربانی را برای خود فراهم خواهد کرد.» پس هر دو با هم می‌رفتند.

این عمل ابراهیم که در سالهای خیلی دور انجام شد نبوتی بود که خداوند در آن زمان به تمام دنیا کرده بود در مورد عیسی مسیح که در جسم به عنوان قربانی خواهد آمد و گناهان تمام دنیا را خواهد برداشت.

۴) ملاقات یعقوب با خداوند در کجا اتفاق می افتد؟

در مسیر حران در شهر لوز که یعقوب آنجا را بیت‌ئیل نامید.

۵) چگونه خداوند یوسف را در زندان برکت داد؟

دو تا از خدمتگزاران فرعون در زندان بودند. یکی از آنها ساقی و دیگری نانواي مخصوص فرعون بود. هر دوی آنها در خواب رویایی دیدند که به یوسف گفتند و او هم خوابشان را تعبیر کرد. تعبیر خوابشان اینطور بود که ساقی فرعون به کارش بر میگردد ولی نانوا جانش را از دست میدهد.

بعد از دو سال که از زندانی بودن یوسف گذشت فرعون خوابی میبیند که هیچکدام از حکیمان نتوانستند خواب او را تعبیر کنند. ساقی ای که آزاد شده بود به یاد آورد که یوسف خواب او را تعبیر کرده بود. پس فرعون یوسف را خواست و خواب خود را به او گفت. یوسف نیز خواب او را چنین تعبیر کرد که مصر در هفت سال آینده دارای محصولات زیاد و هفت سال بعد وارد قحطی خواهد شد. فرعون یوسف را به عنوان دومین مرد بزرگ در مصر معرفی کرد و مسئولیت این کار را به یوسف که در آن زمان فقط ۳۰ سال سن داشت سپرد.



خروج و نقشه خداوند برای رستگاری

خروج باب ۳
۸ و نزول کردم تا ایشان را از دست
مصریان خلاصی دهمو ایشان را از آن
زمین به زمین نیکو و وسیع برآورم به
زمینی که به شیر و شهد جاری است به
مکان کنعانیان و حثیان و اموریان و فرزریان
و حیوان و بیوسیان

Promise

موسی و بوته آتش
خروج ۳ : ۱-۱۰

تولد موسی
۱۰-۲ : ۲

ارانه فرمان خداوند به فرعون توسط موسی

ده بلا
اولین بلا : تبدیل آب به خون
دومین بلا : قورباغه ها
سومین بلا : پشه ها
چهارمین بلا : مگسها
پنجمین بلا : مرگ حیوانات
ششمین بلا : دمل ها
هفتمین بلا : تگرگ
هشتمین بلا : ملخ ها
نهمین بلا : تاریکی
دهمین بلا : مرگ نخست زادگان

عبور از دریای سرخ
خروج ۱۴ : ۱۳-۳۱

پاشیدن خون بر سر درها
خروج ۱۲ : ۱-۳۶

نقشه رستگاری (آزاد سازی انسان از این دنیا)

حدود چهار قرن (۴۰۰ سال) از زمانی که مردم اسرائیل به کشور مصر هجرت کردند میگذشت. در آن زمان تعداد فرزندان اسرائیلی رو به افزایش بود که این کثرت جمعیت باعث شده بود سرزمین مصر از قوم اسرائیل پر شود. در همان دوران پادشاه مصر عوض شد. او از یوسف بی اطلاع بود که چه کار بزرگی را برای کشورش مصر انجام داده بود.

فرعون به قوم خود گفت: به خود آید که بنی اسرائیل تعدادشان از ما بیشتر شده، باید جلوی آنها را از این رشد سریع بگیریم در غیر این صورت از ما قویتر خواهند شد و بر علیه ما قیام خواهند کرد. پس مصریان کارفرمایانی بیرحم بر بنی اسرائیل گماشتند تا بر آنان با کار اجباری ستم کنند.

اول قرن‌های ۱۰ تا ۱۱ به ما یاد می‌دهد که ما هم می‌توانیم از مصر خودمان که همین دنیا می‌باشد پرواز کرده تا به آزادی برسیم، چون از ابتدا این هدف و نقشه خداوند بود که مردم تمام دنیا را از اسارت گناه آزاد کند.

^۱ زیرا ای برادران، نمی‌خواهم از این موضوع غافل باشید که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند. ^۲ آنان همه در ابر و در دریا در پیوند با موسی تعمید یافتند، ^۳ و همه همان خوراک روحانی را خوردند ^۴ و همان آشامیدنی روحانی را نوشیدند؛ زیرا از آن صخره روحانی می‌نوشیدند که از پی می‌آمد، و آن صخره مسیح بود. ^۵ با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد. ^۶ حال، این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه‌هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان در پی بدی نباشیم. ^۷ پس بت پرست مشوید، چنانکه بعضی از ایشان شدند؛ به گونه‌ای که نوشته شده است: قوم به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت کُهو و کعب به پا خاستند. ^۸ و نه به بی‌عفتی دست یازیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند، و در یک روز بیست و سه هزار تن به هلاکت رسیدند. ^۹ و نه مسیح را بیازماییم، چنانکه بعضی از آنان کردند و به وسیله مارها کشته شدند. ^{۱۰} و نه شگوه و شکایت کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک‌کننده هلاکشان ساخت. ^{۱۱} این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می‌بریم که غایت همه اعصار تحقق یافته است.

(۱) چهل سال در مصر

الف) تولد موسی

فرعون از اینکه اسرایلیها روز به روز تعدادشان بیشتر میشد ترسید و به این فکر افتاد که اگر آنها همینطور رشد کنند یک روز بر علیه مصریها قیام خواهند کرد. پس به دوتن از قابله های عبرانی امر کرد:

چون فرزندان زنان عبرانی را به دنیا می آورید و آنها را معاینه میکنید، اگر نوزاد پسر بود او را بکشید اما دخترها را زنده بگذارید ولی قابله ها از خدا ترسیدند و آنچه پادشاه مصر گفت را انجام ندادند. وقتی فرعون متوجه شد قابله ها به فرمان او عمل نکردند به افراد خود فرمان داد: هر پسری به دنیا آمد به رود نیل بیندازید ولی دختران را زنده بگذارید.

بعد از اینکه موسی به دنیا آمد او را به مدت سه ماه پنهان کردند، اما چون نتوانستند او را بیش از سه ماه پنهان کنند سبدی از نی درست کرده، آنرا با قیر پوشاندند که آب در سبد نفوذ نکند. سپس موسی را داخل سبد نهاده و آنرا در نیزار کنار رود نیل گذاشتند. خواهر او، مریم از دور مراقب بود تا ببیند بر سر موسی چه خواهد آمد.

خروج ۲: ۵ تا ۱۰

^۵ باری، دختر فرعون برای شستشو به رود نیل فرود آمد، و ندیمه هایش در کناره رود می گشتند. او سبد را میان نیزارها دید و کنیزش را فرستاد تا آن را بیاورد. ^۶ چون سبد را گشود چشمش به کودک افتاد، و اینک پسری گریان بود. دل دختر فرعون بر وی بسوخت و گفت: این یکی از کودکان عبرانیان است. ^۷ آنگاه خواهر کودک از دختر فرعون پرسید: می خواهی بروم و از زنان عبرانی یکی را نزدت آورم تا طفل را برایت شیر دهد؟ ^۸ دختر فرعون پاسخ داد: برو. پس دخترک رفت و مادر کودک را آورد. ^۹ دختر فرعون به آن زن گفت: این طفل را ببر و او را برای من شیر بده و من اجرت این کار را به تو خواهم داد. پس آن زن کودک را با خود برده، به او شیر می داد. ^{۱۰} چون کودک بزرگتر شد، مادرش او را نزد دختر فرعون برد و او پسر وی شد. دختر فرعون کودک را موسی نام نهاد زیرا گفت: او را از آب برکشیدم.

درس چهارم - فصل اول

درست مانند رودخانه که باعث نجات موسی شد عیسی مسیح هم به جای قضاوت، ما را نجات میبخشد اگر از او پیروی کنیم.

در بحران جنگ داخلی، کشاورزی که در نیویورک زندگی میکرد به ارتش خوانده شد، همسر این شخص فوت کرده بود و او تنها پشتیبان خانواده و بچه های کوچکش بود و باید آنها را ترک میکرد و به جنگ میرفت او نمیدانست چه باید انجام دهد. در همان زمان یک جوان که از همان محله بود و هیچ کس را نداشت که به او وابسته باشد، به کشاورز پیشنهاد داد که به جای او به جنگ برود تا او بتواند از بچه های خود محافظت کند و کشاورز پیشنهاد او را پذیرفت و این مرد جوان در اولین روز جنگ کشته شد. این خبر به گوش کشاورز رسید و اسب خود را سریع آماده کرد و به محل نبرد رفت آنجا ماند تا بدن دوستش را پیدا کند. او را به خانه اش آورد و تمیزش کرد و به حیاط کلیسای آن شهر برد و به آرامی او را در قبر گذاشت و بر روی آن نوشت او برای من جان داد.

(ب) انتخاب موسی

خروج ۲: ۱۱ تا ۱۴

۱۱ چون موسی بزرگ شد، روزی به دیدار برادران خویش رفت و بر کار طاقت فرسای ایشان نظر افکند. آنجا مردی مصری را دید که یکی از برادران عبرانی او را می زد. ۱۲ نگاهی به این سو و آن سو افکند و چون کسی را ندید، مرد مصری را کشت و او را زیر شنها پنهان کرد. ۱۳ روز بعد باز بیرون رفت و دو عبرانی را دید که با هم نزاع می کنند. از آن که مقصر بود پرسید: چرا برادر خود را می زنی؟ ۱۴ آن مرد گفت: چه کسی تو را بر ما حاکم و داور ساخته است؟ آیا می خواهی مرا نیز بکشی، همان گونه که آن مصری را کشتی؟ موسی ترسید و با خود اندیشید: بی گمان کار من برملا شده است.

چون موسی اراده خدا را انجام نداد و میخواست بدون کمک خداوند رهبری مردم اسرائیل را به عهده بگیرد، مردم او را رد کردند. او هنوز در آن مرحله از زندگی این آمادگی را پیدا نکرده بود که خواست خدا را به انجام برساند. خداوند در واقع موسی را آماده میکرد تا در زمان خودش از او استفاده کند.

عبرانیان ۱۱: ۲۳ تا ۲۹

^{۲۳} به ایمان بود که والدین موسی او را پس از تولد به مدت سه ماه پنهان کردند، زیرا دیدند کودکی است بی نظیر؛ و از حکم پادشاه نهراسیدند.^{۲۴} به ایمان بود که موسی هنگامی که بزرگ شد، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود.^{۲۵} او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد.^{۲۶} و رسوایی به خاطر مسیح را باارزشتتر از گنجهای مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود.^{۲۷} به ایمان بود که او بی آنکه از خشم پادشاه بهراسد مصر را ترک گفت، زیرا آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت.^{۲۸} به ایمان بود که او پسرخ و پاشیدن خون را به جا آورد تا هلاک کننده نخست‌زادگان، بر نخست‌زادگان اسرائیل دست دراز نکند.^{۲۹} به ایمان بود که قوم از میان دریای سرخ همچون زمینی خشک گذشتند؛ اما چون مصریان کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق شدند.

۲) موسی چهل سال در سرزمین مدیان ماند

با برملا شدن نقشه موسی، فرعون تصمیم گرفت او را بکشد به همین دلیل موسی از مصر فرار کرده و به سرزمین مدیان رفت و مدت چهل سال از زندگی خود را در آنجا گذراند، در همان زمان با دختری به نام صفوره که دختر کاهن اعظم در آن منطقه بود ازدواج کرد.

الف) خدا موسی را صدا میزند

یک روز که موسی گله را برای چرا برده بود بوته ای را شعله ور دید، از خود پرسید: چرا نمیسوزد؟ خواست برای جستجوی بیشتر بطرف شعله برود که در آن لحظه خداوند از درون همان بوته آتش با او سخن گفت که صدای شیون مردمی را که در اسارت مصری ها هستند شنیده و میخواهد از طریق او مردم اسرائیل را از بند اسارت آزاد کرده و آنها را به شهری که وعده داده هدایت کند.

ب) خداوند خود را به موسی ثابت میکند

موسی که در شک و تردید بود به خدا گفت که قادر نیست این کار را انجام دهد. خداوند فرمود: از چه میترسی؟ من با تو هستم و برای همین نشانی به تو میدهم.

خداوند گفت: آن چیست که در دست توست؟ پاسخ داد: عصا. خداوند گفت: آن را به زمین بیفکن. چون آن را به زمین افکند، ماری شد و موسی از آن گریخت. آنگاه خداوند به موسی گفت: دست را دراز کن و دمش را بگیر. پس دستش را دراز کرده، مار را گرفت و مار در دستش به عصا تبدیل شد.

خروج ۴: ۶ و ۷

۶ و باز خداوند گفت: «دست در گریبانت ببر.» موسی دستش را در گریبان ردایش برد و چون آن را به در آورد، همانا جذامین بود، به سفیدی برف. ۷ گفت: «حال دوباره دست در گریبان ببر.» موسی چنین کرد و چون دست به در آورد، اینک همچون بقیه بدنش سالم شده بود.

پس خداوند با این عملش نشان داد که اگر به او ایمان بیاوریم و توکل کنیم، او ما را در مقابل هر چیزی که بر علیه ما باشد، پیروز خواهد کرد. امروزه مردم میتوانند به خدا ایمان داشته باشند و خواهند دید که او بر شیطان، دنیا و نفس ما پیروز خواهد شد.

۳) موسی فرستنده

الف) موسی در مقابل فرعون و ۱۰ بلا یا طاعون

موسی از خداوند اطاعت کرده، به مصر بازگشت، به حضور فرعون رفت و گفت: خداوند میگوید که قوم مرا رها کن. فرعون که میخواست عبرانیان را در اسارت خود نگه دارد، بر علیه خواست خداوند عمل کرد. در نتیجه بلا از طرف خداوند وارد مصر شد. خداوند از چیزهایی که مردم مصر آنها را به عنوان خدایان خود پرستش میکردند بر علیه خودشان استفاده کرد. برای مثال قورباغه، گاو، خورشید و رود نیل. خداوند از این راهها قدرت خود را به آنها نشان داد.

فرعون پس از هر بلایی که خداوند برای آنها میفرستاد موافقت میکرد که اسرایلیها آنجا را ترک کنند ولی باز تصمیم خود را عوض میکرد و قلبش نسبت به آزادی مردم اسراییل سخت ترمیشد که این باعث شد مهلک ترین بلا نازل شود.

ب) عید فصح رستگاری توسط خون

خداوند از موسی خواست تا با مردم اسراییل صحبت کند که هر خانواده، گوسفندی یک ساله بدون هیچ عیب و نقصی را تهیه کنند، او به آنها گفت که چطور گوسفند را کشته و خون آن را بر سردر خانه هایشان بمالند و سپس گوسفند را پخته، همان شب همه ی آن را همراه با نان فطیر و گیاهان تلخ بخورند. آن را باید با عجله میخوردند پا در کفش، کمرها بسته و وسایلشان در دستانشان، زیرا زمان ترک مصر فرا رسیده بود و باید در نیمه شب از آنجا خارج میشدند. ولی قبل از ترک شهر، باید صبر میکردند تا روح مرگ از آنجا بگذرد. پس در نیمه شب خداوند از سرزمین مصر عبور کرد و از کنار هر خانه ای که رد میشد و بر سردرش خون نبود، نوزاد اول کشته میشد.

در این دوران هم، نجات تنها از طریق خون بره (عیسی مسیح خداوند) حاصل میشود. عیسی مسیح نیز در عید فصح برای ما قربانی شد تا ما هم بتوانیم از طریق اطاعت او این نجات را داشته باشیم. پس اگر خداوند از کنار در قلب ما عبور کند و خون بره که همان خون مسیح است را در اطراف قلب ما نبیند، نمیتواند ما را از بندهای روحانی مان آزاد کند.

ج) عبور از دریای سرخ

در آخر فرعون اجازه داد که مردم بنی اسرائیل مصر را ترک کنند.

خروج ۱۳: ۲۱

۲۱ خداوند روز هنگام در ستونی از ابر پیش روی ایشان حرکت می کرد تا راه را بدیشان نشان دهد، و شب هنگام در ستونی از آتش تا ایشان را روشنایی بخشد. این گونه می توانستند روز و شب در سفر باشند. بعد از اینکه مردم، مصر را ترک کردند فرعون دوباره تصمیم خود را عوض کرد و به ارتش خود گفت: این چه کاری بود که ما کردیم؟ بروید و آنها را دوباره به مصر بیاورید. خداوند مردم اسرائیل را به طرف دریای سرخ هدایت کرد. وقتی مردم دیدند که ارتش فرعون دنبال آنها هستند ترس وجودشان را گرفت و شروع به اعتراض کردند. موسی به آنها گفت:

خروج ۱۴: ۱۳

۱۳ موسی در جواب قوم گفت: مترسید. بایستید و نجات خداوند را ببینید، نجاتی را که امروز برایتان به عمل می آورد. زیرا مصریانی را که امروز می بینید، دیگر هرگز نخواهید دید. موسی عصای خود را بلند کرد و خداوند آب دریا را به واسطه ی باد تندی از طرف شرق کنار زد تا مردم اسرائیل از آن عبور کنند.

^۷ او ششصد اربه برگزیده برگرفت همراه با تمام دیگر اربه‌های مصر و افسرانی که بر آنها بودند.^۸ و خداوند دل فرعون پادشاه مصر را سخت کرد تا بنی اسرائیل را که بی‌باکانه بیرون می‌رفتند، تعقیب کند.^۹ مصریان با تمامی اسبان، اربه‌ها، سواران و سربازان فرعون، بنی اسرائیل را تعقیب کردند و در نزدیکی فی‌هاحیروت، کنار دریا، در برابر بعل‌صفون، جایی که اردو زده بودند، بدیشان رسیدند.^{۱۰} همچنانکه فرعون نزدیکتر می‌شد، بنی اسرائیل چشمان خود را بالا کرده، مصریان را دیدند که از پی ایشان می‌آیند. پس هراسان به درگاه خداوند فریاد برآوردند^{۱۱} و خطاب به موسی گفتند: «آیا در مصر قبر نبود که ما را به بیابان آوردی تا در اینجا بمیریم؟ این چیست که به ما کردی و ما را از مصر بیرون آوردی؟^{۱۲} آیا در مصر به تو نگفتیم: "ما را به حال خود واگذار تا مصریان را بندگی کنیم؟" ما را بهتر آن بود که مصریان را بندگی کنیم تا اینکه در بیابان بمیریم!^{۱۳} موسی در جواب قوم گفت: «مترسید. بایستید و نجات خداوند را ببینید، نجاتی را که امروز برایتان به عمل می‌آورد. زیرا مصریانی را که امروز می‌بینید، دیگر هرگز نخواهید دید.^{۱۴} خداوند برای شما خواهد جنگید؛ شما فقط آرام باشید.»^{۱۵} آنگاه خداوند به موسی گفت: چرا نزد من فریاد برمی‌آوری؟ بنی اسرائیل را بگو پیش روند.^{۱۶} تو عصای خود را بلند کن و دست خود را بر فراز دریا دراز کرده، آن را بشکاف تا بنی اسرائیل به میان آب بر زمین خشک داخل شوند.^{۱۷} و من دل مصریان را سخت خواهم کرد تا از پی ایشان داخل شوند. و در فرعون و تمامی سپاهش و اربه‌ها و سوارانش، جلال خواهم یافت.^{۱۸} و چون در فرعون و اربه‌ها و سوارانش جلال یابم، مصریان خواهند دانست که من خداوند هستم.^{۱۹} آنگاه فرشته خدا که پیشاپیش سپاه اسرائیل می‌رفت، نقل مکان کرد و به پشت سر ایشان رفت. ستون ابر نیز از پیش روی قوم نقل مکان کرد و پشت سر آنان ایستاد.^{۲۰} و بین اردوی مصر و اردوی اسرائیل قرار

گرفت. ابر بود و تاریکی. و ابر شب را روشن می‌کرد بی آنکه در تمامی شب یکی از آنها به دیگری نزدیک آید. ۲۱ آنگاه موسی دست خود را بر فراز دریا دراز کرد، و خداوند تمام آن شب دریا را به واسطه باد شرقی نیرومندی به عقب راند، و دریا را خشک ساخت. آنها شکافته شد.

قوم اسرائیل که دیواری از آب هر دو طرفشان را فرا گرفته بود به طور معجزه آسایی از آن محل عبور کردند. و این بدین معناست که خداوند در هر شرایطی عمل خواهد کرد و راه را برای فرزندانش باز خواهد نمود.

اول قرنیتان ۱۰: ۱۳

۱۳ هیچ آزمایشی بر شما نیامده که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی‌دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه همراه آزمایش راه‌گزینی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید. هیچ وسوسه‌ای نیست که نتوان در مقابل آن ایستادگی کرد. پس در برابر سختی‌ها و وسوسه‌ها مقاومت کنید و اطمینان داشته باشید که خداوند نخواهد گذاشت که بیش از حد توانایی خود وسوسه شوید؛ او به شما قدرت خواهد بخشید تا بتوانید در برابر آن تاب بیاورید. این وعده خداوند است و او به وعده‌های خود امین است. خداوند به شما نشان خواهد داد که چگونه از وسوسه‌ها بگریزید و در دام آنها گرفتار نشوید.

مصری‌ها هنوز در پی مردم اسرائیل بودند، اما به محض اینکه قوم اسرائیل از دریا عبور کردند، خداوند از موسی خواست، دوباره چوب دستی خود را بالا بگیرد که در همان لحظه آب دریا روی مصری‌ها جاری شد و همه‌ی آنها از بین رفتند. مردم اسرائیل قدرت خداوند را در آنجا تجربه کردند که چطور تمام ارتش مصر در دریای سرخ غرق شده، همگی مردند.

۳۰ آن روز خداوند اسرائیل را از دست مصریان نجات بخشید و اسرائیل اجساد مصریان را دیدند که بر کنار دریا مرده افتاده بودند. ۳۱ اسرائیل چون کار عظیم خداوند را بر ضد مصریان دیدند، از خداوند ترسیدند و به او و به خدمتگزارش موسی ایمان آوردند.

نجات فرایندی است که تنها توسط عیسی مسیح، به انجام می رسد و در نتیجه ی آن، فرد از گناه رهایی یافته، فرزند خدا محسوب میشود.

تصور کنیم که خانه ی یک موزیسین در آتش میسوزد. و ویولون مورد علاقه این شخص در خطر سوختن میباشد این فرد جان خود را برای نجات سازی که بینهایت برایش حائز اهمیت است به خطر می اندازد تا ویولون خود را حفظ کند. این همان رستگاری یا نجات است.

ویولونی که در آتش بود ضربه بدی خورده و تقریباً از بین رفته بود. صاحب آن، که عاشق موسیقی بود ساز را نزد فردی برد که کارش ساخت و تعمیر آلات موسیقی بود و او ویولون را تعمیر کرد، چون میدانست که آن ساز چقدر با ارزش است. پس ویولون نه تنها نجات پیدا کرد بلکه تمام آن خرابی هایش نیز تعمیر شده، مثل روز اول شد. موزیسین، ویولون را کوک کرد و ساز دوباره شروع به صحبت کرد. هر کسی نمیتوانست که ویولون را به حالت اولش در بیاورد به غیر از کسی که سازنده بود و از این کار سررشته کامل داشت.

نتیجه اینکه تنها عیسی مسیح خداوند است که میتواند گناهانمان را ببخشد و ما را از مرگ روحانی نجات دهد. اوست که روح را احیا میکند و آهنگی تازه در قلبها قرار میدهد.



درس چهارم - فصل اول

به نوعی مصر، نمایانگر اسارت یا گناه میباشد و دریای سرخ، نمایانگر تعمید است که در زمان موسی، پدران ما از آن رد شدند.

اول قرن‌تین ۱۰: ۱ و ۲

زیرا ای برادران، نمی‌خواهم از این موضوع غافل باشید که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند. ۲ آنان همه در ابر و در دریا در پیوند با موسی تعمید یافتند.

در درسهای آینده متوجه خواهیم شد که وارد شدن به شهر وعده به این منظور است که ما وعده‌های خداوند را دریافت خواهیم کرد.

در آن زمان مردم اسرائیل برای اینکه وارد شهر وعده شوند، باید با انسانهایی که از آنها بسیار قویتر و بزرگتر بودند، می‌جنگیدند و دیوارها را فرو میریختند.

امروزه نیز در زندگی سختی بسیار است و ما با مشکلات زیادی مواجه هستیم. بنابراین طرح نجات خداوند را اینچنین میبینیم:

(۱) خارج شدن از مصر (توبه از گناهان)

(۲) عبور کردن از دریای سرخ (تعمید در آب)

(۳) هدایت شدن به سمت وعده خداوند (دریافت روح القدس)



اسرائیل در سینا (زمان قانون)

موسی بعد از عبور از دریای سرخ، مردم اسرائیل را به صحرای سینا هدایت کرد. آنها سه روز در صحرا سفر کردند بی آنکه آبی پیدا کنند، آنگاه به ماره رسیدند، ولی نتوانستند از آب آنجا بنوشند زیرا تلخ بود، مردم نیز شروع به شکایت کردند، در این هنگام خداوند به موسی درختی را نشان داد و آن را داخل آب انداخت، آب شیرین شد و نتوانستند از آن بنوشند.

گاهی ممکن است زندگی تلخ شود اما مسیح آن درخت است که میتواند هر تلخی را به شیرینی تبدیل کند.

درس چهارم - فصل دوم

آنها بعد از سه ماه که از مصر خارج شده بودند به صحرای سینا رسیدند، در مقابل کوه، اردو زدند و در آنجا به مدت یک سال ماندند. سپس از آنجا تاریخچه مردم اسرائیل شروع شد. پیمانی که خدا با ابراهیم بسته بود و به اسحاق و یعقوب هم تاکید کرده بود، تبدیل به یک پیمان ملی شد.

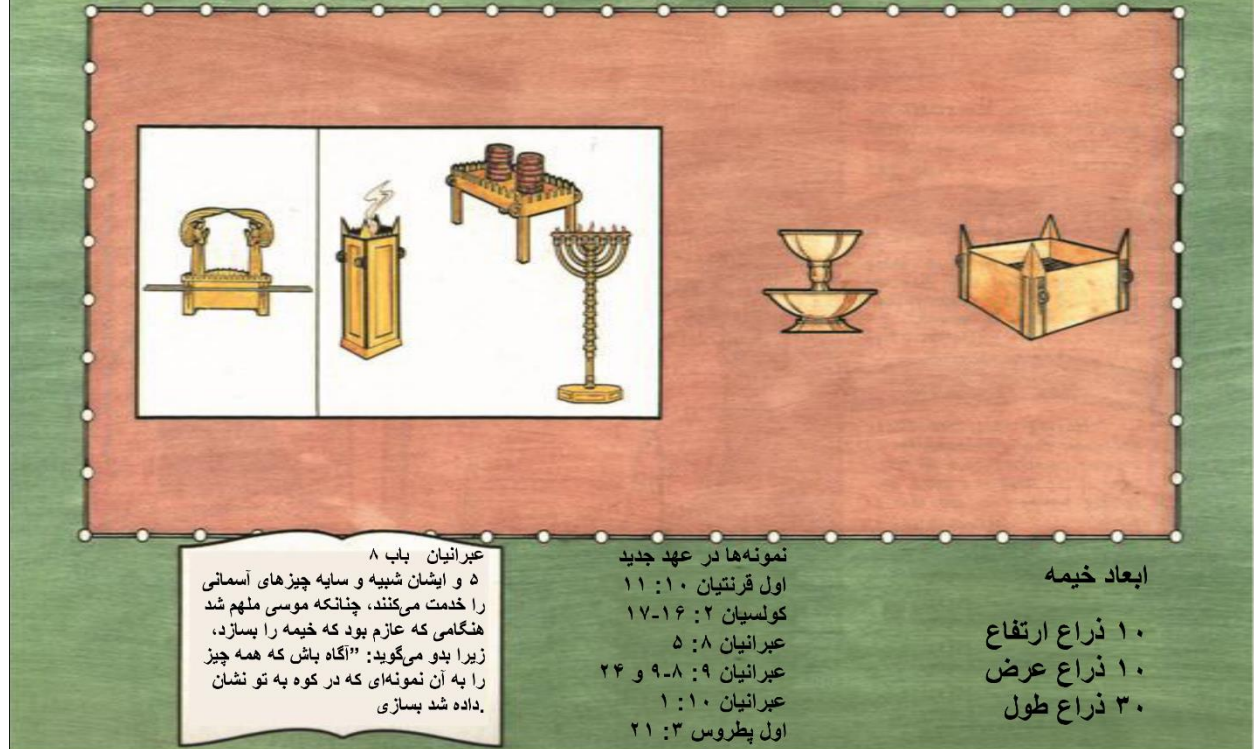
در کوه سینا خداوند به موسی قوانینی داد که شامل ۱۰ فرمان و سایر قوانین اخلاقی و مدنی بود. خداوند به مردم اسرائیل گفته بود که به قانون احترام بگذارند. در نهایت این قوانین با آمدن عیسی مسیح به کمال رسید.

غلاطیان ۳: ۲۴

۲۴ پس شریعت مربی ما شد تا زمانی که مسیح بیاید و به وسیله ایمان پارسا شمرده شویم.

این قوانین (شریعت)، گناه و کمبود تلاش های انسانی برای زندگی مقدس بدون روح القدس را نشان میداد. خداوند همچنین نقشه پرستشگاه موقت را به موسی داد که جایی در میان مردم اسرائیل بود. به عبارت دیگر، عبادتگاهی بود که مردم میتوانند به آنجا بروند و با خدا صحبت کنند.

برپا کردن خیمه ها و رویکرد انسان به خداوند



رویکرد انسان به خدا

زمانیکه خداوند نقشه ساختن پرستشگاه موقت را به موسی در کوه سینا داد، به او یادآوری کرد که دقیقاً طبق نقشه ای که خداوند به او داده است عمل کند. خداوند چیزهایی که از مردم به عنوان هدیه میخواست را اینچنین به موسی میگوید:

خروج ۲۵: ۱ تا ۹

خداوند به موسی گفت: ^۲ بنی اسرائیل را بگو برای من هدیه بیاورند. از دست کسانی برایم هدیه بپذیرید که دل آنها راغب بدین کار است. ^۳ این است هدایایی که از آنها می‌گیرید: طلا، نقره و برنج؛ ^۴ نخ

آبی، ارغوانی و قرمز و کتان ریزبافت؛ پشم بز؛^۵ پوست قوچ که به رنگ سرخ، رنگ شده باشد؛ چرم نازک؛ چوب اقاویا؛^۶ روغن برای چراغها؛ ادویه برای روغن مسح و بخور خوشبو؛^۷ سنگهای عقیق و سنگهای گرانبهای دیگر جهت نشاندن بر ایفود و پیش سینه.^۸ آنها باید قدسی برایم بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم.^۹ این مسکن و تمام اسباب آن را درست مطابق طرحی که به تو نشان خواهم داد، بسازید.

ارزش معبد، بیشتر از یک محل برای عبادت در صحرا بود. تمام آن طرح و اسبابی که در ساختن آن معبد بکار برده شده بود سایه ای از کار عیسی مسیح بود که برای نجات انسان مهیا میشد.

حیاط معبد

اندازه حیاط معبد تقریباً ۱۵۰ فوت درازا و ۷۵ فوت پهنا داشت در قسمت شرقی حیاط، چهارچوب یک در بود که چهار پارچه رنگین، به رنگ های بنفش، قرمز، آبی و سفید از آن آویزان بود.

در آنجا فقط یک در ورودی بود که به حیاط معبد باز میشد، همچنین فقط یک راه برای نجات وجود دارد که عیسی مسیح است.

یوحنا ۱۰: ۹

^۹ من 'در' هستم؛ هر که از راه من داخل شود نجات خواهد یافت، و آزادانه به درون خواهد آمد و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت.

در داخل حیاط معبد مذبح بخور، حوض شستشو و خود معبد وجود داشت. اندازه معبد تقریباً ۱۵ فوت بلندی و ۱۵ فوت پهنا و ۴۵ فوت درازا داشت که شامل محل مقدس و قدس الاقداس (مقدس مقدس) بود. این دو اتاق توسط پرده هایی به رنگهای آبی، بنفش و قرمز از یکدیگر جدا شده بودند.

درس چهارم - فصل سوم

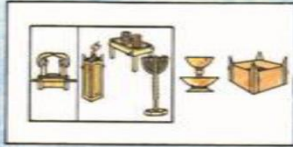
در مکان مقدس چیزهایی از قبیل چراغدان، میز و مذبح بخور قرار داده شده بود. در قدس الاقداس نیز صندوق (تابوت) عهد بود و روح خدا بین دو کروی طلایی که در دو طرف صندوق عهد بودند قرار داشت که آن را تخت رحمت می نامیدند.

مسلماً ما می دانیم که خداوند در یک زمان، در همه جا می باشد، اما جلال خود را در آنجا آشکار نمود که عهد خود را به مردم اسرائیل نشان دهد. این خواستِ خداوند است که همیشه میان قوم خود باشد، اما گناه، انسان را از حضور خداوند دور میکند. از زمان پنتیکاست (پنجاه روز بعد از مرگ مسیح) خداوند از راهی تازه و فوق العاده وارد قلب های قوم خود شد.

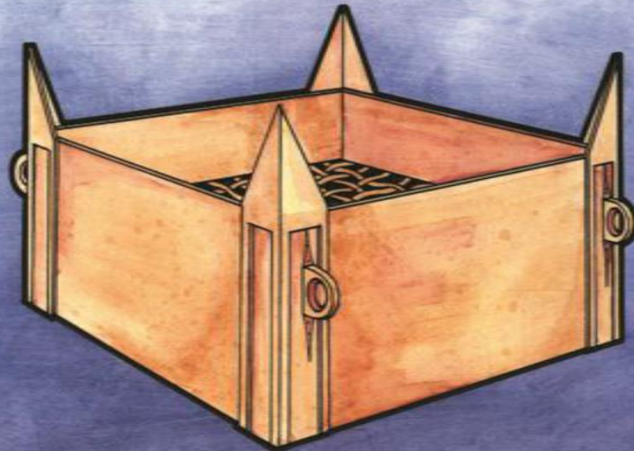
اول قرنیتان ۳: ۱۶ و ۱۷

۱۶ آیا نمی دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟^{۱۷} اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید.

قربانگاه



خیمه مکانی که کاهن قربانی را به خداوند تقدیم می‌کند



مذبح یا قربانگاه جایگاهی که کاهن قربانی را برای گناه بر روی آن قربانی می‌کند طوری که خون قربانی پاشیده شود

لاویان باب ۱۷
۱۱ جان هر موجود زنده ای در خون اوست و من آن را به شما داده ام که برای کفاره گناهان خود در قربانگاه بریزید تا گناهان شما پاک گردد. خونی که در آن حیات است، گناهان را پاک می‌کند

عیسی مسیح قربانی کامل برای گناهان ما یک بار برای همیشه

یوحنا باب ۱
۲۹ و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت "اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد"

مذبح

کار کاهن اعظم این بود که اول در مقابل مذبح قرار گیرد و برای آمرزش گناهان مردم اسرائیل قربانی را بر روی قربانگاه قرار دهد. این مذبح از چوب اقاویا به طول و عرض ۷.۵ فوت (به شکل مربع) و به ارتفاع ۴.۵ فوت ساخته شده بود که روکشی از جنس برنز داشت و مکانی برای ریختن خون قربانی بود که در واقع نشانی از مرگ عیسی برای نجات انسان بود. او که آمد و ما را با خونش خریداری کرد. همچنین اشاره ای دارد به زندگی ما که در گناه بودیم اما با توبه، با مسیح بر روی صلیب مصلوب میشویم.

درس چهارم - فصل چهارم

هر کسی می تواند به خداوند نزدیک شود اگر از گناهانش توبه کند.

لوقا ۱۳: ۳

^۳ به شما می گویم که چنین نیست. بلکه اگر توبه نکنید، شما نیز جملگی هلاک خواهید شد.

مذبح ویژگی برجسته ای در معبد داشت که هم روبروی در حیاط معبد و هم مکانی برای پرستش بود.

مذبحی که در حیاط معبد قرار داشت، اولین چیزی بود که وقتی مردم برای قربانی و پرستش می آمدند آن را می دیدند.

البته مراسم قربانی تنها توسط کاهن اعظم انجام میشد و فقط او میتوانست چراغدان، میز و مذبح بخور را که در مکان مقدس قرار داشتند، ببیند.

همچنین تنها کاهن اعظم، فقط یکبار در سال (روز کفاره) این اجازه را داشت که وارد محل مقدس مقدس شود.

مذبح به ما یاد میدهد که هیچ کس وارد بهشت نخواهد شد جز توسط خون عیسی مسیح که او در مذبح به جای ما قربانی شد تا ما بتوانیم به حضور خدا راه یابیم.

یوحنا ۱۴: ۶

^۶ عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید.

این تنها مذبح نبود که اجازه میداد عبادت کننده دسترسی به مکان مقدس را داشته باشد بلکه برای وارد شدن به آن باید قربانی داده شود.

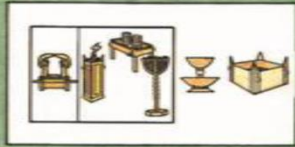
درس چهارم - فصل چهارم

قربانگاه با تمام وسایلی که در معبد وجود داشت همه به هم وصل بودند مثل ریشه ای که به درخت وصل می‌باشد یا قلبی که خون در آن جریان دارد و یا ساختمانی که بدون پایه استوار نخواهد بود. همه چیز در داخل معبد حتی حوض برنجی که جلوی در معبد بود به دلیل کاری بود که در مذبح انجام میدادند.

مثالی از صلیب عیسی در جلجتا:

زمان مصلوب شدن عیسی مسیح هیچ بخششی، عدالتی، آرامشی، فیضی، برکت و نجاتی نبود ولی قربانی بر روی صلیب بود. مذبح نشانگر ریختن خون و مرگ عیسی مسیح بود و بدون ریختن خون رستگاری وجود نداشت.

حوض آب برای شستن دست و پا



کاهن می‌باید به محض ورود به خیمه دست و پای خود را بشوید

خروج باب ۳۰
۲۰ هنگامی که به خیمه اجتماع داخل شوند، به آب بشویند، میادا بمیرند. و وقتی که برای خدمت کردن و سوزانیدن قربانی‌های آتشین بجهت خداوند به مذبح نزدیک آیند

حوضچه شستشو دست و پا نمادی از تعمید بود برای پاکسازی گناهان

اعمال باب ۲۲
۱۶ و حال چرا تاخیر می‌نمایم بر خیز و تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده خود را از گناهانت غسل ده



حوضچه آب برای شستشو دست و پا

حوض شستشو

حوض شستشو دقیقا قبل از درب معبد قرار داشت که کاهنان قبل از ورود به آنجا باید دستها و پاهای خود را پاک میکردند تا میتوانند به حضور خداوند بروند و امروز هم ما با شستن خود در غسل تعمید که برای آمرزش گناهان میباشد خود را در نام عیسی مسیح پاک میکنیم.

اعمال رسولان ۲: ۳۸

۳۸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.

درس چهارم - فصل پنجم

پاک کردن مداوم خود بعد از تعمید و آوردن میوه های مناسب.

اول یوحنا ۱: ۷

۷ اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر رفاقت داریم و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می سازد.

وقتی ما تعمید میگیریم خداوند هم گناهان ما را پاک میکند.

اعمال رسولان ۲۲: ۱۶

۱۶ حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو!

مرقس ۱۶: ۱۶

۱۶ هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد.

اول پطرس ۳: ۲۱

۲۱ و آن آب نمونه تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمید به واسطه رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می بخشد.

اول قرنتیان ۶: ۱۱

۱۱ بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده اید.

۱۷ آنگاه خداوند به موسی گفت: ^{۱۸} حوضی برنجین با پایه برنجین جهت شستشو بساز. آن را میان مذبح و خیمه ملاقات بگذار و در آن آب بریز. ^{۱۹} هارون و پسرانش دست و پای خود را بدین آب بشویند. ^{۲۰} وقتی به خیمه ملاقات داخل می شوند، با این آب شستشو کنند تا نمیرند، نیز آنگاه که برای خدمت به مذبح نزدیک می آیند تا هدیه اختصاصی به خداوند تقدیم کنند. ^{۲۱} آنها باید دست و پایشان را بشویند تا نمیرند. این برای هارون و فرزندان او، نسل اندر نسل، فریضه ابدی خواهد بود.

آن حوض شستشو بین مذبح قربانی و محل مقدس قرار داشت، پس وقتی کاهن میخواست وارد محل مقدس شود، اول باید قربانی را در حضور خداوند قربانی میکرد و دست و پای خود را با آب می شست تا زمانی که به حضور خدا میرفت مرگ او را در بر نگیرد.

تجربه نجات در عهد جدید:

ابتدا توبه است که مرگ با مسیح میباشد یعنی مرگ در گناه و بعد در آب غوطه ور شدن به معنای شستن و دفن شدن با مسیح خداوند است.

رومیان ۶: ۳ و ۴

۳ آیا نمی دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ ^۴ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.



چراغدان طلای تنها وسیله برای روشنای در خیمه

یوحنا باب ۸
۱۲ عیسی باز به مردم گفت: «من نور جهان هستم، کسی که از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد بلکه نور حیات را خواهد داشت»

مکان مقدس جایگاه پرستش





میز نان مقدس
یوحنا ۶: ۳۵

یوحنا باب ۶
۵۱ من آن نان زنده هستم که از آسمان آمده است. هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند و نانی که من خواهم داد بدن خودم میباشد که آن را به خاطر حیات جهانیان می دهم



مذبح سوزاندن بخور
آتش قربانگاه
جایگاه مذبح روبه روی پرده
محل پرستش و نیایش و ملاقات با خداوند

مکاشفه ۸: ۳
عبرانیان ۱۳: ۱۵

پطرس اول باب ۲
۹ و اما شما، نژادی برگزیده و کاهنانی هستید که به پادشاهی رسیده اید. شما ملتی مقدس و قوم خاص خدا هستید تا اعمال و صفات عالی خدایی که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است به همه اعلام نمایند

مکان مقدس

در مکان مقدس چراغدان، مذبح بخور و میزی بود که روی آن نان قرار داده بودند که به نشانه نان منا بود که خداوند به اسرائیل در بیابان میداد. وسایلی که در این مکان وجود داشت اشاره ای دارد به عیسی مسیح و روح القدس که در ما و زندگی ما میباشد.

(۱) چراغدان طلایی

این چراغدان از طلای خالص ساخته شده بود، با هفت شاخه که با پایه یک تکه بود و تنها نوری بود که در معبد وجود داشت.

نور اشاره به مسیح دارد که نور حقیقی است، دقیقا مثل چراغدان که تنها نوری بود که در معبد وجود داشت. همانطور که برای ساخت شمعدان (چراغدان) از طلا بایستی مراحل طی میشد، مسیح نیز ابتدا مورد ضرب و شتم قرار گرفت تا ما از زخمهای او شفا یافته و نور او (روح القدس) را دریافت کنیم.

۲) میزی که بر روی آن نان بود

بر روی این میز ۱۲ تکه نان بود که کاهن اعظم و پسرهای او به عنوان غذا در معبد مقدس استفاده میکردند. این هم اشاره ای است به مسیح، که نان زندگی میباشد و کلامش غذای روحانی ماست همانطور که در روی میز، نان به نمایش گذاشته شده، زندگی مسیحی نیز به دنیا نشان میدهد که به مسیح عیسی محتاج است.

خروج ۲۵: ۲۳ تا ۳۰

^{۳۳} میزی از چوب اقاچیا بساز به درازای دو ذراع، پهنای یک ذراع و بلندی یک و نیم ذراع. ^{۳۴} آن را با روکشی از طلای ناب بپوشان و قابی از طلا گرد آن بساز. ^{۳۵} گرد میز لبه‌ای به پهنای یک کف دست بساز و گرد آن نیز قابی از طلا. ^{۳۶} چهار حلقه طلا برای میز بساز و آنها را به چهار گوشه میز در محل چهار پایه متصل کن. ^{۳۷} حلقه‌ها نزدیک لبه باشند تا تیرکهای حمل میز را نگه دارند. ^{۳۸} تیرکها را از چوب اقاچیا بساز و آنها را زرانود کن و میز را به وسیله آنها حمل نما. ^{۳۹} بشقابها و ظروف آن را از طلای ناب بساز، همچنین پارچها و کاسه‌های مخصوص ریختن هدایای ریختنی را. ^{۳۰} بر میز، نان حضور را بگذارید تا همواره در حضور من باشد.

۳) مذبح بخور

مذبح بخور را از چوب اقاچیا ساخته و رویش را با طلا پوشانده بودند و نشانگر دعا در حضور خداوند بود.

مکاشفه ۵: ۸

^۸ پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر پیش پای بره بر خاک افتادند. آنها هر یک چنگی در دست داشتند و جامی زرین آکنده از بخوری که همان دعاهای مقدسین است.

این بخور هر روز صبح و شب، به حضور خداوند برده میشد، به همین خاطر ما باید هر روز دعا کنیم. وقتی که بخور را در آتش میریختند بوی معطر آن به بالا میرفت و این بخور خداوند را شادمان میکرد چرا؟ چون خداوند دعای مشتاقانه شخص عادل را میشنود.

یعقوب ۵: ۱۶

^{۱۶} پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می کند.

آتشی که در مذبح بخور بود مستقیماً از قربانگاه می آمد، به این دلیل که قبل از هر دعایی ابتدا باید برای گناهان قربانی داده میشد تا خداوند صدای آنها را بشنود.

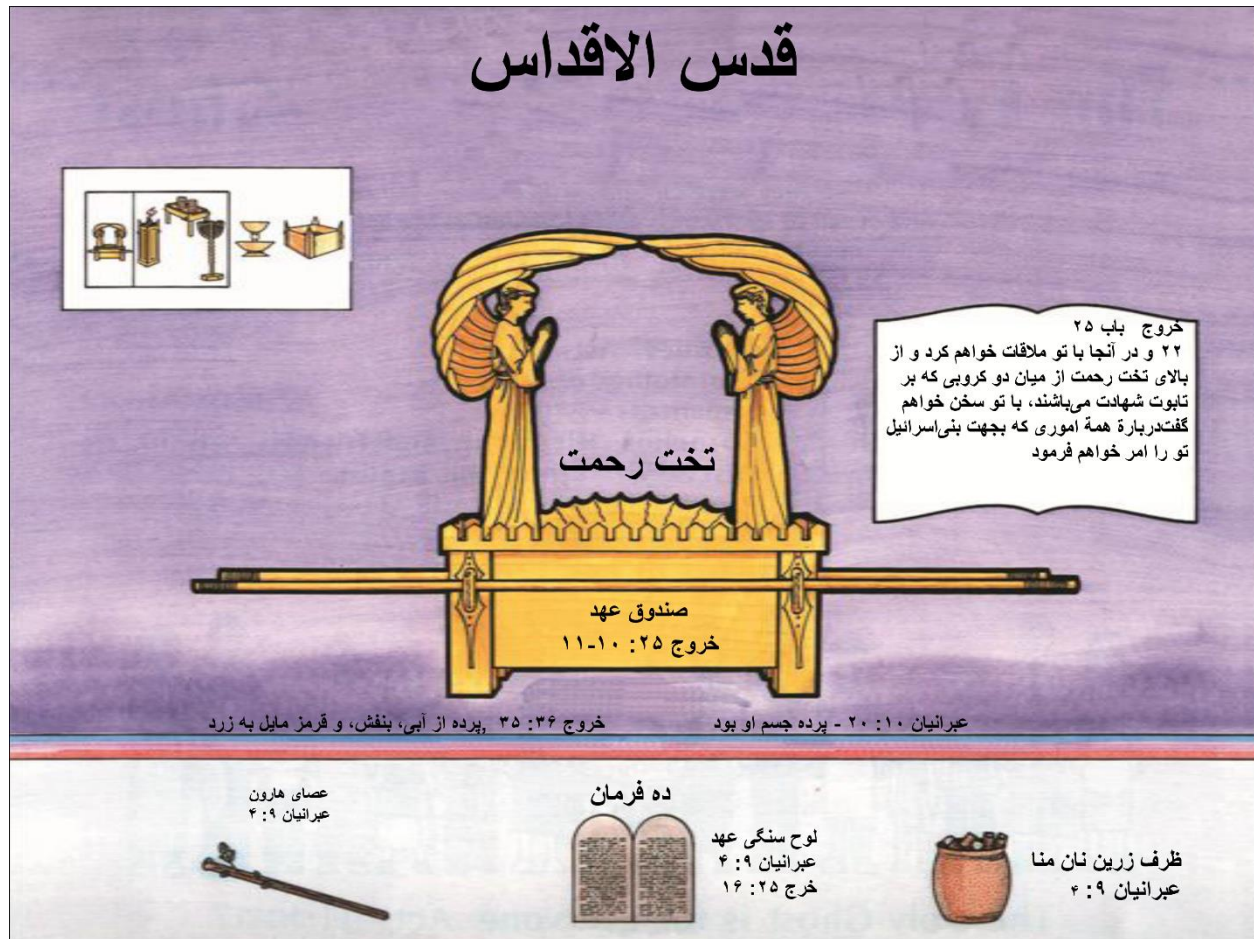
اگر ما با گناه به حضور خداوند برویم و قبل از آن، از گناهان خود توبه نکرده باشیم هر چند بار هم دعا کنیم خداوند نه تنها صدای ما را نخواهد شنید بلکه جواب هم نخواهد داد. زمانیکه در کلیسا به

درس چهارم - فصل ششم

جلو مذبح میرویم باید مطمئن باشیم دیگران را بخشیده و از آنها هم طلب بخشش کرده ایم، وقتی به قربانگاه میرویم باید مطمئن باشیم که خداوند صدای ما را می‌شنود پس اگر صدایمان را می‌شنود حتماً جواب هم خواهد داد.

مذبح بخور دقیقاً قبل از مکان مقدس قرار داشت و بین این دو مکان، پرده ای قرار گرفته بود که این دو محل را از هم مجزا میکرد.

دعا تجربه زیبایی است که ما را به حضور خداوند هدایت میکند و زمانیکه وارد آن مرحله میشویم دیگر حاضر نیستیم این حس بسیار زیبای در دعا را با چیزی عوض کنیم.



مکان قدس الاقداس (مقدس مقدس)

در پشت پرده در قسمت غربی محل مقدس جایی بود که آن را محل مقدس مقدس می نامیدند و مکانی بود که خداوند کاهن اعظم را ملاقات میکرد.

در محل مقدس مقدس صندوق عهد قرار داشت، چوب دستی هارون برادر موسی که شکوفه زده بود و سنگهایی که روی آنها ده فرمان نوشته شده بود و همچنین ظرف طلایی که از منا پر بود، در آن قرار داشتند.

درس چهارم - فصل هفتم

محل مقدس مقدس یا خیمه ملاقات نشانگر حضور خداوند بود، که اشاره به تعمید ما از روح القدس دارد و احساس لذتی که ما بعد از دریافت روح القدس در زندگیمان داریم.

۱) چوب دستی هارون

جوانه زدن در چوب دستی هارون نشانی از معجزه مسیح در زندگی ما پس از تولد دوباره می‌باشد. حتی بعد از مرگ هارون چوب دستی او که خشک شده بود دوباره شروع به شکوفه زدن نمود و نه تنها شکوفه بلکه بادام هم به بار آورد. این ثمره کارهای هارون بود و نشانه ای برای ما که ثمره کارهایمان حتی بعد از مرگ هم نمایان خواهد بود.

اعداد ۱۷ : ۸

^۸ فردای آن روز چون موسی به خیمه شهادت در آمد، اینک دید عصای هارون که برای خاندان لاوی بود، نه تنها جوانه زده و شکوفه آورده و گل داده، بلکه بادام رسیده نیز بار آورده است!

۲) ظرف طلایی منا

این ظرف نمایانگر این است که خدای ما مهیا کننده است و به ما قدرت خداوند را نشان می‌دهد که وقتی مردم اسرائیل در صحرا گرسنه بودند خداوند برای آنها نان منا را مهیا کرد.

۳) ده فرمان

ده فرمانی که روی سنگها نوشته شده بود، به مردم اسرائیل داده شد تا اگر می‌خواهند در مسیر خداوند قرار گیرند باید از فرمانهای او اطاعت کنند.

درس چهارم - فصل هفتم

استراحتگاهی که در بالای صندوق عهد قرار داشت تخت رحمت بود که از طلای خالص ساخته شده و با خون قربانی بیگناه رنگ آمیزی شده بود و نشان دهنده ی مرگ عیسی مسیح بود که برای رستگاری تمام دنیا انجام شد.

تیتوس ۳: ۵

۵ ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح القدس است.

این معبد در وسط قبایل اسرائیل قرار گرفته بود. به این منظور که خداوند و اراده او و کلیسا، باید در میان زندگی ما قرار بگیرد. وقتی که مردم اسرائیل به راه خود ادامه میدادند، صندوق عهد را قبل از آنها به حرکت در می آوردند، همانطور که ما مسیح را دنبال میکنیم و در زندگیمان به او اطمینان میکنیم چون او شبان ماست.

در زمان مرگ مسیح ما میبینیم که پرده معبد دو تکه شده و از بالا تا پایین پاره شد و این راه را برای رفتن ما به حضور خداوند باز کرد.

پاره شدن پرده دو چیز را به ما نشان میدهد:

(۱) هر شخصی میتواند آزادانه و بدون واسطه دیگری به حضور خداوند برود.

(۲) جلال خداوند آشکار است و هر کسی میتواند از روح او پر شود.

از خیمه عهد قدیم تا صلیب عهد جدید

روح القدس

اعمال باب ۲
۴ و همه از روح القدس پر گشته به زبانهای
مختلفه نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ
بخشید، به سخن گفتن شروع کردند

تعمید

اعمال باب ۲
۳۸ پطرس بدیشان گفت "توبه کنید و هر
یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت
آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای
روح القدس را خواهید یافت

توبه

رومیان باب ۶
۶ زیرا این را می دانیم که انسانیت
کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه
معدوم گشته دیگر گناه را بندگی نکنیم

عیسی مسیح راه رسیدن به
قدس الاقداس
عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰

عیسی مسیح نور جهان است
یوحنا ۱۲: ۳۵

به مانند عیسی که در باغ دعا
کرد
لوقا ۲۲: ۴۱-۴۴

عیسی مسیح و تعمید
متی ۳: ۱۶

عیسی مسیح قربانی برای
گناهان ما
عبرانیان ۹: ۲۸

عیسی مسیح نان حیات
یوحنا ۶: ۳۳-۳۵

از معبد به صلیب (خلاصه درس)

شریعت یا قانون مدیر مدرسه ای بود که ما را به طرف عیسی مسیح هدایت میکرد. ماموریت و هدف قانون، صلیب مسیح بود و چیزهایی که به موسی نشان داده شد، علامتی برای آمدن عیسی بود. به طور خاص هر جنبه ای از این معبد اشاره ای به عیسی مسیح و کار او برای رستگاری و نجات ما بود.

غلاطیان ۳: ۲۴

۲۴ پس شریعت مربی ما شد تا زمانی که مسیح بیاید و به وسیله ایمان پارسا شمرده شویم.

درس چهارم - فصل هشتم

در محوطه معبد که کاهن وارد میشد اولین چیزی که با او مواجه میشد مذبح یا قربانگاه بود که باید این مراحل اولیه را طی میکرد تا به محل مقدس برسد. مرحله بعدی حوض شستشو بود که بین مذبح قربانی و مکان مقدس قرار داشت که این به ما مرحله تعمید را نشان میدهد.

وقتی که وارد مکان مقدس میشدند چراغدان طلایی را همراه با هفت شاخه در اطرافش میدیدند و دقیقاً در مقابل چراغدان، میز نهارخوری بود که به ما یاد آوری میکند مسیح نان حیات است.

یوحنا ۶: ۳۳ تا ۳۵

۳۳ زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل شده، به جهان حیات می‌بخشد. ۳۴ پس گفتند: این نان را همواره به ما بده. ۳۵ عیسی به آنها گفت: نان حیات من هستم. هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود، و هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نگردد.

در پشت میز نهارخوری و چراغدان که در مقابل در ورودی محل مقدس مقدس بود، مذبح بخور قرار داشت که سنبل دعا میباشد.

اثاثیه خیمه عبادت و عهد جدید

(۱) مذبح قربانی

نشان دهنده ی عیسی مسیح است به عنوان قربانی برای گناهان ما، و این به ما یادآوری میکند که ما با اعتراف باید در گناهانمان همراه با او بمیریم.

(۲) حوض شستشو

نمایانگر پاک شدن از گناهان میباشد که عیسی مسیح برای ما فراهم کرد و ما آن را در تعمید با آب

درس چهارم - فصل هشتم

در نام او (عیسی مسیح) تجربه میکنیم هر چند او بیگناه بود، اما تعمید یافت تا به ما نشان دهد که باید راه او را دنبال کنیم.

(۳) مکان مقدس

نشانگر حضور خداوند در میان قوم خود میباشد. میتوان گفت که عیسی مسیح معبد خداوند در جسم بود که ظاهر شد. (خدا با ماست)

خداوند به این دلیل لباس جسم پوشید و به زمین آمد که نجات دهنده باشد.

متی ۱: ۲۱ تا ۲۳

^{۲۱} او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید. ^{۲۲} این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که: ^{۲۳} باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید.

اشعیا ۷: ۱۴

^{۱۴} بنابراین خود خداوند گار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.

ما از طریق ایمان به رستخیز عیسی مسیح میتوانیم روح القدس را دریافت کنیم و معبد او باشیم که بتواند در ما زندگی کند.

(۴) چراغدان

نشانگر مسیح میباشد که نور جهان است، و ما نیز امروز به عنوان چراغ و نوری در این جهان هستیم.



درس چهارم - فصل هشتم

۵) میز نهار خوری

به ما نشان می‌دهد که مسیح نان حیات است پس ما باید در زندگی هر روزه از کلام او تغذیه شویم.

۶) مذبح بخور

نشانگر دعا می‌باشد، وقتی مسیح دعا می‌کرد به خواست خودش توجهی نداشت و خواست و اراده پدر برای او مهمتر بود. او میدانست می‌رود و جان خود را برای دنیا می‌دهد که بسیار زجر آور خواهد بود با اینحال فدیة گناهان ما شد و برایمان شفاعت کرد.

۷) محل مقدس مقدس

صندوق عهد و صندلی رحمت، به ما یاد داد که مسیح تمام کفاره ما را پرداخت و در نتیجه از طریق عهد جدید، ما توانستیم مستقیماً در مقابل تخت خداوند حضور یابیم. این باعث میشود که اگر از روح خداوند تعمید بگیریم حضور او را در زندگیمان داشته باشیم و ما از این طریق وارد یک زندگی روحانی میشویم.

سوالات درس چهارم

۱) عبرانیان چند سال در مصر برده بودند؟

۴۰۰ سال

۲) پیشینه تاریخی عید فصح را توضیح دهید؟

خداوند از موسی خواست تا با مردم اسرائیل صحبت کند که هر خانواده، گوسفندی یک ساله بدون هیچ عیب و نقصی را تهیه کنند، او به آنها گفت که چطور گوسفند را کشته و خون آن را بر سردر خانه هایشان بمالند و سپس گوسفند را پخته، همان شب همه ی آن را همراه با نان فطیر و گیاهان تلخ بخورند. پس در نیمه شب خداوند از سرزمین مصر عبور کرد و از کنار هر خانه ای که رد میشد و بر سردرش خون نبود، نوزاد اول کشته میشد.

۳) ده فرمان که خلاصه احکام اخلاقی خدا برای قوم اسرائیل بود را نام ببرید؟

خروج باب ۲۰

۱) فقط یهوه خدا را پرست. ۲) از بت پرستی اجتناب کن. ۳) نام خدا را به ناشایستگی نبر.

۴) روز سبت را مقدس بشمار. ۵) پدر و مادرت را گرامی دار. ۶) قتل نکن. ۷) زنا نکن.

۸) دزدی نکن. ۹) به کسی شهادت دروغ نده. ۱۰) چشم طمع نداشته باش.

۴) صندوق عهد حاوی چه چیزهایی بود؟

حاوی چوب دستی هارون برادر موسی که شکوفه زده بود و سنگهایی که روی آنها ده فرمان نوشته شده بود و همچنین ظرف طلایی که از منا پر بود.



(۵) پاره شدن پرده معبد هنگام مرگ مسیح، چه چیزی را به ما نشان میدهد؟

(۱) هر شخصی میتواند آزادانه و بدون واسطه دیگری به حضور خداوند برود.

(۲) جلال خداوند آشکار است و هر کسی میتواند از روح او پر شود.

(۶) اولین چیزی که در محوطه معبد قرار داشت چه بود؟

مذبح یا قربانگاه

(۷) اثاثیه خیمه عبادت را نام برده و توضیح دهید که هر یک از آنها نشانگر چه چیزی در

عهد جدید میباشد؟

(۱) مذبح قربانی

نشان دهنده ی عیسی مسیح است به عنوان قربانی برای گناهان ما، و این به ما یادآوری میکند که ما با اعتراف باید در گناهانمان همراه با او بمیریم.

(۲) حوض شستشو

نمایانگر پاک شدن از گناهان میباشد که عیسی مسیح برای ما فراهم کرد و ما آن را در تعمید با آب در نام او (عیسی مسیح) تجربه میکنیم هر چند او بیگناه بود، اما تعمید یافت تا به ما نشان دهد که باید راه او را دنبال کنیم.

(۳) مکان مقدس

نشانگر حضور خداوند در میان قوم خود میباشد. میتوان گفت که عیسی مسیح معبد خداوند در جسم بود که ظاهر شد. (خدا با ماست)



(۴) چراغدان

نشانگر مسیح میباشد که نور جهان است، و ما نیز امروز به عنوان چراغ و نوری در این جهان هستیم.

(۵) میز نهارخوری

به ما نشان میدهد که مسیح نان حیات است پس ما باید در زندگی هر روزه از کلام او تغذیه شویم.

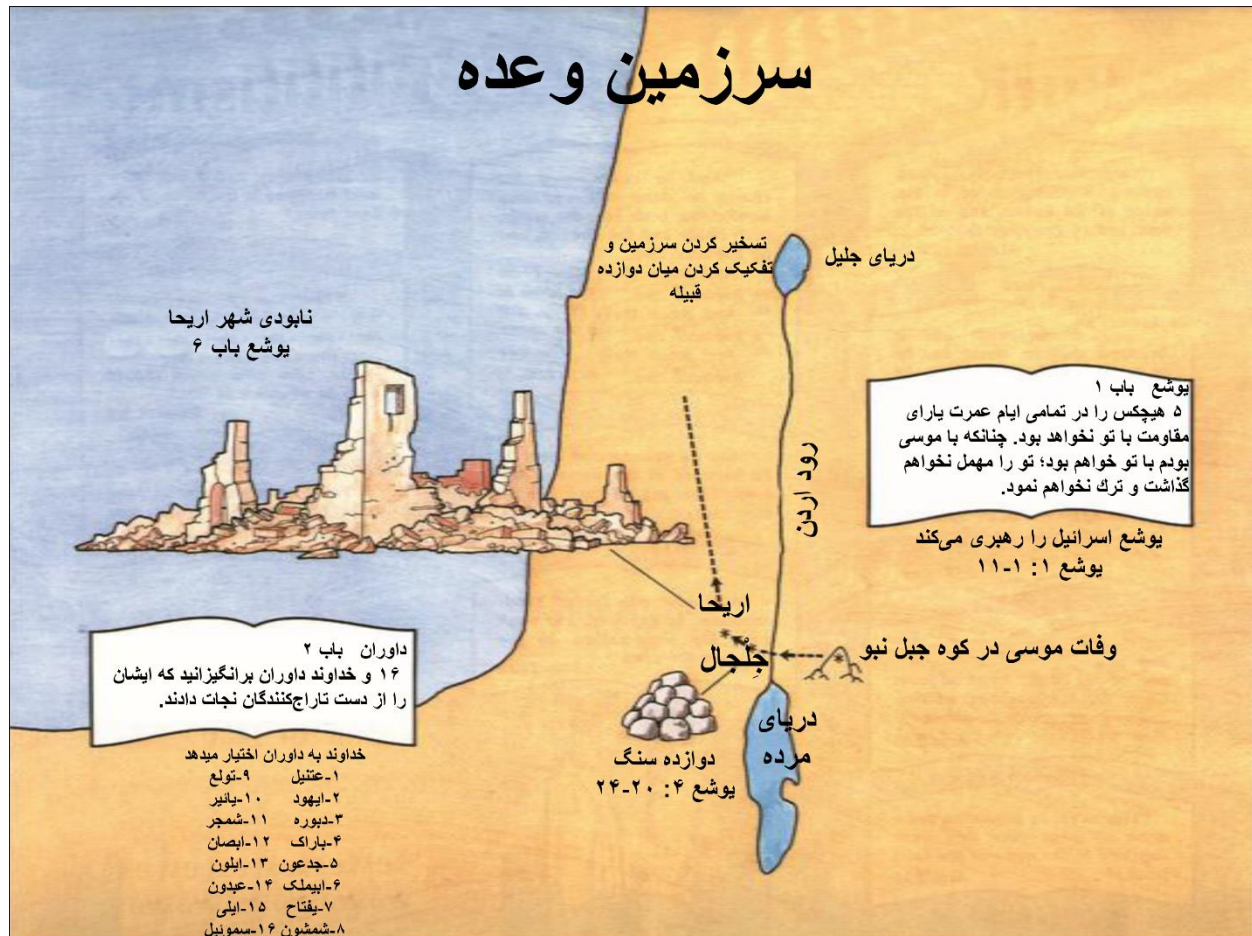
(۶) مذبح بخور

نشانگر دعا میباشد، وقتی مسیح دعا میکرد به خواست خودش توجهی نداشت و خواست و اراده پدر برای او مهمتر بود. او میدانست میرود و جان خود را برای دنیا میدهد که بسیار زجرآور خواهد بود با اینحال فدیۀ گناهان ما شد و برایمان شفاعت کرد.

(۷) محل مقدس مقدس

صندوق عهد و صندلی رحمت، به ما یاد داد که مسیح تمام کفاره ما را پرداخت و در نتیجه از طریق عهد جدید، ما توانستیم مستقیماً در مقابل تخت خداوند حضور یابیم. این باعث میشود که اگر از روح خداوند تعمیم بگیریم حضور او را در زندگیمان داشته باشیم و ما از این طریق وارد یک زندگی روحانی میشویم.





سرزمین وعده

الف) مرگ موسی (تثنيه باب ۳۴)

بخاطر بی ایمانی مردم اسرائیل، قضاوت خداوند بر آنها نازل شد. این قضاوت باعث شد که چهل سال در صحرا سرگردان باشند.

آنهايي که ایمان نداشتند خداوند، سرزمین وعده را به آنها خواهد داد قبل از اینکه به شهر وعده برسند همگی مردند.

دو مرد، به نامهای یوشع و کالیب از قضاوت خداوند نجات یافتند. آنها که در زمان خروج از مصر بیست سال سن داشتند فقط به دلیل اطمینان و ایمانی که به خدا داشتند نه به فهم خودشان، از مرگ نجات یافته و وارد شهر وعده شدند. در سالهای آخر که مردم اسرائیل در صحرا به سر میبردند، به این خاطر که آبی برای خوردن نداشتند شروع به اعتراض و سر و صدا کردند که چرا ما را از مصر خارج کردید تا بیاییم و در این صحرا بمیریم؟ موسی اعتراض آنها را به حضور خداوند برد و پیام خداوند به موسی این بود.

اعداد ۲۰: ۷ تا ۱۲

۷ خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: ^۸ چوبدستی را برگیر، و تو و برادرت هارون، جماعت را گرد آورید و در برابر چشمان آنان به این صخره بگویید که آب خود را بدهد. پس آب برای ایشان از صخره بیرون آورده، جماعت و چارپایانشان را بنوشان. ^۹ آنگاه موسی بنا به فرمان خداوند، چوبدستی را از حضور وی برگرفت. ^{۱۰} سپس موسی و هارون جماعت را مقابل صخره گرد آوردند و موسی بدیشان گفت: ای یاغیان گوش فرا دهید: آیا باید از این صخره آب برای شما بیرون آوریم؟ ^{۱۱} پس موسی دست خود را بلند کرده، با چوبدستی خویش دو بار بر صخره زد و آب فراوان بیرون آمد و جماعت و چارپایانشان از آن آشامیدند. ^{۱۲} ولی خداوند به موسی و هارون گفت: چون به من ایمان نداشتید تا در نظر بنی اسرائیل قدوسیت مرا حرمت نهید، شما این جماعت را به سرزمینی که به ایشان داده‌ام، نخواهید برد.

سپس خداوند، موسی را بالای کوه برد و قبل از مرگش شهر وعده را به او نشان داد و موسی در همان جا توسط خداوند به خاک سپرده شد. بعد از آن رهبری مردم اسرائیل توسط یوشع ادامه پیدا کرد و آنها را به شهر وعده هدایت نمود.

ب) عبور از رود اردن

قوم بنی اسرائیل برای وارد شدن به سرزمین کنعان باید از رود اردن عبور میکردند. وقتی که کاهنان به رود اردن پا گذاشتند جریان شدید آب متوقف شد تا مردم اسرائیل بتوانند از رود عبور کنند و به آن طرف رود برسند. دوازده مرد از هر قبیله اسرائیل، هر کدام یک سنگ از رود اردن به عنوان یادبود برداشتند که در آینده وقتی فرزندان اسرائیل از خانواده هایشان جریان این سنگها را میپرسند به آنها شهادت دهند که چطور خداوند رود اردن را خشک کرد تا آنها را از میان آبهای رود اردن به آن طرف هدایت کند، همانگونه که دریای سرخ را به خشکی تبدیل کرد تا از دست ارتش مصر نجات یابند.

برای اطلاع بیشتر یوشع بابهای ۳ و ۴ را مطالعه کنید.

شخصی به نحو مطلوب حافظه را به جعبه جواهر ذهن توصیف کرده است. این اصطلاح درست است و با این وصف، ما در حافظه خود فقط چیزهایی که زیبا، درست و خوب هستند را باید حفظ کنیم. چیزهای زشت برای جعبه جواهرات نیست. حافظه ای با اعمال اشتباه و کلمات نابخردانه و یا افکار بد، هیچ شادی در زندگی آینده ما به وجود نخواهد آورد.

مهم این است: طوری زندگی کنید که اعمال امروز شما خاطرات ارزشمندی در آینده باقی بگذارد.

فیلیپیان ۴: ۸

^۸ در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است، هرآنچه والا است، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست داشتنی و هرآنچه ستودنی است، بدان ببندید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تأمل کنید.

وارد شدن عبرانیان به سرزمین وعده نشان بر وعده های خداوند است که ما نیز امروزه تجربه میکنیم. جنگ، محاکمه، تجربیات کوهستانی و دره هایی که با آنها رو به رو بودند بخشی از زندگی، بلوغ معنوی و روحانی آنها بود، ما هم امروزه آنها را در زندگی روحانی خود تجربه میکنیم.

خداوند قوم اسرائیل را وقتی که در بند و اسیر بودند از مصر بیرون آورد اما چهل سال سرگردانی اسرائیل نوعی نتیجه عدم اعتماد به خداوند و همچنین وعده های او بود. عدم اعتماد باعث شد هزاران نفر در صحرا از بین بروند. و امروزه نیز میلیون ها نفر هنوز در بیابان تاریکی و بی اعتقادی سرگردان هستند.

تمام مردم اسرائیل (به جز دو ایماندار) در صحرا بخاطر بی ایمانی شان مردند در حالیکه فرزندانشان همراه با یوشع به سرزمین وعده داده شده، وارد شدند.

ج) جنگ برای زمین

خداوند به آنها وعده داده بود که اگر به او اعتماد کنند و از او اطاعت کنند زمین وعده را به آنها خواهد داد در غیر اینصورت باید خودشان برای وارد شدن به آن سرزمین می جنگیدند، در نهایت خداوند برای آنها جنگید به این دلیل که به او اعتماد کردند و از او اطاعت نمودند. خداوند بطور معجزه آسایی پیروزیهای زیادی به مردم اسرائیل داد. ما میتوانیم سردرگمی مردم اریحا را تصور کنیم، چون آنها شاهد میزبانی بزرگ اسرائیل در اطراف دیوارهای شهرشان بودند.

برای اطلاعات بیشتر خودتان میتوانید به کتاب یوشع مراجعه کنید و باب ۶ را کامل بخوانید.

مردم اسرائیل به مدت شش روز متوالی، روزی یکبار در اطراف شهر حرکت میکردند، در روز هفتم شهر را هفت بار دور زدند. در روز هفتم و در آخر هفت بار، اسرائیلی ها فریاد بلندی زدند که دیوارهای اریحا به زمین فرو ریخت و خداوند به اسرائیلی ها یک پیروزی بزرگ داد.

درس پنجم - فصل اول

پیاده روی، دور شهر اریحا ممکن است یک کار ساده به نظر برسد. اما خداوند اغلب از چیزهای ساده این دنیا برای فریب دادن متکبران استفاده میکند. ما باید همیشه به او اعتماد کرده او را اطاعت کنیم تا در ایمانمان رشد کنیم.

عبرانیان ۱۱ : ۳۰

^{۳۰} به ایمان بود که دیوارهای اریحا پس از اینکه قوم هفت روز دور آن گشتند، فرو ریخت.

بعد از اریحا، اسرائیل به شهر دیگری به نام عای رفت تا آن را هم به تصرف خود درآورد. ولی با شکست مواجه شد، زیرا خداوند به آنها گفته بود که وقتی وارد شهر اریحا میشوید چیزی را برندارید چون متعلق به خداوند هستند اما یکی از افراد اسرائیلی برای خود طلا، نقره و لباس به غنیمت برداشته، آنها را درون چادر خود پنهان کرده بود، برای همین وقتی به جنگ عای رفتند، به دلیل ناطاعتی و گناه شکست خوردند و به همین خاطر، قضاوت خداوند به خانه عخان، شخصی که گناه کرده بود، وارد شد و تمام خانواده و داراییهای او از جمله حیوانات، همه را به آتش کشید و از بین برد.

یوشع ۷ : ۲۴ تا ۲۶

^{۲۴} آنگاه یوشع و تمامی اسرائیل با وی، عخان پسر زراح را با آن نقره، ردا، و شمش طلا، و پسران و دخترانش، و گاوان، الاغان، و گوسفندان، و خیمه‌اش، و تمامی دارایی‌اش گرفته، به وادی عخور بردند. ^{۲۵} یوشع گفت: چرا این مصیبت را بر ما وارد آوردی؟ پس امروز خداوند تو را به مصیبت گرفتار می‌سازد. آنگاه تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند؛ آنها ایشان را به آتش سوزاندند و سنگها بر ایشان افکندند، ^{۲۶} و بر روی عخان تلی عظیم از سنگ بر پا داشتند، که تا به امروز باقی است. آنگاه آتش خشم خداوند فرو نشست. به همین جهت، آن مکان تا به امروز وادی عخور نامیده می‌شود.

برای آگاهی بیشتر باب ۷ یوشع را کاملا بخوانید.

اگر در گناه زندگی کنیم، هدف خداوند برای زندگی پیروزمندانه ما شکست می‌خورد یا عمل نمی‌کند. ما بدون قدرت خداوند نمیتوانیم در جنگهای روحانی پیروز شویم و پیروزی، قدرت، آرامش و شادی را میتوانیم فقط در روح القدس تجربه کنیم.

د) تسخیر کردن زمین

شهر به شهر، دهکده به دهکده، ارتش اسرائیل جنگید تا سرزمین وعده را بدست آورد. یوشع رهبر بزرگی بود و او به طور مداوم آنها را به سمت پیروزی به جلو هدایت میکرد. مردم اسرائیل توسط قدرت خداوند زمین را تسخیر کرده و سرزمین بین قبیله های اسرائیل تقسیم شد تا هر کدام از قبیله ها بتوانند مناطق خود را برای اقامت در آن داشته باشند.

یوشع باب ۱۴ را مطالعه کنید.

یوشع بعد از یک عمر طولانی در خداوند مرد.

یوشع باب ۲۴ را مطالعه کنید.

بعد از مرگ یوشع خداوند هیچ جانشینی برای او پیدا نکرد و مردم اسرائیل به دلیل ضعفی که در رهبری داشتند وارد گناه بزرگی شدند و زمانی که در اسارت گناه بودند به نزد خداوند گله کردند. سپس خداوند داوران را برانگیخت تا مردم اسرائیل را هدایت کنند.

داوران ۲: ۱۶ تا ۲۳

۱۶ آنگاه خداوند داوران برانگیخت، و آنان ایشان را از دست تاراجگران شان نجات دادند. ۱۷ ولی به داوران خود نیز گوش نسپردند، زیرا از پی خدایان غیر زنا کرده، آنها را پرستش نمودند. آنان خیلی زود از راهی که پدران شان در آن گام می‌زدند، یعنی اطاعت فرامین خداوند، منحرف شدند، و مانند

ایشان عمل نکردند. ^{۱۸} هرگاه خداوند داوران برایشان برمی‌انگیخت، با آن داور می‌بود و ایشان را در تمام ایام زندگی آن داور از دست دشمنانشان نجات می‌داد، زیرا خداوند به سبب ناله‌هایی که از دست ظالمان و ستم‌کنندگان خویش برمی‌آوردند، بر ایشان شفقت می‌کرد. ^{۱۹} اما چون آن داور می‌مرد، آنان بار دیگر منحرف می‌شدند و از پدران خود نیز فاسدتر عمل کرده، خدایان غیر را پیروی می‌نمودند و آنها را عبادت و سجده می‌کردند. آنان از هیچ‌یک از عادت‌ها یا راه‌های خودسرانه خود دست نمی‌کشیدند. ^{۲۰} پس خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد و گفت: چون این قوم از عهدی که به پدرانشان امر فرمودم، تجاوز کردند و آواز مرا نشنیدند، ^{۲۱} من نیز دیگر هیچ‌یک از قوم‌هایی را که یوشع به هنگام مرگش باقی گذاشت، از پیش روی ایشان بیرون نخواهم راند، ^{۲۲} تا به واسطه آنان اسرائیل را بیازمایم و ببینم آیا همچون پدرانشان طریق خداوند را نگاه خواهند داشت و در آن گام خواهند زد یا نه. ^{۲۳} پس خداوند آن اقوام را باقی نهاده، ایشان را به یکباره بیرون نراند، و به دست یوشع تسلیمشان نکرد.

خداوند از داوران برای هدایت اسرائیل استفاده کرد تا زمانی که اسرائیل اولین پادشاه خود را انتخاب کرد.

پادشاهان



۴۰ سال سلطنت
شاول



۴۰ سال سلطنت
داود



۴۰ سال سلطنت
سلیمان

سمونیل اول باب ۸
۴ پس جمیع مشایخ اسرائیل جمع شده، نزد سمونیل به رامه آمدند. ۵ و او را گفتند: «اینک تو پیر شده ای و پسرانت به راه تو رفتار نمی نمایند. پس الان برای ما پادشاهی نصب نما تا مثل سایر امتهای بر ما حکومت نماید»

درخواست
انتخاب پادشاه
توسط اسرائیل

سمونیل اول باب ۱۰
۱ پس سمونیل ظرف روغن را گرفته، بر سر وی ریخت و او را بوسیده، گفت: «آیا این نیست که خداوند تو را مسح کرد تا بر میراث او حاکم شوی؟»

قبیله بنیامین
اول سمونیل ۹: ۱
بلند قامت تر از دیگران
اول سمونیل ۹: ۲
مردود شده توسط خداوند
اول سمونیل ۱۶: ۱۴

سمونیل اول باب ۱۶
۱۳ پس سمونیل حقه روغن را گرفته، او را در میان برادرانش مسح نمود. و از آن روز به بعد روح خداوند بر داود مستولی شد. و سمونیل برخاسته، به رامه رفت.

جوان چوبان
اول سمونیل ۱۶: ۱۱
چلیات قول پیکر
اول سمونیل ۱۷
مورد پسند خداوند واقع شد
اعمال رسولان ۱۳: ۲۲

پادشاهان اول باب ۱
۳۴ و صادوق کاهن و ناتان نبی او را در آنجا به پادشاهی اسرائیل مسح نمایند و کرنا را نواخته بگویند: سلیمان پادشاه زنده بماند!

خداوند حکمت عطا می کند
اول پادشاهان ۳
ساخت معبد
اول پادشاهان ۶

پادشاهان

اعمال رسولان ۱۳: ۱۹ تا ۲۱

۱۹ او هفت قوم را که در کنعان بودند، نابود ساخت و سرزمینشان را به قوم خود به میراث داد. ۲۰ این همه حدود چهارصد و پنجاه سال به طول انجامید. «پس از آن، تا زمان سمونیل نبی، خدا داوران بدیشان داد. ۲۱ آنگاه پادشاهی خواستند و خدا شاول، پسر قیس، از قبیله بنیامین را به ایشان داد، که چهل سال حکومت کرد.

اسرائیل تقاضای پادشاه میکند

در آن زمان خداوند سموئیل را انتخاب کرده بود که پیام های خود را از طریق او به مردم اسرائیل برساند، ولی مردم اسرائیل به آن قانع نبودند و برای خودشان پادشاه میخواستند مثل قبایل دیگری که در اطرافشان بودند. در واقع مردم اسرائیل راضی به پادشاهی خداوند نبودند زیرا که نمیتوانستند او را ببینند. آنها کسی را به عنوان پادشاه میخواستند که بتوانند او را به دیگران هم نشان دهند. به همین دلیل و خلاف میل خداوند که میخواست اراده او در زندگی مردم اسرائیل انجام شود، طبق میل و اصرار مردم، خداوند آن چیزی را که میخواستند به آنها داد و گفت که اگر میخواهند به راه خود بروند و پادشاهی داشته باشند من به آنها خواهم داد.

با مطالعه کلام متوجه خواهید شد که چه اتفاقی برایشان افتاد.

هوشع ۱۳: ۱۱

۱۱ در خشم خویش، پادشاهی به تو دادم و در غضب خویش او را برداشتم.

مزامیر ۱۰۶: ۱۵

۱۵ پس آنچه خواستند بدیشان عطا فرمود، اما لاغری در جانهای ایشان فرستاد.

این دعایی بود که عیسی کرد:

لوقا ۲۲: ۴۲

۴۲ ای پدر، اگر اراده توست، این جام را از من دور کن؛ اما نه خواست من، بلکه اراده تو انجام شود. و این دعا باید الگویی برای تمام انسانها باشد. نگرش درست قلب تنها میتواند از طریق دعا و تعهد به کلام و خواست خداوند نگهداری یا حفظ شود.

سه پادشاه

سه پادشاه، هر کدام به مدت چهل سال بر اسرائیل سلطنت کردند و مردم اسرائیل را رهبری نمودند، اسمهای آنها شائول، داوود و سلیمان بود.

(۱) شائول

خداوند اولین پادشاه را از قبیله بنیامین انتخاب کرد که نامش شائول بود. شائول در میان بنی اسرائیل مردی خوش اندام بود و از تمامی مردان دیگر نیز سر و گردنی بلندتر داشت. شائول در آن زمان مرد بسیار شجاعی بود ولی شخصیت او بعد از به قدرت رسیدن کلاً عوض شد و فراموش کرد که قبلاً چه کسی بوده و قدرت، افکارش را عوض نمود.

معمولاً قدرت و اختیار، انسان را از فروتنی به غرور تغییر میدهد و یک انسان خودخواه، خسیس و ناطاعت به وجود می آورد. از قدرتی که به انسان داده میشود نباید سو استفاده کرد در غیر اینصورت شخص از حقیقت خداوند و خواست او کور خواهد شد.

در طی سالهای پادشاهی شائول، او اشتباههای زیادی انجام داد پس تمام کارهای خوبی که در اوایل انجام داده بود پوشانده شد. یکی از اشتباهاتی را که انجام داد در اول سموئیل ۱۳: ۸ تا ۱۴ میخوانیم:

^۸ باری، شائول مطابق زمانی که سموئیل تعیین کرده بود، هفت روز درنگ کرد، اما سموئیل به جلال نیامد و قوم از نزد او پراکنده می شدند. ^۹ پس گفت: قربانی تمام سوز و قربانیهای رفاقت را نزد من آورید، و خود قربانی تمام سوز را تقدیم کرد. ^{۱۰} به محض اینکه تقدیم قربانی تمام سوز را به پایان رسانید، سموئیل از راه رسید و شائول برای خوشامدگویی به او به استقبالش بیرون رفت. ^{۱۱} سموئیل پرسید: «چه کرده‌ای؟» شائول پاسخ داد: چون دیدم قوم از نزد من پراکنده می شوند و تو در زمان مقرر نیامدی و فلسطینیان در مکماش گرد آمده اند، ^{۱۲} پس گفتم: «اکنون فلسطینیان در جلال بر من فرود

خواهند آمد و من هنوز نظر لطف خداوند را نطلبیده‌ام." پس مجبور شدم خودم قربانی تمام‌سوز را تقدیم کنم.^{۱۳} سموئیل به او گفت: احمقانه رفتار کردی و فرمانی را که یهوه خدایت به تو داده بود، نگاه نداشتی. زیرا در آن صورت خداوند پادشاهی‌ات را تا ابد بر اسرائیل استوار می‌داشت.^{۱۴} اما حال پادشاهی تو دیگر دوام نخواهد یافت، زیرا خداوند مردی موافق دل خود جُسته و او را به رهبری قوم خویش مأمور ساخته است، زیرا آنچه را خداوند به تو فرمان داد، نگاه نداشتی.

به دلیل همین اشتباهش خداوند به او گفت که پادشاهی را از او خواهد گرفت و به کسی که مورد نظر اوست خواهد داد.

اول سموئیل ۱۵ : ۲۲

^{۲۲} سموئیل پاسخ داد: آیا هدایای تمام‌سوز و قربانیه‌ها خداوند را بیشتر خشنود می‌سازد یا اطاعت از فرمان خداوند؟ اینک اطاعت از قربانیه‌ها نیکوتر است، و گوش سپردن از چربی قوچ‌ها بهتر.

بنابراین خدا چیزی که از ما می‌خواهد اطاعت است نه قربانی، ممکن است ما هدایای بسیاری برای خداوند اهدا کنیم ولی اگر از او اطاعت نکنیم و خواست و اراده او را انجام ندهیم مورد قبول خداوند قرار نخواهیم گرفت در نتیجه آنطور که او می‌خواهد از ما استفاده نخواهد کرد. خداوند این فرصت را به ما می‌دهد تا فقط برای جلال خودش از قدرت و اختیار او استفاده کنیم، ولی اگر غیر از این عمل کنیم همه را از ما خواهد گرفت، و همین اتفاق برای شائول افتاد.

شما می‌توانید اول سموئیل باب ۱۵ را برای اطلاعات بیشتر بخوانید که چطور شائول با ناطاعتی از فرمان خداوند سقوط کرد.

خداوند به خاطر سرکشی‌های شائول روح خود را از او جدا کرد و به جای شائول شخص دیگری به نام داوود را برای پادشاهی اسرائیل انتخاب کرد، به همین دلیل شائول خیلی حسادت کرد و چندین بار

تصمیم گرفت او را از بین ببرد ولی موفق نشد. در آخر شائول که در هر نبردی شکست می‌خورد، در یکی از جنگها خود را با شمشیر از بین برد.

برای اینکه بدانید چگونه شائول کشته شد به اول سموئیل باب ۳۱ مراجعه کنید و تمام باب را بخوانید. حقیقت مربوط به طبیعت بشر این است که انسان بدترین دشمن خود است. خطرناکترین مشکلاتی که در زندگی ما به وجود می‌آید و یا زندگیهای ما را تحت تاثیر خود قرار میدهد از درون خودمان جاری میشود، نه از خارج.

ما فقط بخاطر نفس سرکش و خیانت درونی، روح خداوند را که در درونمان قرار دارد معذب و او را از خود دور میکنیم. متأسفانه تنها از طریق روزنه ای که در درونمان به وجود آمده به دشمن اجازه میدهیم که وارد شده، ما را از درون نابود کند. در واقع خطرها و وسوسه های این دنیا هیچ قدرتی ندارند و نمیتوانند کارشان را عملی سازند اگر همکاری و کمک را از دشمن درونی دریافت نکنند.

۲) داوود

همانطور که در کلام خداوند میخوانیم دومین پادشاه اسرائیل، شخصی بسیار خوب و دوست داشتنی به نام داوود بود. سموئیل نبی، زمانی که داوود جوان بود و از گوسفندان خانواده خود محافظت میکرد، او را مسح کرد که پادشاه آینده اسرائیل خواهد شد. بهترین تعریف از داوود این است که او به دنبال قلب خود خداوند بود، یعنی میخواست آنچه که خواست و اراده خداوند بود را انجام دهد.

اعمال رسولان ۱۳: ۲۲

۲۲ پس از برداشتن شائول، داوود را برانگیخت تا شاه ایشان گردد، و بر او چنین گواهی داد: داوود پسر یسا را دلخواه خویش یافتم؛ او خواست مرا به طور کامل به جا خواهد آورد.

این ویژگی بارز یک مسیحی بسیار موفق میباشد. کسی که صلیب خود را بردارد و مسیح را دنبال کند. هر چند داوود گناه کرد، اما تمایل و حساسیت قلب او به خداوند، او را به جایی رساند که توبه کند و به خدا احترام بگذارد.

الف) کشتن جلیات توسط داوود

زمانی که داوود از گوسفندان خانواده محافظت میکرد با حیوانات درنده ای مانند خرس و شیر مواجه میشد که باید برای حفاظت از گله با آنها میجنگید. هنگام جنگ با این حیوانات روح خداوند بر او قرار میگرفت و با قدرتی که خداوند به او میداد حیوانات وحشی را از بین میبرد.

زمانیکه راهی میدان نبرد شد تا ببیند که برادرانش در چه وضعی هستند، متوجه ارتش اسرائیل شد که مقابل ارتش فلسطین ایستاده و آماده جنگ است. به جلو رفت و دید که یک شخص غول پیکر آنجا ایستاده که همراه ارتش فلسطین میباشد و ارتش اسرائیل هم قدرت حمله ندارد چون از این مرد غول پیکر وحشت کرده بودند. برای همین داوود رفت و با شائول صحبت کرد و به او گفت که حاضر است با آن غول وارد نبرد شود. همه تعجب کردند چون او جوانی بیش نبود و این در حالی بود که هیچ کس جرات نداشت جلو رفته و با آن غول جنگ کند. شائول به داوود اجازه داد که از طرف اسرائیل با او بجنگد. چون داوود به خداوند ایمان داشت و میدانست که به او کمک خواهد کرد، پس بدون کمک اسرائیل با مرد غول مبارزه کرده، او را شکست داد و با شمشیر خودش سر او را جدا کرد.

این داستان راه پیروزی در مورد چیزهایی است که جنگ علیه روح را نشان میدهد، و سوسه های روحانی در زندگیهای ما باید کاملاً از بین بروند در غیر این صورت اسیر این دنیا خواهیم شد.

خداوند به ما قدرت و روح محبت داده است نه روح ترس.

ب) مشکلات داوود و پیروزیهایش

این پیروزی باعث شهرت زیاد داوود در مقابل مردم اسرائیل شد و شائول هم از این بابت خوشحال نبود. در واقع حسادت میکرد و همین باعث شد که برای داوود نقشه ای بکشد تا او را از بین ببرد. هر چند داوود، خداوند را خیلی دوست داشت و همواره میخواست او را جلال بدهد ولی زندگی او دست کمی از دیگران نداشت یعنی داوود هم زمانی که به سلطنت رسید مرتکب گناه شد.

زمانی که ارتش اسرائیل مشغول نبرد با عمونیان بودند در یکی از آن روزها داوود بر بام خانه خود قدم میزد که ناگهان از آنجا نگاهش به خانه همسایه افتاد و زنی زیبا روی را دید که حمام میکند. داوود از زن خوشش آمد و خدمتکار خود را دنبالش فرستاد. در حالیکه همسر آن زن در جبهه برای داوود میجنگید، داوود با این زن همبستر شده، زن از او باردار شد در حقیقت داوود بر علیه خداوند و همسر آن زن مرتکب گناه شد. قطعاً اگر داوود در آن روز همراه ارتش خود به جنگ رفته بود این گناه انجام نمیشد.

داوود در تلاش بود که روی گناه خود سرپوش بگذارد، بنابراین همسر زن را به بهانه مرخصی از جبهه فراخواند تا شاید با همسرش همخواب شده و متوجه نشود که این بچه متعلق به داوود است ولی مرد از رفتن به خانه خودداری کرد و همراه سربازان ماند. در نهایت داوود مجبور شد او را به خط اول بفرستد تا کشته شود و همینطور هم شد و همسر او بعد از سوگواری به حضور داوود خوانده شد و با او ازدواج کرد. خداوند گناه بزرگ داوود را نادیده نگرفت و از طریق نبی به نام ناتان پیامی را به داوود داد که این پیام از طریق انسان به داوود گفته شد.

دوم سموئیل ۱۲: ۱ تا ۷

۱ و اما خداوند ناتان را نزد داوود فرستاد. پس نزد وی آمده، او را گفت: در شهری دو مرد بودند؛ یکی

ثروتمند بود و دیگری فقیر. ^۲ مرد ثروتمند گوسفندان و گاوان بسیار زیاد داشت، ^۳ اما فقیر را چیزی نبود مگر ماده بره‌ای کوچک که آن را خریده و پرورش داده بود و در کنار او و فرزندانش بزرگ شده بود. بره از طعام او می‌خورد، از پیاله‌اش می‌نوشید، در آغوشش می‌خفت و او را همچون دختری بود. ^۴ روزی مسافری نزد مرد ثروتمند آمد، اما او را دریغ آمد که از گوسفندان و گاوان خودش یکی را بگیرد و برای مسافری که نزدش آمده بود، مهیا سازد. پس بره آن فقیر را بگرفت و آن را برای مردی که نزدش آمده بود، مهیا ساخت. ^۵ آنگاه خشم داوود به شدت بر آن مرد افروخته شده، ناتان را گفت: به حیات خداوند قسم که سزای مردی که این کار را کرده، مرگ است. ^۶ چون چنین کرده و هیچ ترحم ننموده است، باید چهار برابر ارزش بره تاوان دهد. ^۷ ناتان به داوود گفت: آن مرد تو هستی! یهوه، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: من تو را به پادشاهی بر اسرائیل مسح کردم و تو را از دست شائول رهانیدم.

خداوند از گناه متنفر است و حتی نمیتواند آنرا تحمل کند، هیچ گنهکاری نمیتواند وارد بهشت شود. برای خدا مهم نیست که چقدر پول در بانک دارید یا با چه افراد معروفی در ارتباط هستید، همه چیز در این دنیا متعلق به خداوند است و او پایه و اساس تمام قدرتهاست، در مقابل دیدگان خداوند همه یکسان هستند.

در کتاب مزامیر باب ۵۱ میتوانید توبه داوود را بخوانید.

خواست داوود این بود که برای خداوند معبدی بسازد اما او مرد جنگ بود برای همین خداوند این اجازه را به او نداد بلکه به یکی از پسرانش به نام سلیمان که پادشاه بعدی اسرائیل بود اجازه ساخت معبد را داد.

دوم سموئیل باب ۷ را مطالعه کنید.

ج) وعده خداوند به داوود

اول تواریخ ۱۷: ۱ تا ۱۵

چون داوود در خانه خود ساکن شد، به ناتان نبی گفت: اینک من در خانه‌ای از چوب سرو آزاد ساکنم، حال آنکه صندوق عهد خداوند زیر خیمه‌ای است. ^۲ ناتان به داوود گفت: «هرآنچه در دل داری به جای آور، زیرا خدا با توست.» ^۳ اما همان شب، کلام خدا بر ناتان نازل شده، گفت: ^۴ «برو و به خادم من داوود بگو، "خداوند چنین می‌فرماید: تو نیستی که برای سکونت من خانه‌ای بنا خواهی کرد. ^۵ زیرا از روزی که اسرائیل را از مصر بر آوردم تا به امروز در خانه‌ای ساکن نشده‌ام، بلکه از خیمه به خیمه و از مسکن به مسکن نقل مکان کرده‌ام. ^۶ آیا در همه نقاطی که همراه تمامی اسرائیل نقل مکان کردم، به هیچ‌یک از پیشوایان اسرائیل که ایشان را به شبانی قوم خویش اسرائیل امر فرمودم، کلمه‌ای گفتم که، ^۷ چرا برای من خانه‌ای از چوب سرو آزاد نساخته‌اید؟ ^۸ پس اکنون به خدمتگزارم داوود بگو: یهوه، خدای لشکرها چنین می‌فرماید: من تو را از چراگاه، از پی گوسفندان برگرفتم تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی. ^۹ من هر جا که می‌رفتی، با تو بودم و دشمنانت را جملگی از پیش رویت منقطع ساختم. اکنون نام تو را بزرگ خواهم ساخت، همچون نام بزرگ مردان جهان. ^{۱۰} من برای قوم خود اسرائیل مکانی تعیین خواهم کرد و ایشان را غرس خواهم نمود تا در مکان خویش سکونت گزینند و دیگر جا به جا نشوند. شیران دیگر بر ایشان ستم نخواهند کرد، چنانکه در گذشته ^{۱۱} از آن هنگام که پیشوایان بر قوم خود اسرائیل برگماشتم، چنین کرده‌اند. من تمامی دشمنانت را مغلوب خواهم ساخت. افزون بر این، به تو اعلام می‌کنم که خداوند برایت خانه‌ای خواهد ساخت. ^{۱۲} آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود رحلت کنی، کسی را که از نسل تو و یکی از پسران خودت باشد پس از تو بر خواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. ^{۱۳} اوست که برای من خانه‌ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت. ^{۱۴} من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود.

محبت خود را از او دور نخواهم کرد، چنانکه آن را از کسی که قبل از تو بود دور کردم.^{۱۴} او را تا به ابد بر خانه و بر پادشاهی خود پایدار خواهم ساخت، و تخت سلطنتش جاودانه استوار خواهد ماند.^{۱۵} پس ناتان مطابق تمامی این سخنان و تمامی این رؤیا، با داوود سخن گفت.

(د) دعای داوود

اول تواریخ ۱۷: ۱۶ تا ۲۷

^{۱۶} آنگاه داوود پادشاه داخل شده، در حضور خداوند بنشست و گفت: «ای یهوه خدا، من کیستم و خاندان من چیست که مرا تا بدین جا رساندی؟^{۱۷} و حتی این نیز، ای خدا، در نظرت کم بود چندان که درباره آینده خاندان خدمتگزارت نیز برای ایام طویل سخن گفتم، و مرا ای یهوه خدا، چون مردی بلندمرتبه منظور داشتی.^{۱۸} داوود دیگر تو را چه تواند گفت که خدمتگزارت را چنین مفتخر ساخته‌ای؟ زیرا تو خود، خدمتگزارت را می‌شناسی.^{۱۹} ای خداوند، تو به خاطر خدمتگزارت و موافق دل خود تمامی این کار عظیم را به جا آورده و تمامی این عظمت را آشکار کرده‌ای.^{۲۰} خداوند، چنانکه به گوشه‌ایمان شنیده‌ایم، کسی چون تو نیست و خدایی جز تو نی.^{۲۱} و کیست مانند قوم تو اسرائیل، تنها قوم بر روی زمین که خدا آمده، آنان را فدیہ داد تا قوم او باشند؟ تو قومها را از پیش روی قومت، که ایشان را از مصر فدیہ دادی، بیرون راندی و بدین سان، خویشان را به اعمال عظیم و مهیب، نامور ساختی.^{۲۲} و تو قوم خود اسرائیل را تا به ابد قوم خویش گردانیدی؛ و تو ای خداوند، خدای ایشان شدی.^{۲۳} «پس حال، ای خداوند، کلامی که درباره خدمتگزارت و خاندان او فرمودی تا به ابد استوار ماند، و بر حسب وعده‌ات عمل نما.^{۲۴} باشد که نام تو تا به ابد استوار و بزرگ ماند و مردمان بگویند: "یهوه خدای لشکرها، خدای اسرائیل، بر اسرائیل خداست"، و خاندان خدمتگزارت داوود نیز در حضورت پایدار ماند.^{۲۵} زیرا تو ای خدای من، تو خود بر خدمتگزارت آشکار کردی که خانه‌ای برایش

خواهی ساخت. از این روست که خدمتگزارت به خود جرأت داده، این دعا را به درگاه تو می آورد. ^{۲۶} حال ای خداوند، تو خدا هستی، و تو این نیکویی را به خدمتگزارت وعده داده‌ای. ^{۲۷} اکنون تو را پسند آمده است که اهل خانه خدمتگزارت را برکت دهی تا در حضورت تا به ابد باقی بماند. زیرا که ای خداوند، تویی که برکت داده‌ای، و تا به ابد مبارک خواهد بود.

۳) سلیمان

سلیمان پسر داوود وقتی به پادشاهی رسید برای تقدیم قربانی به جبعون رفت و در آنجا هزار قربانی تمام سوز تقدیم کرد. در جبعون بعد از تقدیم قربانی خداوند در خواب به او ظاهر شد و گفت: آنچه را که میخواهی به تو بدهم درخواست کن.

تمام ثروت خداوند میتوانست در دستان سلیمان قرار بگیرد، هر فرد دیگری هم جای سلیمان بود درخواست ثروت فراوان میکرد ولی سلیمان از خداوند به جای ثروت، حکمت درخواست کرد و گفت: به من حکمت عطا کن تا بتوانم قومت را به راه تو هدایت کنم زیرا او جوان بود و تجربه ای برای پادشاهی نداشت. خداوند از درخواست او بسیار خشنود شد و گفت: چون از من ثروت و یا عمر طولانی درخواست نکردی من نه تنها به تو حکمت میدهم بلکه آنچه را که نخواستی هم به تو عطا خواهم کرد. پس خداوند به سلیمان حکمتی داد که تا به امروز کسی مثل او وجود نداشته است.

اول پادشاهان ۳: ۱۳

^{۱۳} و آنچه را نیز که نخواستی به تو خواهم بخشید، یعنی هم ثروت و هم شوکت را، تا در همه روزهایت هیچ پادشاه دیگر با تو به قیاس نیاید.

۳۳ بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد. در واقع تقاضای سلیمان صداقت و پاکی قلب او را نشان میداد که هیچ چشم داشتی به مال و ثروت نداشت، تنها خواست او از خداوند این بود که قلبی داشته باشد تا بتواند فرق بین خوب و بد را تشخیص دهد و مردم را با صداقت و راستی قضاوت کند. خداوند نیز به سلیمان علاوه بر حکمت، ثروت، عمر طولانی و قدرت برای نابودی دشمنان به او عطا کرد، چیزهایی که سلیمان هرگز از خداوند نخواست بود. کلام خداوند حقیقت است. اگر ما ابتدا، پادشاهی او را طلب کنیم خداوند چیزهای دیگری را که به آنها نیاز داریم، به ما خواهد داد.

الف) اشتباهات سلیمان

سلیمان به خاطر حکمتی که خداوند به او داده بود خیلی معروف بود. کلام راجع به او میگوید:

اول پادشاهان ۳: ۱۲

۱۲ اینک مطابق سخنت می کنم و تو را دلی حکیم و فهیم می بخشم آن گونه که پیش از تو مانند تو نبوده و پس از تو نیز همچون تو بر نخواهد خاست.

و همچنین بخاطر ثروت زیادی که داشت مرد شناخته شده ای بود.

تعداد زنهایی که سلیمان از قبایل دیگر برای خود گرفته بود به ۱۰۰۰ میرسید. متأسفانه زنهای او قلبش را از خداوند دور کرده و او به طرف خدایان دیگر رفته بود و آنها را پرستش میکرد.

پس حتی افرادی که زندگی خود را وقف خداوند کرده اند اگر هر روز در خواسته های نفسانی خود نمیرند از حضور خداوند و فیض او دور میشوند.

تغییری که در زندگی سلیمان بوجود آمد را فراموش نکنیم. او در ابتدای پادشاهی، عاشق خدمت کردن به خداوند بود، اما با گذشت زمان عوض شد و فراموش کرد که خداوند او را در جبعون ملاقات کرده و وعده های زیادی به او داده بود.

به قولی همیشه آن کسی که مسابقه را به اتمام میرساند، لایق دریافت مدال میباشد.

ب) سلیمان معبد را میسازد

شاید یکی از کارهای بزرگی که سلیمان در دوران پادشاهی خود انجام داد ساختن معبدی بود که در اورشلیم میباشد.

اول پادشاهان باب ۵ را مطالعه کنید.

او ساخت معبد را بعد از اینکه خداوند نقشه آنرا به داوود داده بود به انجام رساند و ساختن آن هفت سال طول کشید. معبد شامل محل مقدس و مقدس مقدس (قدس الاقداس) مثل معبد اصلی بود. در زمانی که اولین مراسم را در معبد شروع کردند حضور خداوند به وضوح حس میشد طوری که ابری عظیم آن محوطه را فرا گرفته بود و سلیمان شروع به دعا کرد. در مقابل خداوند به زانوهای خود افتاد و خداوند را که قدوس اسرائیل بود پرستش نمود.

اول پادشاهان ۸: ۵۴

^{۵۴} چون سلیمان تقدیم تمامی این دعا و تمنا را به پیشگاه خداوند به پایان رساند، از برابر مذبح خداوند، جایی که با دستهای افراشته به سوی آسمان زانو زده بود، برخاست.

وقتی که ما خود را فروتن کنیم و در اختیار خداوند قرار دهیم، از کرده های خود پشیمان شده، به حضور او داخل شویم و پرستش کنیم، خداوند هم حضور پر برکت خود را وارد زندگی ما میکند.



درس پنجم - فصل دوم

سلیمان بخاطر گناهان زیادی که مرتکب شد از نقشه ای که خداوند برای او داشت خارج شد و پادشاهی اسرائیل بعد از اتمام پادشاهی سلیمان به دو بخش تقسیم شد.
پس اسرائیل و یهودا هر کدام پادشاهان خود را داشتند.
اول پادشاهان باب ۱۱ را بخوانید.



تقسیم پادشاهی

بعد از مرگ سلیمان پسرش رحبعام به سلطنت رسید و ظلم‌های بسیاری به مردم روا داشت که یکی از آنها اضافه کردن مالیات بود. مردم معترض شدند اما رحبعام به جای اینکه به مردان با تجربه گوش کند و تصمیم مناسبی بگیرد، به جوانانی گوش کرد که از بچگی با آنها بزرگ شده بود و آن چیزی را انجام میداد که آنها به او گفته بودند یعنی فشار بیشتری به مردم آورد تا بتواند قدرت خود را به مردم نشان دهد. نتیجه این عملکرد شورش مردم علیه پادشاه بود و به همین دلیل پادشاهی به دو قسمت شمال و جنوب (اسرائیل و یهودا) تقسیم شد.

اول پادشاهان باب ۱۲ را بخوانید.

۱) پادشاهی شمالی

اول پادشاهان بابهای ۱۲ تا ۱۶ را بخوانید.

پادشاهی شمالی از ۱۰ قبیله تشکیل و به عنوان پادشاهی اسرائیل شناخته شده بود. اولین پادشاه یربعام نام داشت و پایتخت آن سامره بود.

اسرائیل روی هم رفته نوزده پادشاه را به خود دید که تمامی آنها شرور و فریب خورده بودند. حتی یک رهبر قوی روحانی میان آنها نبود و به دلیل ضعف روحانی که پادشاهان داشتند همه را به سوی بت پرستی هدایت کردند.

خداوند بخاطر فیض و رحمتش نبی های بسیاری را به اسرائیل فرستاد تا آنها را از قضاوت خداوند آگاه سازند. دو تن از بزرگترین نبی ها در اسرائیل، ایلیا و الیشع بودند که معجزه های زیادی انجام دادند. تمام نبوت هایی که کرده بودند در زمان حیاتشان به انجام رسید.

در آن زمان مردم نمیخواستند از گناهان خودشان توبه کنند بخاطر همین خداوند هم آنها را مجازات نموده، به دست ارتش آشور تسلیم کرد و تا به امروز نیز آنجا هستند.

قضاوت خیلی زود به این دنیا هم خواهد آمد و آن افرادی که خداوند را خدمت نمیکنند تا ابدیت به اسارت خواهند رفت. بسیار مهم است که از کلام خداوند و پیام او اطاعت کنند در غیر این صورت خشم خداوند آنها را هم خواهد گرفت.

۲) پادشاهی جنوبی

پادشاهی جنوب از دو قبیله ی یهودا و بنیامین تشکیل شده و به عنوان پادشاهی یهودا شناخته شده بود. پایتخت آن اورشلیم و اولین پادشاه آن یهودا بود. یهودا نوزده پادشاه و یک شهبانو داشت.

بر خلاف پادشاهی اسرائیل، یهودا تعدادی پادشاه خوب داشت هر چند بسیاری بت پرست شده بودند و زندگی دنیوی را دنبال میکردند.

یهودا از طرف خداوند نبی هایی دریافت میکرد. آنها به مردم یهودا، اخطار میدادند که قضاوت خداوند نزدیک است و اگر از گناهانشان توبه نکنند گرفتار قضاوت خداوند خواهند شد.

خداوند افرادی را مانند اشعیا و ارمیا به یهودا فرستاد و گفت که قضاوت خداوند منتظر آنهاست. با این حال مردم یهودا توبه نکردند، به همین دلیل در سال ۶۰۶ قبل از میلاد مسیح آنها به اسارت بابل در آمدند که این اسارت به مدت هفتاد سال به طول انجامید.

دوم پادشاهان باب ۲۵ را بخوانید.

ارمیا ۲۵: ۱۱ و ۱۲

۱۱ این سرزمین سراسر خراب و ویران خواهد شد، و این قومها هفتاد سال پادشاه بابل را بندگی خواهند کرد. ۱۲ اما خداوند می گوید: پس از پایان هفتاد سال، من پادشاه بابل و آن قوم و سرزمین گلدانیان را به سبب تقصیرشان مجازات خواهم کرد، و آن را ویرانه ابدی خواهم ساخت.

پیشگویی روزهای آخر

بسیاری از پیشگویی های عهد عتیق راجع به روزهای آخر میگویند و خیلی واضح است که ما در روزهای آخر به سر میریم. هر چند مشخص نیست و روز و ساعت آمدن خداوند را نمیدانیم اما عیسی مسیح برای ما پیشگویی میکند که بتوانیم از عهد عتیق درسی بگیریم تا از اعمال گناه آلود خود برگردیم و از خداوند اطاعت کنیم در غیر این صورت بلاهایی که بر سر مردم اسرائیل و یهودا به دلیل ناطاعتی از فرمان خداوند و رفتن به دنبال نفس خودشان آمد، بر سر ما هم خواهد آمد.

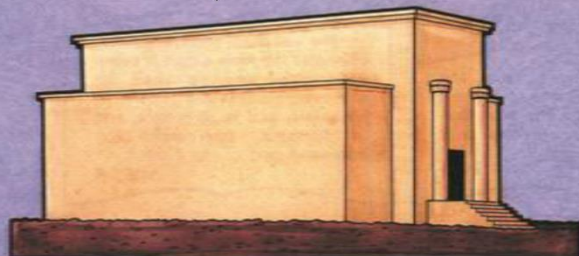


درس پنجم - فصل سوم

در عهد عتیق مردم کلام خداوند را نداشتند ولی امروزه ما میتوانیم این کلام را که حقیقت است بخوانیم و درس بگیریم تا از مسیر اشتباه برگشته، توبه کنیم و از قضاوت آخرت آزاد شویم.

پس ما نباید به دنبال نفس خود رفته و به مال دنیا دل بندیم بلکه فقط از کلام خداوند اطاعت کنیم و تنها او را پرستش نماییم.

بازگشت به اورشلیم



بسازی معبد توسط زرو بابل
شروع ساخت ۵۳۶ سال قبل از میلاد مسیح

ملاکی باب ۳
۱ خداوند متعال می فرماید: «من قاصد خود را می فرستم تا راه را برای من آماده سازد. سپس خداوندی که منتظرش هستید، ناگهان به معبد بزرگ خود خواهد آمد. آن نبی ای که مشتاق دیدارش هستید، می آید و پیمان مرا به شما اعلام می کند.»

پیامبرانی به نامهای حجی ، ذکریا ، ملاکی مردم را تشویق به باز سازی معبد می کردند

بازگشت زرو بابل → از بابل به اورشلیم
عزرا
نحمیا

باز سازی دیوار معبد توسط نحمیا
۴۴۴ سال قبل از میلاد مسیح



چهار صد سال خاموشی
پایان عهد قدیم

بازگشت به اورشلیم

خداوند مردم اسراییل را بعد از هفتاد سال اسارت در بابل از طریق کوروش آزاد کرد و سال بعد از آن قوم اسراییل شروع به ساختن معبد کردند.

عزرا که یک کاهن بود و از کلام خدا آگاهی داشت شروع به تعلیم مردم نمود و ارمیا که برای پادشاه ایران خدمت میکرد از او اجازه گرفت تا رفته و به مردمش کمک کند که شهر اورشلیم را دوباره بسازند. او رفت و همین کار را کرد با کمک یکدیگر هم معبد و هم دیوارهای شهر را با دعا و محافظت به اتمام رساندند.



درس پنجم - فصل چهارم

عزرا باب ۱ تا ۳ را مطالعه کنید.

پایان عهد عتیق

به نظر میرسد زندگی عهد عتیق اسرائیل یکی از بینظمی های مداوم است. بعد از اینکه خداوند آنها را پس از هفتاد سال آزاد کرد ولی باز می بینیم که به دنبال هوی و هوس خود رفتند و به بت پرستی خود ادامه دادند.

عهد عتیق با مردمی که انتخاب شده ی خداوند بودند اما از محبت او دور شده بودند به اتمام میرسد و بعد از آن، دیگر هیچ پیامی و یا هیچ پیام آوری از طرف خدا دریافت نکردند و این زمان چهارصد سال بطول انجامید.

سوالات درس پنجم

۱) چرا موسی نتوانست وارد سرزمین وعده شود؟

طبق کلام خداوند (اعداد ۲۰: ۷ تا ۱۲)، موسی باید به صخره میگفت که آب خود را بیرون بدهد اما او دو بار با چوب دستی خود به صخره زد.

همچنین موسی به بنی اسرائیل گفت: ای یاغیان گوش فرا دهید: آیا باید از این صخره آب برای شما بیرون آوریم؟

گویا او فراموش کرده بود که باید تمامی جلال را به خداوند دهد. پس خداوند به موسی و هارون گفت: چون به من ایمان نداشتید تا در نظر بنی اسرائیل قدوسیت مرا حرمت نهید، شما این جماعت را به سرزمینی که به ایشان داده‌ام، نخواهید برد.

۲) چرا قوم اسرائیل چهل سال در بیابان سرگردان شدند؟

چهل سال سرگردانی اسرائیل نوعی نتیجه عدم اعتماد به خداوند و همچنین وعده‌های او بود.

۳) چگونه دیوارهای محکم اریحا فرو ریخت؟

مردم اسرائیل به مدت شش روز متوالی، روزی یکبار در اطراف شهر حرکت میکردند، در روز هفتم شهر را هفت بار دور زدند. در روز هفتم و در آخر هفت بار، اسرائیلی‌ها فریاد بلندی زدند که دیوارهای اریحا به زمین فرو ریخت و خداوند به اسرائیلی‌ها یک پیروزی بزرگ داد.

عبرانیان ۱۱ : ۳۰

۳۰ به ایمان بود که دیوارهای اریحا پس از اینکه قوم هفت روز دور آن گشتند، فرو ریخت.

۴) اولین پادشاه اسرائیل چه نام داشت؟

شائول



۵) یکی از کارهای بزرگی که سلیمان در دوران پادشاهی خود انجام داد چه بود؟

ساختن معبدی بود که در اورشلیم میباشد.

۶) دو تن از مهمترین نبی های اسرائیل در پادشاهی شمالی را نام ببرید.

ایلیا و الیشع

۷) پادشاهی جنوب از چند قبیله تشکیل شده بود، نام ببرید؟

دو قبیله. یهودا و بنیامین و به عنوان پادشاهی یهودا شناخته شده بود.



آشنایی با عهد جدید

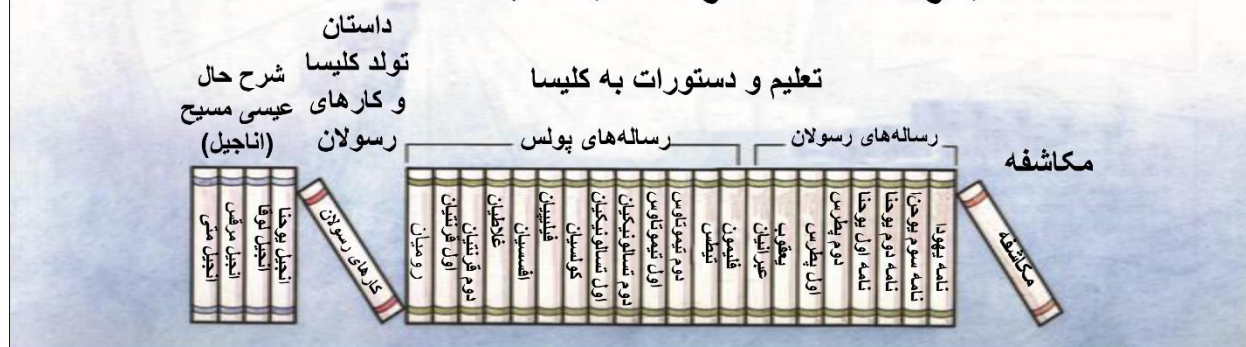
۴۰۰ سال خاموشی میان عهد قدیم و عهد جدید
(بین العهدین)

تعداد کتابها ۲۷ عدد
توسط ۸ نفر با الهام
از خداوند نوشته شده
طول مدت نگارش این
کتابها ۵۰ سال

متی باب ۵
۱۷ «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا
صنخف انبیا را باطل سازم نیامده‌ام تا باطل
نمایم بلکه تا تمام کنم ۱۸ زیرا هر آینه به
شما میگویم تا آسمان و زمین زایل نشود،
همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد
شد تا همه واقع شود.

نیمونائوس دوم باب ۳
۱۶ تمامی کتب از الهام خداست و
بجهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت
در عدالت مفید است

کتابهای عهد جدید



معرفی عهد جدید

کتابهای متی تا مکاشفه را عهد جدید میگویند. زیرا عهد جدیدی را ارائه میدهند که پایه و اساس آن عیسی مسیح است.

پیامبران عهد قدیم ایجاد عهد جدید را پیش بینی کرده بودند.

در عهد جدید ۲۷ کتاب وجود دارد. این تعداد را به راحتی میشود به خاطر سپرد از روی کلمه new testament در کلمه new ۳ حرف وجود دارد و در testament ۹ حرف وجود دارد. وقتی

ما این دو عدد را در هم ضرب میکنیم در جواب ۲۷ را دریافت میکنیم. (۲۷=۹×۳)

کتابهای عهد جدید توسط ۸ نفر نوشته شده که حدود ۵۰ سال بطول انجامید و حدود ۱۰۰ سال تاریخ مسیحیت میباشد. این افراد توسط روح خداوند هدایت شدند. این کتابها را متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پولس، یعقوب، پطرس و یهودا نوشتند. کتابهای عهد جدید به پنج دسته تقسیم میشوند:

چهار کتاب انجیل، یک کتاب تاریخ، سیزده کتاب که پولس نوشته، هشت نامه که توسط رسولان نوشته شده و یک کتاب راجع به مکاشفه. بسیار مهم است که بدانیم هدف نوشتن این نامه ها و کتابها چه بوده و برای چه کسانی نوشته شده بود. این اطلاعات برای درک بهتر کلام میباشد.

چهار کتاب اول عهد جدید را انجیل می نامند که شامل متی، مرقس، لوقا و یوحنا میباشد. این کتابها تاریخچه عیسی مسیح را به ما معرفی میکنند. آنها تولد، تعلیم، مرگ و قیام مسیح را برای ما شرح میدهند. من معمولا به آنهایی که ایمان می آورند میگویم که ابتدا انجیل یوحنا را بخوانند و بعد سه انجیل متی، مرقس، لوقا. چون اگر اول عهد عتیق را مطالعه کنند درکش برایشان مشکل است.

۱) متی

متی به طور عمده به خوانندگان یهودی میپردازد و به شدت تاکید میکند که عیسی مسیح همان نجات دهنده و پادشاهی میباشد که توسط پیامبران عهد عتیق پیش بینی شده است.

۲) مرقس

کتاب مرقس برای افراد غیر یهودی نوشته شده است. این کتاب، مسیح را به عنوان یک خدمتگزار معرفی میکند که مردم را برای رسیدن به خواسته هایشان کمک میکند. همچنین بر قدرت ماورایی عیسی تاکید داشته، در خاطرات خود به معجزاتی که او انجام داده، اشاره دارد و نیز به سخنان عیسی و هر آنچه که انجام داد تاکید میکند. در واقع قدرت عیسی را از طریق کارهایی که انجام داده و حرفهایی که در کتاب زده به ما نشان میدهد.

۳) لوقا

لوقا مسیح را به عنوان پسر خدا معرفی میکند و بیشتر روی انسان بودن مسیح توجه میشود که دلسوزی خود را برای ضعف و درد و رنج نشان میدهد.

۴) انجیل از دیدگاههای متفاوت

سه کتاب اول انجیل از دیدگاههای متفاوت بیان شده ولی در آخر نتیجه آن نشان میدهد که عیسی مسیح آمد که ما را نجات دهد. هر چند در نهایت هر یک از اناجیل برای تمام بشریت در نظر گرفته شده بود.

به نظر میرسد که متی یهودی، مرقس متعلق به روم و لوقا از کشور یونان بود.

یهودیان با دقت ادبیات کتاب مقدس را مطرح میکردند. به آنها یاد داده شده بود تا همه چیز را از دیدگاه کتاب مقدس ببینند. به همین دلیل متی از عهد عتیق در حمایت از این ادعا که عیسی همان مسیح موعود است، نقل قولهای زیادی میکند.

مرقس و اقتدار

از آنجایی که ذهن رومیان بیشتر روی دولت و قدرت متمرکز بود، پس بازگو کردن معجزات مسیح تاکید بر اقتدار فوق العاده اش بر همه چیز بوده است.

لوقا و کمال شایسته عیسی

ذهن یونانیان به فرهنگ، فلسفه، عقل، علم، زیبایی و آموزش و پرورش گرایش داشت. لوقا یک داستان کامل و منظم و کلاسیک را معرفی میکند در زیباترین کتابی که هرگز مانند آن نوشته نشده است. انجیل لوقا زیبایی، جلال و کمال انسان ایده آل را در خداوند عیسی مسیح نشان میدهد.

یوحنا و عیسی خداوند

یوحنا با تاکید بسیار به ما یادآوری میکند که این سه اناجیل از خدا بودن عیسی سخن میگویند و انجیل خود را همانند کتاب پیدایش آغاز میکند. این نشان میدهد که عیسی مسیح همان کلمه است که جسم پوشید و از ازل خداوند و خالق تمام دنیا بود. یوحنا بیشتر روی سخنانی که مسیح در آن زمان فرموده تاکید دارد تا کارهایی که انجام داده بود. او در کتاب خود به وضوح در مورد خدا بودن عیسی توضیح میدهد.

اعمال رسولان

پس چهار کتاب اول در عهد جدید به ما زندگینامه عیسی مسیح را توضیح میدهند. کتاب بعدی، اعمال رسولان، تاریخچه کلیسای اولیه را برای ما بازگو میکند.

اولین بخش این کتاب به موارد زیر اشاره دارد:

لحظات آخر زندگی عیسی مسیح، زمانیکه هنوز روی زمین بود، به ثبت رسیدن کلیسای عهد جدید در اورشلیم و همچنین وعده ای که خداوند به ایمانداران داده بود یعنی دریافت روح القدس که انتظارش را میکشیدند. اعمال رسولان باب ۲ را مطالعه کنید.

در اناجیل استقرار کلیسا نبوت شده بود و در اعمال رسولان به انجام رسید. برای اینکه متوجه شوید که کلیسا چطور به وجود آمد و مردم چگونه وارد آن شدند کتاب اعمال رسولان را مطالعه کنید. این کتاب به ثبت رسیدن و چگونگی تولد کلیسا را برای ما بازگو میکند.

نامه ها

بیست و یک کتاب بعدی نامه هایی هستند که به ایمانداران کلیسا یادآوری میکنند که چطور یک زندگی پیرومندانه در مسیحیت داشته باشند. این نامه ها به کسی نوشته نشده تا با خواندن آنها ایمان

بیاورند و نجات را دریافت کنند. بلکه برای کسانی نوشته شده که نجات را دریافت کرده اند. همچنین به کلیسا یاد میدهند که چگونه در ایمان باقی بمانند و چطور در فیض خداوند رشد روحانی داشته، از حکمتی که خداوند به آنها میدهد بهره مند شوند.

نامه های پولس

شامل سیزده نامه است که نویسنده ی تمام آنها خود پولس میباشد و به همین دلیل به نامه های پولس معروف است. او یک نامه به کلیسای روم نوشت، دو نامه به کلیسای قرنتس، یک نامه به کلیسای غلاطیان، یک نامه به کلیسای افسس و غیره...

بین این نامه ها سه نامه است که معروف به پیامهای مقدس میباشد که دو تا از آنها را برای تیموتائوس و یکی دیگر را برای تیتوس نوشته است، چون دستور العمل هایی در رابطه با رهبری کلیسا ارائه میدهد به همین دلیل این نامه ها را نامه های مقدس میخوانند.

پیامها یا نامه های عمومی

هشت کتاب بعدی عبرانیان، یعقوب، اول پطرس، دوم پطرس، اول یوحنا، دوم یوحنا، سوم یوحنا و یهودا را پیامهای عمومی میخوانند. به این دلیل که بیشتر آنها، برای کلیساهای بزرگ نوشته شده بود.

پیشگویی

در آخر، کتاب مکاشفه در طبقه خاص خود قرار میگیرد. این بسیار با اهمیت است در حالیکه آنرا با نامه هایی به ده ها کلیسای کوچک در آسیای میانه آغاز میکنند. به یوحنا دستور داده شده که:

مکاشفه ۱: ۱۹

^{۱۹} پس آنچه دیده‌ای، و آنچه اکنون هست و آنچه از این پس خواهد شد، همه را بنویس.

یحیای تعمید دهنده (راه را برای عیسی آماده می‌کند)

پیام یحیی

متی باب ۳
۲ «توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است»

متی باب ۳
۱۱ من شما را به آب به جهت توبه تعمید میدهم لکن او که بعد از من میاید از من تواناتر است که لایق برداشتن نعلین او نیستم او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد.

مرقس ۱: ۸
لوقا ۳: ۲-۱۷

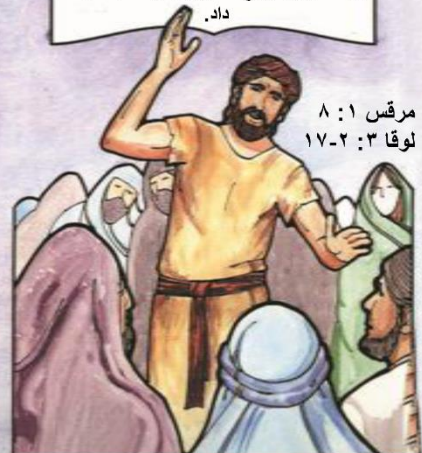
نبوت‌های مربوط به یحیی

اشعیا باب ۴۰
۳ صدای ندا کننده‌ای در بیابان‌راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید.

ملاکی باب ۳
۱ اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت و خداوندی که شما طالب او می‌باشید، ناگهان به هیكل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهدی که شما از او مسرور می‌باشید. هان او می‌آید! قول یهوه صلبوت این است

یحیی مسیح را به جهان معرفی می‌کند

یوحنا باب ۱
۲۹ و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس گفت "اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد!"



یحیای تعمید دهنده

در عهد عتیق نبی‌ها پیش بینی کرده بودند که کسی خواهد آمد تا راه را برای نجات دهنده مهیا کند.

اشعیا ۴۰: ۳ تا ۵

۳ صدایی ندا می‌کند: «راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید؛^۴ هر دره‌ای برافراشته شود و هر کوه و تلی پست گردد. زمین ناصاف صاف، و ناهمواری‌ها هموار گردد.^۵ آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد و تمامی بشر با هم آن را خواهند دید، زیرا که دهان خداوند سخن گفته است.

ملاکی ۳: ۱

۱ خداوند لشکرها می فرماید: هان من پیام آور خود را می فرستم، و او راه را پیش روی من آماده خواهد کرد. و خداوند گاری که طالب اوید به ناگاه به معبد خویش در خواهد آمد؛ و آن پیام آور عهد که در او وجد می کنید، هان او می آید!

تمام این نبوت ها در زمان یحیای تعمید دهنده به وقوع پیوست.

لوقا ۳: ۲ تا ۶

۲ و حنا و قیفا کاهنان اعظم بودند، کلام خدا در بیابان بر یحیی، پسر زکریا، نازل شد. ۳ پس یحیی به سرتاسر نواحی اردن می رفت و به مردم موعظه می کرد که برای آمرزش گناهان خود توبه کنند و تعمید گیرند. ۴ در این باره در کتاب سخنان اشعیای نبی آمده است که: ندای آن که در بیابان فریاد برمی آورد، راه خداوند را آماده کنید! طریقه های او را هموار سازید! ۵ همه دره ها پر و همه کوهها و تپه ها پست خواهند شد؛ راههای کج، راست و مسیرهای ناهموار، هموار خواهند گشت. ۶ آنگاه تمامی بشر نجات خدا را خواهند دید.

یحیی توبه و تعمید را موعظه کرد

یحیای تعمید دهنده، برای توبه از گناهان و تعمید در آب جهت آمرزش گناهان مردم را هدایت میکرد.

مرقس ۱: ۲ تا ۴

۲ در کتاب اشعیای نبی نوشته شده است: اینک پیام آور خود را پیشاپیش تو می فرستم، که راهت را مهیا خواهد کرد؛ ۳ ندای آن که در بیابان فریاد برمی آورد: راه خداوند را آماده کنید! طریقه های او را هموار سازید. ۴ پس یحیای تعمید دهنده در بیابان ظهور کرده، به تعمید توبه برای آمرزش گناهان موعظه میکرد.

پس افراد زیادی یحیی را دنبال کرده، موعظه او را شنیدند و در آب تعمید گرفتند.

یحیی پیشرو عیسی مسیح بود

یحیی در موعظه خود میگفت که او مسیح نیست، اما شخص دیگری خواهد آمد که همان است و باید به دنبال او رفت.

متی ۳: ۱۱

۱۱ من شما را برای توبه، با آب تعمید می‌دهم؛ اما آن که پس از من می‌آید توانا تر از من است و من حتی شایسته برگرفتن کفشهایش نیستم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد.

مرقس ۱: ۷ تا ۸

۷ او موعظه می‌کرد و می‌گفت: «پس از من، کسی توانا تر از من خواهد آمد که من حتی شایسته نیستم خم شوم و بند کفشهایش را بگشایم. ^۸ من شما را با آب تعمید داده‌ام، اما او با روح القدس تعمیدتان خواهد داد.

یوحنا ۱: ۲۹ تا ۳۴

۲۹ فردای آن روز، یحیی چون عیسی را دید که به سویش می‌آید، گفت: «این است بره خدا که گناه از جهان برمی‌گیرد! ^{۳۰} این است آن که درباره‌اش گفتم "پس از من مردی می‌آید که بر من برتری یافته، زیرا پیش از من وجود داشته است. ^{۳۱} من خود نیز او را نمی‌شناختم، اما برای همین آمده‌ام و با آب تعمید داده‌ام که او بر اسرائیل ظاهر شود. ^{۳۲} پس یحیی شهادت داده، گفت: روح را دیدم که چون کبوتری از آسمان فرود آمد و بر او قرار گرفت. ^{۳۳} من خود نیز او را نمی‌شناختم، اما همان که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهیم، مرا گفت: هر گاه دیدی روح بر کسی فرود آمد و بر او بماند، بدان همان

درس ششم - فصل دوم

است که با روح القدس تعمید خواهد داد. ^{۳۴} و من دیده‌ام و شهادت می‌دهم که این است پسر خدا. یحیای تعمید دهنده نه تنها عیسی را به عنوان نجات دهنده معرفی میکند بلکه او را بره خداوند هم خطاب میکند که گناهان همه مردم دنیا را خواهد برداشت. این کارِ نجات، مدتها قبل از طریق فرشته خداوند به یوسف همسر مریم مکشوف شده بود.

متی ۱: ۲۰ و ۲۱

^{۲۰} اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است. ^{۲۱} او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی* خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.



تولد عیسی مسیح

(۱) مراسم تولد

لوقا ۲: ۱ تا ۲۰

در آن روزها، آگوستوسِ قیصرِ فرمانی صادر کرد تا مردمان جهان همگی سرشماری شوند.^۲ این نخستین سرشماری بود و در ایام فرمانداری کورینیوس بر سوریه انجام می‌شد.^۳ پس، هر کس روانه شهر خود شد تا نام‌نویسی شود.^۴ یوسف نیز از شهر ناصره جلیل رهسپار بیت‌لحمِ یهودیه، زادگاه داوود شد، زیرا از نسل و خاندان داوود بود.^۵ او به آنجا رفت تا با نامزدش مریم که زایمانش نزدیک بود،

نام‌نویسی کنند.^۶ هنگامی که آنجا بودند، وقت زایمان مریم فرا رسید^۷ و نخستین فرزندش را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنذاقی پیچید و در آخوری خوابانید، زیرا در مهمانسرا جایی برایشان نبود.^۸ در آن نواحی، شبانانی بودند که در صحرا به سر می‌بردند و شب‌هنگام از گله خود پاسداری می‌کردند.^۹ ناگاه فرشته خداوند بر آنان ظاهر شد، و نور جلال خداوند بر گردشان تابید. شبانان سخت وحشت کردند،^{۱۰} اما فرشته به آنان گفت: مترسید، زیرا بشارتی برایتان دارم، خبری بس شادی‌بخش که برای تمامی قوم است:^{۱۱} امروز در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمد. او خداوند مسیح است.^{۱۲} نشانه برای شما این است که نوزادی را در قنذاقی پیچیده و در آخوری خوابیده خواهید یافت.^{۱۳} ناگاه گروهی عظیم از لشکریان آسمان ظاهر شدند که همراه آن فرشته در ستایش خدا می‌گفتند:^{۱۴} جلال بر خدا در عرش برین و صلح و سلامت بر مردمانی که بر زمین مورد لطف اویند! ^{۱۵} و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان به یکدیگر گفتند: بیاید به بیت لحم برویم و آنچه را روی داده و خداوند ما را از آن آگاه کرده است، بینیم.^{۱۶} پس به شتاب رفتند و مریم و یوسف و نوزاد خفته در آخور را یافتند.^{۱۷} چون نوزاد را دیدند، سخنی را که درباره او به ایشان گفته شده بود، پخش کردند.^{۱۸} و هر که می‌شنید، از سخن شبانان در شگفت می‌شد.^{۱۹} اما مریم، این همه را به خاطر می‌سپرد و در دل خود به آنها می‌اندیشید.^{۲۰} پس شبانان خدا را حمد و ثنا گویان بازگشتند، به سبب هر آنچه دیده و شنیده بودند، چنانکه بدیشان گفته شده بود.

متی ۱: ۲ تا ۵

^۱ چون عیسی در دوران هیروдіس پادشاه، در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد، هان چند مغ از مشرق زمین به اورشلیم آمدند^۲ و پرسیدند: کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره او را در مشرق دیده‌ایم و برای پرستش او آمده‌ایم.^۳ چون این خبر به گوش هیروдіس پادشاه رسید، او و تمامی اورشلیم با وی مضطرب شدند.^۴ پس او همه سران کاهنان و علمای دین قوم را فرا خواند و از آنها

پرسید: مسیح کجا باید زاده شود؟^۵ پاسخ دادند: در بیت لحم یهودیه، زیرا نبی در این باره چنین نوشته است.

(۲) نوجوانی عیسی

وقتی که عیسی نوجوان بود همراه با خواهران و برادرانش در خانه مریم و یوسف زندگی میکرد. او تا زمانیکه به سن ۳۰ سالگی رسید در کنار خانواده اش بود.

تنها اطلاعاتی که ما از زمان نوجوانی عیسی در دست داریم این است که وقتی خانواده او از مصر به شهر ناصره بازگشتند و برای عید پسخ به اورشلیم رفتند در آن زمان عیسی دوازده ساله بود که در آن سن به سخنان حکیمان در معبد جواب میداد و همه متعجب میشدند که این نوجوان این همه اطلاعات را از کجا بدست آورده او که حتی به سن بلوغ هم نرسیده، چطور میتواند به این سوالات بسیار سخت جواب بدهد؟

لوقا ۲: ۴۱ تا ۴۵

^{۴۱} والدین عیسی هر سال برای عید پسخ به اورشلیم می رفتند. ^{۴۲} چون عیسی دوازده ساله شد، به رسم عید به اورشلیم رفتند. ^{۴۳} پس از پایان آیین عید، چون راه بازگشت پیش گرفتند، عیسی نوجوان در اورشلیم ماند. اما والدینش از این امر آگاه نبودند، ^{۴۴} بلکه چون می پنداشتند در کاروان است، روزی تمام سفر کردند. سرانجام به جستجوی عیسی در میان خویشاوندان و دوستان برآمدند. ^{۴۵} و چون او را نیافتند، در جستجویش به اورشلیم بازگشتند.

پیشگوییها در مورد عیسی مسیح

متی	لوقا	مزمور	اشعیا	زکریا	مزمور
متی ۱: ۲۰	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۱: ۱۸	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲: ۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲: ۱-۱۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲: ۱۶	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۳: ۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۳: ۲-۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۹: ۳-۳۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
لوقا ۱۹: ۳۷-۳۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
اعمال رسولان ۲: ۳۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
اعمال رسولان ۱: ۹	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
یوحنا ۱: ۱۳-۲۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۶: ۱۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۶: ۵۶	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۶: ۵۹-۶۰	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۱۲	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۲۶	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۳۰	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۳۱	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
یوحنا ۲۰: ۲۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۳۸	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۴۶	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
یوحنا ۱۹: ۳۳-۳۶	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
یوحنا ۱۹: ۳۴	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۴۵	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸
متی ۲۷: ۵۷-۶۰	لوقا ۳: ۲۳-۳۳	مزمور ۴۰: ۲	اشعیا ۷: ۱۴	زکریا ۹: ۹	مزمور ۶۸: ۱۸

نبوتها در عهد
قدیم

به وقوع
پیوستن در عهد
جدید

نبوتها در مورد عیسی مسیح

اول اینکه او نجات دهنده است و از طریق یک زن وارد این دنیا خواهد شد.

(۱) پیدایش ۳: ۱۵

۱۵ میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.

این نبوت با تولد او از مریم به انجام رسید.

متی ۱: ۲۰

^{۲۰} اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است.

(۲ اشعیا ۷: ۱۴)

^{۱۴} بنابراین خود خداوند گار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.

پس پیش بینی شده بود که نجات دهنده عمانوئیل به دنیا خواهد آمد از طریق یک زن باکره، که این دقیقاً به انجام رسید و او از مریم باکره متولد شد.

متی ۱: ۱۸ تا ۲۳

^{۱۸} تولد عیسی مسیح این چنین روی داد: مریم، مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم پیوندند، معلوم شد که مریم از روح القدس آبستن است. ^{۱۹} از آنجا که شوهرش یوسف مردی پارسا بود و نمی‌خواست مریم را رسوا کند، بر آن شد که بی سر و صدا از او جدا شود. ^{۲۰} اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است. ^{۲۱} او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید. ^{۲۲} این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که: ^{۲۳} باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید، که به معنی 'خدا با ما' است.

(۳) پیدایش ۴۹: ۱۰

۱۰ عصا از یهودا دور نخواهد شد و نه چوگان فرمانروایی از میان پاهای وی، تا او بیاید که از آن اوست و قومها فرمانبردار او خواهند بود.

این آیه به ما نشان داده که نجات دهنده از کدام قبیله اسرائیل ظاهر خواهد شد. او از قبیله یهودا بود. که این را هم ما میتوانیم در لوقا ۳: ۲۳ تا ۳۳ بخوانیم:

۲۳ عیسی حدود سی سال داشت که خدمت خود را آغاز کرد. او به گمان مردم پسر یوسف بود، و یوسف، پسر هلی، ۲۴ پسر متات، پسر لاوی، پسر ملکی، پسر ینا، پسر یوسف، ۲۵ پسر متاتیا، پسر عاموس، پسر ناحوم، پسر حسلی، پسر نجی، ۲۶ پسر معت، پسر متاتیا، پسر سمعین، پسر یسک، پسر یهودا، ۲۷ پسر یوحان، پسر ريسا، پسر زروبابل، پسر شئتیشیل، پسر نیری، ۲۸ پسر ملکی، پسر ادی، پسر قوصام، پسر المادام، پسر عیر، ۲۹ پسر یوشع، پسر العازار، پسر یوریم، پسر متات، پسر لاوی، ۳۰ پسر شمعون، پسر یهودا، پسر یوسف، پسر یونام، پسر الیاقیم، ۳۱ پسر ملیا، پسر منا، پسر متاتا، پسر ناتان، پسر داوود، ۳۲ پسر یسا، پسر عوبید، پسر بوغز، پسر سلمون، پسر نحشون، ۳۳ پسر عمیناداب، پسر رام، پسر حصرن، پسر فرص، پسر یهودا،

(۴) میکاه ۵: ۲

۲ اما تو، ای بیت لحم افراته، گرچه در میان طوایف یهودا کوچکی، از تو کسی برای من بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل فرمانروایی خواهد کرد؛ طلوع او از قدیم و از ایام ازل بوده است.

متی ۱: ۲

۱ چون عیسی در دوران هیرودیس پادشاه، در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد، هان چند مغ از مشرق زمین

درس ششم - فصل چهارم

به اورشلیم آمدند.

(۵) مزامیر ۷۲: ۱۰

۱۰ باشد که شاهان ترشیش و سرزمینهای ساحلی از برایش خراج آورند و شاهان صبا و سبا پیشکشها تقدیمش کنند.

حتی مردانی که از شرق برای ملاقات عیسی آمده بودند در عهد قدیم پیش بینی شده بود.

متی ۲: ۱ تا ۱۱

چون عیسی در دوران هیروдіس پادشاه، در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد، هان چند مغ از مشرق زمین به اورشلیم آمدند^۲ و پرسیدند: کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم.^۳ چون این خبر به گوش هیروдіس پادشاه رسید، او و تمامی اورشلیم با وی مضطرب شدند.^۴ پس او همه سران کاهنان و علمای دین قوم را فرا خواند و از آنها پرسید: مسیح کجا باید زاده شود؟^۵ پاسخ دادند: در بیت لحم یهودیه، زیرا نبی در این باره چنین نوشته است:^۶ "ای بیت لحم که در سرزمین یهودایی، تو در میان فرمانروایان یهودا به هیچ روی کمترین نیستی، زیرا از تو فرمانروایی ظهور خواهد کرد که قوم من، اسرائیل، را شبانی خواهد نمود."^۷ پس هیروдіس مغان را در نهان نزد خود فرا خواند و زمان دقیق ظهور ستاره را از ایشان جویا شد.^۸ سپس آنان را به بیت لحم روانه کرده، بدیشان گفت: «بروید و درباره آن کودک به دقت تحقیق کنید. چون او را یافتید، مرا آگاه سازید تا من نیز آمده، سجده اش کنم.^۹ ایشان پس از شنیدن سخنان پادشاه، روانه شدند. و هان ستاره ای که در مشرق دیده بودند، پیشاپیش آنها می رفت تا سرانجام بر فراز مکانی که کودک بود، بازایستاد.^{۱۰} ایشان با دیدن ستاره بی نهایت شاد شدند.^{۱۱} چون به خانه درآمدند و کودک را با مادرش مریم دیدند، روی بر زمین نهاد، آن کودک را پرستش نمودند. سپس صندوقچه های خود

درس ششم - فصل چهارم

را گشودند و هدیه‌هایی از طلا و کُنْدُر و مُر به وی پیشکش کردند.

(۶) ارمیا ۳۱: ۱۵

۱۵ خداوند چنین می‌فرماید: «صدایی در رامه شنیده می‌شود، ماتم و گریه بسیار تلخ، راحیل برای فرزندانش می‌گرید، و از تسلی پذیرفتن ابا می‌کند، زیرا که نیستند.

پس خداوند تمام اتفاقاتی که قرار بود بعد از تولد نجات دهنده بیفتد را از قبل پیش بینی کرده بود.

متی ۲: ۱۶ تا ۱۸

۱۶ چون هیرودیس دید که مُغان فریض داده‌اند، سخت بر آشفت و فرستاده، همه پسران دو ساله و کمتر را که در بیت‌لحم و اطراف آن بودند، مطابق زمانی که از مُغان تحقیق کرده بود، بکشت. ۱۷ آنگاه آنچه به زبان ارمیای نبی گفته شده بود، به حقیقت پیوست که: ۱۸ «صدایی از رامه به گوش می‌رسد، صدای شیون و زاری و ماتمی عظیم. راحیل برای فرزندانش می‌گرید و تسلی نمی‌پذیرد، زیرا که دیگر نیستند.

(۷) اشعیا ۷: ۱۴

۱۴ بنابراین خود خداوند گار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.

طبق این آیه نبوت شده بود که او عمانوئیل خواهد بود یعنی خدا با ماست این را میتوانیم در متی ۱: ۲۳ مطالعه کنیم:

۲۳ باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید، که به معنی 'خدا با ما' است.



درس ششم - فصل چهارم

۸ اشعیا ۴۰ : ۳

^۳ صدایی ندا میکند: راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید. تمام رسولان عهد عتیق این را میدانستند که نجات دهنده ای خواهد آمد. آنها همه دانش آموختگان عهد عتیق بودند.

متی ۳ : ۱ تا ۳

در آن روزها یحیای تعمید دهنده ظهور کرد. او در بیابان یهودیه موعظه می کرد و ^۲ می گفت: توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است! ^۳ این همان است که اشعیای نبی درباره اش می گوید: ندای آن که در بیابان فریاد برمی آورد: راه خداوند را آماده کنید! طریقه‌های او را هموار سازید!

۹ اشعیا ۳۵ : ۶ و ۵

^۵ آنگاه چشمان نابینایان گشوده خواهد شد، و گوشهای ناشنویان باز خواهد گشت. ^۶ آنگاه لنگان چون غزال جست و خیز خواهند کرد، و زبان گنگ شادمانه خواهد سراید. آبها در بیابان سیلان خواهد کرد، و نهرها در صحرا خواهد جوشید.

پیش بینی شده بود که در آینده معجزه های بسیاری رخ خواهد داد، شفای کوران، کران، لنگان و همینطور شفای کسانی که لال هستند و این معجزات در زمانی که عیسی در کنار مردم بود به وقوع پیوست.

متی ۳۵ : ۹

^{۳۵} عیسی در همه شهرها و روستاها گشته، در کنیسه‌های آنها تعلیم می داد و بشارت پادشاهی را اعلام می کرد و هر درد و بیماری را شفا می بخشید.

درس ششم - فصل چهارم

(بدلیل کثرت آیات این فصل، فایل صوتی آیات بعدی در نسخه پاورپوینت مربوطه ضبط نشده است.)

۱۰) مزامیر ۱۶ : ۱۰

۱۰ زیرا جانم را در هاویه و ناخواهی نهاد، و ناخواهی گذاشت سرسپرده تو فساد را ببیند.

آیه بالا اشاره دارد به قیام عیسی مسیح از مردگان، که توسط داوود در زمانی که مسح روح خداوند بر او بود این نبوت را کرد. پطرس هم اولین موعظه اش در خصوص قیام عیسی مسیح از مردگان بود، دقیقاً مشابه چیزی که داوود بیان کرده بود.

اعمال رسولان ۲ : ۳۱

۳۱ پس آینده را پیشاپیش دیده، درباره رستاخیز مسیح گفت که جان او در هاویه و انهداده نشود و پیکرش نیز فساد نیند.

۱۱) مزامیر ۴۱ : ۹

۹ حتی دوست خالص من که بر او اعتماد می داشتم، آن که نان مرا می خورد، با من به دشمنی برخاسته است.

طبق این آیه که در عهد عتیق نبوت شده بود هیچ جای تعجب نیست که یکی از شاگردان عیسی مسیح به او خیانت کند و او کسی نبود جز یهودا اسخریوطی که در عهد جدید هم در متی ۲۶ : ۵۰ و یوحنا ۱۳ : ۲۱ میتوان به این حقیقت پی برد.

متی ۲۶ : ۵۰

۵۰ عیسی به وی گفت: «ای رفیق، کار خود را انجام بده.» آنگاه آن افراد پیش آمده، بر سر عیسی ریختند و او را گرفتار کردند.

درس ششم - فصل چهارم

یوحنا ۱۳: ۲۱

۱۱ عیسی پس از آنکه این را گفت، در روح مضطرب شد و آشکارا اعلام داشت: آمین، آمین، به شما می‌گویم، یکی از شما مرا تسلیم دشمن خواهد کرد.

(۱۲) زکریا ۱۱: ۱۲

۱۲ سپس به آنها گفتم: «اگر صلاح می‌دانید مزد مرا بدهید، و گرنه ندهید.» پس به جهت مزد من، سی سکه نقره وزن کردند.

از آیه بالا پی می‌بریم که حتی مبلغ پرداخت شده بابت خیانتی که به مسیح میشود را در عهد عتیق نبوت کرده بودند. این پیشگویی در عهد جدید به وقوع پیوست که میتوانیم آن را در متی ۲۶: ۱۵ بخوانیم: ۱۵ و گفت: به من چه خواهید داد اگر عیسی را به شما تسلیم کنم؟ پس آنان سی سکه نقره به وی پرداخت کردند.

(۱۳) زکریا ۱۱: ۱۳

۱۳ آنگاه خداوند درباره این قیمت گران که بر من نهادند، به من گفت: «آن را نزد کوزه‌گر بیفکن!» پس آن سی پاره نقره را برگرفتم و آن را در خانه خداوند، نزد کوزه‌گر افکندم.

نبوت شده بود که این پول در معبد خداوند در اورشلیم انداخته خواهد شد و این کار توسط یهودا انجام شد. پولی را که برای خیانت به عیسی گرفته بود بعد از اینکه پشیمان شد دوباره به کسانی که به او داده بودند، پس داد.

متی ۲۷: ۵

۵ آنگاه یهودا سکه‌ها را در معبد بر زمین ریخت و بیرون رفته، خود را حلق‌آویز کرد.

۱۴) اشعیا ۵۳: ۷

۷ آزار و ستم دید، اما دهان نگشود؛ همچون بره‌ای که برای ذبح می‌برند، و چون گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش خاموش است، همچنان دهان نگشود.

در آیه بالا راجع به صلیب کشیدن مسیح پیشگویی چشمگیری شده و اینکه حتی او در مقابل مخالفانش هرگز مقاومتی نکرد و هیچ جوابی به آنها نداد.

متی ۱۲: ۲۷

۱۲ اما هنگامی که سران کاهنان و مشایخ اتهاماتی بر او وارد کردند، هیچ پاسخ نگفت.

اول پطرس ۲: ۲۲ و ۲۳

۲۲ «او هیچ گناه نکرد، و فریبی در دهانش یافت نشد.»^{۲۳} چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد؛ و آنگاه که رنج کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست داور عادل سپرد.

۱۵) اشعیا ۵۳: ۵

۵ حال آنکه به سبب نافرمانیهای ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخمهای او ما شفا می‌یابیم.

در این آیه درباره زخمها و شکنجه‌هایی که بر مسیح وارد آوردند پیشگویی شده و این را میتوانیم در متی ۲۷: ۲۶ بخوانیم که به انجام رسید.

۲۶ آنگاه پیلاتس، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیب کشند.

۱۶) اشعیا ۶:۵۰

۶ پشت خود را به آنان سپردم که مرا زدند، و رخسار خویش را به آنان که ریش مرا کردند؛ آری از رسوایی و آب دهان، روی خود را نپوشاندم.

این آیه هم در خصوص ضرب و شتم عیسی مسیح پیشگویی شده که چطور موهای او را میکشیدند و به صورتش سیلی میزدند و همینطور آب دهان به او پرتاب میکردند و تمام این وقایع را ما میتوانیم در لوقا ۲۲: ۶۳ که به وقوع پیوسته بیابیم.

۶۳ آنان که عیسی را در میان داشتند، او را استهزا کرده، می زدند.

۱۷) مزامیر ۱۶:۲۲

۱۶ سگان مرا احاطه کرده اند؛ دسته او باش گردم حلقه زده اند؛ دستها و پاهایم را سوراخ کرده اند!

زکریا ۱۰:۱۲

۱۰ و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و دعاهای ملتمسانه را خواهیم ریخت، و بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگرست، و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست زاده اش بگرید، به تلخی خواهند گریست. طبق آیه بالا در مورد سوراخ کردن دستها، پاها و پهلوی مسیح هم از قبل پیش بینی شده بود که در یوحنا ۲۰: ۲۵ به وقوع پیوست.

۲۵ پس دیگر شاگردان به او گفتند: «خداوند را دیده ایم!» اما او به ایشان گفت: تا خود نشان میخها را در دستهایش نبینم و انگشت خود را بر جای میخها نگذارم و دست خویش را در سوراخ پهلویش ننهیم، ایمان نخواهم آورد.

۱۸ اشعیا ۵۳ : ۱۲

^{۱۲} بنابراین من نیز او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد، و غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد کرد. زیرا جان خویش را به کام مرگ ریخت، و از خطا کاران شمرده شد؛ و گناهان بسیاری را بر دوش کشید و برای خطا کاران شفاعت می کند.

این بخشی از نبوت عظیم خداوند است که میگوید او را جزء خطا کاران می شمردند و همینطور او را با دو دزد دیگر به صلیب میبندند و این را هم در متی ۲۷ : ۳۸ میخوانیم:

^{۳۸} دو راهزن نیز با وی بر صلیب شدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.

۱۹ مزامیر ۲۲ : ۱۸

^{۱۸} جامه هایم را میان خود تقسیم کرده اند و بر تن پوش من قرعه افکنده اند.

مزامیر باب ۲۲ در مورد به صلیب کشیدن عیسی پیشگویی میکند و در آیه ۱۸ راجع به اینکه چطور برای بدست آوردن لباسهای عیسی قرعه می اندازند که حتی لباسهای او را هم تصرف کنند. این پیشگویی را در یوحنا ۱۹ : ۲۳ و ۲۴ که به وقوع پیوسته، مطالعه می کنیم:

^{۲۳} چون سربازان عیسی را به صلیب کشیدند، جامه های او را گرفته، به چهار سهم تقسیم کردند و هر یک سهمی بر گرفتند. و جامه زیرین او را نیز ستاندند. اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود. ^{۲۴} پس به یکدیگر گفتند: «این را تکه نکنیم، بلکه قرعه بیفکنیم تا ببینیم از آن که شود.» بدین سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست که: جامه هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن پوش من قرعه افکنند. پس سربازان چنین کردند.

درس ششم - فصل چهارم

۲۰ (۲۰) مزامیر ۳۴ : ۲۰

۲۰ همه استخوانهای او را حفظ خواهد کرد، که یکی از آنها نیز نخواهد شکست.

اعداد ۹ : ۱۲

۱۲ و چیزی از آن را تا صبح باقی نگذارند و از آن استخوانی نشکنند؛ پسخ را بر حسب تمامی فرایض آن به جا آورند.

خروج ۱۲ : ۴۶

۴۶ باید تنها داخل یک خانه خورده شود؛ چیزی از گوشت آن را از خانه بیرون نبرید و هیچ یک از استخوانهای آن را مشکنید.

طبق این آیات سربازان رومی استخوانهای دزدانی که در دو طرف عیسی بودند را شکستند تا زودتر بمیرند اما همانطور که نبوت شده بود استخوانهای مسیح شکسته نشد که در یوحنا ۱۹ : ۳۱ تا ۳۶ به این حقیقت اشاره میکند:

۳۱ آن روز، روز 'تهیه' بود، و روز بعد، شبّات بزرگ. از آنجا که سران یهود نمی خواستند اجساد تا روز بعد بر صلیب بماند، از پیلاطس خواستند تا ساق پاهای آن سه تن را بشکنند و اجسادشان را از صلیب پایین بیاورند. ۳۲ پس سربازان آمدند و ساق پاهای نخستین شخص و آن دیگر را که با عیسی بر صلیب شده بود، شکستند. ۳۳ اما چون به عیسی رسیدند و دیدند مرده است، ساقهای او را نشکستند. ۳۴ اما یکی از سربازان نیزه‌ای به پهلوی او فرو برد که در دم خون و آب از آن روان شد. ۳۵ آن که این را دید، شهادت می‌دهد تا شما نیز ایمان آورید. شهادت او راست است و او می‌داند که حقیقت را می‌گوید. ۳۶ اینها واقع شد تا کتب مقدّس به حقیقت پیوندد که: هیچ یک از استخوانهایش شکسته نخواهد شد.



درس ششم - فصل چهارم

۲۱) عاموس ۸ : ۹

۹ خداوندگار یهوه می‌فرماید: در آن روز خورشید را در نیمروز فرود خواهم آورد، و زمین را در روز روشن، تاریک خواهم ساخت.

در زمانیکه مسیح را به صلیب کشیدند تاریکی مطلق بر روی زمین به وجود آمد که این هم در آیه بالا پیشگویی شده بود و در متی ۲۷ : ۴۵ به وقوع پیوست:

۴۵ از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت.

عیسی مسیح در دوران زندگی خود، در زمان مرگ و پس از قیام از مردگان بسیاری از نبوت‌های عهد عتیق را به کمال رساند.

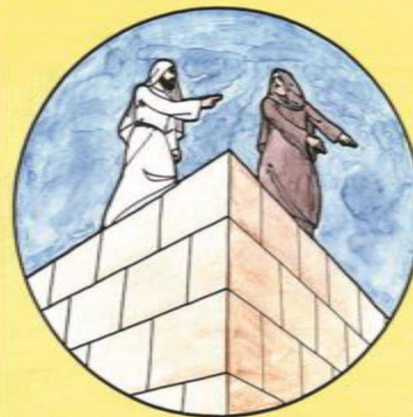
معجزات عیسی مسیح



تعمید عیسی
متی ۳: ۱۳-۱۷

اشعیا باب ۳۵
۵ کورها می توانند ببینند، و گرها خواهند شنید. ۶
آسمهای لنگ، مثل آهو جست و خیز می کنند، می
رقصند، و آنهایی که لال هستند، با شادی فریاد می
زنند. نهرهای آب در بیابان خشک جاری خواهد شد.

متی باب ۱۱
۲ وقتی یحیی در زندان از کارهای مسیح با
خبر شد، دو نفر از شاگردان خود را نزد او
فرستاده ۳ پرسید: « آیا تو همان شخصی
هستی که قرار است بیاید یا ما در انتظار
شخص دیگری باشیم؟ » ۴ عیسی در جواب
گفت: « بروید و آنچه را که می بینید و می
شنوید به یحیی بگویند: ۵ کوران بینایی خود
را باز می یابند، لنگان براه می افتند و
جذامیان پاک می گردند، کران شنوا و مردگان
زنده می شوند و به بینویان بشارت داده می
شود. ۶ خوشا به حال کسی که در مورد من
شک نکند.»



وسوسه
متی ۴: ۱-۱۰



کوران بینا شدن
متی ۹: ۲۷-۳۰

لنگان خرامان شدن
یوحنا ۵: ۵

بیابان خشک شدن
متی ۸: ۲-۴

کران شنوا شدن
مرقس ۷: ۳۵-۳۷

مردگان زنده شدن
یوحنا ۱۱: ۴۱-۴۴

معجزات عیسی مسیح

(۱) تعمید عیسی

اولین رویداد در دوران جوانی عیسی مسیح، تعمید او توسط یحیی تعمید دهنده بود.

متی ۳: ۱۳ تا ۱۷

۱۳ آنگاه عیسی از جلیل به رود اردن آمد تا از یحیی تعمید گیرد. ۱۴ ولی یحیی کوشید او را بازدارد و به او گفت: «منم که باید از تو تعمید بگیرم، و حال تو نزد من می آیی؟» ۱۵ عیسی در پاسخ گفت: «بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم.» پس یحیی رضایت داد.

۱۶ چون عیسی تعمید گرفت، بی درنگ از آب برآمد. همان دم آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر وی قرار گرفت. ۱۷ سپس ندایی از آسمان در رسید که «این است پسر محبوبم که از او خوشنودم.

در آن روز، زمانیکه مسیح از یحیی خواست او را تعمید دهد، یحیی از این کار سرباز زد اما عیسی به او گفت: این کار را انجام بده تا عدالت آنطور که پیش بینی شده به انجام رسد. سپس یحیی، عیسی مسیح را تعمید داد. در زمانیکه عیسی از آب بیرون آمد، یحیی دید که درهای آسمان باز شد و روح خداوند (روح القدس) مثل کبوتری بر روی مسیح قرار گرفت و در این هنگام صدایی از آسمان شنید که میگفت این پسر من است که از او خوشنودم، این نشانی بود از طرف خداوند برای یحیی، که عیسی مسیح همان است که باید می آمد.

یوحنا ۱: ۳۲ تا ۳۴

۳۲ پس یحیی شهادت داده، گفت: «روح را دیدم که چون کبوتری از آسمان فرود آمد و بر او قرار گرفت. ۳۳ من خود نیز او را نمی شناختم، اما همان که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم، مرا گفت: "هر گاه دیدی روح بر کسی فرود آمد و بر او بماند، بدان همان است که با روح القدس تعمید خواهد داد. ۳۴" و من دیده‌ام و شهادت می‌دهم که این است پسر خدا.

(۲) وسوسه عیسی

بدنبال تعمید عیسی، روح القدس او را به بیابان هدایت کرد تا ابلیس او را وسوسه کند. تمام وسوسه هایی که شیطان میخواست به مسیح غلبه کند را میتوانیم در متی ۴: ۱ تا ۱۱ مطالعه کنیم. بعد از چهل شبانه روز که عیسی روزه گرفته بود و بسیار خسته و گرسنه شده بود وسوسه کننده بطرف او آمد و گفت: اگر قدرت داری میتوانی این سنگها را به نان تبدیل کنی.

بسیار مهم است توجه داشته باشیم که شیطان چطور از عیسی سوال کرد. شیطان میخواست خدا بودن عیسی را زیر سوال ببرد و او را به شک بیندازد.

و برای همین گفت، اگر تو پسر خدا هستی....

مسیح هم به او از طریق شمشیر روح که همان کلام خداست اینچنین جواب میداد که نوشته شده، مکتوب است که...

متی ۴: ۱ تا ۱۱

۱ آنگاه روح، عیسی را به بیابان هدایت کرد تا ابلیس وسوسه اش کند. ۲ عیسی پس از آنکه چهل شبانه روز را در روزه سپری کرد گرسنه شد. ۳ آنگاه وسوسه گر نزدش آمد و گفت: «اگر پسر خدایی، به این سنگها بگو نان شوند! ۴ عیسی در پاسخ گفت: «نوشته شده است که: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود.» ۵ سپس ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر فراز معبد قرار داد ۶ و به او گفت: «اگر پسر خدایی، خود را به زیر افکن، زیرا نوشته شده است: «فرشتگان خود را درباره تو فرمان خواهد داد و آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت، مبادا پایت را به سنگی بزنی.» ۷ عیسی به او پاسخ داد: «این نیز نوشته شده که، «خداوند، خدای خود را میازما.» ۸ دیگر بار، ابلیس او را بر فراز کوهی بس بلند برد و همه حکومتهای جهان را با تمام شکوه و جلالشان به او نشان داد ۹ و گفت: «اگر در برابرم به خاک افتی و مرا سجد کنی، این همه را به تو خواهم بخشید. ۱۰ عیسی به او گفت: «دور شو ای شیطان! زیرا نوشته شده است: «خداوند، خدای خود را پرستو تنها او را عبادت کن.» ۱۱ آنگاه ابلیس او را رها کرد و فرشتگان آمده، خدمتش کردند.

افسیان ۶: ۱۷

۱۷ کلاه خود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست بگیرید.

درس ششم - فصل پنجم

مرتباً بعد شیطان مسیح را به اورشلیم برد و در بالای معبد او را وسوسه کرد این دفعه شیطان از کلام خدا استفاده نکرد بلکه آن را تحریف کرده و بطور غلط آن را بازگو کرد، ولی دوباره عیسی با کلام کامل خداوند به او جواب داد.

در آخر شیطان عیسی را به بالاترین نقطه کوهی برد و به او تمام پادشاهی این دنیا را نشان داده گفت: اگر به زانوی خود خم شوی و مرا پرستش کنی تمام اینها را به تو خواهم داد. عیسی هم مطابق کلام، به شیطان فرمان داد که از او دور شود و شیطان برای مدتی او را ترک کرد.

لوقا ۴: ۱۳

^{۱۳} چون ابلیس همه این وسوسه‌ها را به پایان رسانید، او را تا فرصتی دیگر ترک گفت.

بعد از آن عیسی خدمت خود را آغاز کرد و برای یافتن شاگردانش و تکمیل شدن نبوت‌هایی که در عهد عتیق شده بود راهی ناصره شد؛ ناصره شهری بود که عیسی در آن بزرگ شده بود. او طبق آنچه که مرسوم بود در روز سبت به معبد رفت و روح او را هدایت کرده، شروع به خواندن کلامی نمود که در اشعیا باب ۶۱ نوشته شده بود:

اشعیا ۶۱: ۱ و ۲

روح خداوند گار یهوه بر من است، زیرا که خداوند مرا مسح کرده است تا فقیران را بشارت دهم؛ او مرا فرستاده تا دلشکستگان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران و رهایی را به محبوسان اعلام کنم؛^۲ تا سال لطف خداوند را اعلام نمایم، و از روز انتقام خدایمان خبر دهم؛ تا همه ماتمیان را تسلی بخشم.

و در لوقا ۴: ۱۶ تا ۲۱ به وقوع پیوست:

^{۱۶} پس به شهر ناصره که در آن پرورش یافته بود، رفت و در روز شبات، طبق معمول به کنیسه درآمد.

و برخاست تا تلاوت کند. ^{۱۷} طومار اشعیای نبی را به او دادند. چون آن را گشود، قسمتی را یافت که می‌فرماید: ^{۱۸} «روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاده تا رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم، و ستم‌دیدگان را رهایی بخشم، ^{۱۹} و سال لطف خداوند را اعلام نمایم.» ^{۲۰} سپس طومار را فرو پیچید و به خادم کنیسه سپرد و بنشست. همه در کنیسه به او چشم دوخته بودند. ^{۲۱} آنگاه چنین سخن آغاز کرد: امروز این نوشته، هنگامی که بدان گوش فرا می‌دادید، جامه عمل پوشید.

۳) معجزاتی که عیسی در زمان خدمتش انجام داد

معجزاتی که عیسی در دوران خدمت انجام میداد دقیقاً چیزهایی بود که در عهد عتیق نبوت شده بود. او کوران را بینا میکرد:

متی ۹: ۲۷ تا ۳۱

^{۲۷} هنگامی که عیسی آن مکان را ترک می‌کرد، دو مرد نابینا در پی او شتافته، فریاد می‌زدند: ای پسر داوود، بر ما رحم کن! ^{۲۸} چون به خانه درآمد، آن دو مرد نزدش آمدند. عیسی از آنها پرسید: «آیا ایمان دارید که می‌توانم این کار را انجام دهم؟» پاسخ دادند: بله، سرور! ^{۲۹} سپس عیسی چشمانشان را لمس کرد و گفت: بنا بر ایمانتان برایتان انجام شود. ^{۳۰} آنگاه چشمان ایشان باز شد. عیسی آنان را به تأکید امر فرمود: مراقب باشید کسی از این موضوع آگاه نشود. ^{۳۱} اما آنها بیرون رفته، او را در تمام آن نواحی شهرت دادند.

درس ششم - فصل پنجم

مسیح مردگان را زنده می‌کرد:

یوحنا ۱۱: ۴۱ تا ۴۴

۴۱ پس سنگ را برداشتند. آنگاه عیسی به بالا نگریست و گفت: «پدر، تو را شکر می‌گویم که مرا شنیدی. ۴۲ من می‌دانستم که همیشه مرا می‌شنوی. اما این را به خاطر کسانی گفتم که در اینجا حاضرند، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای. ۴۳ این را گفت و سپس به بانگ بلند ندا درداد: ایلعازر، بیرون بیا! ۴۴ پس آن مرده، دست و پا در کفن بسته و دستمالی گرد صورت پیچیده، بیرون آمد. عیسی به ایشان گفت: او را باز کنید و بگذارید برود.

عیسی جذامیان را شفا میداد:

متی ۸: ۲ تا ۴

۲ در این هنگام مردی جذامی نزد او آمد و در برابرش زانو زد و گفت: «سرورم، اگر بخواهی می‌توانی پاکم سازی. ۳ عیسی دست خود را دراز کرده، او را لمس نمود و گفت: «می‌خواهم؛ پاک شو!» در دم، جذام او پاک شد. ۴ سپس عیسی به او فرمود: «آگاه باش که در این باره به کسی چیزی نگویی، بلکه برو خود را به کاهن بنما و هدیه‌ای را که موسی امر کرده، تقدیم کن تا برای آنها گواهی باشد.

او مفلوجان را خرامان می‌کرد:

یوحنا ۵: ۱ تا ۹

چندی بعد، عیسی برای یکی از اعیاد یهود، به اورشلیم رفت. ۲ در اورشلیم، در کنار 'دروازه گوسفند' حوضی است که در زبان عبرانیان آن را 'بیت حسدا' گویند و پنج ایوان دارد. ۳ در آنها گروهی بسیار

از علیلان، همچون کوران، شلان و مفلوجان می‌خوایدند و منتظر حرکت آب بودند.^۴ زیرا هر از گاهی فرشته‌ای از جانب خداوند نازل می‌شد و آب را حرکت می‌داد؛ اولین کسی که پس از جنبش آب وارد حوض می‌شد، از هر مرضی که داشت شفا می‌یافت.^۵ در آن میان، مردی بود که سی و هشت سال زمینگیر بود.^۶ چون عیسی او را در آنجا خوابیده دید و دریافت که دیری است بدین حال دچار است، از او پرسید: آیا می‌خواهی سلامت خود را بازیابی؟^۷ مرد علیل گفت: «سرورم، کسی را ندارم که چون آب به حرکت می‌آید، مرا به درون حوض برَد، و تا خود را به آنجا می‌رسانم، دیگری پیش از من داخل شده است.^۸ عیسی به او گفت: «برخیز، بستر خود را بگیر و راه برو.^۹ آن مرد در همان دم سلامت خود را بازیافت و بستر خود را برگرفته، راه رفتن آغاز کرد. آن روز، شَبات بود.

پس عیسی ناشنویان را شنوا، نابینایان را بینا و لالان را قدرت تکلم میبخشید:

مرقس ۷: ۳۵ تا ۳۷

^{۳۵} در دم گوشهای آن مرد باز شد و گرفتگی زبانش برطرف گردید و توانست به راحتی سخن گوید.^{۳۶} اما عیسی آنها را قدغن کرد که این موضوع را به کسی نگویند. ولی هر چه بیشتر قدغنشان می‌کرد، بیشتر از این واقعه سخن می‌گفتند.^{۳۷} مردم با حیرت بسیار می‌گفتند: هر چه او کرده، نیکوست؛ حتی کران را شنوا و گنگان را گویا می‌کند!

در آن دوران یحیی تعمید دهنده بخاطر حرفی که به هیرودیس گفته بود که حلال نیست بازن برادرت وارد رابطه شوی در زندان بسر میبرد.

متی ۱۴: ۳ تا ۴

^۳ و اما هیرودیس به خاطر هیرودیا که پیشتر زن برادرش فیلیپس بود، یحیی را گرفته و او را بسته و به زندان انداخته بود.^۴ زیرا یحیی به او می‌گفت: حلال نیست تو با این زن باشی.

یحیی که در زندان شنیده بود عیسی کارهای بزرگی انجام میدهد به دو تن از شاگردانش گفت که نزد عیسی بروند و از او سوال کنند، آیا تو همان هستی که قرار بود بیاید؟ یا ما باید منتظر کسی دیگری باشیم؟

متی ۱۱: ۳

۳ تا پرسند: «آیا تو همانی که می‌بایست بیاید، یا منتظر دیگری باشیم؟»

پاسخ عیسی در متی ۱۱: ۴ تا ۷ آمده:

عیسی در پاسخ گفت: بروید و آنچه ببینید و میشنویید به یحیی باز گوید، که کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک میگردند، کران شنوا میشوند، مردگان زنده می‌گردند، و به فقیران بشارت داده میشود. خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد.

۴) قلب عیسی مسیح

مسیح فقط به خاطر مردم ثروتمند نیامد بلکه میخواست به همه خدمت کند. او آمد که پادشاهی را معرفی کند که از این دنیا نبود.

یوحنا ۱۸: ۳۶

۳۶ عیسی پاسخ داد: پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست.

سوالات درس ششم

۱) کتابهای عهد جدید توسط چه کسانی نوشته شده است؟

این کتابها را متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پولس، یعقوب، پطرس و یهوذا نوشتند.

۲) کدام کتاب تاریخچه کلیسای اولیه را برای ما بازگو میکند؟

اعمال رسولان.

۳) عیسی مسیح در کجا متولد شد؟

در بیت لحم یهودیه.

۴) سه مورد از نبوتها در مورد عیسی مسیح با ذکر آیات مربوطه در عهد عتیق و عهد جدید را توضیح

دهید؟

الف) پیدایش ۳: ۱۵

۱۵ میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی

را خواهی زد.

این نبوت با تولد او از مریم به انجام رسید.

متی ۱: ۲۰

۲۰ اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: ای یوسف،

پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است.

ب) اشعیا ۷: ۱۴

۱۴ بنابراین خود خداوند گار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.

پس پیش بینی شده بود که نجات دهنده عمانوئیل به دنیا خواهد آمد از طریق یک زن باکره، که این دقیقا به انجام رسید و او از مریم باکره متولد شد.

متی ۱: ۱۸

۱۸ تولد عیسی مسیح این چنین روی داد: مریم، مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم پیوندند، معلوم شد که مریم از روح القدس آبستن است.

ج) میکاه ۵: ۲

۲ اما تو، ای بیت لحم افراته، گرچه در میان طوایف یهودا کوچکی، از تو کسی برای من بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل فرمانروایی خواهد کرد؛ طلوع او از قدیم و از ایام ازل بوده است.

متی ۲: ۱

۱ چون عیسی در دوران هیروдіس پادشاه، در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد، هان چند مغ از مشرق زمین به اورشلیم آمدند.

۵) چند معجزه را که عیسی در زمان خدمتش انجام داد نام ببرید؟

عیسی مردگان را زنده، جذامیان را شفا، مفلوجان را خرامان، ناشنویان را شنوا، نابینایان را بینا و لالان را قدرت تکلم میبخشید.



تعلیم عیسی در مورد تولد تازه



تعلیم عیسی در مورد تولد تازه

عیسی واکنش‌های متفاوتی را نسبت به تعالیمش دریافت میکرد. کتاب مقدس به ما میگوید که بسیاری افراد از حرفهای او لذت میبردند و عده‌ای هم به سخنانش توجهی نمیکردند. اینگونه افراد در دنیا زیاد هستند که فکر میکنند خیلی چیزها را میدانند در صورتی که اینگونه نیست.

در لوقا ۴: ۱۸ مسیح میگوید:

۱۸ روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاده تا رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم و ستم‌دیدگان را رهایی بخشم.

درس هفتم - فصل اول

در واقع عیسی مسیح آمد تا انسانهایی را که از لحاظ روحانی فقیر هستند یا در اسارت گناه و تاریکی به سر میبرند، آزاد کند.

اول قرنتیان ۱ : ۲۶

^{۲۶} ای برادران، وضع خود را، آن هنگام که خدا شما را فرا خواند، در نظر آورید. بیشتر شما با معیارهای بشری، حکیم محسوب نمی‌شدید؛ و بیشتر شما از قدرتمندان یا نجیب‌زادگان نبودید.

ما باید همیشه به خاطر داشته باشیم که قبل از اینکه وارد زندگی روحانی شویم چه کسی بودیم و الان چه کسی هستیم.

در عیسی مسیح ما شاهزادگان هستیم. فرزندان خدای زنده و ما باید این را مد نظر داشته باشیم که خداوند، ما را به این دلیل که دکتر، مهندس یا پولدار بودیم و یا مقام والایی داشتیم انتخاب نکرد که به خود مغرور شویم، بلکه با فیض و رحمت او بود که ما از زندگی گناه آلود آزاد شدیم و از چنگال شریعت و تاریکی نجات پیدا کردیم.

یوحنا ۱۲ : ۴۲ تا ۴۴

^{۴۲} با این همه، حتی بسیاری از بزرگان قوم نیز به عیسی ایمان آوردند، اما از ترس فریسیان، ایمان خود را اقرار نمی‌کردند، مبادا از کنیسه اخراجشان کنند. ^{۴۳} زیرا تحسین مردم را بیش از تحسین خدا دوست می‌داشتند. ^{۴۴} آنگاه عیسی ندا در داد و گفت: هر که به من ایمان آورد، نه به من، بلکه به فرستنده من ایمان آورده است.

عیسی و نيقوديموس

يوحنا ۳ : ۱ تا ۳

۱ مردی بود از فریسیان، نيقوديموس نام، از بزرگان يهود. ۲ او شبی نزد عیسی آمد و به وی گفت: استاد، می دانیم تو معلمی هستی که از سوی خدا آمده است، زیرا هیچ کس نمی تواند آياتی را که تو به انجام می رسانی، به عمل آورد، مگر آنکه خدا با او باشد. ۳ عیسی در پاسخ گفت: آمین، آمین به تو می گویم، تا کسی از نو زاده نشود، نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند.

نيقوديموس قصد نداشت از عیسی سوال کند که چطور می تواند وارد ملکوت خداوند شود چون فکر میکرد که مردی مومن است و شریعت را به خوبی میداند پس هیچ مشکلی برای رفتن به ملکوت خدا ندارد. عیسی مسیح هم برای اینکه توجه نيقوديموس را به مسئله اصلی جلب کند گفت که آمده است تا ما را نسبت به ملکوت خداوند و راه نجات آگاه کند و همینطور چگونگی ورود به ملکوت را به ما بگوید.

شما باید از نو مولود شوید

عیسی گفت: تنها راهی که یک فرد میتواند از طریق آن، وارد پادشاهی خداوند شود این است که از نو متولد شود. درک این موضوع برای نيقوديموس بسیار سنگین بود هرچند او یکی از افراد سالخورده و با تجربه يهودی بود، اما با این حال هرگز این را نشنیده بود که یک شخص میتواند دوباره متولد شود.

نيقوديموس سوال کرد: چگونه امکان دارد شخص سالخورده ای مثل من بتواند از نو تولد یابد؟

آیا میشود انسانی به رحم مادر باز گردد و دوباره متولد شود؟

عیسی پاسخ داد: مطمئن باش هیچکس نمیتواند به پادشاهی خداوند وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد.

آب و روح

تولد تازه یا تولد دوباره شامل دو تعمید در آب و روح می‌باشد:

تعمید آب به غوطه ور شدن در آب و تعمید روح به دریافت روح القدس اشاره دارد که به همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده و از کلام خداوند اطاعت کنند وعده داده شده است.

وعده به همه ایمانداران

عیسی به اورشلیم رفت تا در جشنهای یهودیان شرکت کند. در روزهای آخر این جشنها، جمعیت زیادی آنجا جمع شده بودند و عیسی از این فرصت برای صدور بیانیه ای استفاده کرد.

یوحنا ۷: ۳۷ تا ۳۹

^{۳۷} در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاد و به بانگ بلند ندا در داد: هر که تشنه است، نزد من آید و بنوشد. ^{۳۸} هر که به من ایمان آورد، همان گونه که کتاب می گوید، از بطن او نهرهای آب زنده روان خواهد شد. ^{۳۹} این سخن را درباره روح گفت، که آنان که به او ایمان بیاورند، آن را خواهند یافت؛ زیرا روح هنوز عطا نشده بود، از آن رو که عیسی هنوز جلال نیافته بود.

پس طبق آیه فوق این وعده به هر شخص داده شده اما تنها عامل واجد شرایط بودن برای دریافت این وعده تشنگی فرد می‌باشد. ما نیز میدانیم که عیسی مسیح جلال یافته و در روز پنتیکاست، روح القدس به تمام ایمانداران داده شد؛ حتی امروزه شاهد هستیم کسانی که به عیسی ایمان می آورند وعده خداوند تحقق یافته، آنها هم از روح پر میشوند.

عیسی با مثلها تعلیم میدهد



عیسی با مثلها تعلیم میداد

عیسی بیشتر با بیان مثلها تعلیم میداد. او از داستانهای زمینی برای درک بهتر استفاده میکرد. در واقع میخواست مردم از طریق این مثالها خود را بشناسند و تلاش کنند که زندگی خود را تغییر دهند.

مثل برزرگر

متی ۱۳: ۱ تا ۹

۱ همان روز، عیسی از خانه بیرون آمد و کنار دریا بنشست. ۲ اما چنان جماعت بزرگی او را احاطه کردند که سوار قایقی شد و بنشست، در حالی که مردم در ساحل ایستاده بودند. ۳ سپس بسیار چیزها با مثلها

برایشان بیان کرد. گفت: «روزی برزگری برای بذرافشانی بیرون رفت. ^۴ چون بذر می‌پاشید، برخی در راه افتاد و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ^۵ برخی دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد که خاک چندانی نداشت؛ پس زود سبز شد، چرا که خاک کم عمق بود. ^۶ اما چون خورشید برآمد، بسوخت و چون ریشه نداشت، خشکید. ^۷ برخی میان خارها افتاد، و خارها نمو کرده، آنها را خفه کرد. ^۸ اما بقیه بذرها بر زمین نیکو افتاد و بار آورد: بعضی صد برابر، بعضی شصت و بعضی سی. ^۹ هر که گوش دارد، بشنود.»

و معنی این مثل را کمی جلوتر مسیح در آیه های ۱۸ تا ۲۳ به شاگردانش توضیح داده است:

^{۱۸} پس شما معنی مثل برزگر را بشنوید: ^{۱۹} هنگامی که کسی کلام پادشاهی آسمان را می‌شنود اما آن را درک نمی‌کند، آن شریر می‌آید و آنچه را در دل او کاشته شده، می‌رباید. این همان بذری است که در راه کاشته شد. ^{۲۰} و اما بذری که بر زمین سنگلاخ افتاد کسی است که کلام را می‌شنود و بی‌درنگ آن را با شادی می‌پذیرد، ^{۲۱} اما چون در خود ریشه ندارد، تنها اندک زمانی دوام می‌آورد. وقتی به سبب کلام، سختی یا آزاری بروز می‌کند، در دم می‌افتد. ^{۲۲} بذری که در میان خارها کاشته شد، کسی است که کلام را می‌شنود، اما نگرانیهای این دنیا و فریبندگی ثروت، آن را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌سازد. ^{۲۳} اما بذری که در زمین نیکو کاشته شد کسی است که کلام را می‌شنود و آن را می‌فهمد و بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می‌آورد.

مسیح در خصوص کلام خداوند میگوید که آن زمینها قلبهای ما میباشد.

(۱) بذر کاشته شده در راه: نشان دهنده کسانی است که کلام را میشوند ولی نمیتوانند آنرا درک کنند بنابراین شیطان با سرعت می‌آید و آنها را با خود میبرد.

(۲) زمین سنگلاخ: نشان دهنده کسانی است که کلام خداوند را در نهایت شادمانی میشوند ولی چون ریشه عمیقی ندارند به محض وارد شدن حملات، سریعاً از ایمان خود دور شده و به دنیا باز میگردند.

۳) بذر گرفتار در خار: کسانی میباشند که کلام را میشوند اما بجای ثمره نیکو آوردن، گرفتار نگرانیهای زندگی و لذات دنیوی از جمله ثروت اندوزی میشوند.

۴) زمین نیکو: کسانی هستند که کلام را شنیده، درک میکنند و از آن با تمام دل اطاعت کرده، ثمره می آورند.

این مثلها به اهمیت کلام خداوند تاکید میکنند، تنها چیزی که باعث میشود یک فرد برای پادشاهی خداوند ثمره بیاورد کلام خداوند است و هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد.

پس ما باید محبت خود را نسبت به کلام خدا بیشتر کنیم و آنرا در جایگاه اول زندگی خود قرار دهیم. در صورتی ما آن خاک خوب هستیم که از کلام خداوند اطاعت کنیم و آنرا در زندگی روزمره خود بکار بگیریم.

مثال مروارید گرانبها

این مثل را در متی ۱۳: ۴۵ و ۴۶ میخوانیم که باز هم اشاره به ملکوت خداوند دارد:

۴۵ همچنین پادشاهی آسمان مانند تاجری است جوئیای مرواریدهای نفیس. ۴۶ پس چون مروارید بسیار باارزشی می یابد، می رود و آنچه دارد، می فروشد و آن مروارید را می خرد.

هر چند مسیح این مثال را تفسیر نکرد ولی بسیاری از مفسران کتاب مقدس معتقدند که این نشان دهنده جستجوی بشریت برای کلام خداوند (انجیل) است. طبق این دیدگاه دو نتیجه میگیریم:

۱) تمام زندگی یک جستجو برای بهترینهاست.

۲) ارزشمندترین چیز در دنیا پیام انجیل است که همان نقشه نجات خداوند میباشد.

پس یافتن حقیقت، آنقدر ارزش دارد که همه چیز را بدهیم تا آنرا بدست آوریم.

حقیقت را بخر و هرگز آن را مفروش، این است حکمت و ادب و فهم.

پس مهم نیست که حقیقت چقدر قیمت دارد، باید آنرا بدست آوریم اما فراموش نکنیم که بهای دریافت آن پول نیست بلکه حقیقت از شنیدن می آید (شنیدن کلام خداوند) و باید این را بدانیم که ارزش آن از هر زمین، ثروت و اموالی در این دنیا با ارزشتر است.

متی ۱۶: ۲۴ تا ۲۶

^{۲۴} سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید.^{۲۵} زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت.^{۲۶} انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را ببازد؟ انسان برای بازیافتن جان خود چه می تواند بدهد؟

هدیه و استعداد (حکایت سکه ها)

در متی ۱۴: ۲۵ تا ۳۰ میخوانیم که عیسی برای استعداد یا هدایای خداوند مثالی را بکار میبرد و میخواهد ما هم از آن استفاده کنیم. در واقع مثل مردی است که میخواست به سفر دور و درازی برود و قبل از اینکه از منزل خارج شود، سه تا از خادمانش را صدا زده به یکی از آنها ۵ سکه، به دومی ۲ سکه و به سومی ۱ سکه داد. آنها باید سکه های دریافتی را در راههای مختلفی استفاده میکردند تا زمان بازگشت صاحبشان سودی را به او باز پس دهند.

دو خدمتکاری که یکی ۵ و دیگری ۲ سکه گرفته بودند، استفاده خوبی از آن پولها کردند ولی سومی که انسان ترسویی بود از آن پول هیچ استفاده ای نکرد و هیچ سودی هم برای صاحبش بدست نیاورد.

درس هفتم - فصل دوم

پس زمانی که صاحبش آمد به او گفت: ای خادم بدکار و تنبل، تو که میدانستی از جایی که نکاشته ام درو میکنم و از جایی که نپاشیده ام جمع میکنم پس چرا پول مرا به صرافان نداده ای تا وقتی از سفر برگشتم آنرا با سود پس بگیرم؟

در واقع انسانی که در ترس زندگی میکند نمیتواند با حکمت عمل کند. ما فرزندان خداوند که قصد خدمت او را داریم هرگز نباید ترسی به دل راه دهیم و طبق کلام خداوند نه تنها در محبت ترس نیست بلکه محبت کامل ترس را فراری میدهد.

اول یوحنا ۴: ۱۸

در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد و کسی که می‌ترسد، در محبت به کمال نرسیده است.

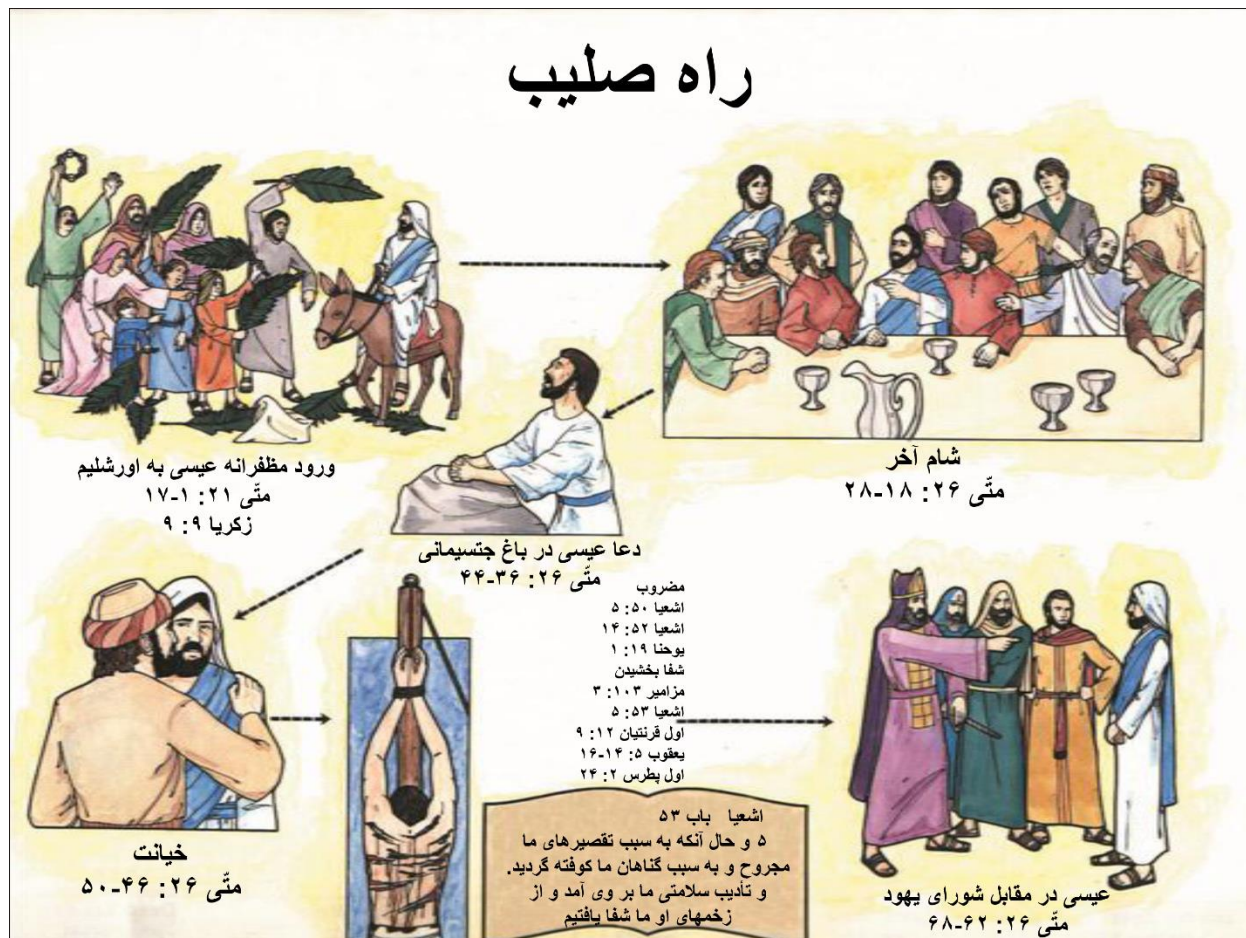
با توجه به مثل‌های مسیح که در این درس مرور کردیم باید با مطرح کردن پرسشهایی خودمان را ارزیابی کنیم:

(۱) ما چه نوع خاکی هستیم؟

(۲) چه قیمتی را برای به دست آوردن زمین پرداخت میکنیم؟ (که بتوانیم راه نجات را دریافت کنیم تا زندگیمان آنطور که میخواهیم باشد و هر روز با خدا راه برویم.)

(۳) در زندگیمان برای خداوند چه کارهایی خواهیم کرد؟

در واقع بعد از اتمام این درس میخواهیم که به این سوالها خوب فکر کنیم، جواب دهیم و دعا کنیم.



مسیر صلیب یا راه جلجتا

زمانی بود که مسیح خود را برای رفتن به روی صلیب آماده میکرد؛ یک هفته قبل از اینکه به روی صلیب برود اتفاقاتی رخ داد که آنها را بررسی میکنیم.

(۱) ورود پیروزمندانه

اولین مناسبات قبل از صلیب را میتوانیم در متی ۲۱: ۱ تا ۱۷، زکریا ۹: ۹ و مرقس ۱۱: ۲ تا ۱۹ بخوانیم که همه ی این آیات یک مفهوم را میرسانند.

زکریا ۹: ۹

ای دختر صهیون، بسیار شادی کن! و ای دختر اورشلیم، فریاد بلند سر ده! هان پادشاهت نزد تو می آید؛ او عادل و صاحب نجات است، فروتن و سوار بر الاغ، بر گره الاغ.

عیسی به شاگردان خود گفت: به آدرسی که میگویم بروید، الاغی را در آنجا خواهید دید که به درخت بسته شده است آنرا باز کنید و برای من بیاورید. اگر هم کسی از شما پرسید بگویید خداوند به آن احتیاج دارد. آنها به دستور خداوند الاغ را آورده، عبای خود را به رویش انداختند و عیسی بر روی آن نشسته به سمت شهر حرکت کرد و بسیاری از مردم از او استقبال کردند.

بعد از چند روز، تمام مردمی که به عیسی مسیح خوش آمد گفته بودند به افسر رومی میگفتند: مصلوبش کنید، مصلوبش کنید.

(۲) شام آخر

مناسبت دیگر، شام آخر میباشد که مسیح بعد از وارد شدن به شهر، با شاگردانش این مراسم را برگزار کردند این را میتوانیم در متی ۲۶: ۱۷ تا ۱۹، مرقس ۱۴: ۱۲ و لوقا ۲۲: ۷ بخوانیم.

متی ۱۷: ۲۶ تا ۱۹

در نخستین روز عید فطیر، شاگردان نزد عیسی آمدند و پرسیدند: کجا می خواهی برای تدارک بینیم تا شام پسخ را بخوری؟^{۱۸} او به آنان گفت که به شهر، نزد فلان شخص بروند و به او بگویند: استاد می گوید: وقت من نزدیک شده است. می خواهم پسخ را در خانه تو با شاگردانم نگاه دارم.^{۱۹} شاگردان همان گونه که عیسی گفته بود، کردند و پسخ را تدارک دیدند.

هر سال یهودیان این روز را گرامی میداشتند به این دلیل که به یاد بیاورند که چطور خداوند آنها را از مرگ نجات داد وقتی که خون قربانی را بر سردر خانه هایشان زدند.

چون هنوز مشغول خوردن بودند، عیسی نان را برگرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید، بخورید؛ این است بدن من.»^{۲۷} سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه شما از این بنوشید.»^{۲۸} این است خون من برای عهد [جدید] که به خاطر بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.

در واقع در آن روز مسیح به شاگردانش یادآوری میکند که پدرانشان برای اینکه از مصر خارج شوند باید قربانی به خداوند میدادند و خون آن را بر سردرِ خانه هایشان می مالیدند تا روح مرگ از آنها عبور کند و همچنین به آنها میگوید: آن قربانی من هستم و این خون من است که برای شما خواهد ریخت.

اول قرنیتان ۱۱: ۲۳ تا ۲۶

^{۲۳} زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم، که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم دشمن کردند، نان را گرفت^{۲۴} شکر نموده، پاره کرد و فرمود: این است بدن من برای شما. این را به یاد من به جای آورید.^{۲۵} به همین سان، پس از شام، جام را گرفت و فرمود: این جام، عهد جدید است در خون من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین کنید.^{۲۶} زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که باز آید.

آن شب مسیح نان را پاره کرده، گفت: این را بخورید که بدن من است و برای شما پاره خواهد شد و سپس شراب را به آنها داده گفت: بنوشید این خون من است و هر زمان این کار را کردید به یاد خون من خواهید افتاد. پس متوجه شدیم که در مراسم شام آخر نان بیانگر بدن عیسی و شراب به نشان خون مسیح میباشد. این مراسم برای این است که همیشه یادمان باشد، مسیح برای ما چه کارهایی کرده است.

قبل از اتمام شب مسیح رو به شاگردانش کرده گفت: یکی از شما مرا لو خواهد داد. شاگردانش شروع به سوال کردند که استاد من هستم؟

مسیح گفت: آن کسی که دستش با من به داخل پیاله برود همان است که مرا لو خواهد داد.

یهودا پرسید: استاد من هستم؟ مسیح پاسخ داد: خودت گفتی، پس یهودا به بیرون رفت تا کاری را که شروع کرده بود به پایان برساند.

۳) عیسی به‌مراه شاگردانش به باغ جتسیمانی رفتند تا دعا کنند

در متی ۲۶: ۳۶ تا ۴۴ میخوانیم که عیسی به‌مراه شاگردانش به باغ جتسیمانی رفتند تا دعا کنند. مسیح هشت نفر از شاگردانش را کمی عقب تر گذاشت و با پطرس، یعقوب و یوحنا جلوتر رفتند و به این سه شاگرد فرمود که همراه با او در دعا باشند او کمی جلوتر رفت و شروع به دعا کرد چون میدانست که زمانش فرا رسیده است و احساس درد را متوجه شده بود. به روی، بر خاک افتاده و در دعایش گفت: ای پدر اگر ممکن است این جام از من بگذرد، اما نه به خواست من بلکه به اراده تو.

وقتی پیش شاگردانش بازگشت دید که هر سه خواب هستند، پس فرمود: آیا نمیتوانستید یک ساعت بیدار بمانید؟ با من بیدار باشید و دعا کنید تا در وسوسه نیفتید.

این سخن بدین معناست که همیشه باید در بیداری و دعا باشیم چون جسم ضعیف است و روح راغب. پس کلام میگوید برای غلبه بر وسوسه همیشه بیدار باش و دعا کن.

عیسی مسیح بعد از سه بار تکرار دعایش نزد خداوند، به شاگردانش گفت که برخیزید، هر لحظه دشمن خواهد رسید و دیدند که افرادی مسلح به آنها نزدیک می شوند، یهودا نیز همراه آنان بود که نزدیک عیسی آمد و او را بوسیده، تحویل یهودیان داد.

۴) مسیح را پیش بزرگان یهود بردند

پس افرادی را جمع کردند که علیه عیسی قسم دروغ بخورند تا او را محکوم کنند و به صلیب کشند.

متی ۲۶: ۵۷ تا ۶۱

^{۵۷} آنها که عیسی را گرفتار کرده بودند، او را نزد قیافا، کاهن اعظم بردند. در آنجا علمای دین و مشایخ جمع بودند. ^{۵۸} اما پطرس دورادور از پی عیسی رفت تا به حیاط خانه کاهن اعظم رسید. پس داخل شد و با نگهبانان بنشست تا سرانجام کار را ببیند. ^{۵۹} سران کاهنان و تمامی اهل شورا در پی یافتن شهادت دروغ علیه عیسی بودند تا او را بکشند، ^{۶۰} اما هرچند شاهدان دروغین بسیاری پیش آمدند، چنین چیزی اما یافت نشد. سرانجام دو نفر پیش آمده ^{۶۱} گفتند: این مرد گفته است، من می توانم معبد خدا را ویران کنم و ظرف سه روز آن را از نو بسازم.

عیسی را نزد افسر رومی، بردند چون خودشان قدرت نداشتند که کسی را مصلوب کنند.

جهت مطالعه بیشتر به یوحنا ۱۸: ۲۸ تا ۴۰ و یوحنا ۱۹: ۱ تا ۱۵ مراجعه کنید.

وقتی عیسی را نزد افسر رومی، بردند از آنها پرسید: این مرد چه کرده که او را پیش من آورده اید؟ آنها گفتند: این مرد ادعای پادشاهی میکند و ما پادشاهی به غیر از سزار نداریم. او پس از پرس و جو متوجه بیگناهی عیسی شده و به یهودیان گفت: این مرد هیچ گناهی ندارد ولی ما هر سال به خاطر روز پسخ یک زندانی را آزاد میکنیم. اگر شما بخواهید میتوانم این مرد را که ادعای پادشاهی میکند، آزاد کنم اما یهودیان فریاد زدند نه او را به صلیب بکشید و باراباس را برایمان آزاد کنید.

مرقس ۱۵: ۷

^۷ در میان شورشیانی که به جرم قتل در یک بلوا به زندان افتاده بودند، مردی بود باراباس نام.

۵) بعد از آن عیسی مسیح را شلاق زده و راهی صلیب کردند

اشعیا ۵۳: ۵

۵ حال آنکه به سبب نافرمانیهای ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخم های او ما شفا می یابیم.

مزامیر ۳: ۱ تا ۳

۱ خداوندا، چه بسیارند دشمنانم! بسیاری بر ضد من برمی خیزند.^۲ بسیاری درباره جان من می گویند: «برای او در خدا نجاتی نیست.»^۳ سلاه^۳ اما تو ای خداوند، سپر هستی به دورم، جلال من و سر فرازنده من. در واقع بهایی را که عیسی پرداخت نمود، قسمتی از آن نبود بلکه تمام قیمت را پرداخت کرد. امروز ما می توانیم شفای خود را از طریق ضربه های شلاقی که به بدن مسیح وارد شد دریافت کنیم. این خواست خداوند است که امروز هم اگر در نام او با ایمان دعا کنیم شفا را دریافت خواهیم کرد.

یعقوب ۵: ۱۴ تا ۱۵

۱۴ اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فرا خواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند.^{۱۵} دعای با ایمان، بیمار را شفا می بخشد و خداوند او را برمی خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می شود.

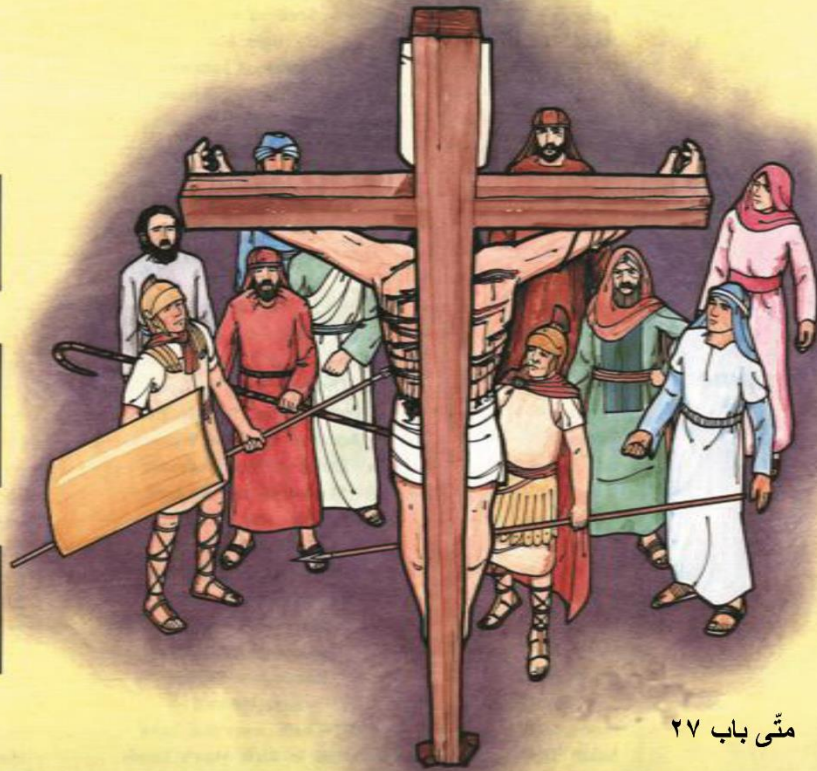
اینها اتفاقاتی بود که برای مسیح افتاد و او را به جلجتا بردند تا مصلوبش کنند.

مسیح برای ما می‌میرد

رومیان باب ۵
۸ لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح در راه ما مرد.

رومیان باب ۵
۱۰ زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت

قرنطیان دوم باب ۵
۲۱ زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم



متی باب ۲۷

مسیح برای ما مرد

مصلوب شدن مسیح یکی از بزرگترین اتفاقاتی بود که در طی تاریخ بشریت افتاده است. مسیح تمام گناهان بشر را با خود به روی صلیب برد. کسی که چیزی از گناه نمیدانست قربانی تمام گناهان ما شد.

دوم قرنطیان ۵: ۲۱

۲۱ او، کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم.

اول پطرس ۲: ۲۲

۲۲ او هیچ گناه نکرد، و فریبی در دهانش یافت نشد.

^۸ اما خدا محبت خود را به ما این گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.
^۹ پس چقدر بیشتر، اکنون که توسط خون او پارسا شمرده شده‌ایم، به واسطه او از غضب، نجات خواهیم یافت.
^{۱۰} زیرا اگر هنگامی که دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، چقدر بیشتر اکنون که در آشتی هستیم، به وسیله حیات او نجات خواهیم یافت.
^{۱۱} نه تنها این، بلکه ما به واسطه خداوندمان عیسی مسیح که توسط او از آشتی برخورداریم، در خدا نیز فخر می‌کنیم.
^{۱۲} پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند.
^{۱۳} زیرا پیش از آنکه شریعت داده شود، گناه در جهان وجود داشت، اما هر گاه شریعتی نباشد، گناه به حساب نمی‌آید.
^{۱۴} با این حال، از آدم تا موسی، مرگ بر همگان حاکم بود، حتی بر کسانی که گناهشان به گونه سرپیچی آدم نبود. آدم، نمونه کسی بود که می‌بایست بیاید.
^{۱۵} اما عطا همانند نافرمانی نیست. زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان بسیاری مردند، چقدر بیشتر فیض خدا و عطایی که به واسطه فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح فراهم آمد، به فراوانی شامل حال بسیاری گردید.

(۱) عیسی توسط سربازان تحقیر شد

بعد از اینکه او را تازیانه زدند به جای دیگری بردند، بر سرش تاجی از خار گذاشتند و شنلی بر دوشش انداختند؛ بحالت تمسخر مقابل او زانو زده، به صورت او آب دهان پرت کردند و راهی صلیب نمودند.

(۲) شمعون و صلیب

در مسیر راه، عیسی بدلیل خستگی و درد شدید به سختی صلیب را با خود حمل میکرد، بنابراین فردی به نام شمعون را که شاهد این صحنه‌ها بود مجبور کردند که صلیب عیسی را حمل کند.

درس هفتم - فصل چهارم

زمانیکه عیسی روی صلیب بود تشنه شده بود از آنها آب خواست ولی به او سر که دادند چون سر که درد را تسکین می‌دهد ولی عیسی نپذیرفت زیرا میخواست درد واقعی را بچشد و تمام قیمت را پرداخت کند. همان روز در دو طرف عیسی دو دزد هم مصلوب بودند و بالای صلیب عیسی، لوحی بود که روی آن نوشته شده بود: این است عیسی پادشاه یهود.

۳) مسخره کردن مسیح

مردمی که از آنجا رد میشدند، او را به سُخره گرفته و میگفتند: تو که ادعا میکردی معبد خدا را بعد از خراب کردن در عرض سه روز، دوباره بنا میکنی. حالا چرا نمیتوانی خودت را نجات دهی؟ اگر پسر خدا هستی چرا خودت را از آنجا نجات نمیدهی؟

چند تن از کاهنان یهودی آنجا بودند و رو به عیسی میگفتند دیگران را نجات میداد ولی الان خودش را نمیتواند نجات دهد. اگر ادعا میکند پسر خداست پس پایین بیاید تا ما به او ایمان بیاوریم.

۴) دوراهزن روی صلیب

یکی از دزدها که در کنار عیسی بر روی صلیب بود گفت: اگر تو پسر خدا هستی خودت را نجات بده و ما را هم از اینجا آزاد کن ولی دزد دیگر در جوابش گفت: من و تو گناه کرده ایم و نتیجه کارهای خود را پس میدهیم، اما او هیچ گناهی نکرده، سپس به عیسی گفت: خداوندا وقتی وارد ملکوت خود شدی مرا بخاطر بیاور.

۵) بخشش روی صلیب

عیسی در جواب گفت: "تو از همین امروز با من در فردوس خواهی بود". مسیح بر روی صلیب دزد را بخشید و به او گفت که تو از گناهانت آزاد شدی و امروز با من خواهی بود و ادامه داد: پدر اینها را ببخش چون نمیدانند که چه میکنند.

۶) اتفاقاتی که بعد از مرگ او افتاد

بعد از مرگ مسیح پرده معبد خداوند از بالا تا پایین به دو تکه پاره شد. زمین لرزه ای بوجود آمد که سنگها به دو نیم شدند. در قبرستان خارج از شهر، بسیاری از قبرها باز شدند. یکی از افسران رومی که متوجه این صحنه ها شد، گفت: او واقعا پسر خداوند است.

۷) عیسی به خاک سپرده شد

بعد از مرگ عیسی دو نفر از یهودیان که به عیسی ایمان آورده بودند او را از صلیب پایین آورده در پارچه سفیدی قرار دادند و در قبر نهادند. با این کار مسیح کارش را به اتمام رساند و این فرصت را به ما داد که به حضور او برویم تا ما هم به این آزادی برسیم. در حقیقت عیسی با دادن جان خود، ما را از گناهانمان خریداری کرد و تمام قیمت را پرداخت نمود.

حالا انتخاب با خود ماست که آیا می‌خواهیم نجات و رهایی از اسارتها را داشته باشیم یا در گناهان خود زندگی کنیم؟ عیسی مسیح این وعده را به ما داده که تا ابد با ما خواهد بود اما بسیاری راه مسیح را نمی‌خواهند چون مسیر بسیار سخت و باریکی است.

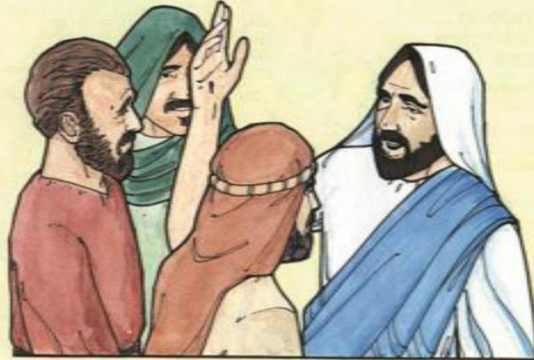
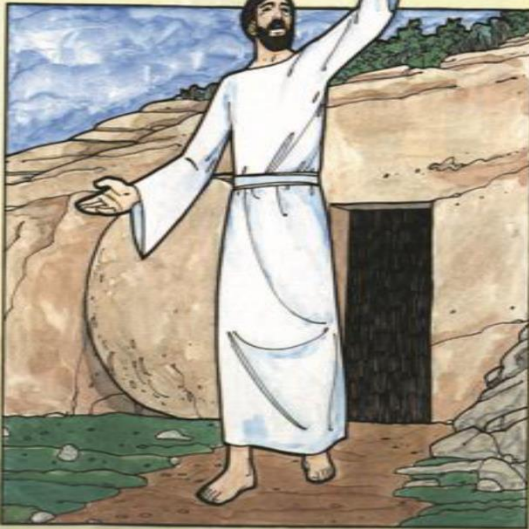
رومیان ۶: ۲۳

۲۳ زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است.

پس خداوند با این کارش ما را از زیر بار گناه که نتیجه آن مرگ بود، آزاد کرد چون او به جای ما قیمت همه گناهان را بر روی صلیب پرداخت نمود.

قیام مسیح از مردگان

قرنطیان اول باب ۱۵
۳ زیرا که اول به شما سپردم آنچه
نیز یافتم که مسیح بر حسب کتب در راه
گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد
و در روز سوم بر حسب کتب برخاست



اعمال باب ۱
۳ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود،
خویشان را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار
که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می‌شد و
درباره امور ملکوت خدا سخن می‌گفت

ظاهر شدن عیسی به شاگردان
متی ۲۸: ۱-۲۰
مرقس ۱۶: ۹-۲۰
لوقا ۲۴: ۱۳-۵۳
یوحنا ۲۰: ۱۹-۳۱
اول قرنطیان ۱۵: ۴-۷

ظاهر شدن به مدت ۴۰ روز
اعمال رسولان ۱: ۳
ظاهر شدن بر بیش از ۵۰۰ نفر
اول قرنطیان ۱۵: ۴-۷

قیام مسیح از مردگان

عیسی مسیح بعد از سه روز از مردگان قیام کرد. حتی مرگ هم نتوانست او را در خود نگه دارد. عیسی مسیح این را هم پیش بینی کرده بود که چه مدت در قبر خواهد بود. در عهد عتیق هم این پیشگویی شده بود که عیسی بعد از سه روز از مرگ قیام خواهد کرد. وقتی روحانیون یهود از مسیح پرسیدند که علامتی یا معجزاتی به آنها نشان بدهد که او همان نجات دهنده است، عیسی به آنها گفت: این نسل خطاکار از من علامت میخواهد باید بگویم که هیچ علامتی به شما نشان نخواهم داد. فقط یک چیز به شما میگویم تا شاید متوجه شوید و آن هم این است که یونس سه شبانه روز در شکم نهنگی بود و بعد از سه روز بیرون آمد، پسر انسان هم سه روز و سه شب در دل زمین قرار خواهد گرفت.

۳۸ آنگاه عده‌ای از علمای دین و فریسیان به او گفتند: استاد، می‌خواهیم آیتی از تو ببینیم. ^{۳۹} پاسخ داد: نسل شرارت‌پیشه و زناکار آیتی می‌خواهند! اما آیتی بدیشان داده نخواهد شد، جز آیت یونس نبی. ^{۴۰} زیرا همان‌گونه که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بزرگی بود، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود.

(۱) نگهبانی بر سر قبر مسیح

بعد از اینکه عیسی را در قبر گذاشتند روحانیون یهودی بخاطر آوردند که مسیح به آنها در مورد دوباره زنده شدنش گفته بود. برای همین آنها نگهبان‌هایی در اطراف قبر عیسی گذاشتند که مبادا شاگردانش آمده، او را از قبر بیرون آورند و به همه بگویند که مسیح از مردگان زنده شده تا بیشتر به او ایمان بیاورند.

^{۶۳} سرورا! به یاد داریم که آن گمراه‌کننده وقتی زنده بود، می‌گفت، "پس از سه روز بر خواهم خاست." ^{۶۴} پس فرمان بده مقبره را تا روز سوّم نگهبانی کنند، مبادا شاگردان او آمده، جسد را بدزدند و به مردم بگویند که او از مردگان برخاسته است، که در آن صورت، این فریب‌آخر از فریب اول بدتر خواهد بود. ^{۶۵} پیلاطس پاسخ داد: شما خود نگهبانان دارید. بروید و آن را چنانکه صلاح می‌دانید، حفاظت کنید. ^{۶۶} پس رفتند و سنگ مقبره را مهر و موم کردند و نگهبانانی در آنجا گذاشتند تا از مقبره حفاظت کنند.

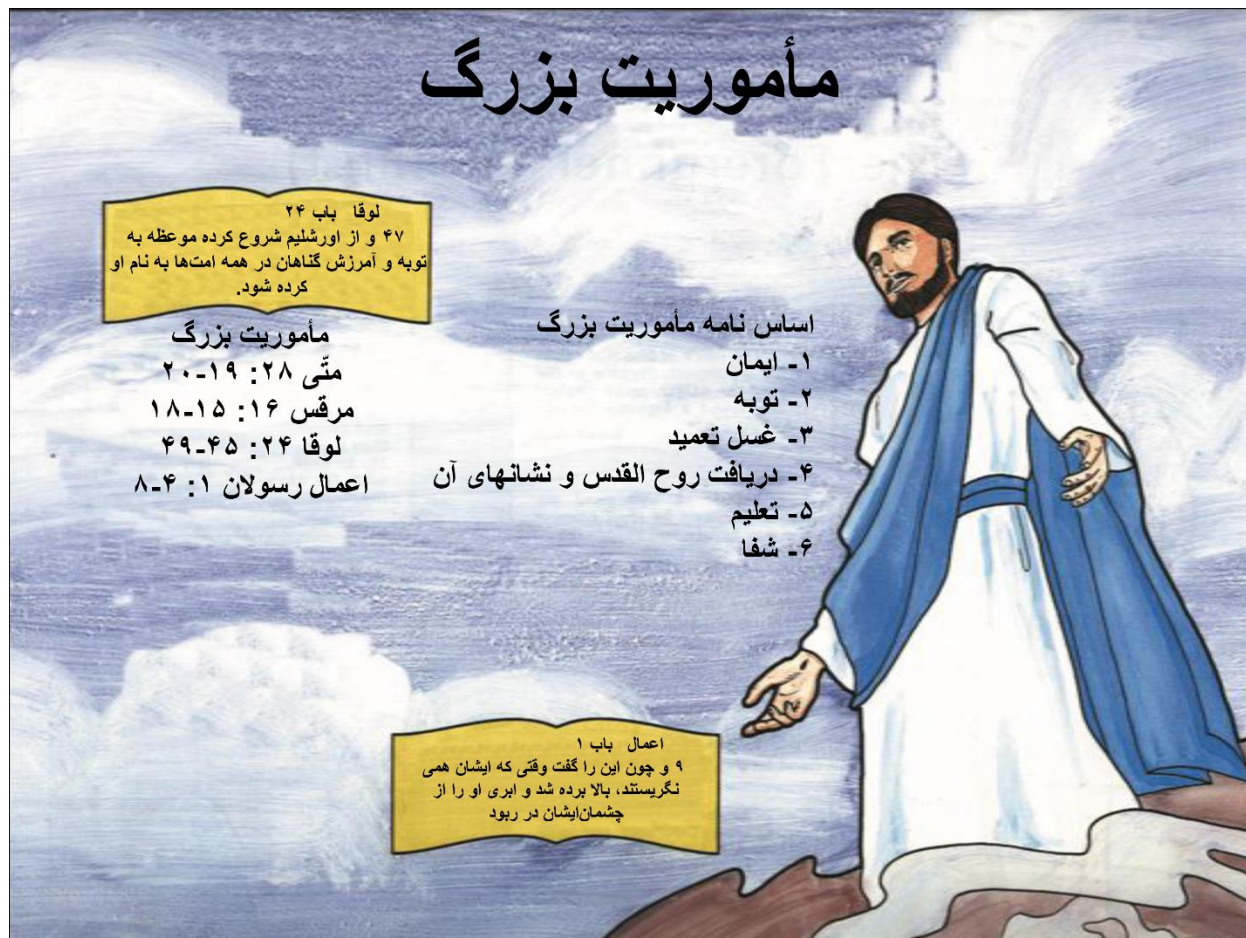


درس هفتم - فصل پنجم

۲) عیسی از قبر بیرون آمد

فرشتگان خداوند از آسمان آمده و سنگ قبر را کنار زدند و روی آن نشستند. وقتی عیسی از قبر بیرون آمد نور عجیبی داشت و لباس او از سفیدی برق میزد، هنگامی که نگهبانان او را دیدند که از قبر بیرون می آید همگی مانند بدنی بی جان بر زمین افتادند.

عیسی بعد از قیامش از مردگان، خود را به شاگردانش و همینطور تعداد زیادی از مردم ظاهر کرد و به مدت چهل روز، با شاگردان وقت صرف نموده، آخرین تعالیم و فرمانهای جدید را به آنها داد.



مأموریت بزرگ

لوقا باب ۲۴
۴۷ و از اورشلیم شروع کرده موعظه به
توبه و آموزش گناهان در همه امتها به نام او
کرده شود.

مأموریت بزرگ
متی ۲۸: ۱۹-۲۰
مرقس ۱۶: ۱۵-۱۸
لوقا ۲۴: ۴۵-۴۹
اعمال رسولان ۱: ۴-۸

اساس نامه مأموریت بزرگ

- ۱- ایمان
- ۲- توبه
- ۳- غسل تعمید
- ۴- دریافت روح القدس و نشانههای آن
- ۵- تعلیم
- ۶- شفا

اعمال باب ۱
۹ و چون این را گفت وقتی که ایشان همی
نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از
چشمان ایشان در ربود

مأموریت بزرگ

بزرگترین ماموریت در هر سه انجیل متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰، مرقس ۱۶: ۱۵ تا ۱۸، لوقا ۲۴: ۴۷ و اعمال رسول ۱: ۴ تا ۸ آورده شده است.

متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰

۱۹ پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید^{۲۰} و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!



درس هفتم - فصل ششم

مرقس ۱۶: ۱۵ تا ۱۸

۱۵ آنگاه بدیشان فرمود: به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همه خلایق موعظه کنید. ۱۶ هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد. ۱۷ و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: به نام من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبانهای تازه سخن خواهند گفت ۱۸ و مارها را با دستهایشان خواهند گرفت، و هر گاه زهری گشوده بنوشند، گزندی به آنها نخواهد رسید، و دستها بر بیماران خواهند نهاد و آنها شفا خواهند یافت.

لوقا ۲۴: ۴۷

۴۷ و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قوما موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود.

اعمالان رسول ۱: ۴ تا ۸

۴ یک بار در حین صرف غذا بدیشان امر فرمود که: اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. ۵ زیرا یحیی با آب تعمید می‌داد، اما چند روزی پیش نخواهد گذشت که شما با روح القدس تعمید خواهید یافت. ۶ پس چون گرد هم آمده بودند، از او پرسیدند: «خداوندا، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل باز خواهی گردانید؟ ۷ عیسی پاسخ داد: «بر شما نیست که ایام و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید؛ ۸ اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.» پس عیسی مسیح به شاگردان خود فرمان داد که به نام او توبه و آمرزش گناهان را به تمام قوم‌ها موعظه کنند و شروع آن باید از اورشلیم باشد.



درس هفتم - فصل ششم

۱) اساس نامه ماموریت بزرگ

الف) ایمان

اول باید ایمان بیاورید که عیسی خود خدا و خداوند است.

ب) توبه

بعد توبه کنید و از گناهان تغییر مسیر دهید.

ج) تعمید در آب

یعنی با مسیح باید بمیرید تا برای همیشه زنده بمانید.

د) دریافت روح القدس

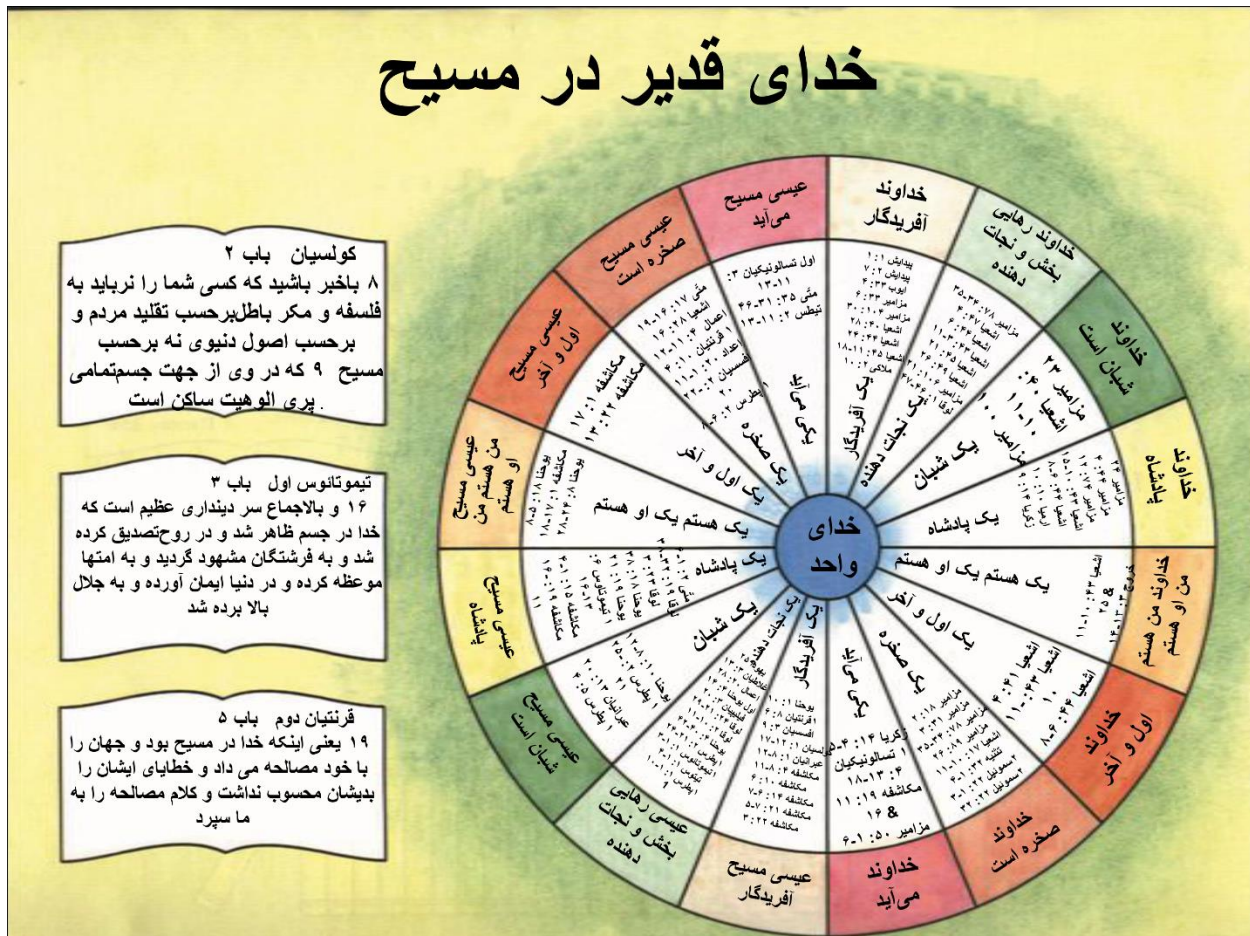
سپس روح القدس را به عنوان هدیه دریافت خواهید کرد تا شما را در مسیر زندگی هدایت کند.

۲) عیسی مسیح به آسمان صعود کرد

در آخرین روز که عیسی مسیح با شاگردانش بود آنها را به بالای کوه زیتون برد و گفت که در اورشلیم منتظر بمانند تا روح القدس، روح قوت و آرامش را برای آنها بفرستد و قبل از عروج به آسمان دست خود را بر آنها نهاده و شاگردان را برکت داد، سپس جلوی چشمان آنها بر روی ابرها بالا برده شد.

همانطور که شاگردان به عیسی خیره شده بودند دو فرشته که در کنار آنها ایستاده بودند به شاگردان گفتند: چرا ایستاده و به آسمان چشم دوخته اید؟ همانطور که دیدید او به بالا برده شد، روزی هم همانگونه دوباره خواهد آمد. پس شاگردان آن محل را به سمت اورشلیم با شادی ترک کردند.

خدای قدیر در مسیح



خدای قدیر در مسیح

بیاییم بیشتر مسیح را بشناسیم. (از آنها سوال کن که مسیح برای آنها کیست؟)

عیسی مسیح از شاگردانش پرسید: شما فکر میکنید من که هشتم؟ این یکی از مهمترین سوالهایی است که میتوانیم به آن جواب دهیم.

متی ۱۶: ۱۵

۱۵ عیسی پرسید: شما چه می گوید؟ به نظر شما من کیستم؟

درس هفتم - فصل هفتم

او یک نبی هست؟ بله حتی بالاتر از یک نبی، او خدای درجسم است.

اول تیموتائوس ۳: ۱۶

^{۱۶} به یقین که راز دینداری بس عظیم است: او در جسم ظاهر شد، به واسطه روح تصدیق گردید، فرشتگان او را دیدند، بر قومها موعظه شد، جهانیان به او ایمان آوردند، و با جلال، بالا برده شد.

تثنیه ۶: ۴ تا ۹

^۴ بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست. ^۵ یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن. ^۶ و این سخنان که من امروز تو را امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد. ^۷ آنها را به‌دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن. ^۸ آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانیت بگذار. ^۹ آنها را بر چارچوب درِ خانه خود و بر دروازه‌های خویش بنگار.

یوحنا ۴: ۲۳ تا ۲۴ عنوان کرده فقط یک خدا میباشد که روح و راستی است.

^{۲۳} اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جوایز چنین پرستندگانی است. ^{۲۴} خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی پرستند.

عیسی مسیح کیست؟ او خداوند است، او عمانوئیل یعنی خدا با ماست.

اشعیا ۷: ۱۴

^{۱۴} بنابراین خود خداوندگار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.

درس هفتم - فصل هفتم

او خدای بزرگ و پدر سرمدی است.

اشعیا ۹: ۶

۶ زیرا که برای ما کودکی زاده و پسری به ما بخشیده شد؛ سلطنت بر دوش او خواهد بود و او مشاور شگفت‌انگیز و 'خدای قدیر' و 'پدر سرمدی' و 'سرور صلح' خوانده خواهد شد.

اوست که ما را خلق کرد.

ملاکی ۲: ۱۰

۱۰ آیا همه ما را یک پدر نیست؟ آیا ما را یک خدا نیافریده است؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می‌ورزیم و عهد پدرانمان را بی‌حرمت می‌سازیم؟

یوحنا ۱: ۳

۳ همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت.

عیسی مسیح صد در صد خداوند و صد در صد انسان است. سری که ما باید آن را درک کنیم این است که خداوند خودش را بعنوان انسان بر ما ظاهر کرد تا ما بتوانیم او را در جسم بینیم و ایمان بیاوریم. در واقع محبت خود را از طریق جسم خود به ما آشکار کرد.

او به عنوان یک انسان گرسنه میشد. می‌خواستید، نگران ما میشد، گریه و دعا هم میکرد.

بعنوان خدا او با پنج نان و دو ماهی بیش از پنج هزار نفر را سیر کرد.

او مریض‌ها را شفا میداد مردگان را زنده میکرد و به دعاها جواب میداد.

درس هفتم - فصل هفتم

در زندگی روحانی اگر ما به این پی نبریم که عیسی مسیح هم انسان و هم خداوند است رشد نخواهیم کرد و همیشه در شک و تردید خواهیم بود.

نتیجه اینکه ما باید به این ایمان داشته باشیم که خدایی هست و اگر او آسمان و زمین را آفریده است پس این قدرت را هم دارد که در جسم ظاهر شود و خودش را به ما آشکار سازد.

کلام در پیدایش ۱: ۲۶ میگوید: خدا انسان را به صورت خود و شبیه خود آفرید.

۲۶ آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگان که بر زمین می‌خزند، فرمان براند.»

یعنی او پیش از اینکه خلقت را شروع کند، این جسم را برای خود در بر داشت.

تمام این اتفاقاتی که در زندگی ما و یا در تمام دنیا رخ میدهد، خداوند از قبل پیش بینی کرده است و برای هر کدام راه حلی دارد. اگر اتفاق ناگواری در دنیا رخ دهد او تعجب نمیکند، این اتفاقات برای بیداری ما میباشد که به خود بیاییم و بیشتر به خدا توکل کنیم نه به این دنیا.

شناخت خداوند بسیار راحت و ساده است. بجای اینکه بخواهیم در مورد خدا در اینترنت جستجو کنیم یا کتابهای زیادی را بخوانیم و یا از طریق فلسفه خدا را بشناسیم، بهتر است از خودش سوال کنیم. قطعاً او هم جواب ما را خواهد داد.

اگر شما بخواهید یک ماشین بنز خریداری کنید کجا را جستجو می کنید تا اطلاعات کافی در این زمینه بدست بیاورید؟ آیا به کمپانی تویوتا، هوندا یا پورشه می روید؟ مسلماً نه! پس ما هم اگر بخواهیم خدا را بشناسیم باید سراغ خودِ خداوند برویم، کلامش را بخوانیم و دعا کنیم که حقیقت برای ما آشکار شود.

درس هفتم - فصل هفتم

من مسلمان زاده بودم و فقط در حدی بودم که اسلام را بشناسم و از مسیحیت چیزی نمیدانستم. اگر به عمق آن نرویم، نمیتوانیم اطلاعاتی را که میخواهیم بدست آوریم.

روزی یکی از روحانیون از مسیح پرسید پدر تو کجاست؟ مسیح جواب داد شما نه مرا میشناسید و نه پدر مرا. اگر شما من را میشناختید حتما پدر من را نیز میشناختید و به این دلیل که به من ایمان نیاوردید در گناهان خود خواهید مرد.

یوحنا ۸: ۱۹ تا ۲۴

۱۹ آنگاه بدو گفتند: «پدر تو کجاست؟» عیسی پاسخ داد: «نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. اگر مرا می‌شناختید پدرم را نیز می‌شناختید. ۲۰ عیسی این سخنان را آنگاه که در خزانه معبد تعلیم می‌داد، بیان کرد. اما هیچ کس او را گرفتار نکرد، زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده بود. ۲۱ سپس دیگر بار به آنان گفت: «من می‌روم و شما مرا جستجو خواهید کرد، اما در گناه خویش خواهید مرد. آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد. ۲۲ پس یهودیان گفتند: آیا قصد کشتن خویش دارد که می‌گویند آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد؟ ۲۳ عیسی به ایشان گفت: «شما از پایینید، من از بالا. شما از این جهانید، اما من از این جهان نیستم. ۲۴ به شما گفتم که در گناهان خویش خواهید مرد، زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهانتان خواهید مرد.»

یوحنا ۱۴: ۸ تا ۱۱

۸ فیلیپس به او گفت: سرور ما، پدر را به ما بنما، که همین ما را کافی است. ۹ عیسی به او گفت: فیلیپس، دیری است با شما هستم و هنوز مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دیده، پدر را دیده است؛ پس چگونه است که می‌گویی پدر را به ما بنما؟ ۱۰ آیا باور نداری که من در پدرم و پدر در من است؟ سخنانی که من به شما می‌گویم از خودم نیست، بلکه پدری که در من ساکن است، اوست که کارهای خود را به انجام



درس هفتم - فصل هفتم

می‌رساند. ^{۱۱} این سخن مرا باور کنید که من در پدرم و پدر در من است؛ و گرنه به سبب آن کارها این را باور کنید.

پس پدر در پسر می‌باشد و پسر در پدر، این دو یکی هستند نه دو نفر مجزا. خدا خودش را در جسم برای ما ظاهر کرد تا ما او را در جسم ببینیم و ایمان بیاوریم.

خداوند آمد که از طریق جسم در نام مسیح، ما را با خودش آشتی دهد.

دوم قرن تیان ۵: ۱۹

^{۱۹} به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد.

یک خدا، یک ایمان و یک تعمید

افسیان ۴: ۵ و ۶ یکتا بودن خدا را بیان میکنند:

^۵ یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ ۶ و یک خدا و پدر همه که فوق همه، از طریق همه، و در همه است.

یک خدا و پدر همه عالم، کسی که از هر لحاظ بالای سر همه است و حقیقت کاملی است که میتواند در ما هم باشد.

سوالات درس هفتم

۱) قبل از اینکه وارد زندگی روحانی شویم چه کسی بودیم و الان چه کسی هستیم؟

قبلا در گناه به سرمیبردیم اما الان در عیسی مسیح ما شاهزادگان هستیم.

۲) تنها راه ورود به پادشاهی خداوند چیست؟

تولد تازه.

۳) تولد تازه یعنی چه یا به عبارتی دیگر چگونه میتوانیم در خداوند از نو متولد شویم؟

تولد تازه فقط از طریق روح خدا میسر است. ما با ایمان به خداوند عیسی مسیح، توبه از گناهان، تعمید در آب و روح تولدی تازه در روح خواهیم داشت و افکار ما، رفتار ما و شخصیت ما تبدیل میشود یعنی از زندگی کهنه در گناه (خودمحوری) به سوی زندگی تازه در اطاعت از عیسی مسیح تغییر جهت میدهیم.

۴) چرا عیسی از طریق مثلها تعلیم میداد؟

عیسی از داستانهای زمینی استفاده میکرد تا مردم کلام او را بهتر درک کنند و بتوانند از طریق این مثلها خود را بشناسند و زندگی خود را تغییر دهند.

۵) بذری که در زمین نیکو کاشته میشود نماد چیست؟

بذری که در زمین نیکو کاشته میشود کسی است که کلام را می شنود، آنرا درک میکند و ثمر می آورد یعنی نماد کسانی است که خدا را میشناسند و در زندگی شان به کلام خدا وفادارند و پیغام مسیح را در سراسر دنیا انتشار میدهند.

۶) از مثال مروارید گرانبها چه نتیجه ای میتوان گرفت؟

این نشان دهنده جستجوی بشریت برای انجیل است. از این دیدگاه ما می توانیم درسهای زیر را بیاموزیم:

۱) تمام زندگی یک جستجو برای بهترینهاست.

۲) ارزشمندترین چیز در دنیا پیام انجیل است که همان نقشه نجات خداوند میباشد.

پس یافتن حقیقت، آنقدر ارزش دارد که همه چیز را بدهیم تا آنرا بدست آوریم.

۷) قنطار یا سکه در مثل متی ۲۵: ۱۴ تا ۳۰ نماد چیست؟

قنطار نماد تواناییها، زمان، داشته‌ها و فرصتهای زندگیمان است که برای خدمت کردن به خدا و دیگران به کار می‌بندیم. خدا تمامی این امور را به ما سپرده و از ما انتظار دارد که از این هدایا به بهترین وجه استفاده کنیم تا مسیح در آینده ثمره سرمایه‌گذاری خود را بر ما مشاهده کند. یادمان باشد مانند آن خادم نادان نباشیم که در قضاوت و رابطه‌اش با ارباب بسیار ضعیف بود.

۸) جشن پسخ چیست؟

جشن بهاره ای بود که یادآور واقعه تاریخی رهایی اسرائیل از بردگی مصریان بود. پسخ به معنی رد شدن یا چشم پوشی کردن فرشته مرگ از خانه‌های عبرانیان است زیرا مردم از دستور خدا پیروی کرده و خون بره را بر چهارچوب و سردر خانه‌هایشان زده بودند.

۹) مسیح در روزی مصلوب شد که مردم نیازهای اولیه جشن پسخ را مهیا می‌ساختند. همزمانی این دو رویداد به چه معناست؟

یکی از نامهای مسیح بره خداست زیرا او به عالی‌ترین وجه ممکن گناه را کفاره کرد. وقتی که عیسی را می‌پذیریم خون او از نظر روحانی، زندگی ما را تحت پوشش خود قرار میدهد. بدین ترتیب زندگی ما از مرگی که مزد گناه است، در امان خواهد ماند.



تولد کلیسا

وعدۀ روح القدس

اعمال باب ۱

۸ لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان

اشعیا ۲۸: ۱۱-۱۲
ارمیا ۳۱: ۳۱
یونیل ۲: ۲۸-۲۹
یوحنا ۷: ۳۷-۳۹

لوقا باب ۲۴

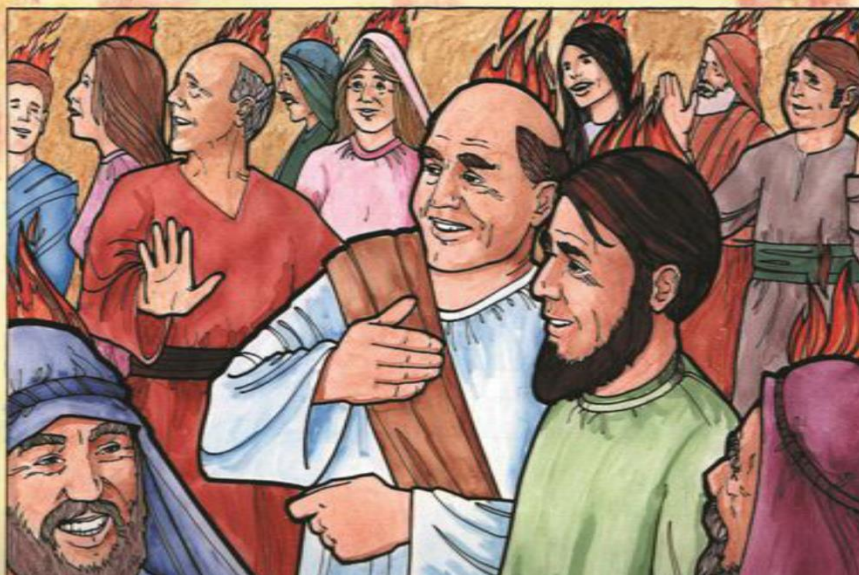
۴۹ و اینک من موعود پدر خود را بر شما می فرستم پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید.

و همه از روح القدس پر گشته

اعمال باب ۲

۱ و چون روز بنظیکاست رسید، به یک دل در یکجا بودند. ۲ که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت ۳ و زبانهای منقسم شده مثل زبانهای آتش بدیشان ظاهر گشته بر هر یکی از ایشان قرار گرفت ۴ و همه از روح القدس پر گشته به زبانهای مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.

اعمال رسولان ۱: ۵-۸



تولد کلیسا

(۱) وعده روح القدس

عیسی قبل از عروجش به آسمان، به شاگردان گفت: خدمتشان را آغاز نکنند، بلکه در شهر اورشلیم بمانند تا قدرتی را که به آنها وعده داده شده بود دریافت کنند. زیرا موعظه انجیل باید در الهام و قدرت روح انجام شود و آنها نمیتوانستند بدون تعمید در روح القدس این فرمان بزرگ را به کمال برسانند.

در اعمال رسولان ۱: ۸ عیسی به شاگردان قدرت در روح را وعده داده بود.

۸ اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی

یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.

روح القدس به شاگردان قدرت بیشتری میداد تا بتوانند به تمام نقاط دنیا سفر کنند و خبر خوش انجیل را به همه برسانند که این اتفاق برای اولین بار در روز پنتیکاست و از اورشلیم شروع شد.

۲) بالاخانه

هفت هفته پس از مرگ و قیام مسیح از مردگان، روز «پنتیکاست» فرا رسید که به این روز، «عید پنجاهم» می‌گفتند، یعنی پنجاه روز بعد از عید پَسَح. در این روز یهودیان نوبه غله خود را به خانه خدا می‌بردند.

اعمال رسولان ۱: ۱۴

^{۱۴} ایشان همگی به همراه زنان و نیز مریم مادر عیسی و برادران او، یکدل تمامی وقت خود را وقف دعا می‌کردند.

در آن روز شاگردان عیسی به همراه عده ای دیگر که حدود ۱۲۰ نفر بودند در مکانی معروف به بالاخانه، جمع شده بودند. در میان آنها چند زن از جمله مادر عیسی و برادرانش نیز حضور داشتند که همگی آنها به مدت ۱۰ روز در بالاخانه مشغول دعا بودند.

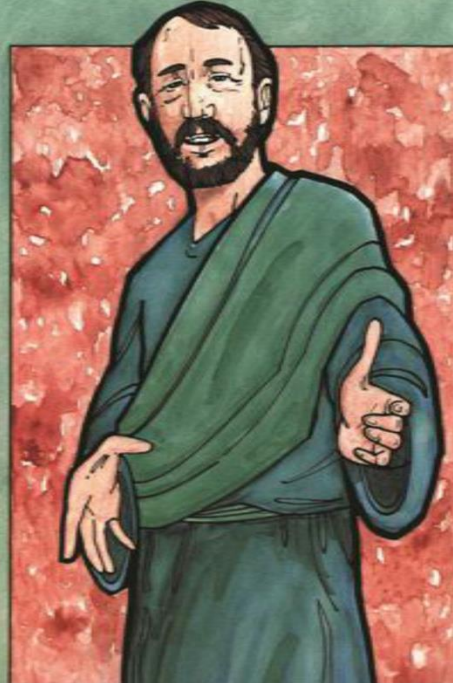
طبق اعمال رسولان ۲: ۱ تا ۴ شاگردان در روز پنتیکاست با هم در اتحاد دعا می‌کردند که قدرت روح القدس در آن روز شروع بکار کرد:

^۱ چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند ^۲ که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. ^۳ آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. ^۴ سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.

موعظه پطرس: مسیح نقشه خداوند برای ما

اعمال باب ۲
۱۴ پس پطرس با آن بازده برخاسته آواز خود را بلند کرده بدیشان گفت "ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم این را بدانید و سخنان مرا فرا گیرید. ۱۵ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌پزید، زیرا که ساعت سوم از روز است ۱۶ بلکه این همان است که یونیل نبی گفت ۱۷ که "خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شمارویاها و پیران شما خوابها خواهند دید

اعمال باب ۲
۳۶ پس جمیع خاندان اسرائیل یقینا بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است



می باید چه کنیم؟

اعمال باب ۲
۳۸ پطرس بدیشان گفت "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت ۳۹ زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند

اعمال رسولان ۲: ۴۱ تخمینا ۳۰۰۰ نفر تعمید

گرفتند

پطرس مسیح را موعظه کرد

روز پنتیکاست

روز پنتیکاست جشن بزرگی برای مردم اسرائیل بود که هر ساله آن را بر پا میکردند و در واقع ۵۰ روز بعد از عید فصح بود. یهودیان از سراسر امپراطوری روم در اورشلیم جمع شده بودند که این روز را جشن بگیرند و در همان روز شاگردان از روح القدس پرگشتند و شروع به تکلم به زبانهایی کردند که تا به حال صحبت نکرده بودند، برای همین مردمی که آنجا بودند بسیار شگفت زده شدند چون خبر خوش انجیل را به زبان محلی خودشان می شنیدند.

چون روز پنتیکااست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند ^۲ که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. ^۳ آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. ^۴ سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند. ^۵ در آن روزها، یهودیانِ خدا ترس، از همه ممالک زیر آسمان، در اورشلیم به سر می‌بردند. ^۶ چون این صدا برخاست، جماعتی گرد آمده، غرق شگفتی شدند، زیرا هر یک از ایشان می‌شنید که آنان به زبان خودش سخن می‌گویند. ^۷ پس حیران و بهت‌زده، گفتند: مگر اینها که سخن می‌گویند جملگی اهل جلیل نیستند؟ ^۸ پس چگونه هر یک می‌شنویم که به زبان زادگاه ما سخن می‌گویند؟ ^۹ پارتها و مادها و عیلامیان، مردمان بین‌النهرین و یهودیه و کاپادوکیه و پونتوس و آسیا ^{۱۰} و فریجیه و پامفیلیه و مصر و نواحی لیبی متصل به قیروان و نیز زائران رومی ^{۱۱} (چه یهودی و چه یهودی‌شده)؛ و همچنین مردمان کُرت و عربستان - همه می‌شنویم که اینان به زبان ما مدح اعمال عظیم خدا را می‌گویند. ^{۱۲} پس همگی متحیر و سرگشته از یکدیگر می‌پرسیدند: «معنی این رویداد چیست؟» ^{۱۳} اما برخی نیز ریشخند کنان می‌گفتند: «اینان مست شرابند!»

توبه

اولین قدم برای نجات در نقشه خداوند

احساس غم و اندوه از گناهان و پشت کردن به
آن و زندگی بدون گناه در آینده

یحیی تعمید دهنده از توبه می‌گوید

متی ۳ : ۲

مرقس ۱ : ۴

عیسی مسیح فرمان توبه می‌دهد

لوقا ۱۳ : ۳

لوقا ۲۴ : ۴۷

پطرس حکم به توبه می‌دهد

اعمال رسولان ۲ : ۳۸

پطرس دوم باب ۳

۹ خداوند در وعده خود تاخیر نمی‌نماید
چنانکه بعضی تاخیر می‌پندارند، بلکه بر شما
تحمل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی
هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند



نقشه خداوند برای نجات

یک سوال صادقانه، شایسته یک پاسخ صادقانه هم هست، به خصوص وقتی که سرنوشت مردم تا ابد، در معرض خطر باشد. در آن روز سوال مردم از شاگردان این بود که ما باید چه کنیم؟ چون متوجه شده بودند که آنها هم در مصلوب شدن مسیح دست داشتند و میخواستند از این گناه بزرگ آزاد شوند. این مسئولیت را خداوند با دادن کلیدهای ملکوت خود به پطرس داده بود.

پطرس بدون تردید و با حمایت کامل دیگر رسولان به هزاران نفر از شنوندگان گرسنه، پاسخ داد: توبه کنید و هر کدام از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید بگیرید و هدیه روح القدس را دریافت کنید.

۳۸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.

سپس در آیه بعد، پطرس وعده روح القدس را تکمیل کرده و گفت:

۳۹ زیرا این وعده برای شما و فرزندانتان و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند.

(۱) توبه

توبه اولین قدم برای نجات بشر میباشد که در روز پنتیکاست نیز به آن حکم داده شد. توبه در واقع به یاد آوردن گناهان است که ما باید از آنها دوری کنیم و مسیر زندگی خود را در راه خداوند قرار داده، نسبت به مسیر گذشته خود، ۱۸۰ درجه تغییر جهت دهیم. کتاب مقدس بطور قاطع به ما میگوید که برای دریافت نجات، باید توبه کنیم.

(الف) سدوم و عموره

پیدایش ۱۹: ۲۴

۲۴ آنگاه خداوند بر سدوم و عموره گوگرد و آتش از جانب خداوند از آسمان بارانید.

چون مردم این شهرها به گناهان خود اعتراف نکردند همگی توسط آتش و گوگرد از بین رفتند.

(ب) یونس

وقتی که یونس به نینوا رفت و شروع به موعظه کلام خداوند کرد تمام شهر توبه کردند و خداوند هم آنها را نجات داد.



درس هشتم - فصل سوم

در متی ۱۲: ۴۱ مسیح میگوید:

۴۱ مردم نینوا در روز داوری با این نسل بر خواهند خاست و محکومشان خواهند کرد، زیرا آنها در اثر موعظه یونس توبه کردند، و حال آنکه کسی بزرگتر از یونس اینجاست.

ج) یوحنا ی تعمید دهند

او در یهودا به همه گفت که توبه کنند و قلبهایشان را برای پادشاهی آسمان آماده کنند.

متی ۳: ۱ و ۲

۱ در آن روزها یحیای تعمیددهنده ظهور کرد. او در بیابان یهودیه موعظه می کرد و ۲ می گفت: توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است!

د) عیسی مسیح

در لوقا ۱۳: ۳ میگوید:

۳ به شما می گویم که چنین نیست. بلکه اگر توبه نکنید، شما نیز جملگی هلاک خواهید شد.

ه) بزرگترین فرمان

آخرین پیام عیسی، قبل از اینکه به آسمان برده شود نیز در خصوص توبه بود.

لوقا ۲۴: ۴۷

۴۷ و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود.



درس هشتم - فصل سوم

(و) روز پنتیکاست

پس توبه اولین گام در طرح رستگاری است که توسط پطرس و دیگر رسولان موعظه شده است.

اعمال رسولان ۲: ۳۸

۳۸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.

با او در آب تعمید دفن شدن

متی باب ۲۸
۱۹ پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید

مرقس باب ۱۶
۱۶ هر که ایمان آورده تعمید باید نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد

یوحنا باب ۳
۵ عیسی در جواب گفت "آمین‌آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود."

اعمال باب ۲
۳۸ پطرس بدیشان گفت "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت

اعمال باب ۸
۱۶ زیرا که هنوز بر هیچ‌کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس

اعمال باب ۸
۳۸ پس حکم کرد تا اربابه را نگاه دارند و فیلیپس با خواج‌سرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد. ۳۹ و چون از آب بالا آمدند، روح خداوند فیلیپس را برداشته خواج‌سرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را به خوشی پیش گرفت

اعمال باب ۱۰
۴۸ پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواش نمودند که روزی چند توقف نماید

اعمال باب ۲۲
۱۶ و حال چرا تاخیر می‌نمایی برخیز و تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده خود را از گناهانت غسل ده

اعمال باب ۱۹
۵ چون این را شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند

رومیان باب ۶
۴ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم

غلاطیان باب ۳
۲۷ زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید

چگونه؟
غوطه ور شدن در آب
تعمید در نام عیسی مسیح

چه کسی؟
هر ایماندار عهد جدید که
تعمید یافته

غسل تعمید

قدم دوم در نجات، دفن شدن ما با مسیح در غسل تعمید است. در روز پنتیکاست هم پطرس از مردم خواست که توبه کنند و تعمید بگیرند.

الف) غوطه ور شدن در آب

کلام خداوند به ما می‌گوید که فقط یک تعمید وجود دارد آن هم غوطه ور شدن در آب است.

کلمه تعمید به زبان یونانی یعنی baptize که به معنای در عمق، داخل، غرق شدن می‌باشد.

پس غوطه ور شدن در آب مهم است زیرا فقط از این طریق ما میتوانیم همراه با عیسی دفن شویم.

درس هشتم - فصل چهارم

توبه سمبل مرگ یا مردن در گناहانی است که برخلاف خواست و اراده خداوند انجام میدادیم. از نظر روحانی، شخصی که توبه میکند، در واقع در مسیر جلجتا قدم بر میدارد تا بر روی صلیب برود، پس طبیعت قدیمی ما با مسیح خداوند، روی صلیب مصلوب میشود.

رومیان ۴:۶

^۴ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.

چطور یک شخص دفن میشود؟

آیا او با یک مشت خاک در قبر پوشانده میشود؟

مسلمانان، برای اینکه شخص مرده کاملاً در قبر قرار گیرد، باید قبر عمق داشته باشد و روی متوفی کاملاً از خاک پوشانده شود.

ب) در نام عیسی مسیح

در مسیحیت تعمید آب، باید در نام عیسی مسیح انجام شود.

در متی ۱۹:۲۸

^{۱۹} پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید.

طبق این آیه مسیح به شاگردان فرمان داده که در نام خاص پدر، پسر و روح القدس تعمید بگیرند، راجع به یک نام صحبت میکند. پدر، پسر و روح القدس لقب های خداوند هستند که رابطه خداوند با انسان را نشان میدهد.

درس هشتم - فصل چهارم

۱) خداوند خود را به عنوان پدر در خلقت مکشوف کرد.

۲) خداوند خود را به عنوان پسر برای نجات ما مکشوف کرد.

۳) خداوند روح قدوسش را برای ساکن شدن و بازسازی در ایمانداران فرستاد.

تنها یک نام برای رستگاری وجود دارد که شامل این سه عنوان می‌باشد و این نام عیسی مسیح است.

اعمال رسولان ۴: ۱۲

۱۲ در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم.

شاگردان وقتی فرمان مسیح را شنیدند، متوجه شدند که گفت: در نام خاص پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و آن اسم عیسی مسیح است.

۱) پدر خودش را در نام عیسی مسیح مکشوف کرد: یوحنا ۵: ۴۳

۴۳ من به نام پدر خود آمدم، ولی شما مرا نمی‌پذیرید. اما اگر دیگری به نام خود آید، او را خواهید پذیرفت.

۲) اسمی که به پسر داده شد عیسی مسیح بود: متی ۱: ۲۱

۲۱ او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.

۳) روح القدس در نام عیسی مسیح آمد: یوحنا ۱۴: ۲۶

۲۶ اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد

آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد.

درس هشتم - فصل چهارم

مسیح فهم شاگردان در مورد این حقیقت که باید در نام عیسی تعمید بگیرند را باز کرد:

لوقا ۲۴: ۴۵ تا ۴۷

۴۵ سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند. ۴۶ و به ایشان گفت: نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوّم از مردگان بر خواهد خاست، ۴۷ و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. به همین خاطر شاگردان همیشه از متی ۲۸: ۱۹ اطاعت میکردند و برای آمرزش گناهان، مردم را در نام عیسی مسیح تعمید میدادند.

اعمال رسولان ۲: ۳۸

۳۸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.

اعمال رسولان ۸: ۱۶

۱۶ زیرا هنوز بر هیچ یک از ایشان نازل نشده بود، بلکه تنها به نام عیسی خداوند تعمید یافته بودند و بس.

اعمال رسولان ۱۰: ۴۸

۴۸ پس دستور داد ایشان را در نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از پطرس خواستند چند روزی با ایشان بماند.

اعمال رسولان ۱۹: ۵

۵ چون این را شنیدند، در نام خداوند عیسی تعمید گرفتند.



درس هشتم - فصل چهارم

اعمال رسولان ۲۲: ۱۶

۱۶ حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو!

آیا روح القدس را دریافت کردید؟



عیسی گفت...

یوحنا باب ۳
۵ عیسی در جواب گفت "آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگرده، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود."

اعمال باب ۲
۳۸ پطرس بدیشان گفت "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت ۳۹ زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند یعنی هرکه خداوند خدای ما او را بخواند."

پطرس گفت...



پولس گفت...

رومیان باب ۸
۹ لکن شما در جسم نیستید بلکه در روح هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست

دریافت روح القدس

قدم سوم در نجات، دریافت روح القدس میباشد. عیسی از این تجربه سخن میگوید. تجربه ای که ما در

یوحنا ۳: ۵ میخوانیم:

۵ عیسی جواب داد: آمین، آمین، به تو می‌گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی

خدا راه یابد.

پس برای رفتن به ملکوت، باید از این مرحله (دریافت روح القدس) عبور کنیم.

درس هشتم - فصل پنجم

پولس در رومیان ۸: ۹ میگوید:

۹ اَمَّا شَمَا نَه دَر حَاكَمِيَتِ نَفْسِ، بَلَكِه دَر حَاكَمِيَتِ رُوحِ قَرَار دَارِيَد، اَلْبَتِه اِكْر رُوحِ خُدَا دَر شَمَا سَاكِن بَاشَد. وَ اِكْر كَسِي رُوحِ مَسِيحِ رَا نِدَاشْتَه بَاشَد، اَوْ اَز اَن مَسِيحِ نِيَسْت.

دریافت این هدیه یک امتیاز عالی میباشد که با خون عیسی برای ما خریداری شده و تجربه بسیار زیبایی است که هر کسی میتواند آن را داشته باشد. در حقیقت مسیح آمد و محل سکونت خود را در ما قرار داد. برای همین بدن ما معبد خداوند نامگذاری شده چون روح خداوند در ما است.

پطرس در اعمال رسولان ۲: ۳۸ راجع به تجربه روح القدس صحبت کرده است:

۳۸ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت.

میتوان این احساس را چنین توصیف کرد که خالق از طریق تعمید روح القدس در خلقت خود ساکن میشود که شادی نامعقول و پرشکوهی را به همراه دارد.

پولس نیز در رومیان ۱۴: ۱۷ اینچنین میگوید:

۱۷ زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح القدس است.

گواه و شواهد روح القدس

اعمال باب ۲

۲ و همه از روح القدس پرگشته به زبانهای مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.

رسولان ---- اعمال باب ۲

مادر عیسی ---- اعمال باب ۲

سامریان ---- اعمال باب ۸

کرنیلیوس با خانواده و دوستان ---- اعمال باب ۱۰

شاگردان یحیی تعمید دهنده ---- اعمال ۱۹

پولس ___ اول قرن نهم : ۱۴ : ۱۸ & ۳۹

اعمال باب ۱۰
۴۶ زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها
متکلم شده خدا را تمجید می کردند



اعمال ۱۱ : ۱۴-۱۷

روح القدس برای همه است

گواه و شواهد روح القدس

روح خداوند زندگی جاودانی را هنگام آمدن مسیح به ما خواهد داد.

طبق رومیان ۸ : ۱۱ با تعمید در روح القدس تمام قدرتی که مسیح را از مردگان برخیزانید، در ما هم قرار خواهد گرفت :

۱۱ و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.



درس هشتم - فصل ششم

اول قرنتیان ۱۵ : ۵۱ تا ۵۳

۵۱ گوش فرا دهید! رازی را به شما می‌گوییم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگونه خواهیم شد. ۵۲ در یک آن و در یک چشم به هم زدن، آنگاه که شیپور آخر نواخته شود، این به وقوع خواهد پیوست. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری بر خواهند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. ۵۳ زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود.



روح القدس قدرت میدهد

تعمید روح القدس به ایمانداران قدرتی خارق العاده میدهد تا بتوانند برای خداوند شهادت دهند. شاگردان هم بدون روح القدس هیچ قدرتی نداشتند اما با دریافت روح القدس حتی بر قدرت امپراطوری روم، پیروز شدند. همین قدرت، امروز هم برای کسانی که ایمان داشته باشند وجود دارد و به آن دسترسی خواهند داشت.



درس هشتم - فصل هفتم

عیسی در اعمال رسولان ۱ : ۸ گفت:

^۸ اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.

روح تعلیم میدهد

مردان خدا از طریق روح القدس برای تعلیم پیام خداوند هدایت میشدند و به همین دلیل کتاب مقدس محصول تفکر و توانایی انسان نیست.

دوم پطرس ۱ : ۲۱

^{۲۱} زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن میگفتند.

عیسی هم این وعده را داده که روح القدس همه چیز را برای شما مکشوف خواهد کرد.

یوحنا ۱۴ : ۲۶

^{۲۶} اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد.

روح، حقیقت را به ما نشان میدهد

یوحنا ۱۶ : ۱۳

^{۱۳} اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت بلکه آنچه را می شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت.



درس هشتم - فصل هفتم

خداوند قدرت درک کلام و نبوت های خود را به کسانی که با او راه میروند، میدهد.

اول تسالونیکیان ۵: ۴

^۴ اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد غافلگیرتان کند.

ثمره روح القدس پارسایی، سلامتی و شادی

رومیان ۱۴: ۱۷

^{۱۷} زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح القدس است.

قدرت روح القدس برای زندگی دنیوی نیست بلکه برای پاکیزه زندگی کردن، در صلح و سلامتی و

شاد بودن عطا شده است که این شگفتی، غیر قابل توصیف و پر از شکوه میباشد.

سوالات درس هشتم

۱) در روز پنتیکاست چه اتفاقی افتاد؟

طبق اعمال رسولان ۲: ۱ تا ۴ شاگردان در روز پنتیکاست با هم در اتحاد دعا میکردند که قدرت روح القدس در آن روز شروع بکار کرد:

۱ چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند ۲ که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. ۳ آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. ۴ سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.

۲) اولین قدم برای نجات بشر چیست؟

توبه

۳) قدم دوم در نجات، دفن شدن ما با مسیح در است.

غسل تعمید

۴) پولس در رومیان ۱۴: ۱۷ پادشاهی خدا را چگونه توصیف میکند؟

۱۷ زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح القدس است.



۵) عیسی مسیح در کدام آیه به تعلیم روح اشاره میکند؟

یوحنا ۱۴ : ۲۶

۲۶ اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد.



عطایای روح القدس

اول قرن‌تیاں ۱۲ : ۱-۱۰



هدایای روح القدس

قبل از اینکه در خصوص هدایای روح القدس صحبت کنیم ابتدا به قدرت روح القدس که در کتاب مقدس به آن اشاره شده میپردازیم.

رومیان ۸: ۹ و ۱۰

۹ اما شما نه در حاکمیتِ نفس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست. ۱۰ اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است.

درس نهم - فصل اول

پس ما بدون هیچ ادعایی، تنها از طریق روح القدس پارسا شمرده شده ایم. در واقع این روح القدس است که ما را به ابدیت هدایت میکند. اولین قدم در حضور خداوند زمانی حاصل میشود که به مسیح ایمان آورده، از روح خدا پر میشویم.

از طریق روح القدس است که خداوند قدرت انجام کارهای بزرگ را به ما میدهد.

اعمال رسولان ۱: ۸

^۸ اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.

روح القدس ما را در جهت نقشه و مسیر نیکوی خداوند رهبری و هدایت میکند.

یوحنا ۱۶: ۱۳

^{۱۳} اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می‌شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت.

روح القدس معلم ما میباشد و کلام خدا را از طریق مکاشفه به ما یاد میدهد.

یوحنا ۱۴: ۲۶

^{۲۶} اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد.

روح القدس حیات جاویدان به ما میبخشد.

رومیان ۸: ۱۱

۱۱ واگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزاند در شما ساکن باشد او که مسیح را از مردگان برخیزانید حتی به بدن های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را بواسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.

بعد از اینکه روح القدس را دریافت کردیم و قدرت خداوند جاری شد هدایایی از طریق روح القدس به ما داده خواهد شد و این قدم دوم در زندگانی روحانی ما خواهد بود تا به وسیله این هدایا خداوند را خدمت کنیم.

اول قرن‌تین ۱۲: ۷ تا ۱۱

۷ ظهور روح، به هر کس برای منفعتِ همگان داده می‌شود. ^۸ به یکی به وسیله روح، کلام حکمت داده می‌شود، به دیگری به واسطه همان روح، کلام معرفت، ^۹ و به شخصی دیگر به وسیله همان روح، ایمان و به دیگری باز توسط همان روح، عطایای شفا دادن. ^{۱۰} به شخصی دیگر قدرت انجام معجزات داده می‌شود، به دیگری نبوت، و به دیگری تشخیص ارواح. و باز به شخصی دیگر سخن گفتن به انواع زبانهای غیر بخشیده می‌شود و به دیگری ترجمه زبانهای غیر. ^{۱۱} اما همه اینها را همان یک روح به عمل می‌آورد و آنها را به اراده خود تقسیم کرده، به هر کس می‌بخشد.

قبل از اینکه در مورد این هدایا صحبت کنم میخواهم سوالی از شما بپرسم:

میدانید چه فرقی بین هدایای روح القدس و میوه های روح القدس است؟

بسیار مهم است بدانیم که تنها با داشتن روح القدس و هدایای او، ما نمیتوانیم وارد ملکوت خداوند شویم.

درس نهم - فصل اول

من اگر به زبان‌ها صحبت یا نبوت کنم و یا معجزه‌های زیادی انجام دهم ولی زندگی خودم بدون میوه باشد نمیتوانم به حریم پادشاهی خداوند داخل شوم.

پس ما از طریق روح القدس قادر به انجام کارهایی خواهیم بود که باعث خشنودی و رضایت خداوند میشود.

غلاطیان ۵: ۱۹ تا ۲۱

۱۹ اعمال نَفَس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛^{۲۰} بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی،^{۲۱} حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها، چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد. در واقع این آیه برای کسانی میباشد که می‌گویند وقتی شما نجات را دریافت کردید دیگر آن را از دست نخواهید داد. مانند تثلیث که می‌گوید زمانیکه شما نجات یافتید همیشه آن را خواهید داشت در صورتیکه این آیه بیان میکند: حتی اگر یکی از اینها (اعمال نفس) را انجام دهید از ورود به پادشاهی خدا محروم خواهید شد.

اگر میوه‌های روح القدس را که محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و ... میباشد، ثمره بیاورید کسی نمیتواند شما را قضاوت کند.

اما اگر میوه‌هایتان مانند اعمال نفس که در غلاطیان ۵: ۱۹ گفته شده، باشد قضاوت خواهید شد.

مهم نیست که چند هدیه دارید، یا چقدر معجزه کردید و یا چند نفر را شفا داده‌اید. خداوند به دنبال اشخاصی میباشد که ثمره روح القدس را به بار آورند.

پس ما فرق بین هدایای روح القدس و میوه‌های روح القدس را متوجه شدیم.

حال هدایای روح القدس را به سه دسته تقسیم بندی میکنیم که بتوانیم آنها را بهتر بشناسیم.

دسته اول، قدرت شناخت فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

(۱) کلام حکمت

هدیه ای است که خداوند آن را بیشتر به شبانان عطا میکند. تا از این طریق بتوانند مردم را هدایت کنند زیرا این اشخاص نمیتوانند تنها از طریق حکمت خود، افراد را هدایت کنند، بلکه به واسطه ی عطیه حکمت، که خداوند به آنها میدهد.

ممکن است که من حکمت و دانش داشته باشم و برای پیشبرد اهداف زندگی خودم استفاده کنم و در نتیجه موفق نیز بشوم مانند رفتن به دانشگاه و گرفتن مدرک دکترا ولی گاهی اوقات مشکلاتی بوجود می آید که به تنهایی و با حکمت و دانش خودمان قادر به حل آنها نیستیم به همین علت احتیاج به کسی داریم که ما را هدایت کند. خداوند نیز از طریق حکمتی که به شبانان داده ما را یاری میدهد تا از مشکلات آزاد شویم.

(۲) کلام معرفت

عطیه ای میباشد که شما از اسرار الهی آگاهی یافته، اتفاقاتی را که قرار است به وقوع بپیوندد، پیش بینی میکنید که این هدیه را پطرس هم از خداوند دریافت کرده بود.

برای مثال اعمال رسولان ۵: ۱ تا ۱۵ را مطالعه کنید.

داستان راجع به زن و شوهری به نام حنایا و همسرش سفیره است، آنها زمینی را که داشتند فروختند و مقداری از مبلغ دریافتی از فروش زمین را برای خود نگه داشته، مابقی را به شاگردان دادند و گفتند این تمام پولی است که از فروش زمین گرفته ایم و چون پطرس میدانست که نه تنها به مرد خدا بلکه به خود خدا هم دروغ میگویند از آینده خبر داد که هر دوی آنها خواهند مرد و همینطور هم شد. خداوند

جان هر دو را گرفت و مردمی که آنجا بودند زمانی که این صحنه را مشاهده کردند بیشتر خدا ترس شدند و بیش از گذشته به شاگردان احترام می‌گذاشتند.

۳) تشخیص و اخراج ارواح

عطیه تشخیص ارواح به ما قدرت می‌دهد تا بتوانیم وجود ارواح را در افراد و بخصوص اشخاصی که به کلیسا می‌آیند، تشخیص دهیم که آیا این فرد باعث برکت ما و کلیسا میشود، یا زندگی ما و حتی کلیسا را بهم میریزد؟

قدرت اخراج ارواح را خداوند تنها به شخصی می‌دهد که هدیه تشخیص ارواح را دارد تا او بتواند دیوها را از درون اشخاص بیرون کند.

در واقع یک فرد به جز روح انسانی که دارد میتواند روح شریر و یا روح القدس را داشته باشد. اگر ما این هدیه را داشته باشیم بسیار راحت میتوانیم از این طریق دوست و دشمن خود را بشناسیم.

اول یوحنا ۴: ۱

^۱ ای عزیزان، هر روحی را باور مکنید، بلکه آنها را بیازمایید که آیا از خدا هستند یا نه. زیرا انبیای دروغین بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند.

پس اگر ما متوجه نباشیم ممکن است از طریق معلمان و انبیای دروغین از مسیر درست منحرف شویم.

دسته دوم، قدرت عمل بصورت فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

۱) ایمان

هدیه ایمان، بسیار عظیم و بالاتر از این ایمانی میباشد که همه ما در زمان نجات دریافت میکنیم. در واقع این یک ایمان ویژه است که تنها از طریق روح القدس به ما عطا میشود تا ما بتوانیم نیازهای خاصی را

که از خداوند می‌طلبیم دریافت کنیم و این می‌تواند دلیلی برای تقویت ایمان ما باشد.

اعمال رسولان ۳: ۱۶

۱۶ آنچه این مرد را، که می‌بینید و می‌شناسید، نیرو بخشیده است، نام عیسی و ایمان به آن نام است. آری، ایمانی که به واسطه اوست، این مرد را در حضور شما تندرست ساخته است.

۲) معجزات

معجزه، قدرت عظیم خداوند است که می‌خواهد از طریق انسان آن را بر روی زمین به انجام رساند و ما نمیتوانیم دیگران را نسبت به آن توجیه کنیم که چطور اتفاق می‌افتد.

خداوند می‌خواهد بوسیله معجزات چشم‌های کسانی را که بواسطه شریر بسته شده و قدرت‌رهایی از گناه و توبه را ندارند باز کند تا از طریق فیض و ایمانی که به او می‌آورند نجات یابند.

۳) هدایای شفا

هدایای شفا جمع می‌باشد و به انواع مختلف بیماریها اشاره دارد که فرزندان خداوند از طریق این هدایا میتوانند دست به روی مریض بگذارند و شفا به واسطه آنها جاری میشود.

همینطور به رهبران کلیسا این قدرت داده شده که به وسیله روغن، بیمار را مسح کرده، دست بر روی او گذاشته تا شفا جاری شود.

یعقوب ۵: ۱۴ و ۱۵

۱۴ اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فراخواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند. ۱۵ دعای با ایمان، بیمار را شفا می‌بخشد و خداوند او را برمی‌خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می‌شود.

دسته سوم، قدرت صحبت کردن فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

(۱) نبوت

پیامی است که خداوند برای رشد، تشویق و تسلی کلیسا یا یک فرد میدهد. پیامی که نبوت میشود باید با کلام خدا یکی باشد و مطابق آن گفته شود.

من نمیتوانم پیامی را از طرف خودم به کلیسا بدهم و ادعا کنم که این از طرف خدا میباشد. باید مراقب هر حرفی که به عنوان نبوت به کلیسا یا افراد زده میشود، بود.

اول قرنیتان ۱۴: ۳ تا ۵

۳ اما آن که نبوت می‌کند، با انسانهای دیگر برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید. ۴ آن که به زبان غیر سخن می‌گوید خود را بنا می‌کند، اما آن که نبوت می‌کند باعث بنای کلیسا می‌شود. ۵ آرزوی من این است که همه شما به زبانهای غیر سخن بگویید، اما بیشتر می‌خواهم که نبوت کنید. آن که نبوت می‌کند، بزرگتر است از آن که به زبانهای غیر سخن می‌گوید، مگر اینکه ترجمه کند تا باعث بنای کلیسا شود.

اول قرنیتان ۱۴: ۲۲

۲۲ پس زبانهای غیر، نشانه‌ای است نه در مورد ایمانداران بلکه در مورد بی‌ایمانان؛ اما نبوت نشانه‌ای در مورد ایمانداران است و نه بی‌ایمانان.

(۲) صحبت کردن به زبانها

همانطور که ما میتوانیم در خلوتگاه به زبان خودمان با خداوند صحبت کنیم. همچنین میتوانیم به زبانهایی صحبت کنیم که خودمان متوجه آن نمیشویم اما خداوند از طریق آن میخواهد با شخصی که به کلیسا

آمده است سخن بگوید و ارتباط برقرار کند. و نیز میتوانیم به زبانی صحبت کنیم که آن باید از طریق شخص دیگری که هدیه ترجمه زبانها را دارد، ترجمه شود که این برای رشد کلیسا بکار میرود.

۳) ترجمه زبانها

همانطور که گفته شد این هدیه برای رشد کلیسا میباشد که خداوند از طریق هدیه زبانها و ترجمه آن با کلیسا صحبت میکند و پیام خود را میرساند.

اول قرن‌تین ۱۴ : ۲۷ و ۲۸

۲۷ اگر کسی به زبان غیر سخن بگوید، دو یا حداکثر سه تن، آن هم به نوبت سخن بگویند و کسی نیز ترجمه کند. ۲۸ اما اگر مترجمی نباشد، او باید در کلیسا خاموش بماند و با خود و خدا سخن گوید.

از انسانیت کهنه تا خلقتی تازه



از انسانیت کهنه تا خلقتی تازه

ما باید از زندگی کهنه و اسارت‌های خود آزاد و وارد زندگی تازه شویم چون نمیتوانیم با کارهای نفسانی خودمان خدا را راضی کنیم. کارهایی که نفس ما میخواهد انجام دهد مانع رشد روح القدس در ما میشود که این اعمال در غلاطیان ۵: ۱۹ تا ۲۱ معرفی شده اند مانند زنا، ناپاکی، بت پرستی، افسونگری، دشمنی، خشم، خودخواهی و غیره.

۱۹ اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ ۲۰ بت پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، ۲۱ حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها، چنانکه

درس نهم - فصل دوم

پیشتر به شما هشدار دادم، باز می گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد. این اعمال، طبیعت نفسانی یک انسان است. برای همین خداوند به ما روح خود را میدهد تا بتوانیم ثمرات روح القدس از قبیل محبت، خوشی، آرامش، مهربانی، وفاداری و غیره را به بار بیاوریم. اگر ما آلوده به اعمال نفسانی باشیم مورد داوری قرار خواهیم گرفت و وارد ملکوت خداوند نخواهیم شد ولی اگر ثمرات روح القدس را به بار آوریم قضاوت نخواهیم شد.

رومیان ۸: ۱ و ۲

^۱ پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست. ^۲ زیرا در مسیح عیسی قانون روح حیات، مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرد. که در واقع قانون روح حیات، همان میوه های روح القدس است.

میوه های روح القدس

غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳

^{۲۲} اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، ^{۲۳} فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

ما برای قدوسیت به میوه های روح القدس احتیاج داریم در غیر اینصورت همان شخصیت سابق خواهیم بود یعنی انسان قبل از تعمید با داشتن میوه های شریر.

از طریق این ثمرات به راحتی میتوان تشخیص داد یک فرد در تقدس خداوند میباشد یا خیر؟

درس نهم - فصل دوم

مشاهده‌ی جلوه‌های معجزه‌آسای قدرتِ خداوند در کلیسا بسیار هیجان‌انگیز است اما بزرگترین معجزه‌ای که ممکن است برای کسی اتفاق بیافتد تجربه‌ی تحول در زندگی می‌باشد که توسط تولد دوباره ایجاد می‌شود.

یوحنا ۳: ۵

۵ عیسی جواب داد: آمین، آمین، به تو می‌گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد.

عیسی در طول خدمت خود معجزات زیادی انجام داد از جمله زنده کردن مردگان. او به شاگردانش این قدرت را داد که در نام او معجزه‌های بسیاری انجام بدهند. اما به آنها این هشدار را هم داد که بخاطر انجام این معجزات خوشحال نشوند، زیرا هدف اصلی خداوند برای انسان، معجزه نجات و زندگی ابدی می‌باشد که از هر معجزه‌ای بالاتر است. نجات همیشه بالاترین اولویت خداوند برای بشریت می‌باشد.

کارهای بزرگ

یوحنا ۱۴: ۱۲

۱۲ آمین، آمین، به شما می‌گویم، آن که به من ایمان داشته باشد، او نیز کارهایی را که من می‌کنم، خواهد کرد، و حتی کارهایی بزرگتر از آن خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم.

عیسی به شاگردان گفت بعد از من شما کارهای بزرگتر از این را انجام خواهید داد و چه کاری بزرگتر از این که یک مرده را با قدرت روح القدس زنده کنید.

درس نهم - فصل دوم

یادمان نرود که هدف خداوند فقط شفا دادن و یا زنده کردن مردگان نبود بلکه نجات برای تمام بشر بود. به همین دلیل بعد از قربانی شدن خداوند روی صلیب، ما توانستیم زندگی جدیدی را از طریق روح قدوسش بدست آوریم.

اعمال رسولان ۲: ۴

^۴ سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.

اعمال رسولان ۲: ۳۸ و ۳۹

^{۳۸} پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت. ^{۳۹} زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند.»

عیسی مسیح، با قربانی شدن بر روی صلیب، قیام از مردگان و عروجش به آسمان، معجزه زندگی تازه و تولد دوباره را برای تمام کسانی که بسوی او می آیند، آشکار خواهد نمود.

یوحنا ۱۰: ۱۰

^{۱۰} دزد نمی آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن، من آمده ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند.

درس نهم - فصل دوم

عیسی تبدیل میکند

هر آنچه عیسی تعلیم داد و تمام عشق و دلسوزی که نشان داد برای هدایت مردم بود تا عظمت قدرت خداوند را ببینند که چگونه میتواند زندگی آشفته و بدون ثمره‌ی نیکو را به زندگی سرشار از فراوانی و میوه‌های عالی تبدیل کند.

عیسی پیروزی می آورد

خداوند عیسی مسیح بر نیروهای شیطانی، ضعف‌های انسانی و مبارزات زندگی پیروز میشود.

یوحنا ۱۶: ۳۳

۳۳ اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام.

اول یوحنا ۵: ۴ و ۵

۴ زیرا هر که از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد و این است غلبه‌ای که دنیا را مغلوب کرده است، یعنی ایمان ما. ۵ کیست آن که بر دنیا غلبه می‌یابد جز آن که ایمان دارد عیسی پسر خداست؟ او مجازات گناه را پرداخت نمود و لعنت آنرا را با قربانی شدنش از ایمانداران دور کرد و بدین وسیله با غالب آمدن بر گناه، دری برای زندگی جدید ما باز نمود. او زندگی خود را برای بشریت قرار داد تا انسانها یک زندگی معنوی را تجربه کنند.

دوم قرنیتان ۵: ۱۷

۱۷ پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است!

درس نهم - فصل دوم

سه دشمن بشریت

(۱) شیطان: عبرانیان ۲: ۱۴

^{۱۴} از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر بکشد.

(۲) دنیا: اول یوحنا ۲: ۱۶

^{۱۶} زیرا هر چه در دنیاست، یعنی هوای نفس، هوسهای چشم و غرور مال و مقام، نه از پدر بلکه از دنیاست.

(۳) نفس: عبرانیان ۴: ۱۵

^{۱۵} زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعف های ما همدردی کند بلکه کسی هست که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است بدون اینکه گناه کند.

او همچنان که در قلبهای مومنین است با این سه دشمن مبارزه میکند که دو تا از این دشمنان یعنی شیطان و جهان خارج از بدن هستند. اما نفس، بزرگترین دشمن در درون ما قرار دارد.

مرقس ۷: ۲۱ تا ۲۳

^{۲۱} زیرا اینهاست آنچه از درون و دل انسان بیرون می آید: افکار پلید، بی عفتی، دزدی، قتل، زنا، ^{۲۲} طمع، بدخواهی، حيله، هرزگی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت. ^{۲۳} این بدیها همه از درون سرچشمه می گیرد و آدمی را نجس می سازد.

ما با دریافت روح القدس، حضور خداوند را در درون خود و زندگیمان احساس میکنیم و به قدرت او بر نفس خود غلبه می یابیم.

آثار کارهای نفس یا مرد قدیمی

گناهان موجود از طبیعت نفس سرکش و جسمی که در آن هستیم سرچشمه میگیرد.

غلاطیان ۵: ۱۹ تا ۲۱

۱۹ اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛^{۲۰} بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی،^{۲۱} حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها، چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد. اگر قلب گناهکار را به حال خود رها کنید، قادر به شرارت‌هایی باور نکردنی است. مادامیکه کسی طبق احکام و خواسته‌های این طبیعت گناه‌آلود زندگی کند هرگز نمیتواند خدای خود را خوشحال کند.

رومیان ۸: ۷

۷ زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد.

اول قرنتیان ۶: ۷

۷ اصلاً وجود چنین مرافعه‌هایی میان شما، خود شکستی برای شماست. چرا ترجیح نمی‌دهید مظلوم واقع شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟

فکر تازه

اول قرنتیان ۲: ۱۶

۱۶ زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا به او مشورت دهد؟ ولی ما فکر مسیح را داریم.

قلب تازه

حزقیال ۳۶: ۲۶ و ۲۷

۲۶ و دلی تازه به شما خواهم بخشید و روحی تازه در اندرون‌تان خواهم نهاد و دل سنگی را از پیکر شما به در آورده، دلی گوشتین به شما خواهم داد. ۲۷ روح خود را در اندرون‌تان خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید، و شما قوانین مرا نگاه خواهید داشت و آنها را به جا خواهید آورد.

پس هر که به خداوند می پیوندد با او در یک روح است.

کارهای روح القدس یا مرد جدید

مرد قدیمی از طریق گناه لعنت شده بود اما با تولد تازه، قلب او از گناه‌هایی یافت و با دریافت وعده خداوند تبدیل به مرد جدید شد.

لوقا ۶: ۴۵

۴۵ شخص نیک از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمی آورد، و شخص بد از خزانه بد دل خود، بدی. زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می گوید.

اول قرن‌تیا ۱۳: ۱۱

۱۱ آنگاه که کودک‌کی بیش نبودم چون کودکان سخن می گفتم و چون کودکان می اندیشیدم و نیز چون کودکان استدلال می کردم. اما چون مرد شدم رفتارهای کودکانه را ترک گفتم.

این ضروری بود که خداوند برای مرد جدید، قلبی نو با ویژگی‌های جدید ایجاد کند.

درس نهم - فصل دوم

به احساسات قلب نمیشود اطمینان کرد برای اینکه قلب انسانِ طبیعی بیش از همه چیز فریب خورده و ناامید کننده است.

ارمیا ۱۷: ۹ و ۱۰

۹ دل از همه چیز فریبنده‌تر است، و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟^{۱۰} من، یهوه، کاوشگرِ دل و آزماینده افکارم؛ تا به هر کس بر حسب راههایش و بر وفق ثمره کارهایش سزا دهم.

داوود، پادشاه بزرگ یهود هم فکر نمی‌کرد که در قلبش خیانت کند و این را دیر متوجه شد، اما یاد گرفت که از خداوند بخواهد قلبش را جستجو کرده، امتحانش کند و افکارش را بخواند که اگر در او اشتباهی بود به او یاد آوری کند که به سمت گناه کشیده نشود.

مزامیر ۱۳۹: ۲۳ و ۲۴

۳۳ خدایا مرا بیازما و دلم را بشناس؛ مرا امتحان کن و دغدغه‌هایم را بدان.^{۲۴} ببین که آیا در من راه اندوهبار هست، و به راه جاودانی هدایت‌م فرما.

تمام استدلال‌های قلبِ نفسانی، منطقِ انسانی و فلسفه‌ای جهان نمیتواند اراده خداوند را بدون داشتن روح قدوس او بداند یا کشف کند.

اول قرنتیان ۲: ۱۱

۱۱ زیرا کیست که از افکار آدمی آگاه باشد جز روح خود او که در دل اوست. بر همین قیاس، فقط روح خداست که از افکار خدا آگاه است.

میوه های روح القدس

وقتی که روح خداوند در قلب انسان قرار میگیرد، روح ثمره های خودش را آشکار میکند مثل محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و غیره ...

غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳

۲۲ اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری،^{۲۳} فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

روح چیزهایی که در گذشته، فرد را از بین میبرد فتح خواهد کرد بطور مثال نفرت توسط عشق، ترس توسط ایمان و اسارت توسط نجات فتح میشود.

چه تجربه فوق العاده ای است که میبینیم خداوند مرد قدیمی را بطور کامل به مردی جدید تغییر میدهد که طرز فکرمان هم مثل مسیح میشود.

افسیان ۴: ۲۴

^{۲۴} و انسان جدید را در بر کنید که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد.

(۱) زندگی تازه

رومیان ۶: ۴

^۴ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.

۲۲ شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید.

زیرا ما نمیتوانیم با خواسته های نفسانی خود، خدا را خدمت و یا خشنود کنیم.

(۲) هدف خداوند برای مردمش

این هدف نهایی خداوند است که ثمره روح خود را بر قلب های قومش بارور سازد.

یوحنا ۱۵: ۸

۸ جلال پدر من در این است که شما میوه بسیار آورید و این گونه شاگرد من خواهید بود.

خداوند میداند که زندگی با میوه های روح القدس یک زندگی پر معنی و کامل است در حالیکه طبیعت گناه آلود با کار خدا در هر قلبی مخالف خواهد بود.

دوم قرنیتان ۱۰: ۳ تا ۵

۳ زیرا هرچند در این دنیا به سر می بریم، اما به روش دنیوی نمی جنگیم. ۴ چرا که اسلحه جنگ ما دنیوی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. ۵ ما استدلالها و هر ادعای تکبر آمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند ویران می کنیم و هر اندیشه ای را به اطاعت از مسیح اسیر می سازیم. یک مسیحی ماهیت دوگانه دارد: طبیعت خدا و طبیعت گناه آلود جسم.

ایماندار باید بر طبیعت گناهکار خود غلبه کند؛ گاهی اوقات ممکن است شخص در مبارزه ناکام بماند اما با توبه و اعتماد به خداوند پیروز خواهد شد.



درس نهم - فصل دوم

کودکان قبل از راه رفتن بارها به زمین میخورند. هنگامی که فرزندان خدا هم مرتکب خطا میشوند عیسی مسیح قول بخشش و رهایی میدهد که اگر اعتراف کرده، توبه کنند دوباره برمیخیزند و در قدمهای خود محکم و استوار میشوند.

اول یوحنا ۱: ۹

^۹ ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد.

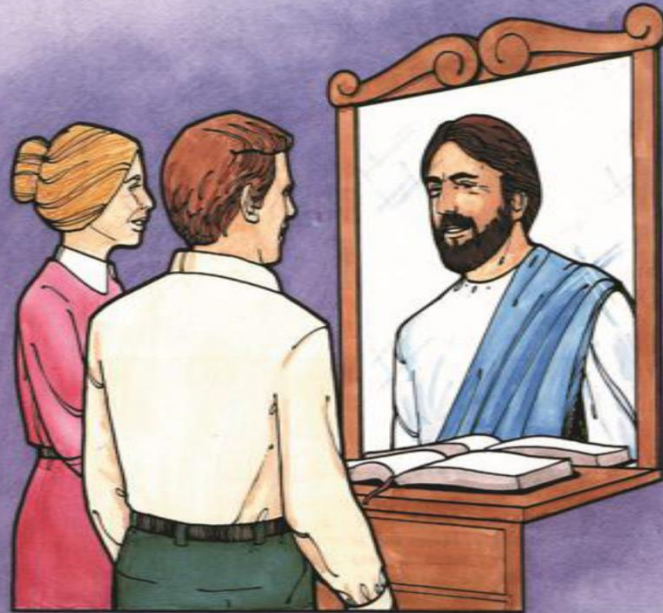
زینت قدوسیت

مزامیر باب ۲۹
۲ خداوند را به جلال اسم او تمجید
نمایید. خداوند را در زینت قدوسیت سجده
کنید

متی باب ۵
۱۶ همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا
اعمال نیکوی شما را دیدیدر شما را که در آسمان
است تمجید نمایند

قرنطیان دوم باب ۷
۱ پس ای عزیزان چون این وعده‌ها را
داریم خویشان را از هر نجاست جسم و روح
طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به
کمال رسانیم

عبرانیان باب ۱۲
۱۴ و در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که
بغیر از آن هیچ‌کس خداوند را نخواهد دید



زندگی ما می‌باید باز تاب حضور عیسی مسیح باشد

زیبایی مقدسات

قدوسیت یکی از نتایجی است که ما میتوانیم بعد از دریافت روح القدس در خودمان ببینیم اما برای ما غیر ممکن است که بتوانیم بدون روح القدس پاک و مقدس زندگی کنیم.

کلام در این زمینه میگوید انجام احکام شریعت در مقابل چشمان خداوند مانند یک دستمال چرکین است و بدون قدوسیت ما نمیتوانیم جلال خداوند را ببینیم.

مزامیر ۲۹: ۲

۲ وصف جلال نام خداوند را بگویید! خداوند را در فرّ قدوسیتش پرستش کنید!

بهترین مسیر زندگی قدم گذاشتن در قدوسیت است که خداوند ما را در مقابل سه دشمن که علیه جان ما هستند محافظت کرده و برکت می‌دهد. خداوند قدوس است و می‌خواهد ما هم مثل او قدوس باشیم.

تثنیه ۱۹:۳۰

۱۹ امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می‌گیرم که زندگی و مرگ، و برکت و لعنت را پیش رویتان نهادم. پس زندگی را برگزینید تا شما و نسلتان زنده بمانید.

(۱) سفر زندگی

در طول زندگی هر انسانی، سفر به مناطق تفریحی وجود دارد که اگر کسی در این سفر هیچ بهره و یا لذتی نبرده باشد در واقع مسافرتی بی‌هوده خواهد بود و همانطور که ما برای یک سفر طولانی از قبل همه چیز را مهیا می‌کنیم تا بتوانیم لذت کامل را از مسافرت ببریم. خداوند هم برای سفر ما به ابدیت برنامه ریزی کرده و ما هم از این سفر لذت کامل خواهیم برد اگر بدانیم که به چه جایی می‌رویم، هر چند که تا به حال نرفته و ندیده ایم و قطعاً باید بسیار هیجان‌انگیز و لذت بخش باشد.

الف) به کدام راه خواهیم رفت؟

نکته مهمی که در مسیر خود باید مورد توجه قرار دهیم انتخاب جاده هاست که به کجا منتهی میشود؟ موسی بزرگراه تقدس را به جای لذت‌های گناه برای خود انتخاب کرد.

عبرانیان ۱۱: ۲۵

۲۵ او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد.

این مسیر روحانی جدا از مسیری است که این دنیا می‌خواهد انسان را با خودش ببرد.



درس نهم - فصل سوم

ب) تشبیه شدن به او

خداوند پاک و قدوس است و میخواهد ما هم مثل او پاک و قدوس باشیم.

متی ۵: ۱۶

۱۶ پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستایند.

کلام در این زمینه میگوید ما نور جهان هستیم، پس باید با اعمال نیک خود، خداوند را به این دنیا بشناسانیم تا از طریق کارهایی که خداوند انجام میدهد زندگی بسیاری را تبدیل کنیم تبدیلی که از طریق روح القدس بوجود می آید.

دوم قرنیتان ۷: ۱

۱ پس ای عزیزان، حال که این وعدهها از آن ما است، بیاید خود را از هر ناپاکی جسم و روح بزدایم و با ترس از خدا، تقدس را به کمال رسانیم.

پس قدوسیت باید هم از درون و هم از برون در ما به کمال برسد. اولین چیزی که خداوند در ما عوض میکند قلب ماست و این وقتی است که روح القدس را دریافت میکنیم. در واقع زندگی ما از درون تبدیل میشود و این تغییر و تحولات را دیگران هم خواهند دید.

عبرانیان ۱۲: ۱۴

۱۴ سخت بکوشید که با همه مردم در صلح و صفا به سر برید و مقدس باشید، زیرا بدون قدوسیت هیچ کس خداوند را نخواهد دید.

ما چطور میتوانیم با مردم در صلح و آرامش زندگی کنیم در صورتی که گاهی اوقات حتی با خانواده خودمان هم مشکل داریم و نمیتوانیم همدیگر را درک کنیم. این موقعی است که روح القدس را نداشته باشیم. این مسئله برای ما در گذشته غیر ممکن بوده ولی امروزه ایمانداران وقتی از روح خداوند پر میشوند براحتی میتوانند صحبت خداوند را برای دیگران آشکار کنند چون دیگر ما نیستیم که این کار را انجام میدهیم بلکه قدرت خداوند ما را یاری میدهد که صحبت او را به دیگران نشان دهیم. ما به راحتی از طریق میوه هایی که از روح القدس دریافت میکنیم میتوانیم اهداف خداوند را روی زمین انجام دهیم.

ج) روشی زیبا برای زندگی

تقدس یک روش زیبا برای زندگی است و بخشی جدا ناپذیر از کار نجات خداوند است. خداوند نیامده که فقط برای ما جان خود را بدهد تا ما نجات پیدا کنیم بلکه او میخواهد که ما هر روز بیشتر به شباهت او در بیاییم، اما چطور چنین چیزی امکان دارد؟

ما از طریق کارهای نیک، معرف خدا روی زمین هستیم که قرار است او را به مردم گناهکار معرفی کنیم و این با زور و تفنگ ممکن نیست بلکه فقط از طریق محبت کردن امکان پذیر میشود. از محبت خارها گل میشوند. در محبت غرور نیست. خودخواهی و تلخی و انتقام و... نیست بلکه دوست داشتن و خدمت بلاعوض است و همانطور که مسیح به ما آموخته باید عمل کنیم.

۲) تقدس کامل

وقتی خداوند یک شخص را از روح خود پر میکند او طبیعت روح القدس را دریافت میکند و دیگر نیازی ندارد که از قدرت خود استفاده کند تا قدوسیت را به دیگران نشان دهد چون این از انسان نیست بلکه از روح خداوند است.

یوحنا ۱: ۱۱ تا ۱۳

۱۱ او به مُلک خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند. ۱۲ اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، یعنی به هر کس که به نام او ایمان آورد؛ ۱۳ آنان که نه با تولدی بشری، نه از خواهش تن و نه از خواسته یک مرد، بلکه از خدا تولد یافتند.

دوم قرنتیان ۵: ۱۷

۱۷ پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه در گذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است!

اول پطرس ۱: ۱۴ و ۱۵

۱۴ چون فرزندان مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. ۱۵ بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید.

مسیح نگران

مسیح به دنبال همه جانهاست و خواسته های همه را میداند، صداقت آنها را هم میبیند و نمیخواهد که هیچکس هلاک شود. او نمیخواهد محبتش را به دیگران تحمیل کند ولی میخواهد خودش را به دیگران نشان بدهد که چه خدای بزرگی است.

مسیح برای آنانی که به او اجازه دهند، قلبی تازه خواهد داد و فرشتگان هم منتظر خواهند بود تا نامشان را در دفتر حیات به ثبت برسانند. این خواست و اراده خداوند است که همه نجات را دریافت کنند اما تصمیم به عهده خود شخص است.

سوالات درس نهم

۱) آیا با داشتن روح القدس و هدایای او میتوانیم وارد ملکوت خداوند شویم؟

خیر

۲) میوه های روح القدس را نام ببرید؟

محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی، خویشتنداری.

۳) هدایای روح القدس را نام ببرید؟

دسته اول، قدرت شناخت فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

کلام حکمت، کلام معرفت، تشخیص و اخراج ارواح

دسته دوم، قدرت عمل بصورت فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

ایمان، معجزات، هدایای شفا

دسته سوم، قدرت صحبت کردن فوق طبیعی است که خود شامل سه قسمت میباشد:

نبوت، صحبت کردن به زبانها، ترجمه زبانها

۴) کلام معرفت را توضیح دهید؟

عطیه ای میباشد که شما از اسرار الهی آگاهی یافته، اتفاقاتی را که قرار است به وقوع بپیوندد، پیش بینی میکنید.

۵) سه دشمن بشریت را نام ببرید؟

شیطان، دنیا، نفس

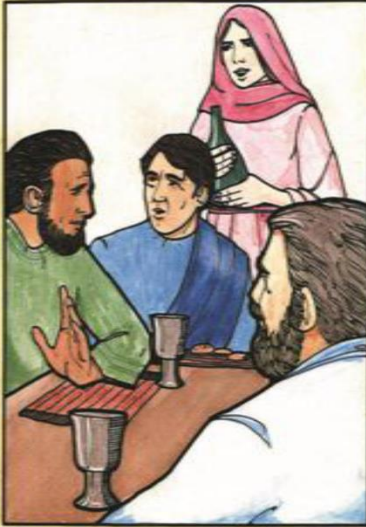


کلیسای عهد جدید

کلیسا رشد می‌کند

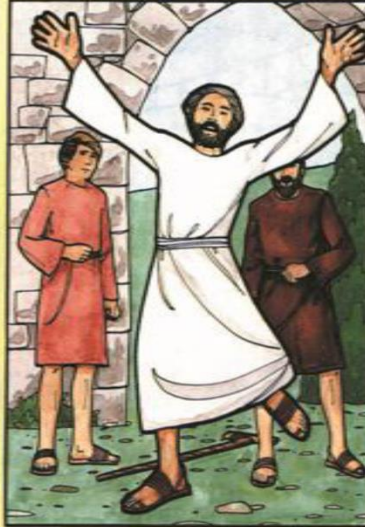
۳۰۰۰ نفر (اعمال ۲: ۴۱) _ ۵۰۰۰ نفر (اعمال ۴: ۴) _ جمعیت کثیر (اعمال ۵: ۱۴) _ ایمان آوردن کاهنان (اعمال ۶: ۷)

مشارکت



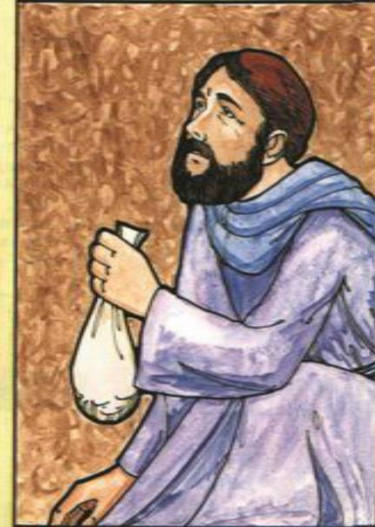
اعمال باب ۲
۴۲ آنان همیشه وقت خود را با شنیدن تعالیم رسولان و مشارکت برادرانه و پاره کردن نان و دعا می‌گذرانیدند

اولین معجزه در کلیسا



اعمال باب ۳
۸ او از جا پرید، روی پاهای خود ایستاد و براه افتاد و جست و خیز کتان و خدا را حمد گویان به اتفاق ایشان وارد معبد شد

برنابا پیش قدم در راه سخاوتمندی



اعمال باب ۴
۳۷ زمینی داشت، آن را فروخت و پولش را در اختیار رسولان گذاشت

کلیسای عهد جدید

لوقا در سال ۶۳ میلادی کتابی را در عهد جدید نوشت که اعمال رسولان نام دارد. در این کتاب ما میتوانیم تولد کلیسای اولیه را مطالعه کنیم. کلیسایی است که پایه آن را مسیح بنا نهاد و شاگردانش آن را شروع کردند.

اعمال رسولان ۲: ۱ تا ۴

۱ چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند ۲ که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. ۳ آنگاه، زبانه‌هایی

درس دهم - فصل اول

دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت.^۴ سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.

کلیسا به زبان یونانی یعنی اکلیستا یعنی گروهی که با هم یکجا جمع میشوند. پس کلیسا ساختمان نیست بلکه افرادی ایماندار هستند که یک جا جمع شده و خداوند را پرستش میکنند.

تعلیم شاگردان

متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰

۱۹ پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید^{۲۰} و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!

اعمال رسولان ۲: ۴۲

۴۲ آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند.

اکثر کلیساها بر این باورند که کلیسای اولیه در روز پنتیکاست آغاز شد اما بعضی از تعالیشان با کلام مغایرت دارد که یکی از موارد بسیار مهم آن تعمید در نام عیسی مسیح میباشد.

در متی ۲۸: ۱۹ مسیح راجع به اسم صحبت میکند. اسمی که در کلام میگوید تنها از طریق ایمان آوردن به این اسم (عیسی مسیح) نجات را دریافت میکنیم و فقط یک تعمید و یک خدا وجود دارد .

پس لقب ما را نجات نمیدهد بلکه این اسم خداوند است که به ما زندگی میبخشد و آن هم اسمی جز عیسی مسیح نیست.

۱۲ در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم.

۱) مشارکت با کلیسا

در اعمال رسولان میخوانیم، اولین کسانی که در روز پنتیکاست از گناهان خود توبه کردند و در نام عیسی مسیح تعمید گرفتند جمعیتشان در همان روز به ۳۰۰۰ نفر میرسید و کلیسا از آنجا آغاز شد و چون ساختمان بزرگی نداشتند به منزل یکدیگر میرفتند و به مشارکت میپرداختند. طبق کلام هر روزه به تعداد آنها اضافه میشد. مثل ما که امروز جمع شده ایم تا از کلام خداوند تغذیه شویم و ایمان داریم که مسیح نیز در میان ما میباشد.

پس طبق خواست خداوند، باید این خبر خوش را به گوش دیگران هم رسانید تا آنها هم به این جمع خانواده الهی اضافه شوند. کلام میگوید حقیقت شما را آزاد میکند. چطور؟ از شنیدن. شنیدن از چی؟ از کلام خداوند.

زیرا کلام خداوند، همان عیسی مسیح است و زمانیکه ما از کلام پر میشویم و او را چون جامه بر تن میکنیم یعنی آنچه در خداوند است در ما هم قرار میگیرد و به این طریق دیگر شریر اجازه ندارد و نمیتواند که مثل گذشته بر ما تسلط داشته باشد.

در اعمال رسولان میخوانیم که بعد از تشکیل کلیسا خداوند چه معجزاتی انجام داد که از طریق همین معجزه ها بسیاری ایمان آوردند.

(۲) اولین معجزه در کلیسا

اعمال رسولان ۳: ۱ تا ۱۱

روزی پطرس و یوحنا در نهمین ساعت روز که وقت دعا بود، به معبد می‌رفتند.^۲ در آن هنگام، تنی چند، مردی را که لنگ مادرزاد بود، می‌آوردند. آنها او را هر روز کنار آن دروازه معبد که 'دروازه زیبا' نام داشت می‌گذاشتند تا از مردمی که وارد معبد می‌شدند، صدقه بخواهد.^۳ چون او پطرس و یوحنا را دید که می‌خواهند به معبد درآیند، از آنان صدقه خواست.^۴ پطرس و یوحنا بر وی چشم دوختند؛ پطرس گفت: «به ما بنگر!»^۵ پس آن مرد بر ایشان نظر انداخت و منتظر بود چیزی به او بدهند.^۶ اما پطرس به وی گفت: «مرا زر و سیم نیست، اما آنچه دارم به تو می‌دهم! به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و راه برو!»^۷ سپس دست راست مرد را گرفت و او را برخیزانید. همان دم پاها و ساقهای او قوت گرفت^۸ و از جا جست و بر پاهای خود ایستاده، به راه افتاد. سپس جست و خیزکنان و خدا را حمدگویان، با ایشان وارد معبد شد.^۹ همه مردم او را در حال راه رفتن و حمد گفتن خدا دیدند،^{۱۰} و دریافتند همان است که پیش از آن برای گرفتن صدقه کنار 'دروازه زیبای' معبد می‌نشست؛ پس، از آنچه بر او گذشته بود، غرق در تعجب و حیرت شدند.^{۱۱} در همان حال که آن مرد همراه پطرس و یوحنا می‌رفت و از آنان جدا نمی‌شد، تمام جماعت حیرت‌زده در 'ایوان سلیمان' به سوی ایشان دویدند.

به دلیل معجزه‌ی خداوند که از طریق پطرس و یوحنا برای شفای مرد مفلوج انجام شد، در همان روز ۲۰۰۰ نفر به مسیح ایمان آوردند و بعد از آن هم خداوند هر روزه به تعداد ایمانداران اضافه می‌کرد.

افرادی که به مسیح ایمان می آوردند، دو دسته بودند:

(۱) افرادی که ندیده ایمان می آوردند.

(۲) افرادی که با دیدن کارهای بزرگ و دیدن معجزه یا رویا ایمان می آوردند.

و البته گروه دیگری هم بودند که اصلاً نمیخواستند ایمان بیاورند.

(۳) روحی که به کلیسا داده شده بود

اعمال رسولان ۴ : ۳۲ تا ۳۷

^{۳۲} همه ایمانداران را یک دل و یک جان بود و هیچ کس چیزی از اموالش را از آن خود نمی دانست، بلکه در همه چیز با هم شریک بودند. ^{۳۳} رسولان با نیرویی عظیم به رستاخیز خداوند عیسی شهادت می دادند و فیضی عظیم بر همگی ایشان بود. ^{۳۴} هیچ کس در میان آنها محتاج نبود، زیرا هر که زمین یا خانه‌ای داشت، می فروخت و وجه آن را ^{۳۵} پیش پای رسولان می گذاشت تا بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم شود. ^{۳۶} یوسف نیز که از قبیله لاوی و اهل قپرس بود و رسولان او را برنابا یعنی 'مشوق' لقب داده بودند، ^{۳۷} مزرعه‌ای را که داشت، فروخت و وجه آن را آورده، پیش پای رسولان گذاشت.

کلام میگوید هیچ کس محتاج نبود هر کس هر چه داشت میفروخت و به شاگردان عیسی میداد و آنها هم بر حسب نیاز، به مردم کمک میکردند. امروز هم اگر کلیساها یکصدا و با هم متحد میشدند، دیگر هیچ مشکلی وجود نداشت. زیرا اگر ما در اتحاد باشیم دشمن نمیتواند به ما حمله کند چون از قدرت ما آگاهی دارد ولی متأسفانه زمانه بسیاری از انسانها را عوض کرده و هر کس تنها به فکر خودش میباشد و اگر کسی را خدمت میکنند بخاطر خداوند نیست بلکه فقط بخاطر منافع خودشان است.

جفا در کلیسا

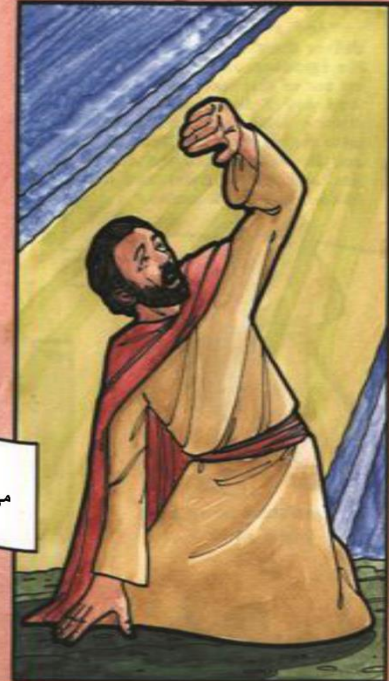


سنگسار استيفان
اعمال ۷: ۵۴-۶۰

اعمال باب ۷
۵۸ او را از شهر بیرون انداخته سنگسار نمودند. کسانی که بر علیه او شهادت داده بودند لبلساهای خود را کتندند و پیش پای جوانی به نام شانول گذاشتند

رای شانول به قتل استيفان
اعمال ۸: ۱
تلاش شانول برای ویرانی کلیسا
اعمال ۸: ۳

اعمال باب ۹
۴ او به زمین افتاد و صدانی شنید که می گفت: ای شانول، شانول، چرا بر من جفا می کنی؟



ایمان آوردن شانول
اعمال ۹: ۱-۳۱

آزار و اذیت کلیسا

(۱) انتخاب استيفان

در اعمال باب ۶ آمده که کلیسا به سرعت در حال رشد بود و مسئولیت شاگردان هم زیاد میشد. آنها به این موضوع پی بردند و ۷ نفر را برای کارهای امدادی انتخاب کردند که یکی از آنها استيفان بود.

الف) صلاحیتهای استيفان

اعمال رسولان ۶: ۸

^۸ استيفان پر از فیض و قدرت بود و معجزات و آیات عظیم در میان قوم به ظهور می آورد.

ب) محاکمه استیفان

اعمال رسولان ۶: ۱۰

۱۰ ولی در برابر حکمت و روحی که استیفان با آن سخن می‌گفت، یارای مقاومت نداشتند.

گروهی سعی کردند از طریق مکر و حيله بر استیفان مسلط شده، از شر او خلاص شوند. به همین دلیل افرادی را استخدام کردند تا علیه استیفان شهادت دروغ دهند تا بتوانند از این طریق او را محکوم کنند.

ج) موعظه و مرگ استیفان

اعمال رسولان ۶: ۱۲ و ۱۳

۱۲ آنها مردم و مشایخ و علمای دین را تحریک کردند و بر سر استیفان ریخته، او را گرفتند و به شورا بردند. ۱۳ چند شاهد دروغین نیز آوردند که می‌گفتند: این شخص دمی از سخن گفتن برضد این مکان مقدس و شریعت بازمی‌ایستد.

مردمی که بر علیه استیفان شهادت دروغ داده بودند، نتوانستند حرفهای او را عوض کنند. وقتی رهبران یهودی به استیفان نگاه میکردند صورتش مثل یک فرشته میدرخشید. او هم با شجاعتی که خداوند داده بود موعظه کرد که خداوند چطور با آنها در عهد عتیق مقابله نمود. او حقیقت را میگفت و آنها خودشان هم این را میدانستند. با وجود اینکه هیچ تناقضی در حرفهایش پیدا نکردند ولی نمیخواستند حقایق را بپذیرند. در نهایت استیفان اعلام کرد که شنوندگان به پسر خدا خیانت کرده، او را کشته اند. آنها هم با عصبانیت او را از شهر بیرون انداخته و به قتل رساندند. استیفان اولین مسیحی بود که به شهادت رسید و شاول هم نظاره گر سنگسار شدن او بود.

(۲) تبدیل شائول (پولس)

در آن زمان شائول یکی از افراد پر نفوذی بود که ایمانداران را دستگیر میکرد و به زندان می انداخت و یا آنها را میکشت ولی روزی که با خداوند ملاقاتی داشت خود را تسلیم مسیح کرد و یکی از ایمانداران بسیار قوی شد که با الهام از روح القدس دو سوم از عهد جدید را نوشت.

در اعمال رسولان باب ۹ توضیحات کاملی در مورد اینکه چگونه پولس خود را تسلیم خداوند کرد، داده شده است.

در آن زمان با اینکه تعداد ایمانداران کم بود ولی دلیرانه برای ایمان خود میجنگیدند و حتی جان خود را در این راه میدادند.

متأسفانه در این زمان ایمانداران حتی نمیخواهند به کلیسا بیایند چه رسد که خدمتی هم به عهده بگیرند. برخی دیگر هم، فقط در فکر کشیش شدن هستند و خدمت دیگری را نمیپذیرند. در حالیکه امروزه ما بسیار سریعتر از سابق میتوانیم کلام را به خانه های مردم برسانیم و در مدت کوتاهی نتیجه مطلوبی بگیریم اما دل بسیاری از انسانها مانند سنگ، چشمانشان کور و گوشهایشان کر شده است. حتی اگر مسیح به زمین بیاید و معجزات بسیاری انجام دهد، آن را قبول نمیکنند. به همین دلیل است که خداوند گفته: خوانده شدگان بسیارند ولی برگزیدگان اندک.

موعظه انجیل به امتهای توسط پطرس

اعمال باب ۱۰
۳ روزی نزدیک ساعت نهم فرشته خدا را در عالم رویا آشکارا دید که نزد او آمده گفت
"ای کرنیلیوس

اعمال باب ۱۰
۹ روز دیگر چون از سفر نزدیک به شهر می رسیدند، قریب به ساعت ششم پطرس به بام خانه برآمد تا دعا کند. ۱۰ و واقع شد که گرسنه شده خواست چیزی بخورد. اما چون برای او حاضر می کردند، بی خودی او را رخ نمودد

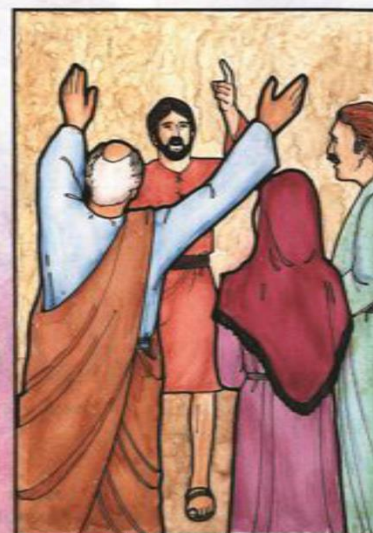
اعمال باب ۱۰
۳۴ پطرس زبان را گشوده گفت
"فی الحقیقت یافته ام که خدا را نظر به ظاهر نیست ۳۵ بلکه از هر امتی هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد



کرنیلیوس و فرشته



پطرس بالای بام



نزول روح القدس بر امتهای

موعظه انجیل به امتهای توسط پطرس

انجیل از اورشلیم، یهودیه و سامره شروع شده و تا دورترین نقاط زمین ادامه دارد.

در اعمال رسولان باب ۱۰ کار جدیدی در تاریخ کلیسا آغاز شد که قبلاً سابقه نداشت. اگر قبل از باب

۱۰ را مطالعه کنیم، میبینیم که شاگردان فقط به مردم یهود، انجیل را موعظه میکردند اما امروزه درهای

ایمان به روی ملتهای دیگر هم باز شده است.

۱) کرنیلیوس و فرشته

کرنیلیوس یک افسر رومی بود که نسبت به فقرا بسیار سخاوتمند و فردی خدا ترس بود که در دعا، همیشه وفادار بود. کرنیلیوس در رویا با فرشته خداوند ملاقاتی داشت که فرشته خداوند به او گفت به دنبال شخصی به نام پطرس برو، او را پیدا کن که برای تو بگوید چه کاری باید انجام دهی تا نجات را دریافت کنی. او هم چند تن از سربازان خود را به دنبال پطرس فرستاد. پطرس در منزلی در حال استراحت بود.

اعمال رسولان ۱۰: ۵ و ۶

۵ اکنون کسانی به یافا بفرست تا شمعون معروف به پطرس را بدین جا بیاورند. ۶ او نزد دباغی شمعون نام که کنار دریا منزل دارد، میهمان است.

اعمال رسولان ۱۱: ۱۳ و ۱۴

۱۳ او برای ما بازگفت که چگونه در خانه خود فرشته‌ای دیده که به او گفته است: "کسانی به یافا بفرست تا شمعون معروف به پطرس را به اینجا بیاورند. ۱۴ او برای تو پیامی خواهد آورد که به واسطه آن تو و تمامی اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت."

۲) پطرس بالای بام

در حالیکه پطرس روی پشت بام بود، دید که سفره‌ای از آسمان به پایین می آید و حیوانات زیادی روی آن سفره قرار دارند. خداوند به پطرس گفت: بلند شو، هر کدام را که می‌خواهی ذبح کن و بخور. پطرس چون یهودی بود به خاطر آداب و رسوم که داشتند هر حیوانی را بخاطر ناپاکی آنها نمیتوانست بخورد. اما خداوند میخواست پطرس را آماده خدمت به امت های دیگر کند که مردم یهود می پنداشتند آنها پاک نیستند. همان لحظه افرادی که کرنیلیوس برای یافتن پطرس فرستاده بود به آن منزل رسیدند

درس دهم - فصل سوم

و سراغ پطرس را گرفتند که صاحب آن مکان پطرس را صدا زد و در همان زمان آن سفره دوباره به بالا برده شد. در واقع این پیامی به پطرس بود که روح القدس فقط برای مردم یهود نیست بلکه برای تمام امت های دنیاست. او همان لحظه با فرستادگان کرنیلیوس همراه شد.

اعمال رسولان ۱۰: ۳۴ و ۳۵

^{۳۴} پطرس چنین سخن آغاز کرد: اکنون دریافتم که براستی خدا تبعیضی میان مردمان قائل نیست؛ ^{۳۵} بلکه از هر قوم، هر که از او بترسد و پارسایی را به عمل آورد، مقبول او می‌گردد.

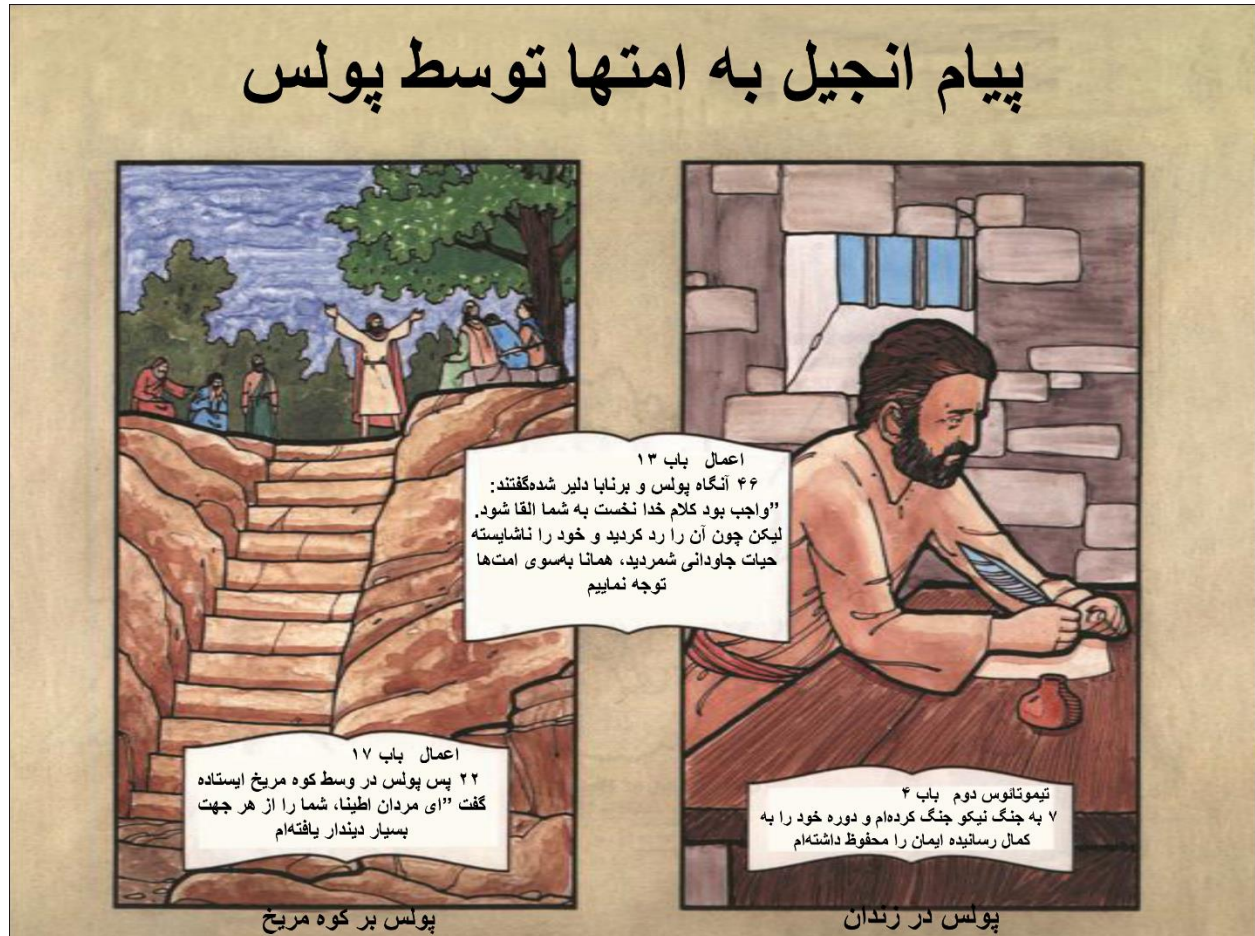
۳) ملت ها روح القدس را دریافت میکنند

وقتی که پطرس کلام را به کرنیلیوس و خانواده اش موعظه کرد، روح القدس بر تمام اهل خانواده ریخته شد و پطرس فرمان داد تا همه در نام عیسی مسیح تعمید بگیرند.

اعمال رسولان ۱۰: ۴۸

^{۴۸} پس دستور داد ایشان را در نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از پطرس خواستند چند روزی با ایشان بماند.

پیام انجیل به امته توسط پولس



موعظه انجیل به امته توسط پولس

پولس از طرف خداوند برای خدمت به امته انتخاب شده بود و خدمت او این بود که نام خداوند را به امته و پادشاهان و قوم بنی اسرائیل بشارت دهد.

اعمال رسولان ۹: ۱۵

۱۵ ولی خداوند به حنایا گفت: برو، زیرا که این مرد ظرف برگزیده من است تا نام مرا نزد غیریهودیان و پادشاهانشان و قوم اسرائیل ببرد.

۱) پولس بر کوه مریخ

پولس مانند شمعی بر روی میز نبود که فقط به اتاق نور بدهد بلکه او مانند خورشید بود که به همه روشنایی میداد. او در سه سفری که به شهرهای غیر یهود در روم داشت کلیساهایی را تاسیس کرد. در اعمال رسولان باب ۱۷، پولس در یکی از سفرهای خود به تسالونیکیان و بیریه رفته، کلام خداوند را در آنجا موعظه کرد و سپس راهی آتن شد.

زمانیکه پولس به شهر آتن وارد شد بت پرستان زیادی را دید و وحشت زده شد. شهر آتن مملو از معابد، بت ها، مجسمه ها و محراب شرک بود. مباحثات او با فیلسوفان آنجا باعث شد تا پولس را به مکان دیگری از آتن منتقل کنند که در آنجا بخاطر کارهایی که میکرد او را به زندان انداختند.

۲) پولس در زندان و نوشتن نامه به کلیساها

بخش مهمی از خدمت پولس نوشتن نامه های آموزشی به کلیساهای مختلف و فردی بود. این نامه ها را توسط الهام خداوند می نوشت که قسمتی از کتاب مقدس مقرر گردید.

پولس بعضی از این نامه ها را هنگامی که منتظر محاکمه خود بود نوشته است. او زمانیکه در زندان بود از این فرصت استفاده میکرد و کلام را به زندانبانان و همینطور افرادی که برای ملاقاتش می آمدند موعظه میکرد که از این طریق بسیاری نجات یافتند.

اکثر الهیدانان محافظه کار کتاب مقدس میگویند که پولس بعد از مدتی آزاد شد و چون به کارهای خود همچنان ادامه داد او را دوباره به زندان انداختند. سرانجام پولس پس از سالها ناامیدی در زندان محاکمه شد و او را محکوم به مرگ کردند.



درس دهم - فصل چهارم

حرف آخر او قبل از مرگش این بود:

دوم تیموتائوس ۴: ۷

۷ جنگِ نیکو را جنگیده‌ام، مسابقه را به پایان رسانده و ایمان را محفوظ داشته‌ام.

دست‌آورد مهم پولس تا لحظه مرگ ایمان، امید و پیروزی بود.

سوالات درس دهم

۱) کلیسا را تعریف کنید؟

کلیسا ساختمان نیست بلکه افرادی ایماندار هستند که یک جا جمع شده و عیسی مسیح خداوند را پرستش میکنند.

۲) اولین معجزه در کلیسا چه بود؟

شفای مرد مفلوج در جلوی دروازه معبد توسط پطرس و یوحنا.

۲) افرادی که به مسیح ایمان می آوردند چند دسته اند؟

دو دسته:

الف) افرادی که ندیده ایمان می آوردند.

ب) افرادی که با دیدن کارهای بزرگ و دیدن معجزه یا رویا ایمان می آوردند.

۳) اولین شهید کلیسا را نام ببرید؟

استیفان

۴) حرف آخر پولس قبل از مرگ چه بود؟

دوم تیموتائوس ۴: ۷

۷ جنگ نیکو را جنگیده‌ام، مسابقه را به پایان رسانده و ایمان را محفوظ داشته‌ام.



تخریب اورشلیم



تخریب اورشلیم

این درس راجع به نبوت‌های عهد عتیق است که در مورد آینده پیشگویی‌هایی شده بود. یکی از نبوت‌ها این بود که خداوند دوباره قوم خودش را به سرزمینی که به آنها داده بود برگرداند.

می‌بینیم که بعد از عروج مسیح به آسمان چطور ارتش روم، مردم اسرائیل را از اورشلیم بیرون می‌کنند و این شهر را با خاک یکسان می‌سازند. در نتیجه مردم اورشلیم آواره و سرگردان در تمام نقاط دنیا پخش شده و در همانجا شروع به زاد و ولد می‌کنند.

۴۱ پس چون به اورشلیم نزدیک شد و شهر را دید، بر آن گریست ۴۲ و گفت: کاش تو نیز در این روز تشخیص می دادی که چه چیز برای صلح و سلامت به ارمغان می آورد. اما افسوس که از چشمانت پنهان گشته است. ۴۳ زمانی فرا خواهد رسید که دشمنانت گرداگرد تو سنگر خواهند ساخت و از هر سو محاصرهات کرده، عرصه را بر تو تنگ خواهند نمود؛ ۴۴ و تو و فرزندانت را در درونت به خاک و خون خواهند کشید. و سنگ بر سنگ بر جا نخواهند گذاشت؛ زیرا از موعد آمدن خدا به یاریات غافل ماندی.

در واقع خداوند نسبت به چنین روزهایی به مردم هشدار میداده که این روز خواهد آمد و دشمن شما همه چیز را نابود خواهد کرد و شما را از سرزمین خود بیرون خواهد راند و دیگر سنگ بر روی سنگ قرار نخواهد گرفت.

۱) اورشلیم محور اصلی یهودیان

اورشلیم به سه دلیل مرکز اصلی فعالیت یهودیان بود. اول اینکه بزرگترین شهر اسرائیل بود. دوم اینکه تمام تجارتها و کارهای سرمایه گذاری در این شهر انجام میشد، از شرق و غرب، شمال و جنوب مردم برای خرید و فروش کالا به اورشلیم می آمدند. مورد سوم اینکه معبد خداوند هم در این شهر بود و اکثر مردم برای دعا از نقاط دور به اورشلیم می آمدند.

۲) مسیح برای اورشلیم گریه کرد

متی ۲۳ : ۳۷ تا ۳۸

۳۷ «ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای قاتل پیامبران و سنگسارکننده رسولانی که نزد تو فرستاده می شوند!

درس یازدهم - فصل اول

چند بار خواستم همچون مرغی که جوجه‌هایش را زیر بالهای خویش جمع می‌کند، فرزندان تو را گرد آورم، اما نخواستی! ^{۳۸} اینک خانه شما به خودتان ویران وا گذاشته می‌شود.

مردم اسرائیل قوم برگزیده خداوند بودند و بارها نسبت به خداوند بدی کرده، دنبال هوسهای خود میرفتند اما باز خداوند محبت خود را از آنها دریغ نمیکرد.

خداوند این قوم را چندین بار تادیب کرد تا شاید از راه خود برگشته و خدای خود را پرستش کنند ولی هیچ اثری در آنها نمیکرد تا اینکه بالاخره در گناه خود محکوم شدند.

۳) اورشلیم توسط ارتش تیتوس نابود شد

بعد از عروج عیسی، در سال ۷۰ میلادی مردم یهود علیه قانون روم قیام کردند. ارتش روم مردم اورشلیم را از شهر خود بیرون کرده، آنجا را با خاک یکسان ساخت و همانطور که مسیح گفته بود حتی سنگ روی سنگی دیگر قرار نداشت.

این قضاوت خداوند برای مردم یهود بود به دلیل گناهای که مرتکب شده بودند. رومیها میخواستند هم دین یهود و هم نسل آنها را از بین ببرند.

بازگشت یهودیان به فلسطین

اشعیا باب ۱۱
۱۲ و به جهت امتها علمی
برافراشته رانده شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد،
و پراکندهگان یهود را از چهار طرف جهان فراهم
خواهد آورد

اشعیا باب ۴۳
۵ مترس زیرا که من با تو هستم و ذریت تو را
از مشرق خواهم آورد و تو را از مغرب جمع
خواهم نمود. ۶ به شمال خواهم گفت که "بدو
به جنوب که ممانعت مکن پسران مرا از جای دور
و دخترانم را از کرانه های زمین بیاور

ارمیا باب ۲۹
۱۴ و خداوند می گوید که مرا خواهید یافت و
اسیران شما را بلز خواهم آورد. و خداوند
می گوید که شما را از جمیع امتها و از همه
مکان هایی که شما را در آنها رانده ام جمع خواهم
نمود و شما را از جایی که به اسیری فرستاده ام
بلز خواهم آورد

اسرائیل به عنوان یک ملت شناخته می شود
۱۵ / ماه می / ۱۹۴۸

بازگشت یهودیان به فلسطین

در کلام خداوند بارها آمده که مردم یهود به سرزمین تخریب شده خود باز خواهند گشت.

اشعیا ۴۳: ۵ و ۶

۵ مترس، زیرا من با تو هستم؛ فرزندان را از مشرق خواهم آورد، و تو را از مغرب جمع خواهم کرد. ۶ به شمال خواهم گفت: "رهایشان کن"، و به جنوب که: "نگاهشان مدار". پسرانم را از دوردستها بیاورید، و دخترانم را از چهار گوشه زمین.

۱۲ آری، او برای قومها علمی بر خواهد افراشت و رانده شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندهگان یهود را از چهار گوشه جهان جمع خواهد کرد.

با مطالعه تاریخ متوجه میشویم که کشور اسرائیل در ۱۵ می ۱۹۴۸ به عنوان یک کشور مستقل شناخته شد و اگر به نقشه دنیا نگاه کنید کشور کوچکی به نام اسرائیل وجود دارد که توسط کشورهای عربی محاصره شده است ولی هیچکدام حق حمله به این کشور را ندارند زیرا خداوند از قوم خودش محافظت میکند. اگر کمی به عقب برگردیم می بینیم که در سال ۱۸۸۲ فقط تعداد ۲۴۰۷ نفر یهودی در فلسطین وجود داشت و در سال ۱۹۱۴ تعداد ۸۵ هزار نفر، در سال ۱۹۴۸ اسرائیل به عنوان یک کشور مستقل شناخته شد و جمعیت آن به ۶۵۰ هزار نفر رسید و امروزه نیز شاهد هستیم که جمعیت اسرائیل به بیش از ۸ میلیون نفر رسیده است که این نشان میدهد، خداوند طبق وعده اش مردم یهود را دوباره به سرزمین خودشان باز گردانیده است هر چند هنوز تعداد بسیار زیادی از آنها در تمام نقاط دنیا مثل امریکا، اروپا و جاهای دیگر پراکنده هستند.

وقتی به زندگی آنها نگاه میکنیم، متوجه میشویم که هوای یکدیگر را دارند و نمیگذارند حتی یکی از خودشان در فقر زندگی کند و در کارهایشان همیشه موفق هستند، زیرا که همیشه خدا با آنهاست.

این وعده خداوند به ابراهیم بود که به او گفت: من نسل تو را بیشتر از ستارگان آسمان خواهم کرد و آنها را برکت خواهم داد.

نشانه‌های زمان آخر



علائم آخر زمان

متی ۲۴ در خصوص آخر زمان صحبت میکند. عیسی مسیح روزی در کوه زیتون به شاگردان خود توضیح داد که چطور اورشلیم به دست دشمن نابود خواهد شد. شاگردان از او پرسیدند که این اتفاق چه زمانی خواهد بود و نشانه آمدن خداوند در آخر زمان چیست؟

عیسی قبل از اینکه چندین مورد از پیشامدهای عمده در روزهای آخر را برای شاگردان بازگو کند به آنها هشدار داده گفت:

۴ عیسی پاسخ داد: «به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند. ۵ زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت، "من مسیح هستم"، و بسیاری را گمراه خواهند کرد.

امروزه هم ما میدانیم صدها نوع مذهب متفاوت وجود دارد که از هر طریقی (رادیو و تلویزیون) مردم را فریب میدهند و فردی که دانش اساسی در مورد کلام خداوند نداشته باشد به راحتی گمراه خواهد شد. پس متوجه باشید که کسی شما را فریب ندهد. مسیح گفت حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. حقیقت از شنیدن می آید و شنیدن از کلام خداوند. اگر کلام خداوند را به خوبی یاد بگیریم از فریبهای شیطان در امان خواهیم بود. همچنین وقایعی باید رخ دهد ولی هنوز پایان نیافته است.

۶ همچنین درباره جنگها خواهید شنید و خبر جنگها به گوشتان خواهد رسید. اما مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرانسیده.

در قرن بیستم، جهان شاهد دو جنگ بزرگ و بی سابقه در تاریخ بشریت بوده است. امروزه هم جنگهای بسیاری بین کشورهای مختلف شروع شده و بسیار امکان پذیر است که هر لحظه جنگ دیگری رخ دهد که تمام کشورهای دنیا در آن حضور داشته باشند.

به خاطر ازدحام جمعیت در دنیا که به بیش از ۷ میلیارد نفر رسیده تغذیه جمعیت دشوار گردیده و همچنین رکود و خشکسالی در مناطق بسیاری از دنیا به ثبت رسیده است. این در حالی است که برخی از اراضی خشک با سیل ویران شده اند و در بسیاری دیگر از مناطق جهان خشکسالی بوجود آمده است که به دلیل همین قحطی ها بیماریهای بسیاری بوجود آمده که باعث کشته شدن میلیونها نفر گردیده است.

زمین لرزه در نقاط مختلف

تعداد زمین لرزه‌ها بیشتر و شدیدتر شده و بسیاری از زمین شناسان و زلزله نگاران برجسته در دنیا ادعا میکنند که حتی در روزهای آینده زمین لرزه‌های شدیدتری هم در پیش رو میباشد.

خوردن و آشامیدن

متی ۲۴: ۳۸ و ۳۹

۳۸ در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید، مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند ۳۹ و نمی‌دانستند چه در پیش است. تا اینکه توفان آمد و همه را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود.

یکی دیگر از این پدیده‌های آخر زمان این است که مردم بیشتر به نفس خود گرایش دارند تا چیزهای دیگر، یعنی مردم با برآورده کردن خواسته‌های جسمی بیش از هر چیز دیگری مشغول هستند.

عروسی کردن و عروس دادن

آیا میدانستید که در آمریکا میزان طلاق حدود ۵۰٪ است؟ یعنی از هر دو ازدواج یکی به طلاق منجر میشود و این فقط در آمریکا نیست بلکه در تمام نقاط دنیا با درصدهای متفاوت نسبت به جمعیت پیش بینی شده است.

دو علامت آخر مربوط به جمعیتی است که به دنبال زندگی عادی خود خواهند بود و فکر میکنند هیچ اتفاقی نمی‌افتد و همه چیز طبق روال گذشته پیش خواهد رفت. آنها نمیدانند که آمدن عیسی مسیح مانند زمان نوح خواهد بود!

بسیاری افراد این آمادگی را نخواهند داشت و متأسفانه بر روی زمین یعنی تاریکی مطلق خواهند ماند.



درس یازدهم - فصل سوم

پولس هم در خصوص شرایط روزهای آخر به تیموتی نوشت و به او چند نشانه داد:

دوم تیموتائوس ۳: ۲ تا ۵

۲ مردمان خودپرست، پولدوست، لاف‌زن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک،^۳ بی‌عاطفه، بی‌گذشت، غیبت‌گو، بی‌بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی،^۴ خیانتکار، بی‌مبالات و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت^۵ و هر چند صورتِ ظاهرِ دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری گزین.

عیسی مسیح برای کلیسای خود می آید



عیسی برای کلیسای خود می آید

پولس رسول نامه ای به کلیسای تسالونیکیان نوشت و به آنها این قول را داد در این امید که مسیح برای عروس خود می آید و سایرین باقی میمانند.

در واقع در خصوص بالا بردن کلیسای خداوند توضیح میدهد.

چند نکته را که در این خصوص در کتاب تسالونیکیان آمده است مرور کنیم.

۱۳ ای برادران، نمی‌خواهیم از حال خفتگان بی‌خبر باشید، مبدا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید. ۱۴ زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته‌اند، با وی باز خواهد آورد. ۱۵ این را به واسطه کلام خودِ خداوند به شما می‌گوییم: کسانی از ما که هنوز زنده‌اند و تا آمدن خداوند باقی می‌مانند، به یقین از خفتگان پیشی نخواهند گرفت. ۱۶ زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست. ۱۷ پس از آن، ما که هنوز زنده و باقی مانده‌ایم، با آنها در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بدین‌گونه همیشه با خداوند خواهیم بود. ۱۸ پس بدین سخنان، یکدیگر را دلداری دهید.

متی ۲۴: ۴۰ تا ۴۲

۴۰ از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۱ و از دو زن که با هم دستاس می‌کنند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۲ پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید سرور شما چه روزی خواهد آمد.

مسیح در این آیه‌ها به ما اخطار میدهد: زمانی که خواهد آمد، بسیار خطرناک است و اگر ما آماده نباشیم بین آنهایی که آماده هستند و کسانی که این آمادگی را ندارند جدایی خواهد افتاد.

سوالات درس یازدهم

۱) چرا اورشلیم محور اصلی یهودیان بود؟

اورشلیم به سه دلیل مرکز اصلی فعالیت یهودیان بود. اول اینکه بزرگترین شهر اسرائیل بود. دوم اینکه تمام تجارتها و کارهای سرمایه گذاری در این شهر انجام میشد، از شرق و غرب، شمال و جنوب مردم برای خرید و فروش کالا به اورشلیم می آمدند. مورد سوم اینکه معبد خداوند هم در این شهر بود و اکثر مردم برای دعا از نقاط دور به اورشلیم می آمدند.

۲) بعد از عروج عیسی، در سال ۷۰ میلادی اورشلیم توسط نابود شد.

ارتش تیتوس.

۳) کشور اسرائیل در چه تاریخی به عنوان یک کشور مستقل شناخته شد؟

در ۱۵ می ۱۹۴۸

۴) پولس در خصوص شرایط روزهای آخر چه نشانه هایی به تیموتی داد؟

دوم تیموتائوس ۳: ۲ تا ۵

۲ مردمان خودپرست، پولدوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک،^۳ بی عاطفه، بی گذشت، غیبت گو، بی بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی،^۴ خیانتکار، بی مبالا و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت^۵ و هر چند صورت ظاهر دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری گزین.



رنج و عذاب



هفت مهر
مکاشفه باب ۶ & ۸: ۱



هفت فرشته با شیپور
مکاشفه باب ۶ & ۹



هفت فرشته با پیاله
مکاشفه باب ۱۶



تگرگ
زلزله

۴۴۵ قبل از میلاد
اسارت بابل



جنگ

۶۹ هفته دانیال
۶۲ هفته (۴۳۴ سال)
به مصلوب شدن مسیح



قحطی

عصر کلیسا
دانیال عصر
کلیسا را
نمی بیند



مرگ و
میر

۳ هفته هفتادم دانیال
۷ سال مصیبت عظیم



مرض

مصیبت بزرگ

(۱) مصیبت (خشم خداوند در روزهای آخر)

یک روز مصیبتی بزرگ، این دنیا را فرا خواهد گرفت و برای اینکه ما شاهد چنین روزی نباشیم خداوند راهی را برای ما مهیا کرده که نجات نام دارد. برای قرار گرفتن در این مسیر باید به گناهان خود اعتراف کرده، توبه کنیم و در نام عیسی مسیح تعمید بگیریم، پس از روح خدا پر شویم تا بتوانیم از این مصیبت رها شده، همراه مسیح به بالا برده شویم.

تمام مصیبت هایی که در کتاب مقدس ذکر شده، بر سر آنهايي خواهد آمد که نجات را ندارند.

درس دوازدهم - فصل اول

طبق کلام این مصیبت بزرگ، مدت ۷ سال طول خواهد کشید و شامل ۷ مصیبت میباشد که خداوند آنها را مهر کرده و هیچکس به غیر از خود خداوند (عیسی مسیح) نمیتواند آنها را باز کند. راجع به این موضوع میتوانیم به کتاب مکاشفه باب های ۶ و ۸ مراجعه کنیم، چرا که اگر من بخواهم توضیح دهم کل ساعت این کلاس طول میکشد ولی مختصری را بیان خواهم کرد.

عبرانیان ۱۰: ۳۱

آری افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.

مکاشفه ۸: ۶ و ۷

۶ آنگاه آن هفت فرشته که آن هفت شیپور را داشتند، آهنگ نواختن آنها کردند. ۷ فرشته اول شیپورش را به صدا درآورد، و تگرگ و آتش آمیخته با خون بود که ناگهان بر زمین بارید و یک سوم زمین سوخت و یک سوم درختان سوختند و همه سبزه‌ها سوختند.

البته این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که کلیسا یعنی من و شما به بالا برده شده و شیرین کار خودش را روی زمین آغاز میکند.

(۲) احکام مصیبت

در طی ۷ سال مصیبت، انسانهای بد (شریر) فاجعه‌های مختلف را روی زمین بار می‌آورند. خدا میخواهد داوری شدیدی بر روی زمین بریزد. این وقایع ویرانگر، توسط مهرها، شیپورها و ظرفهای زهر آگین معرفی میشوند.

همانطور که اشاره شد تمام این مطالب در کتاب مکاشفه بابهای ۶، ۸، ۹، ۱۵ و ۱۶ میباشد.

الف) مهرها (مکاشفه بابهای ۶ و ۸)

هفت مهر، وقایع زیر را شرح میدهند:

۱) یک رهبر شیطانی که معمولاً ضد مسیح (دجال) خوانده میشود جهان را به نفع خود به پیروزی میرساند.

مهر اول در مکاشفه ۶: ۲

۲) همین که نظر کردم اسبی سفید پیش رویم پدیدار شد. آن که بر آن اسب سوار بود، کمانی در دست داشت؛ به او تاجی داده شد و او پیروزمندانه به پیش تاخت تا ظفر بیابد.

۲) جنگ بسیار وحشتناکی آغاز خواهد شد.

مهر دوم در مکاشفه ۶: ۴

۴) و اسبی دیگر بیرون آمد که به سرخی آتش بود، و به آن که بر آن اسب سوار بود قدرت داده شد تا صلح از روی زمین برگیرد و آدمیان را به کشتار یکدیگر برگمارد. و به او شمشیری بزرگ داده شد.

۳) قحطی عظیم و گرسنگی در دنیا شیوع خواهد یافت.

مهر سوم در مکاشفه ۶: ۵

۵) و هنگامی که سومین مهر را گشود، شنیدم که سومین موجود زنده گفت: «پیش آی!» همین که نظر کردم، اسبی سیاه پیش رویم پدیدار شد و آن که بر آن اسب سوار بود ترازویی در دست داشت.

درس دوازدهم - فصل اول

(۴) یک چهارم جمعیت جهان خواهند مرد.

مهر چهارم در مکاشفه ۸:۶

^۸ همین که نظر کردم، اسبی پریده‌رنگ پیش رویم پدیدار شد و آن که بر آن اسب سوار بود مرگ نام داشت و جهانِ مردگان از پی او می‌آمد. و به آنها بر یک‌ربع زمین قدرت داده شد تا بکشند با شمشیر و قحطی و بیماری مهلک و وحوش روی زمین.

(۵) به افرادی که به خدا ایمان دارند آزار و اذیت زیادی وارد خواهد شد.

مهر پنجم در مکاشفه ۹:۶

^۹ و هنگامی که مهر پنجم را گشود، زیر مذبح، نفوس کسانی را دیدم که در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند، کشته شده بودند.

(۶) زمین لرزه‌های وحشتناکی موقعیت زمین را مختل خواهند کرد. ماه به خون تبدیل میشود و مردم از ترس به کوهها پناه میبرند.

مهر ششم در مکاشفه ۱۲:۶

^{۱۲} و هنگامی که ششمین مهر را گشود، من ناظر بودم که ناگاه زمین لرزه‌ای عظیم روی داد و خورشید سیاه شد، چون پلاستین جامه‌ای پشمین؛ و ماه، یکپارچه به رنگِ خون گشت.

(۷) خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع خواهد شد.

مهر هفتم در مکاشفه ۱:۸

^۱ هنگامی که بره هفتمین مهر را گشود، حدود نیم‌ساعت سکوت بر آسمان حکمفرما شد.

ب) شیپورها (مکاشفه بابهای ۸ و ۹)

هفت شیپور، جاری شدن بلاهای زمان آخر را اعلام میکنند و این اتفاقات شدیدتر از بلاهایی هستند که بعد از گشوده شدن مهرها جاری شدند، اما در واقع به شدت بلاهایی هم نیستند که در زمان فرو ریخته شدن پیاله های داوری خدا نازل میشوند.

۱) تگرگ و آتش آمیخته با خون بر زمین خواهد بارید و بیش از یک سوم زمین را خواهد سوزاند.

۲) شهاب سنگی عظیم به دریا افکنده میشود که در اثر آن یک سوم کشتی ها از بین میروند، یک سوم ماهیها خواهند مرد و یک سوم دریاها خون میشود.

۳) ستاره ای عظیم از آسمان فرود می آید و بر یک سوم نهرها و چشمه ها می افتد که یک سوم آب آشامیدنی را مسموم میکند و افراد زیادی به همین دلیل خواهند مرد.

۴) یک سوم ستارگان آسیب میبینند و تاریکی بزرگی بر فراز زمین قرار خواهد گرفت.

۵) ملخ ها مانند عقرب انسانها را خواهند گزید ولی مردم نمی میرند بلکه فقط عذاب خواهند کشید و آرزوی مرگ خواهند کرد، انسانهای شریر زمین بمدت پنج ماه آماج حملات این ملخ ها خواهند بود.

۶) یک ارتش دویست میلیون نفری یک سوم جمعیت را از بین خواهند برد.

۷) هفت پیاله غضب الهی (یعنی خشم عادلانه، داوری و مجازات گناه) درست قبل از بازگشت مسیح به دنیا و استقرار پادشاهی او بر زمین خواهد بود.

ج) هفت پیاله خشم خدا

نمایانگر داوری نهایی یا خشم خداوند برای مجازات است.



درس دوازدهم - فصل اول

- ۱) کسانی که علامت شریر را دارند در روزهای آخر، خداوند خشم خود را بر آنها خواهد ریخت و زخمهای زشت و دردناک بر پیکر آنها پدیدار میشود.
- ۲) در اقیانوسها هر جاننداری، خواهد مرد.
- ۳) آب آشامیدنی تبدیل به خون خواهد شد.
- ۴) حرارت خورشید بیش از حد شده و مردم را خواهد سوزاند.
- ۵) زمین به تاریکی مبدل شده و درد بزرگی به مردم وارد خواهد شد.
- ۶) رود فرات خشک میشود تا لشکرهای شرق به جنگ نهایی وارد شوند.
- ۷) زلزله ای عظیم و تگرگ شدیدی خواهد آمد و کل شهرها را نابود خواهد کرد.



حکومت ضد مسیح

(۱) دجال

دوم تسالونیکیان ۲: ۳ تا ۱۰

۳ مگذارید هیچ کس به هیچ طریقی شما را فریب دهد. زیرا تا نخست آن عصیان واقع نشود و آن مرد بی دین که فرزندِ هلاکت است به ظهور نرسد، آن روز فرا نخواهد رسید. ۴ او با هر آنچه خدا خوانده می شود و مورد پرستش قرار می گیرد، مخالفت می ورزد و خود را بالاتر قرار می دهد، تا آنجا که در معبد خدا جلوس می کند و خود را خدا معرفی می نماید. ۵ آیا به یاد ندارید هنگامی که با شما بودم

اینها را به شما می‌گفتم؟^۶ شما می‌دانید که اکنون چه چیزی مانع است و سبب می‌شود که او تنها در زمان مناسب خود ظهور کند.^۷ زیرا سرّ بی‌دینی هم اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود.^۸ آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد، که خداوند عیسی با نفس دهان خود او را هلاک خواهد کرد و با درخشندگی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت.^۹ ظهور آن بی‌دین به نیروی شیطان و همراه با همه گونه معجزات و آیات و عجایب گمراه کننده خواهد بود،^{۱۰} و نیز همراه با همه گونه شرارت که راهیان طریق هلاکت را فریفته می‌سازد. ایشان از آن رو هلاک می‌شوند که نخواستند حقیقت را دوست بدارند تا نجات یابند.

این شخص را رهبر شریران معرفی میکند و او را مرد گناه و پسر هلاکت مینامد و او نازل خواهد شد.

او با خدا مخالفت خواهد کرد. (آیه ۴)

او خود را بالاتر از خدا میداند. (آیه ۴)

او در معبد خواهد نشست و خود را به عنوان خدا معرفی خواهد کرد. (آیه ۴)

او توسط عیسی مسیح در جنگ نهایی نابود خواهد شد. (آیه ۸)

مکاشفه ۱۳ شیطان را بعنوان یک جانور معرفی میکند که از دریا بیرون می‌آید و در زمان سلطنتش بر روی زمین یک دولت تشکیل میدهد که تمام دنیا را تحت کنترل خود میگیرد.

در آن دوران مردم او را پرستش میکنند و شیطان به مدت هفت سال سلطنت خواهد کرد که البته سه سال و نیم آخر آن، زمان بسیار وحشتناکی خواهد بود.

او به خداوند کفر میگوید و به تمام کسانی که در ملکوت خداوند هستند توهین میکند.

شیطان بر علیه تمام کسانی که طرفدار خداوند هستند جنگی را آغاز میکند.



درس دوازدهم - فصل دوم

او همه را وادار به داشتن علامت خود که شماره ۶۶۶ مییاشد خواهد کرد تا آنها برای ادامه زندگی روی زمین بردستها و پیشانی خود بزنند.

(۲) پیامبر دروغین (دولت دینی)

مکاشفه باب ۱۳ یک رهبر مذهبی در زمان مصیبت را توصیف میکند که با شیطان همکاری خواهد کرد. او به شیطان برای رسیدن به برتری جهانی کمک خواهد نمود.

مبارزه نهایی میان نیکی و بدی



جنگ آرماگدون

دره جزریل منطقه ای در غرب رود اردن و شرق دریای مدیترانه است که جنگ آرماگدون در این منطقه انجام خواهد گرفت.

گفته شده که در این جنگ، حمام خونی راه خواهد افتاد که دنیا تا بحال به خود ندیده است.

(۱) ۱۴۴۰۰۰ مهر شده

شریر همراه با پیامبر دروغین به مدت سه سال و نیم با یک دست آهنین بر جهان حکومت خواهد کرد.

او کنترل خود را در زندگی سیاسی، مذهبی و اقتصادی جهان گسترش خواهد داد. خداوند در این زمان حدود ۱۴۴۰۰۰ نفر از یهودیانی که نجات یافته بودند را حفظ خواهد کرد و این تعداد از یهودیان را که از دست شریر در امان نبودند، تحویل خواهد گرفت.

۲) آماده سازی برای آرماگدون

یهودیان خاری در گوشت این رهبر جهان خواهند بود.

شریر قادر خواهد بود که زندگی ملت‌های دیگر را به غیر از یهودیان نابود کند.

شیطان تصمیم خواهد گرفت که مردم یهود را از بین ببرد و برای همین کار، ارتش خود را از تمام نقاط دنیا جمع آوری خواهد کرد تا هدفش را به پایان برساند ولی قبل از انجام این کار، خداوند با ارتش آسمانی مداخله میکند.

مکاشفه ۱۹: ۱۹

۱۹ آنگاه آن وحش را دیدم، و آن شاهان زمین را دیدم، و سپاهیان آنان را دیدم، که گرد آمده بودند تا با آن سوار و سپاه او بجنگند.

مکاشفه ۱۶: ۱۳، ۱۴ و ۱۶

۱۳ آنگاه دیدم سه روح خبیث در هیئت وزغ از دهان اژدها و از دهان آن وحش و از دهان نبی کذاب بیرون آمدند. ۱۴ اینان ارواح دیوهایند که آیات به ظهور می آورند و نزد شاهان سرتاسر جهان می روند تا آنان را برای نبردِ روزِ عظیمِ خدایِ قادرِ مطلقِ گرد هم آورند.

۱۶ آنگاه آن سه روح پلید شاهان زمین را در جایی که به زبان عبرانیان 'حارمگدون' خوانده می شود، گرد هم آوردند.

۳) آرماگدون پایان آخرت است

این نبرد پایان مصیبت و حمله نهایی دجال علیه خدا و قوم او خواهد بود.

جام غضب خدا در این زمان پر شده و شخصاً شریر را نابود کرده، به قدرتش بر روی زمین پایان میدهد و بعد از این مسیح سلطنت ۱۰۰۰ ساله خود را بر روی زمین مستقر خواهد کرد.

۴) خدای خدایان و پادشاه پادشاهان

عیسی مسیح همراه با کلیسای خود برای نابودی سلطنت دجال و از بین بردن سیستم او در دنیا خواهد آمد.

مکاشفه ۱۹: ۱۱، ۱۴ و ۱۶

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده است و پیش رویم، هان اسبی است سفید، با سواری که امین و برحق می‌نامندش. او به عدل حکم می‌کند و می‌جنگد.

۱۴ سپاهیان آسمان از پی او می‌آمدند، سوار بر اسبان سفید، و در جامه‌های کتانِ نفیس و سفید و پاکیزه.

۱۶ و بر ردا و ران او نامی نوشته شده است: 'شاه شاهان و رب ارباب.'

۵) داوری دجال و پیامبر دروغین

مکاشفه ۱۹: ۲۰

۲۰ اما آن وحش گرفتار شد و با او آن نبی کذاب که به نام او آیات به ظهور می‌آورد و با آیات خود کسانی را فریفته بود که علامت آن وحش را پذیرفته بودند و تمثال او را می‌پرستیدند. آنان هر دو، زنده به دریاچه آتش و گوگردِ مشتعل افکنده شدند.

بازگشت مسیح و هزاره



بازگشت مسیح و هزار سال سلطنت

(۱) کوه زیتون

بعد از اینکه عیسی مسیح با ارتش خود می آید و در جنگ نهایی دجال را همراه با پیروانش از بین میبرد، مسیح خداوند بر روی کوه زیتون می ایستد و پادشاهی خود را به مدت ۱۰۰۰ سال بر روی زمین برقرار میکند و در آن روز خداوند یکی و نامش هم یکی خواهد بود.

زکریا ۱۴: ۹

و خداوند بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز خداوند یکی و نامش نیز یکی خواهد بود.



درس دوازدهم - فصل چهارم

الف) او بر روی زمین ۱۰۰۰ سال پادشاهی خواهد کرد.

مکاشفه ۲۰ : ۶

۶ خجسته بمانند و مقدّس همه آنان که در رستاخیز اوّل شرکت دارند. مرگّ دوّم بر آنان هیچ قدرت

ندارد بلکه در سلک کاهنان خدا و مسیح خواهند ماند و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

ب) ایمانداران همراه با مسیح ۱۰۰۰ سال بر زمین سلطنت خواهند نمود.

ج) مرکز دنیا اورشلیم خواهد بود.

د) شیطان در این مدت ۱۰۰۰ سال در زندان خواهد بود.

تخت بزرگ و سفید قضاوت



مکاشفه باب ۲۰
۱۲ و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که
پیش تخت ایستاده بودند؛ و دفترها را
گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که
دفتر حیات است و بر مردگان داوری شد،
بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها
مکتوب است

مکاشفه باب ۲۰
۱۵ و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت
نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید

روز داوری

پس از ۱۰۰۰ سال پادشاهی مسیح بر روی زمین، خداوند داوری تمام مردم دنیا را آغاز خواهد کرد.

این داوری برای همه مردگان از آغاز وجود انسان بر روی زمین خواهد بود.

تنها کسانی رستگار خواهند بود و نیاز به قضاوت نخواهند داشت (چه مرده و چه زنده) که برای دیدار با خداوند برخاسته اند.

۱۱ آنگاه تخت بزرگ و سفیدی دیدم، و کسی را که بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او می‌گریختند و جایی برای آنها نبود. ۱۲ و مردگان را دیدم، چه خُرد و چه بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شد. دفتری دیگر نیز گشوده شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند.

(۱) عرش (تخت قضاوت)

یوحنا یک تاج و تخت بزرگ و چشمگیری را دید.

(۲) قاضی

عیسی مسیح بر تخت قضاوت (سلطنت) خواهد نشست.

(۳) داوری

۱۳ دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهانِ مردگان نیز مردگان خود را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد.

(۴) مدارک

الف) کتاب مقدس که نقشه خدا را برای بشریت نشان میدهد.

ب) کتاب تاریخ ثبت شده زندگی و اعمال هر شخصی است.

ج) کتاب زندگی (دفتر حیات) که نام تمام عادلان در هر سنی در آن میباشد.



درس دوازدهم - فصل پنجم

۵) شاهدان

مقدسین کلیسا با عیسی حضور خواهند داشت.

۶) حکم

مکاشفه ۲۰: ۱۵

۱۵ و هر که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود به دریاچه آتش افکنده شد.

زمان به پایان می‌رسد --- و بعد زندگی جاوید، ابدیت

یوحنا باب ۱۴
۲ در خانه پدر من منزل بسیار است و الا به شما می‌گفتم می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم ۳ و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید

اورشلیم جدید
مکاشفه باب ۲۰

مکاشفه باب ۲۲
۲۰ او که بر این امور شاهد است می‌گوید: بلی‌به زودی می‌آیم آمین بیا، ای خداوند عیسی ۲۱ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین

آسمان و زمین نابود می‌شوند
دوم پطرس ۳: ۱۰

آسمان و زمین جدید
دوم پطرس ۳: ۱۰
مکاشفه ۲۱: ۱

پایان زمان و آغاز ابدیت

زمان پس از قضاوت به تفصیل شرح داده نمیشود اما کتاب مقدس بینش‌هایی را به ما ارائه می‌دهد که بسیار جالب هستند.

(۱) نابودی زمین

دوم پطرس ۳: ۱۰

۱۰ اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمانها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همه کارهایش عیان خواهد شد.



درس دوازدهم - فصل ششم

۲) بهشت جدید و زمین جدید (اورشلیم جدید)

مکاشفه ۲: ۲۱

۲ و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان از نزد خدا پایین می آمد، آماده شده همچون عروسی که برای شوهر خود آراسته شده باشد.

یوحنا ۱۴: ۲ و ۳

۲ در خانه پدر من منزل بسیار است، و گرنه به شما می گفتم. می روم تا مکانی برای شما آماده کنم. ۳ و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم، باز می آیم و شما را نزد خود می برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید.

سوالات درس دوازدهم

۱) طبق کلام مصیبت بزرگ، چه مدت طول خواهد کشید؟

۷ سال

۲) احکام مصیبت بزرگ را نام ببرید؟

الف) هفت مهر

ب) هفت شیپور

ج) هفت پیاله خشم خدا

۳) شریر همه را وادار به داشتن علامت خود که مییابد خواهد کرد تا آنرا برای ادامه زندگی روی زمین بردستها و پیشانی خود بزنند.

شماره ۶۶۶

۴) طبق کلام جنگ آرماگدون در کدام منطقه انجام خواهد شد؟

در دره جزریل منطقه ای در غرب رود اردن و شرق دریای مدیترانه.

۵) در کدام آیه به سلطنت هزار ساله عیسی مسیح اشاره شده است؟

مکاشفه ۲۰ : ۶

۶ خجسته بمانند و مقدس همه آنان که در رستاخیز اول شرکت دارند. مرگ دوم بر آنان هیچ قدرت ندارد بلکه در سلک کاهنان خدا و مسیح خواهند ماند و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.